

کیمهان ۵۱۴

KAYHAN: LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۹ تا پنجشنبه ۱۵ خرداد ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و یکم - شماره ۱۶۸۰



اعتصاب!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند

تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند

تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

سال چهل و یکم

کیهان شماره ۱۹۸۰ (۵۱۴)

۹ تا ۱۵ خرداد ۱۴۰۴

۳۰ مه تا ۵ ژوئن ۲۰۲۵

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

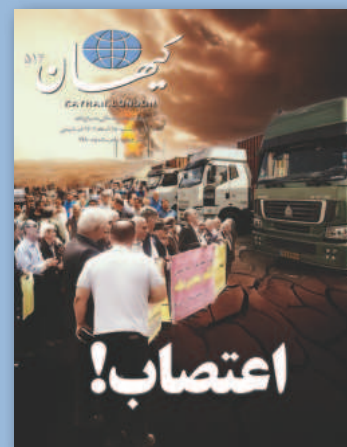
به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

تلفن: ۳۰۱۲۲۹۶۷۷۸ و یا ۲۴۰۶۰۲۲۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل فرمایید.

Web: www.pirnia.com

Email: pirnia@pirnia.com



کیشان

فهرست مطالب**

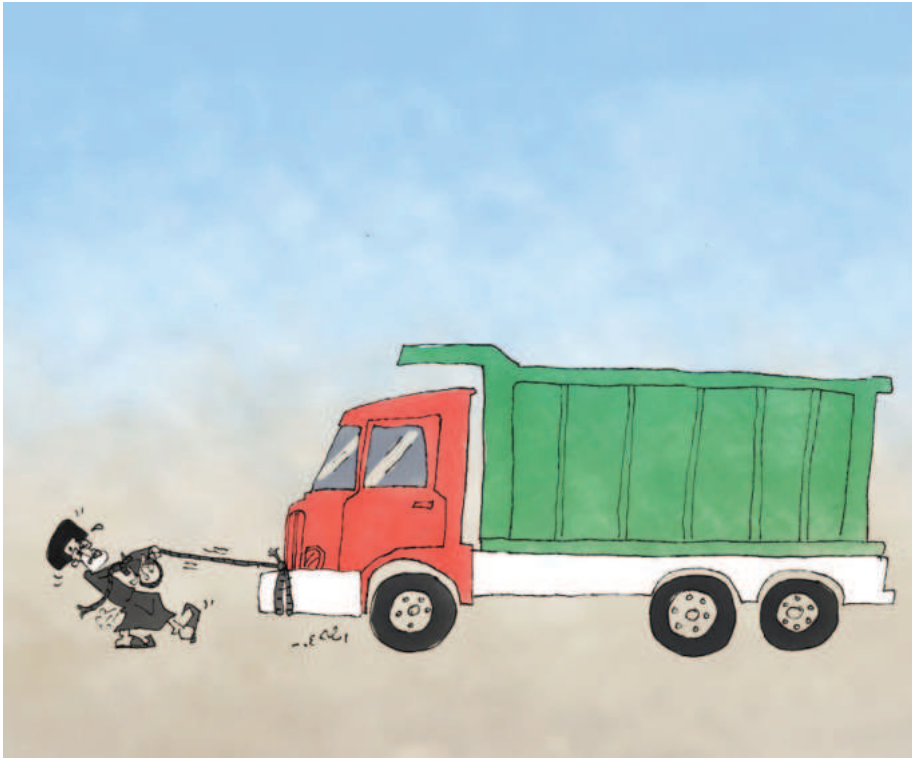
۴	 سرمقاله - «جاسوس» برای «دولت متخاصم»؟! / الاهه بقراط
۴-۵	 تیر هفت - اعتصاب! ... /
۶-۷	 شاهزاده رضا پهلوی: آینده ایران در وین، رم یا مسقط نیست بلکه در خیابان‌های تهران و ... /
۷	 آکسیوس: آمریکاز نتانیاهو در باره ایران یک هفته فرصت خواست ... /
۸	 بن‌بست در مذاکرات اتمی؛ ارتش اسرائیل شبیه‌سازی یک جنگ چند جانبه را تمرین کرد ... /
۹	 دونالد ترامپ: به دنبال توافقی با جمهوری اسلامی هستیم که هر چه را می‌خواهیم متفجر کنیم! ... /
۱۰	 احتمال مبادله پژو و هتگر اسرائیلی - روسی ر بوده شده در عراق با یک زندانی «مدافع حرم» ... /
۱۰-۱۱	 سفر اچچی به رم؛ «اختلافات بنیادی» در مذاکرات و افزایش احتمال حمله نظامی ... /
۱۱	 لغو سفر! ... / خیر اندیش (احمد/حار)
۱۲-۱۳	 خاطراتی از رئیس پیشین دانشگاه تهران (شاه وروابطش با دانشگاه) ... /
۱۴-۱۵	 چه کسی مذاکرات را تخریب می‌کند؟ اسرائیل، دولت ترامپ یا ... / اهدی رؤف (ایندیپندنت عربی)
۱۵	 اسرائیل در آستانه حمله به تأسیسات اتمی در ایران: عبور از مرز حله هشدار به مرحله اقدام ... /
۱۶-۱۷	 با «یک تصادف ساده» نخل طلایی به جعفر پناهی و سینمای مستقل ایران رسید ... / احمد آفت
۱۷	 رژیم ایران و شروط سنگین و «وحشتناک» آمریکایی؟! ... / طارق الحمید (الشرق الاوسط)
۱۸	 آیا «وقت کشی» در مذاکرات گزیننه مطلوب جمهوری اسلامی است؟! ... /
۱۹	 توافق جمهوری اسلامی و بلاروس برای افزایش همکاری‌های نظامی ... /
۱۹	 بازنگری اروپا در روابط با جمهوری اسلامی و اسرائیل ... /
۱۹	 سایه جنگ بر گفتگوهای بی نتیجه تهران و واشنگتن ... /
۲۰	 اسرائیل هیوم: طرح یک پیشنهاد در مذاکرات عراقی - ویتکاف ... /
۲۰-۲۱	 پایان پنجمین دور مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا؛ استیو ویتکاف وسط جلسه رفت! ... /
۲۱	 اختلافات درون حکومت بر سر معامله احتمالی با دولت ترامپ ... /
۲۲	 نیویورک تایمز: اسرائیل خود را برای حمله به تأسیسات اتمی در ایران آماده می‌کند ... /
۲۳	 استیضاح و منافع مردم! شوخی بی مزه سخنگوی دولت پز شکیان ... /
۲۴-۲۵	 جدال سپاهی‌ها بر سر معامله با آمریکا؛ کارزار مشترک علیه نتانیاهو، پهلوی، اعتصاب ... / حامد محمدی
۲۶-۲۷	 پادشاهی توسعه گر؛ راه بر و ن رفت از بن بست جمهوری‌های نفتی ... / اپانولامتی
۲۷	 دوران رضاشاهی: دولت ایران نوین (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۷	 دوران رضاشاهی: مقابله با تجارت بردگان (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی
۲۸-۲۹	 سرگذشت بخش الله میثاقی رئیس قسمت ترجمه و مطبوعات کتابخانه کاخ گلستان ... /
۲۹	 گفتگو و خاطرات دور و ز نامتکار مسجد سلیمانی؛ به مناسبت پنجم خرداد سالگرد دوران نفت از ... /
۲۹	 آیا اینبار راه نجاتی هست؟! ... / بهنام محمدی
۳۰-۳۳	 کارنامه چهل و شش ساله انقلاب اسلامی در حوزه اقتصاد ... / احسن منصور
۳۳	 مادر برای ما واژه ایست که در دور دست‌ها خفته و دست‌مان هم به خاکش نمی‌رسد ... / مهدی نوذر
۳۴-۳۵	 افزایش مشاوره‌های روانشناسی غیر مجاز، تهدیدی خاموش و در پناه نگاه ایدئولوژیک ... /
۳۶	 «سازمان حقوق بشر ایران» اعدام شهر و ندان به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» را ... /
۳۶-۳۷	 اعدام پدر ادم‌دنی در زندان قز لبحصار به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» ... /
۳۷	 احسان باقری از قضات دادگاه کفری شیراز کشته شد؛ ضارب فرار کرد ... /
۳۸	 رنجنامه یک زندانی پادشاهی خواه خطاب به دیکتاتورهای هنوز به قدرت نرسیده ... /
۳۹	 ارتباط احتمالی قتل دوشهر و نند اسرائیلی در واشنگتن با فعالیت جریبان‌های نفوذی وابسته به ... /
۴۰	 نهاد های اطلاعاتی اتریش: جمهوری اسلامی به دنبال ساخت بمب اتم است ... /
۴۱	 اعتصاب کامیونداران: این همان لحظه است! اگر از دست برود، تنها حسرت می‌ماند ... / مسعود باباپور
۴۲-۴۵	 اعتصاب کامیونداران در شهرهای مختلف ایران ... /
۴۶-۴۷	 مزارع خشکیده؛ سهم کشاورزان اصفهان از بی کفایتی جمهوری اسلامی ... /
۴۷	 «حج سیاسی»؛ قاسمیان در مدینه خواسته‌ای خامنه‌ای را اجرا کرد ... /
۴۸	 شناسایی یک شبکه ساز مانیا فته قاچاق سوخت در هر مزرگان ... /
۴۹	 برق هم «امینتی» شد؛ سانسور آمار مصرف برق صنایع و محدودیت برای انشار ... /
۵۰	 پیامدهای بحران اقتصادی در ایران: افزایش نرخ طلاق در سال‌مندان ... /
۵۱	 تابستان داغ در انتظار است؛ ۱۴ شهر تهران در خطر فرونشست ... /
۵۲-۵۳	 آماري تکاندهنده: ۳۸ میلیون نفر حاشیه نشین و بد مسکن در ایران ... /
۵۳	 بدن زنان در نمایشگاهی در پاریس کتابتون حلاجان ... /
۵۴	 کاهش قابل توجه محصولات کشاورزی بر اثر خشکسالی و بی آبی آمار جدید از خسارت‌های ... /
۵۵	 آمار جدید از خسارت‌های ناشی از آلودگی هوا در ایران؛ ۲۳ میلیارد دلار در سال! ... /
۵۶	 تورم در اردیبهشت ماه هم افزایش یافت؛ رکورد تازه در تورم ماهانه کالاها و ... /
۵۷	 شناسایی یک گونه جدید و مخرب گلستک در تخت جمشید ... /
۵۸-۵۹	 خبر های کوتاه ... /
۶۰	 پشت جلد - عکس هفته / شاهزاده رضا پهلوی در نمایشگاه «نوا» نور بر تاریکی پیرو است!



بازنشر
بازنشر

تیتتر هفته

اعتصاب!



● دور جدید اعتصاب سراسری کامیونداران و رانندگان ماشین‌های سنگین و باربری در ایران از روز پنجشنبه اول خردادماه ۱۴۰۴ بطور رسمی آغاز شده و با گسترده شدن در ۱۴۰ شهر کشور ادامه یافته است.

راه و شهرسازی سبب شد اعتصاب با پایان باز و تا رسیدن کامیونداران به خواسته‌هایشان ادامه پیدا کند. افزایش قیمت لوازم یدکی، سه نرخی شدن گازوئیل، حذف یارانه بیمه و هزینه بالای بیمه، جاده‌های بی‌کیفیت، و پایین بودن کرایه حمل بار از جمله دلایل اعتصاب کامیونداران است.

سرکوب و وعده‌فروشی با هم!

طی هفته نخست اعتصاب کامیونداران، جمهوری اسلامی در واکنش به آن سناریو نخ‌غایی را که بارها در مورد اعتصابات اصناف دیگر از جمله آموزگاران و کارگران اجرا کرده تکرار کرد:

وزیر راه و شهرسازی، رئیس دولت و دیگر مقامات ارشد دولتی درباره این اعتصاب سکوت اختیار کرده و با بی‌اعتنایی به اعتصاب‌کنندگان بر خشم آنها افزودند. در آنسو برخی فعالان صنفی حکومتی تلاش کردند این اعتصاب را «پراکنده» و «بی‌اثر» جلوه دهند. چند تن دیگر از مقامات، از جمله رئیس مجلس شورای اسلامی، رسیدگی به خواسته‌های کامیونداران را مهم دانستند.

همزمان نهادهای امنیتی و قضایی وارد عمل شدند تا با فشار بر اعتصاب‌کنندگان، بازداشت آنها، ایجاد رعب و وحشت و از بین بردن اتحاد کامیونداران، اعتصاب را مختل کنند.

اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان ایران روز چهارشنبه هفتم خرداد در واکنش به بازداشت و ضرب و جرح کامیونداران اعتصاب کننده در بیانیه‌ای اعلام کرد: «سرکوب، دستگیری و تهدید، پاسخی به مطالبات مشروع نیست؛ بلکه نشانه‌ای از استیصال در برابر موج

در هفته‌ای که گذشت کامیونداران و رانندگان ماشین‌های باربری دور جدیدی از اعتصاب سراسری در ایران را آغاز کردند که همچنان تداوم دارد. اصناف دیگری همچون نانویان در شهرهای مختلف، لنج‌داران و صیادان در پوشهر و گندمکاران در خوزستان نیز اعتصابات و تجمعات اعتراضی برگزار کردند. جمهوری اسلامی در مواجهه با اعتراضات اصناف از یکسو ناتوان در پاسخگویی به مشکلات، و از سوی دیگر نگران از گره خوردن اعتصابات صنفی به جنبش اعتراضی علیه نظام است!

دور جدید اعتصاب سراسری کامیونداران و رانندگان ماشین‌های سنگین و باربری در ایران از روز پنجشنبه اول خردادماه ۱۴۰۴ بطور رسمی آغاز شد و با گسترده شدن در ۱۴۰ شهر کشور همچنان ادامه دارد. در حالی که نارضایتی کامیونداران و رانندگان از مدت‌ها پیش برجسته بود، پیش‌درآمد اعتراضات آنها پس از فاجعه انفجار در «بندر رجایی» بندرعباس و از ماه گذشته بیش از پیش نمایان شد. رانندگان زیادی در این حادثه کشته و مجروح شدند و در چند شهر ایران، مراسم تشییع و خاکسپاری رانندگان جانباخته با حضور اعتراضی رانندگان و ماشین‌هایشان تصاویری نمادین را ثبت کرد.

روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت‌ماه شماری از رانندگان کامیون و تریلی در بندرعباس اعتصاب کردند و با فراخوانی از سوی «اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران» اعتصاب کامیونداران به صورت سراسری از اول خردادماه آغاز شد.

در ابتدا اعلام شده بود که این اعتصاب به مدت یک هفته خواهد بود اما استقبال گسترده و پیوستن رانندگان در سراسر کشور به این اعتصاب، در کنار بی‌تفاوتی وزیر

سرمقاله

«جاسوس» برای «دولت متخاصم»؟!

کدام «جاسوس» و برای کدام «دولت متخاصم» به اندازه خود جمهوری اسلامی و زمامدارانش دست به «وطن‌فروشی» زده است؟ در حالی که جمهوری اسلامی اساساً کشور اسرائیل را به عنوان یک سرزمین مستقل و عضو سازمان ملل به رسمیت نمی‌شناسد، شهروندان ایران را به اتهام «جاسوسی» برای آن محاکمه و اعدام می‌کند.

در تابستان ۱۳۶۷ که «برکت جنگ» به پایان می‌رسید، خمینی ناکام از اینکه نه «ارتش ایران» بلکه «ارتش اسلام» به این زودی‌ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد، در نامه محرمانه‌اش به مقامات ارشد از زبان محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران



انقلاب اسلامی امید داد که «بعد از پایان سال ۷۱» (یعنی فقط پنج سال بعد!) در کنار انواع تجهیزات و تدارکات نظامی، اگر «قدرت ساختن مقدار قابل توجهی از سلاح‌های لیزر و اتم- که از ضرورت‌های جنگ در آن موقع است- داشته باشیم می‌توان گفت به امید خدا بتوانیم عملیات آفندی داشته باشیم». همچنین «باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دو برابر و نیم افزایش پیدا کند» و «البته آمریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم والا موفق نخواهیم بود!» یعنی همه اینها فقط از پنج سال بعد!

روح‌الله خمینی یکسال بعد هم‌نم آنکون علی‌خامنه‌ای بود که به طنزی تاریخی در آستانه‌ی سالگرد غائله ارتجاعی ۱۵ خردادش علیه «انقلاب سفید» مُرد و آرزوی «فتح قدس» و «نابودی اسرائیل» و «بیرون کردن آمریکا» از خلیج فارس را به گور برد. جانشین وی نیز با وجود خرج میلیاردها دلار برای برنامه‌های نظامی و تأسیس و تقویت انواع گروه‌های نیابتی و حتا حمله زمینی توسط آنها به خاک اسرائیل در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و حمله موشکی از خاک ایران به آن کشور در سال ۲۰۲۴ حالا در همانجایی ایستاده که خمینی در سال ۱۳۶۷! با این تفاوت که با رژیم صدام که روی کار آمدن جمهوری اسلامی را فرصت مناسبی برای تجاوز به خاک ایران دید روبرو نیست! بلکه با تمام کشورهای منطقه و جهان و در رأس آنها اسرائیل طرف است! آمریکا نیز در این مدت نه تنها از خلیج فارس نفرت بلکه حضورش به دلیل سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه چندین برابر شده و روند عادی کردن روابط کشورهای عرب و اسرائیل را نیز پیش می‌برد.

در سال «جام زهر» هزاران زندانی سیاسی در سراسر ایران قربانی عقب‌نشینی محتوم خمینی شدند و اکنون نیز شماری از زندانیان سیاسی از جمله با اتهام «جاسوسی» برای «دولت متخاصم» در خطر قرار دارند. حکم اعدام دو تن از این اسیران، پدram مدنی در ۷ خرداد و محسن لنگرشنین در ۱۰ اردیبهشت، هر دو به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» در کمتر از یک ماه و هربار در زمانی اجرا شد که روند گفتگوی آتمی با فرستادگان ترامپ به دست‌انداز افتاد؛ یکی سه روز پس از دور سوم (۶ اردیبهشت) که اعلام زمان و مکان دور چهارم (۲۱ اردیبهشت) دو هفته عقب افتاده بود و دیگری پنج روز بعد از دور پنجم (۲ خرداد) و در حالی که تا این لحظه معلوم نیست گفتگوی بعدی کی و کجا انجام بشود و یا اصلاً نشود.

«برکت اتم و نیابتی»‌ها هم مانند «برکت جنگ» به پایان می‌رسد و رژیم در وضعیت داخلی و خارجی به مراتب بدتر از سال آخر خمینی بسر می‌برد و تنها راهی که بلد است انداختن طناب دار به گردن ملتی اسیر است که هر لحظه احتمال انفجار آن می‌رود بدون آنکه جمهوری اسلامی با عدم اعتماد به صفوف خودش، در موقعیت سرکوب‌های گذشته در برابر مردمی قرار داشته باشد که خود آن را به درستی «وطن‌فروش» و «دولت متخاصم» می‌دانند.

از جمله کسبه، کشاورزان و کارگرانی که به علت خوابیدن خطوط تولید بیکار می‌شوند. این موضوع نیز بر هراس حکومت از تداوم اعتصاب کامیونداران افزوده است.

جمهوری اسلامی در برابر اعتراضات صنفی

طی هفته گذشته و همزمان با اعتصاب کامیونداران، اعتراضات دیگری نیز در کشور برگزار شده است. گروهی از لنج‌داران و صیادان در بوشهر در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌هایشان در مقابل استانداری این شهر، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شماری از کشاورزان گندمکار استان خوزستان نیز به علت پرداخت نشدن مطالبات خرید تضمینی گندم تجمع و در سطح شهر راهپیمایی کردند. از تجمع اعتراضی کارگران اخراجی «پروژه زمزم ۳ مجتمع فولاد خوزستان» در اهواز بیش از هشت روز می‌گذرد.

نانوایان نیز در هفته‌های گذشته اعتراضاتی را در شهرهای مختلف برگزار کرده‌اند. افزایش ناگهانی حق بیمه، سهمیه کم و قیمت بالای آرد و قیمت‌گذاری دستوری نان، و بحران قطع برق از جمله دلایل اعتراضات نانوایان است.

نانوایان می‌گویند قطع برق سبب خراب شدن خمیر آماده پخت می‌شود و هر نانوبایی بطور متوسط روزانه دو تا چهار کیسه آرد از دست می‌دهد؛ از سوی دیگر دولت به علت ناهمخوانی آرد مصرف شده با تعداد قرص نان پخته شده، نانوایان را به قاچاق آرد متهم و حتی آنها را جریمه می‌کند! تشدید مشکلات اقتصادی، نبود انرژی کافی برای تولید و صنعت و کشاورزی، رکود تورمی، هزینه‌های سرسام‌آور در برابر دستمزدهای ناچیز، گسترش فقر و فلاکت، و از همه مهم‌تر سوء مدیریت شدید برای کاهش و یا حل مشکلات انباشته در کشور سبب افزایش شمار اعتراضات صنفی شده است.

در آنسو اما دولت منابع مالی کافی برای پاسخگویی به خواسته‌های اصناف را ندارد و اساساً در میان مقامات جمهور اسلامی اراده و تعهدی برای حل مشکلات شهروندان نیز وجود ندارد.

برای نمونه درست در روزهایی که کامیونداران در ایران در پی سال‌ها مشکلات صنفی حل نشده و استیصال از انباشته شدن مشکلاتشان دست به اعتصاب زده‌اند، فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی در حالی که درباره این اعتصاب سکوت کرده بود، به بصره سفر کرد تا طی دیدار با مقامات عراقی از نزدیک در جریان مسائل مربوط به ترافیک اربعین و مشکلات رانندگان عراقی قرار بگیرد!

در این میان، روشن است که جمهوری اسلامی تمام توان خود را به کار خواهد گرفت که طی روزهای آینده به اعتصاب کامیونداران پایان دهد اما حتی اگر این دوره از اعتصاب آنان نیز با فشارها و سناریوهای حکومتی پایان یابد، جمهوری اسلامی در باتلاقی گرفتار شده که بطور مداوم آن را در برابر اعتراضات و اعتصابات مشابه از سوی اصناف مختلف قرار می‌دهد.

اعتصابات و اعتراضات صنفی اگرچه در بطن خود الزاماً ماهیت سیاسی ندارند اما از آنجا که حقوق صنفی تنها مختص به اقدامات یک دولت، یک وزارتخانه یا یک دوره از قانونگذاری در مجلس شورای اسلامی نیست بلکه ناشی از ساختار معیوب، فاسد، رانتی و اصلاح‌ناپذیر جمهوری اسلامی است، این ظرفیت در شرایط سیاسی و اجتماعی کشور وجود دارد که اعتصابات صنفی با یکدیگر پیوند خورده و سبب اعتراضات سراسری شوند؛ اعتراضاتی که در صدر اهداف آن سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر ساختار سیاسی در ایران قرار دارد.

منجر شود. متوقف شدن زنجیره تأمین کالا با اختلال در حمل و نقل نه تنها قفسه فروشگاه‌ها را از کالا خالی نگه می‌دارد بلکه تأمین مواد اولیه برای واحدهای تولیدی و



صنعتی را متوقف خواهد کرد و پس از مدتی سبب خوابیدن خطوط تولید خواهد شد.

آمارها نشان می‌دهند بیش از ۴۳۳ هزار کامیون در سراسر ایران مشغول به کار هستند که درصد بسیار ناچیزی در زیرمجموعه شرکت‌ها فعالند. به بیان دیگر اغلب کامیون‌ها در اختیار مالکان حقیقی هستند و این موضوع از یکسو پیوستن رانندگانی را که غالباً مالک کامیون هستند به اعتصاب سرعت بخشیده و از سوی دیگر سرکوب کامیونداران را برای حکومت با دشواری روبرو کرده است.

رصد صدها هزار کامیوندار در سراسر کشور برای نهادهای امنیتی کار آسانی نیست. از سوی دیگر حتی پیوستن ۲۰ درصد از کامیونداران به اعتصاب به معنای اعتصاب جمعیتی حدود ۱۰۰ هزار نفری است که نه تنها اختلالی گسترده در حمل و نقل کالا ایجاد می‌کند بلکه قدرت زیادی به اعتصاب‌کنندگان برای فشار به حکومت خواهد داد.

از سوی دیگر کامیونداران به همراه اعضای خانواده که متأثر از مشکلات مالی کامیونداران هستند، با فرض چهار نفره بودن اعضای خانواده، جمعیتی حدود دو میلیون نفر را در بر می‌گیرد که جمعیتی قابل توجه است.

به همین دلیل است که مقامات جمهوری تلاش کرده‌اند با سرکوب و بازداشت اعتصاب‌کنندگان، اعتصاب را متوقف کنند. حتی یک دادستان در شهر کازرون شخصا وارد عمل شده و با ارسال پیام صوتی به کانال‌های تلگرامی کامیونداران آنها را تهدید کرده است. در سوی دیگر نیز با تداوم بیش از یک هفته از اعتصاب کامیونداران، «وعده‌فروشی» به آنها از سوی دولت و مجلس شورای اسلامی آغاز شده است.

اینهمه در حالیکه تداوم اعتصاب کامیونداران می‌تواند سبب اعتراض دیگر اصنافی شود که فعالیت آنها با معلق شدن زنجیره تأمین کالا با اختلال روبرو شده است؛

➡ خروشان عدالت‌خواهی ماست.

با پایداری کامیونداران اعتصاب‌کننده طی هفته نخست اما کم‌کم اثرات این اعتصاب از جمله در تخریب محصولات

صیفی به علت عدم حمل به میادین میوه و تره‌بار نمایان و حکومت ناچار به «وعده‌فروشی» به اعتصاب‌کنندگان شد. در حالی که طی سه روز گذشته ده‌ها تن از کامیونداران اعتصاب‌کننده در استان‌های مختلف از جمله اصفهان، هرمزگان، فارس، کرمانشاه، اردبیل و خوزستان بازداشت شده و شماری نیز مورد ضرب و جرح مأموران انتظامی و تهدیدهای نهادهای امنیتی قرار گرفتند، رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای وعده داد که «مطالبات حق بیمه کامیونداران را دنبال می‌کنیم»!

همچنین در مجلس شورای اسلامی طرحی دو فوریتی برای رسیدگی «فوری» به مطالبات کامیونداران در دست تدوین است. محمدرضا رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفته «این طرح در پی برگزاری چندین نشست رسمی در کمیسیون و با هدف ساماندهی وضعیت بیمه رانندگان، بروزرسانی کرایه حمل، سوخت در دست تهیه است.»

دولت نیز که دو هفته پیش گازوئیل را سه نرخی و گران کرده بود و به این شکل هزینه‌های کامیونداران را افزایش داده بود، اکنون عقب‌نشینی کرده است.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مدعی شده اگر کامیونداران در مسیری که برنامه الکترونیکی صادر شده حرکت نکنند، قیمت گازوئیل تغییر نمی‌کند. ادعایی که به گفته فعالان صنفی نادرست است و سهمیه گازوئیل پیشتر هم ناچیز بود و حالا کامیونداران ناچار هستند با قیمت‌های بالاتر سوخت تأمین کنند.

اهمیت اعتصاب کامیونداران

اعتصاب کامیونداران به دلیل نقش محوری این صنف در بخش لجستیک و تأمین و تدارکات می‌تواند در صورت فراگیرتر شدن به فلج شدن بخش‌های مختلف اقتصاد کشور

شاهزاده رضا پهلوی: آینده ایران در وین، رم یا مسقط نیست بلکه در خیابان‌های تهران و چهار گوشه ایران تعیین می‌شود



شاهزاده رضا پهلوی در نشست «تفسیک» / تورنتو / کانادا / ۲۶ مه ۲۰۲۵ / عکس از «تفسیک»

یک حکومت مذهبی بی‌رحم است که هیچ مشروعیتی ندارد تا به نمایندگی از سوی مردم ما سخن بگوید. بیش از چهار دهه است که جمهوری اسلامی هویت ایران را ربوده و از نام ما و منابع ما نه برای خدمت به مردم ما، بلکه برای گسترش نفرت و تفرقه سوء استفاده می‌کند. این رژیم روح ملت ما را نمایندگی نمی‌کند. نماینده میراث کوروش نیست. آینده‌ی ایران را نمایندگی نمی‌کند. مردم ایران بپا خاسته‌اند؛ نه به این دلیل که کسی از آنها خواسته است، بلکه به این دلیل که مبارزه برای آزادی به سود منافع ملی آنها و در شخصیت ملی آنها نهفته است. آنها نه منتظر اجازه کسی هستند و نه از کسی صدقه می‌خواهند. آنها بازیگران منفعل در بازی ژئوپلیتیک دیگران نیستند. این جنبش ماست. این مبارزه ماست. و این سرنوشت ماست که خود آن را تعیین می‌کنیم. آینده ایران در وین، رم یا مسقط تدوین نخواهد شد؛ این آینده در خیابان‌های تهران و چهار گوشه ایران نوشته می‌شود. چه دنیا کمک کند چه نکند، ما ادامه خواهیم داد. چه دولت‌ها حمایت کنند و چه نادیده بگیرند، مردم ایران به مبارزه ادامه خواهند داد. و بگذارید کاملاً روشن بگویم: آنها پیروز خواهند شد. اما یک انتخاب پیش روی جهان قرار دارد؛ یک انتخاب اخلاقی و استراتژیک. شما می‌توانید با ایستادن در کنار مردم ایران به تسریع این پیروزی کمک کنید، یا می‌توانید با تقویت سرکوبگران آنها، رنج ما را طولانی‌تر کنید. بزرگترین هدیه‌ای که جهان در حال حاضر می‌تواند به مردم ایران بدهد این است که کمک به رژیم را متوقف کند؛ مشروعیت بخشیدن به آن را متوقف سازد؛ تأمین مالی آن را متوقف کند و مذاکره با آن را که انگار یک دولت عادیست متوقف سازد. نه به خاطر ما، بلکه به خاطر خودتان. زیرا هیچ توافقی وجود ندارد که بتواند بحران هسته‌ای، تروریسم

«تفسیک» یک سازمان مردم‌نهاد در کانادا است که ضمن دفاع از ارزش‌هایی مانند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر علیه یهودستیزی و نفرت‌پراکنی فعالیت می‌کند. این نشست در محل «مرکز توسعه تجارت» در شهر تورنتو برگزار شد. متن کامل سخنانی شاهزاده رضا پهلوی به شرح زیر است: «خانم‌ها و آقایان، دوستان و قهرمانان آزادی و صلح، باعث افتخار است که امشب در کنار شما هستم تا در مورد رویایی که از اعماق قلبم سرچشمه می‌گیرد و آرام آرام به واقعیت تبدیل می‌شود، یعنی پیمان کوروش، صحبت کنم. نام کوروش ما را به یاد حقیقتی عمیق‌تر می‌اندازد؛ اینکه رابطه بین مردم ایران و یهود، موضوع دیپلماسی مدرن یا یک سیاست زودگذر نیست. این رابطه ریشه در تاریخ دارد و رابطه‌ای باستانی، غرورآفرین و بی‌نظیر است. بیش از ۲۵۰۰ سال پیش این کوروش بزرگ، پادشاه ایران بود که قوم یهود را از اسارت آزاد کرد و به آنها اجازه داد تا به سرزمین خود بازگردند و معبد خود را بازسازی کنند. این فقط یک عمل مداراگرانه نبود بلکه تأییدی بر آزادی مذهبی و کرامت انسانی بود. این امر معیاری برای آنچه یک رهبری عادلانه باید باشد تعیین نمود و همزمان ارزش‌های ملت ایران را تعریف کرد که نه بر مبنای فتح، بلکه بر اساس همزیستی بنا شده است. ملت‌های کمی در جهان چنین سرگذشت مشترکی از احترام باستانی و همبستگی مدرن دارند. و ملت‌های کمی هستند که مانند آنها هزینه استبداد و ارزش آزادی را به خوبی درک می‌کنند. بگذارید این را روشن بگویم: مردم ایران به دنبال دشمنی با اسرائیل یا هیچ‌یک از همسایگان ما نیستند. ملت ایران به دنبال صلح، صلح واقعی و پایدار، با منطقه و جهان است. در این میان، یک بازیگر، یک نیروی شیطانی وجود دارد که مانع این صلح است. این ملت ما نیست که جنگ به راه می‌اندازد، تروریسم صادر می‌کند و منطقه را بی‌ثبات می‌سازد. این یک رژیم اشغالگر و

● شاهزاده رضا پهلوی دوشنبه ۲۶ ماه مه ۲۰۲۵ (۵ خرداد ۱۴۰۴) در تورنتو کانادا مهمان نشستی در سازمان «تفسیک» با عنوان «مسیری به سوی پیمان کوروش» بود و در سخنانی و گفتگو به بررسی پیوندهای تاریخی دو ملت ایران و اسرائیل و چشم‌انداز تحقق پیمان کوروش پرداخت. متن کامل سخنانی وی را در کیهان لندن می‌خوانید. ● «مردم ایران بپا خاسته‌اند؛ نه به این دلیل که کسی از آنها خواسته است، بلکه به این دلیل که مبارزه برای آزادی به سود منافع ملی آنها و در شخصیت ملی آنها نهفته است. آنها نه منتظر اجازه کسی هستند و نه از کسی صدقه می‌خواهند. آنها بازیگران منفعل در بازی ژئوپلیتیک دیگران نیستند.» ● «هیچ توافقی وجود ندارد که بتواند بحران هسته‌ای، تروریسم رژیم، برنامه موشکی، گروگانگیری و یا فلاکت اقتصادی ناشی از آن را حل کند. هیچ توافقی جز توافق با ایران واقعی: ایرانی که توسط مردم‌اش نمایندگی می‌شود و نه توسط ارادل و اوباشی که بطور نامشروع قدرت را در چنگ دارند. صلح واقعی، رفاه واقعی و ثبات منطقه‌ای واقعی با یک ایران جدید آغاز می‌شود. ایرانی که از این رژیم آزاد شده است.» ● «آینده ایران در وین، رم یا مسقط تدوین نخواهد شد؛ این آینده در خیابان‌های تهران و چهار گوشه ایران نوشته می‌شود. چه دنیا کمک کند چه نکند، ما ادامه خواهیم داد. چه دولت‌ها حمایت کنند و چه نادیده بگیرند، مردم ایران به مبارزه ادامه خواهند داد. و بگذارید کاملاً روشن بگویم: آنها پیروز خواهند شد.» شاهزاده رضا پهلوی دوشنبه ۲۶ ماه مه ۲۰۲۵ (۵ خرداد ۱۴۰۴) در تورنتو کانادا مهمان نشستی در سازمان «تفسیک» با عنوان «مسیری به سوی پیمان کوروش» بود و در سخنانی و گفتگو به بررسی پیوندهای تاریخی دو ملت ایران و اسرائیل و چشم‌انداز تحقق پیمان کوروش پرداخت.

آکسیوس: آمریکا از نتانیاهو درباره ایران یک هفته فرصت خواست



دیدار دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل / رویترز

منتقل کرد.

نوم روز دوشنبه به شبکه فاکس‌نیوز گفت که گفتگویی «صریح و مستقیم» با نتانیاهو درباره ضرورت «حفظ اتحاد و فرصت دادن به روند مذاکرات» داشته است. او افزود ترامپ قصد ندارد مذاکرات با جمهوری اسلامی را هفته‌ها یا ماه‌ها ادامه دهد و ظرف چند روز [آینده] تصمیم‌گیری خواهد کرد. در همین ارتباط، یک مقام اسرائیلی گفت که نوم به نتانیاهو گفته است «یک هفته به ما فرصت بدهید.» نوم گفت: «من از نخست‌وزیر خواستم با ترامپ همکاری کند تا مطمئن شویم که تصمیم‌های عاقلانه‌ای به صورت مشترک اتخاذ می‌کنیم. او می‌خواهد بنیامین نتانیاهو با او همسو باشد.»

کارولین لویت سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید پنجشنبه گذشته گفته بود ترامپ «با صراحت» به نتانیاهو گفته که خواهان توافق با جمهوری اسلامی ایران است و نه «گزینه شدیدتر و منفی‌تر».

دیوید بارنئا رئیس موساد و رون درمر مشاور امنیتی نتانیاهو که به واشنگتن رفته‌اند در ارتباط با ایران با استیو ویتکاف فرستاده ترامپ، جان رتکلیف رئیس سازمان سیا و سایر مقامات آمریکایی دیدار و گفتگو کردند.

ترامپ مدعی شده مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران پیشرفت واقعی داشته و ممکن است در اواخر هفته «خبر خوبی» در اینباره داشته باشد اما مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند اگر آمریکا خواهان برپیده شدن کامل غنی‌سازی در ایران باشد از توافق خبری نیست.

این در حالیست که برخی تحلیلگران انتشار خبرهایی از «منابع آگاه» درباره اختلاف ترامپ و نتانیاهو و همچنین اصرار اسرائیل بر تعیین تکلیف مذاکرات و اقدام به حمله نظامی از یکسو و تبلیغ درباره خوشبینی ترامپ به یک توافق احتمالی را بیشتر در خدمت فشار بر جمهوری اسلامی برای تسلیم شدن آن ارزیابی می‌کنند.

● به گزارش پایگاه خبری «آکسیوس» دونالد ترامپ در یک تماس تلفنی به بنیامین نتانیاهو هشدار داد که از انجام هرگونه اقدامی که ممکن است مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران درباره توافق هسته‌ای جدید را به خطر بیندازد، خودداری کند.

● ترامپ و سایر مقامات ارشد آمریکایی در هفته‌های اخیر نگران شده‌اند که اسرائیل ممکن است تأسیسات هسته‌ای در ایران را بمباران کند یا اقدامات دیگری انجام دهد که به روند مذاکرات لطمه بزند.

● کریستی نوم وزیر امنیت داخلی آمریکا گفت، ترامپ قصد ندارد مذاکره با جمهوری اسلامی ایران را هفته‌ها یا ماه‌ها ادامه دهد و ظرف چند روز [آینده] تصمیم‌گیری خواهد کرد. یک مقام اسرائیلی گفت که نوم به نتانیاهو گفته است که «یک هفته به ما فرصت بدهید».

به گزارش پایگاه خبری «آکسیوس» دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا در یک تماس تلفنی به بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل هشدار داد که از انجام هرگونه اقدامی که ممکن است مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران درباره توافق هسته‌ای جدید را به خطر بیندازد، خودداری کند.

در این گزارش که ۲۷ ماه مه (۶ خرداد) منتشر شد به نقل از یک «منبع آگاه» و یکی از مقامات کاخ سفید جزئیاتی درباره این موضوع منتشر شده است. به گفته این مقام، ترامپ و سایر مقامات ارشد آمریکایی در هفته‌های اخیر نگران شده‌اند که اسرائیل ممکن است تأسیسات هسته‌ای در ایران را بمباران کند یا اقدامات دیگری انجام دهد که به روند مذاکرات لطمه بزند.

گفته می‌شود اسرائیل در حال آماده شدن برای انجام یک حمله سریع به تأسیسات هسته‌ای در ایران است تا در صورتی که مذاکرات هسته‌ای میان آمریکا و رژیم ایران در هفته‌های آینده شکست بخورد، دست به اقدام بزند.

یکی از منابع به «آکسیوس» گفته که اسرائیل بر این باور است که پنجره عملیاتی برای یک حمله موفقیت‌آمیز به زودی بسته خواهد شد. برخی از مقامات آمریکایی نگران‌اند که نتانیاهو حتی بدون چراغ سبز از سوی ترامپ دستور حمله صادر کند.

یک مقام کاخ سفید گفته که ترامپ در تماس تلفنی روز پنجشنبه به نتانیاهو گفته که «هی‌خواهد چیزی مانع از راه حل دیپلماتیک با ایران شود».

این مقام افزود: پیام ترامپ این بود که «هی‌خواهد نخست‌وزیر در زمانی که او سعی دارد مشکلات را به صورت دیپلماتیک حل کند، تحریک‌آمیز عمل کند».

ترامپ تأکید کرده که «گزینه دیگر» همچنان روی میز است، اما در وهله اول خواهان بررسی امکان یک راه حل دیپلماتیک است. دفتر نخست‌وزیر اسرائیل از اظهار نظر درباره این سخنان خودداری کرد. این تماس تلفنی پس از تیراندازی در واشنگتن صورت گرفت که به کشته شدن دو کارمند سفارت اسرائیل منجر شد.

کریستی نوم وزیر امنیت داخلی آمریکا روز یکشنبه در اورشلیم با نتانیاهو دیدار و پیام ترامپ مبنی بر ضرورت خودداری از اقدامات تنش‌آفرین در جریان مذاکرات را

→ رژیم، برنامه موشکی، گروگانگیری ویا فلاکت اقتصادی ناشی از آن را حل کند. هیچ توافقی جز توافق با ایران واقعی: ایرانی که توسط مردم‌اش نمایندگی می‌شود و نه توسط اراذل و اوباشی که بطور نامشروع قدرت را در چنگ دارند. صلح واقعی، رفاه واقعی و ثبات منطقه‌ای واقعی با یک ایران جدید آغاز می‌شود. ایرانی که از این رژیم آزاد شده است.

اجازه دهید این را نیز روشن کنم که انقلاب ما بازگشت به گذشته نیست بلکه خیزشی برای نوسازی روحیه ملی واقعی ماست. ما صرفاً به جمهوری اسلامی نه می‌گوییم. من با چشم‌اندازی برای یک ایران دموکراتیک و شکوفا و برنامه‌ای روشن برای دستیابی به آن قدم پیش می‌گذارم. به ندای هموطنانم، من برای رهبری این جنبش و این گذار قدم پیش می‌گذارم. من این کار را با گروهی متشکل از مردان و زنان با پیشینه و ایدئولوژی و تجربیات مختلف انجام می‌دهم. گروهی متنوع از افراد با مهارت‌های لازم برای پس گرفتن و بازسازی ملت‌مان. من به همکاری با هر یک از آنها افتخار می‌کنم و امیدواریم شما به ما بپیوندید.

در هفته‌های اخیر، ما از پروژه شکوفایی ایران روغایی کردیم که چارچوبی جامع برای گذار سیاسی و بازسازی اقتصادی یک ایران آزاد ارائه می‌دهد. این نه یک رویا است و نه فقط یک چشم‌انداز. این یک طرح مشخص، جدی و تهیه شده توسط متخصصانی از داخل و خارج ایران است. ما دقیقاً مشخص می‌کنیم که چگونه اقتصاد خود را تثبیت و نهادهای خود را بازسازی کنیم و اعتماد عمومی را بازیابیم. زیرا ما نه تنها در مورد ترور، فساد و سرکوبی که می‌خواهیم از بین ببریم، شفاف هستیم، بلکه در مورد آنچه قصد بازسازی آن را داریم نیز شفاف هستیم:

ملت ما، و در این تلاش ملی، هر ایرانی جایگاه خود را دارد. در عین حال که مبارزه برای پس‌گرفتن و بازسازی ایران، مبارزه‌ای ایرانی است که ایرانیان باید در آن پیروز شوند، اما ایرانی که ما به دنبال آن هستیم نه تنها به نفع ما، بلکه به نفع تمام بشریت خواهد بود. بنابراین از همه شما می‌خواهیم که در این تلاش به ما بپیوندید. نه به عنوان کار خیر، بلکه به عنوان سرمایه‌گذاری در خاورمیانه‌ای صلح‌آمیزتر و شکوفا. ما پیمودن این مسیر را با همدیگر شروع کرده‌ایم اما باید هوشیار باشیم.

کسانی که می‌خواهند مانع از دستیابی ما به این صلح و شکوفایی شوند، همانهایی که پدر فقیدم با دوراندیشی آنها را اتحاد نامقدس سرخ و سیاه نامید، کمونیست‌ها و اسلامگرایان، بدون درگیری رها نمی‌کنند. همین هفته گذشته، این اتحاد دو انسان بی‌گناه دیگر را در خیابان‌های واشنگتن دی‌سی به قتل رساند: یارون و سارا. یارون دیپلمات سفارت اسرائیل سال گذشته در «کنفرانس ایران» «اتحادیه ملی برای دموکراسی» (نوفدی) حضور داشت و بعد در یک پست نوشت که چقدر به ایستادن در کنار مردم شجاع ایران افتخار می‌کند. اکنون یارون و سارا در کنار پویا و نیکا، نوید و حدیث و بسیاری دیگر از جوانان شجاع ما در بهشت هستند.

امروز، به تک‌تک آنها قول می‌دهم که به افتخار خاطرات خجسته‌شان، به مبارزه ادامه خواهیم داد. به آنها قول می‌دهم تا پیروزی خواهیم جنگید. بگذارید امشب آغاز فصلی جدید باشد. فصلی که در آن دوستی کهن بین مردمان ما به پایه و اساسی برای اتحاد جدید ملت‌های آزاد تبدیل شود. فصلی که در آن ایرانیان و اسرائیلی‌ها- و همه مردم منطقه- می‌توانند با هم بنا کنند، با هم به تجارت بپردازند، با هم نوآوری کرده و در صلح زندگی کنند. بیابید میراث کوروش را- نه تنها در خاطره، بلکه در عمل- احیا کنیم. متشکرم»

بن‌بست در مذاکرات اتمی؛ ارتش اسرائیل شبیه‌سازی یک جنگ چند جانبه را تمرین کرد

در همین حال، پنجمین دور مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا روز جمعه در رم به پایان رسید. بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان گفت: «اندکی پیشرفت حاصل شده، اما هنوز قطعی نیست.» در مقابل، عراقچی این مذاکرات را «پیچیده» توصیف کرد و افزود که عمان پیشنهادهایی برای کاهش اختلافات ارائه کرده است. یک منبع نزدیک به تیم مذاکره‌کننده رژیم ایران به رویترز گفت که مذاکرات ادامه خواهد داشت و زمان و مکان آن را عمان تعیین خواهد کرد. با این حال، مقامات جمهوری اسلامی در گفتگو با سی‌ان‌ان احتمال دستیابی به توافق در آینده نزدیک را کم دانستند و گفتند که اصرار آمریکا بر توقف کامل برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران، می‌تواند مذاکرات را به شکست بکشاند. آنها افزودند که جمهوری اسلامی رفتار آمریکا در مذاکرات

در ایران با واکنش‌های مختلف فرماندهان نظامی در ایران روبرو شد. پایگاه خبری «وای نت» گزارش داد، در حالی که مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران با پیچیدگی‌های رو افزایش روبرو شده، ارتش اسرائیل اعلام کرده است که آمادگی‌های نظامی خود را برای احتمال وقوع جنگی چندجانبه افزایش داده است. نیروهای دفاعی اسرائیل روز جمعه ۲۳ ماه مه (دوم خرداد) اعلام کردند که یک رزمایش گسترده با حضور ستاد کل ارتش به پایان رسیده است؛ این رزمایش که «باراک قهیر» نام دارد، شبیه‌سازی یک درگیری منطقه‌ای در چند جبهه مختلف بود. در این تمرین، هماهنگی اضطراری میان شاخه‌های مختلف ارتش و نهادهای دفاعی دیگر بررسی شد و تمرکز

پس از آنکه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی عمومی در جمع کارگزاران نظام اعلام کرد که گمان نمی‌کند مذاکرات به نتیجه برسد، فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به سرعت از چندین پایگاه ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازدید کردند. محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پس از بازدید از چند یگان نظامی شامل سپاه، ارتش و فراجا مدعی شد که خوشبختانه وضعیت نیروهای مسلح در اوج آمادگی است. پایگاه خبری «وای نت» گزارش داد، در حالی که مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران با پیچیدگی‌های رو افزایش روبرو شده، ارتش اسرائیل اعلام کرده است که آمادگی‌های نظامی خود را برای احتمال وقوع جنگی چندجانبه افزایش داده است.



بازدید محمد باقری از از قرارگاه عملیاتی لشکر ۸۸، تیپ ۱۸۸ زرهی زاهدان/ اول خرداد ۱۴۰۴

را صادقانه نمی‌داند و معتقد است که واشنگتن با اصرار بر توقف کامل غنی‌سازی نشان می‌دهد که هدفش رسیدن به توافق نیست بلکه استفاده ابزاری از مذاکرات برای فشار بر ایران است. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز در آخرین سخنرانی خود با تردید به روند مذاکرات اشاره کرد و درخواست آمریکا و اروپا برای توقف غنی‌سازی اورانیوم را «غیرمنطقی و گستاخانه»، «باوه‌گویی» و «غلط زیادی» دانست. او طی سخنانی در تهران گفت: «هیچکس در ایران منتظر اجازه آمریکا برای غنی‌سازی اورانیوم نیست و چنین خواسته‌هایی را نمی‌پذیریم.» این در حالیست که محمد باقری اخیراً در نشست عالی عملیات قرارگاه مشترک پدافند هوایی که در قرارگاه پدافند هوایی «خاتم الانبیاء» برگزار شد از افزایش ۵ برابری توان کشف، شناسایی، رهگیری و انهدام در سامانه‌های پدافندی جمهوری اسلامی در مقایسه با سال ۱۴۰۳ خبر داد. ستاد کل نیروهای مسلح نیز در بیانیه‌ای تهدید کرده است: «دونالد ترامپ وقیح باید عملیات وعده صادق ۱ و ۲ را مرور کند.»

اصلی بر حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی و حفظ عملکرد داخلی این کشور قرار داشت. سخنگوی ارتش اسرائیل در همین ارتباط گفت: «هدف از این رزمایش، ارتقای هماهنگی‌ها و بهبود سرعت و کیفیت واکنش در سناریوهای بحرانی و رو به تشدید است.» افزایش سطح آمادگی اسرائیل در حالیکه که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا بر این باورند که اسرائیل در حال آماده شدن برای حمله احتمالی به تأسیسات هسته‌ای در ایران است. عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به این خبرها هشدار داد که تهران ممکن است برای دفاع از تأسیسات هسته‌ای و ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود، اقدامات ویژه‌ای انجام دهد. عراقچی در نامه‌ای به آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل هشدار داد که هرگونه حمله از سوی اسرائیل، پیامدهای حقوقی برای آمریکا نیز خواهد داشت. او همچنین در واکنش به درز اطلاعات رسانه‌ای اخیر در آمریکا درباره برنامه‌های احتمالی حمله اسرائیل، این اقدامات را «نگران‌کننده» خواند و خواستار محکومیت قوی از سوی شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شد.

پس از آنکه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی عمومی در جمع کارگزاران نظام اعلام کرد که گمان نمی‌کند مذاکرات به نتیجه برسد، فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به سرعت از چندین پایگاه ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازدید کردند. محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی اول خرداد ۱۴۰۴ در پایان بازدید از پایگاه‌های نظامی استان سیستان و بلوچستان به خبرنگاران گفت: «در ۴۸ ساعت گذشته بخش‌های زیادی از یگان‌های نیروهای مسلح شامل سپاه، ارتش و فراجا مورد بازدید و ارزیابی من و همراهانم قرار گرفت که خوشبختانه وضعیت نیروهای مسلح در اوج آمادگی است و نسبت به بازدیدهای گذشته پیشرفت‌های قابل توجهی صورت گرفته است.» برای مقابله با انواع خرابکاری‌های احتمالی نیز کمیته دائمی پدافند غیرعامل به ریاست رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و رئیس کمیته دائمی پدافند غیرعامل، با حضور جمعی از مقامات عالی‌رتبه تشکیل جلسه دادند. در این میان، گزارش سی‌ان‌ان به نقل از نهادهای اطلاعاتی آمریکا درباره جدی شدن حمله اسرائیل به تأسیسات اتمی

دونالد ترامپ: به دنبال توافقی با جمهوری اسلامی هستیم که هر چه را می‌خواهیم منفجر کنیم!



دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

نتانیاهو گفته است که «یک هفته به ما فرصت بدهید».

اختلاف نتانیاهو و ترامپ «پوچ» است

موضوع تبلیغ بر سر اختلاف نتانیاهو و ترامپ را برخی تحلیلگران مدافع جمهوری اسلامی نیز متوجه شده‌اند. از جمله احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار ملی- مذهبی که در «هم‌میهن» می‌نویسد بدون تردید بین دوطرف اختلاف‌های جزئی و تاکتیکی وجود دارد اما گزارش روزانه رسانه‌ها از اختلاف بین ترامپ و نتانیاهو اگر به قصد سرگرمی نباشد، امری عمدتاً پوچ و فاقد محتواست! او توضیح داده، تصور آنکه دولت ترامپ به توافقی با ایران تن در دهد که راستگرایان اسرائیلی آن را یک «توافق بد» بدانند، خیلی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

همزمان با فشار دونالد ترامپ به جمهوری اسلامی برای دستیابی به یک توافق، اعتصاب کامیونداران به بیش از ۱۲۰ شهر در سراسر ایران گسترش یافته است. بحران‌های داخلی که از وضعیت واقعی و نابسامان اقتصادی سرچشمه می‌گیرند نیز فشار دیگریست که از سوی جامعه علیه رژیم جریان دارد.

مقامات جمهوری اسلامی هفته گذشته به رویترز گفتند «رهبری در تهران گزینه بهتری ندارد» جز رسیدن به توافقی جدید برای جلوگیری از فروپاشی اقتصادی داخلی که می‌تواند پایه‌های حکومت مذهبی را تهدید کند.

در همین ارتباط حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران در سرمقاله این روزنامه نوشته بود، «همه شواهد حکایت از آن دارند که نگاه آمریکا برخلاف آنچه تظاهر می‌کند، به مسئله هسته‌ای و درصد غنی‌سازی نیست؛ ایستگاه پایانی مذاکره از نگاه آمریکا، فتنه‌انگیزی و ایجاد آشوب در داخل کشور است.» این در حالیست که علت اصلی آنچه روزنامه طرفدار سرسخت رژیم «فتنه‌انگیزی» و «آشوب» می‌خواند، سیاست‌های داخلی و خارجی و ناکارآمدی مژمن خود جمهوری اسلامی است.

که احتمالاً در دیدار بعدی آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، که به احتمال زیاد در خاورمیانه برگزار خواهد شد، نهایی می‌شود، اما نگرانی‌ها در مورد نقش اسرائیل در برهم زدن روند مذاکرات کاملاً جدی است.

ترامپ در صحبت‌های خود گفت: «اگر بتوانیم مسئله با ایران را با یک سند بسیار قوی حل کنیم، بسیار قوی با بازرسی‌ها [خوب است]، می‌دانید من به هیچکس اعتماد ندارم. پس اعتماد در کار نیست می‌خواهم این سند آنقدر قوی باشد که بتوانیم بازرسان را وارد کنیم و بتوانیم هرچه می‌خواهیم برداریم، هرچه می‌خواهیم منفجر کنیم اما کسی کشته نشود! می‌توانیم یک آزمایشگاه را منفجر کنیم، اما کسی در آن نباشد برخلاف حالتی که همه در آزمایشگاه باشند و آن را منفجر کنیم... دو راه برای انجام آن وجود دارد. خُب، اگر بخواهیم صادق باشیم بله من به آنها [اسرائیل] گفتم در حال حاضر انجام این کار [حمله به تأسیسات اتمی ایران] مناسب نیست؛ چون ما بسیار به یک راه حل نزدیک هستیم»

او سپس توضیح داد: «این هشدار نبود، من گفتم که فکر نمی‌کنم چنین کاری مناسب باشد.»

این تهدیدات ترامپ درباره «برداشتن هر چیزی» و «منفجر کردن هر چیزی» تا این لحظه هیچ واکنشی از سوی مقامات جمهوری اسلامی در پی نداشت!

جریان‌های موافق توافقی جمهوری اسلامی و آمریکا در داخل و خارج کشور تلاش می‌کنند اختلاف‌ها میان نتانیاهو و ترامپ در مورد ایران، غزه یا قطر را برجسته کنند. این جریان‌ها عموماً در خطی مشترک گزارش و اظهار نظرهای ترامپ را تحریف شده بازتاب می‌دهند طوری که چنین القاء شود ترامپ مطلقاً در پی درگیری نظامی نیست.

اینهمه در حالیست که کریستی نوم وزیر امنیت داخلی آمریکا گفت، ترامپ قصد ندارد مذاکره با جمهوری اسلامی ایران را هفته‌ها یا ماه‌ها ادامه دهد و ظرف چند روز [آینده] تصمیم‌گیری خواهد کرد. یک مقام اسرائیلی گفت که نوم به

● رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که دولت او به توافقی با جمهوری اسلامی ایران «بسیار نزدیک» است و شخصاً از بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل خواسته که «فعلاً به ایران حمله نکنیم».

● دونالد ترامپ در یک سخنرانی گفت: «به بی‌بی [نتانیاهو] گفتم الان حمله کنیم کار مناسبی نیست، برای اینکه به یک توافقی نزدیک هستیم. البته این هر لحظه ممکن است تغییر کند، می‌تواند با یک تماس تلفنی تغییر کند، ولی فکر می‌کنم آنها الان می‌خواهند به یک توافقی برسند و اگر بتوانیم به توافقی برسیم، جان بسیاری نجات خواهد یافت».

● احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار ملی- مذهبی در «هم‌میهن» می‌نویسد بدون تردید بین دوطرف اختلاف‌های جزئی و تاکتیکی وجود دارد اما تصور آنکه دولت ترامپ به توافقی با ایران تن در دهد که راستگرایان اسرائیلی آن را یک «توافق بد» بدانند، خیلی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که دولت او به توافقی با جمهوری اسلامی ایران «بسیار نزدیک» است و شخصاً از بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل خواسته که «فعلاً به ایران حمله نکنیم».

همزمان محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۷ خردادماه ۱۴۰۴ در حاشیه نشست هیأت دولت در پاسخ به این پرسش که آیا بازرسان آمریکایی اجازه بازدید از تأسیسات اتمی ایران را خواهند داشت؟ گفت اگر در مذاکرات با آمریکا به نتیجه برسیم، در تصمیم خود برای نپذیرفتن «بازرسان آژانس از کشورهای متخاصم تجدید نظر می‌کنیم».

اظهارات ضد و نقیض در ارتباط با روند مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا برای دستیابی به توافقی زیاد است. منابع بین‌المللی از جمله روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد که اسرائیل خود را برای حمله به تأسیسات اتمی در ایران آماده می‌کند.

ترامپ از یکسو تأکید می‌کند که تمام ظرفیت‌های غنی‌سازی در ایران باید برچیده شود و امیدوار به توافقی است، اما در جمهوری اسلامی مقاماتش می‌گویند غنی‌سازی در داخل ایران ادامه خواهد داشت و «خط قرمز» نظام است.

حمله فعلاً کار مناسبی نیست

در این میان، رئیس جمهور آمریکا در یک سخنرانی گفت: «به بی‌بی [نتانیاهو] گفتم الان حمله کنیم کار مناسبی نیست، برای اینکه به یک توافقی نزدیک هستیم. البته این هر لحظه ممکن است تغییر کند، می‌تواند با یک تماس تلفنی تغییر کند، ولی فکر می‌کنم آنها الان می‌خواهند به یک توافقی برسند و اگر بتوانیم به توافقی برسیم، جان بسیاری نجات خواهد یافت».

او در پاسخ به این پرسش که توافقی با ایران چه زمانی اتفاق خواهد افتاد گفت: «هی‌دانم، شاید در یک یا دو هفته آینده اتفاق بیفتد».

سی‌ان‌ان به نقل از «منابع آگاه» خوش‌بینی ترامپ برای توافقی با جمهوری اسلامی را تکرار کرده است. این منابع گفته‌اند طرفین به یک توافقی کلی نزدیک شده‌اند؛ توافقی

احتمال مبادله پژوهشگر اسرائیلی- روسی ربوده شده در عراق با یک زندانی «مدافع حرم»



● منابع امنیتی عراق اعلام کردند که دولت این کشور اقداماتی را برای آزادی الزابت تسورکوف پژوهشگر اسرائیلی- روسی در ازای آزادی محمدرضا نوری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آغاز کرده است.

● خبرگزاری فرانسه ۲۴ مه (سوم خرداد) به نقل از سه مقام امنیتی عراق گزارش داد، این تبادل تنها در صورت موافقت ایالات متحده آمریکا انجام خواهد شد. این منابع افزودند: «ایالات متحده هنوز با آزادی نوری موافقت نکرده است».

● یک مقام رسمی اسرائیلی در گفتگو با پایگاه خبری «وای نت» تأیید کرده است که تلاش‌ها برای آزادی تسورکوف ادامه دارد اما توافق نهایی هنوز انجام نشده است. او تصریح کرد که اسرائیل از آمریکا و چند کشور دیگر درخواست کمک کرده تا برای آزادی این گروگان میانجیگری کنند.

منابع امنیتی عراق اعلام کردند که دولت این کشور اقداماتی را برای آزادی الزابت تسورکوف پژوهشگر اسرائیلی- روسی در ازای آزادی محمدرضا نوری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آغاز کرده است.

خبرگزاری فرانسه ۲۴ مه (سوم خرداد) به نقل از سه مقام امنیتی عراق گزارش داد، این تبادل تنها در صورت موافقت ایالات متحده آمریکا انجام خواهد شد. این منابع افزودند: «ایالات متحده هنوز با آزادی نوری، موافقت نکرده است».

همچنین یک مقام رسمی اسرائیلی در گفتگو با پایگاه خبری «وای نت» تأیید کرده است که تلاش‌ها برای آزادی تسورکوف ادامه دارد اما توافق نهایی هنوز انجام نشده است. او تصریح کرد که اسرائیل از آمریکا و چند کشور دیگر درخواست کمک کرده تا برای آزادی این گروگان میانجیگری کنند.

در همین راستا، یک مقام امنیتی عراقی که با گروه‌های شبه‌نظامی در تماس است، به شبکه عبری‌زبان «کان» گفته است که شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران هنوز رسماً با این تبادل موافقت نکرده‌اند. او همچنین اشاره کرد که نخست‌وزیر عراق، محمد شیاع السوداني، برای جلب رضایت دولت ایالات متحده در حال اعمال فشار بر این گروه‌ها است.

الیزابت تسورکوف دانشجوی دکتری دانشگاه پرینستون در

سفر عراقچی به رُم؛ «اختلافات بنیادی» در مذاکرات و افزایش احتمال حمله نظامی

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی صبح روز جمعه دوم خردادماه برای حضور در پنجمین دور گفتگو با استیو ویتکاف نماینده دونالد ترامپ عازم رُم شد.

● عباس عراقچی پنجشنبه شب در یک برنامه زنده تلویزیونی به وجود «اختلافات بنیادی» در مذاکرات اشاره کرد و گفت: «طرف آمریکایی به غنی‌سازی در ایران اعتقادی ندارد. اگر این هدفشان است، توافقی در کار نخواهد بود».

● عراقچی با بیان اینکه «در یک پیچ بسیار مهم گرفتار هستیم» تأکید کرد: «ما توانایی ساخت سلاح هسته‌ای را داریم اما اراده ساخت این سلاح را نداریم».

● جمهوری اسلامی در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل اعلام کرده است در صورت وقوع حمله احتمالی، آمریکا را سهیم می‌دانیم و «مسئولیت حقوقی» آن را متوجه واشنگتن خواهیم دانست.

● از سوی دیگر کارولین لویت سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید تأکید کرد: «مذاکرات یا به راه حل مثبت می‌رسد یا وضعیتی بسیار منفی برای [رژیم] ایران خواهد داشت».

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی صبح روز جمعه دوم خردادماه برای حضور در پنجمین دور گفتگو با استیو ویتکاف نماینده دونالد ترامپ عازم رُم شد.

پنجمین دور مذاکره میان عراقچی و ویتکاف در حالی برگزار می‌شود که دولت آمریکا قویاً تأکید می‌کند تمام ظرفیت‌های غنی‌سازی اورانیوم در ایران باید برچیده شود و در مقابل مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند این مسئله «خطر قرمز» است و هرگز نخواهند پذیرفت.

عراقچی پنجشنبه شب در یک برنامه زنده تلویزیونی به وجود «اختلافات بنیادی» در مذاکرات اشاره کرد و گفت: «طرف آمریکایی به غنی‌سازی در ایران اعتقادی ندارد. اگر این هدفشان است، توافقی در کار نخواهد بود».

او با بیان اینکه «در یک پیچ بسیار مهم گرفتار هستیم» تأکید کرد: «ما توانایی ساخت سلاح هسته‌ای را داریم اما اراده ساخت این سلاح را نداریم».

وزیر خارجه جمهوری اسلامی همچنین تأکید کرد: «چه با توافقی و چه بدون توافقی غنی‌سازی ادامه پیدا خواهد کرد».

هشدار به آمریکا

عراقچی در بخشی از این مصاحبه به حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی واکنش نشان داد و گفت که درباره این موضوع به آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد، اوانجلس سی سکریس رئیس ادواری شورای امنیت و رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نامه رسمی داده است.

در این نامه اشاره شده در صورت وقوع چنین حمله‌ای، جمهوری اسلامی، آمریکا را سهیم دانسته و



بازنش

لغو سفر!

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۴۱) بهمن ۱۳۸۵



مفید برگذار می‌شود و برنامه مذاکره با استادان حوزه در دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، برای من که خود را فرزند و پروردهٔ حوزه علمیه قم می‌دانم، فرصتی مهم، شیرین و جذاب است که همواره منتظر چنین فرصتی بوده و هستم. برنامه‌ریزیهای قبلی انجام و مقدمات این سفر نیز فراهم شده بود، اما متأسفانه کسالت ناشی از سرماخوردگی، این سعادت و توفیق را از من سلب کرد.

با عرض خالصانه‌ترین پوزش‌ها، امیدوارم در اولین فرصت ممکن از فیوض برنامه و زیارت اساتید و مراجع عظام بهره‌مند شوم.

از آنجا که تا امروز کسی سخن دروغ از زبان آیت‌الله رفسنجانی نشنیده است، کلمه به کلمه این اعلامیه مخصوصاً قسمت مربوط به سرماخوردگی را باید باور کرد. معاذالله اگر به شایعاتی که بدخواهان بدزبان می‌پراکنند توجه کنید و حرفهایی از این قبیل که لغو سفر ایشان ارتباط با فرمایشات اخیرشان راجع به روابط خبرگان و رهبر داشته است.

خیر! هیچ مسأله دیگری جز سرماخوردگی علت لغو سفر برنامه‌ریزی شدهٔ آیت‌الله رفسنجانی به شهر مقدس قم و دیدارشان با مراجع عظام و حضورشان در «مراسم‌ها» نبوده است. آیت‌الله رفسنجانی هم از چوب و آهن ساخته نشده است. مثل هر آدمیزاده معمولی گاه مریض می‌شود و احتیاج به طبیب پیدا می‌کند و باید طبق دستور طبیب یک چیزهایی بخورد، یک چیزهایی نخورد، یک جاهایی برود، یک جاهایی نرود تا ان‌شاءالله تعالی بهبود حاصل کند.

گفته‌اند که چندی قبل آیت‌الله رفت پیش طبیب و گفت باد ثروت و قدرت باعث افزایش وزن و حجم من شده است، باید به هر ترتیب هست وزن کم کنم. اما به‌قسمی که رژیم گرفتن به سلامتی اعصاب من لطمه نزند. طبیب گفت رژیمی می‌شناسم که اگر رعایت کنی نتیجه خواهی گرفت. پرسید کدام است آن رژیم؟ گفت روزهای شنبه و یکشنبه صبحانه و ناهار هرچه می‌خواهی بخور، اما شام نخور. روزهای دوشنبه و سه‌شنبه ناهار و شام هرچه می‌خواهی بخور اما صبحانه نخور. روزهای چهارشنبه و پنجشنبه صبحانه و شام هرچه می‌خواهی بخور اما ناهار نخور. روزهای جمعه هم وقتی خطبه نماز جمعه را ایراد می‌کنی «حلوای زیادی نخور!»

شهر مقدس قم را برای تشریف‌فرمایی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام آب و جاروب کرده بودند. حضرت آیت‌الله رفسنجانی که در انتخابات اخیر مجلس خبرگان بیشترین رأی را به‌دست آورده و حقارت شکست در انتخابات ریاست جمهوری را جبران کرده است، قرار بود روز چهارشنبه بیستم دی ماه تشریف‌فرمای قم شود و با «مراجع عظام» دیدار و در چند گردهمایی سخنرانی کند.

روز دوشنبه هیجدهم دی‌ماه، استاندار قم - عباس محتاج - طی اعلامیه رسمی از این رویداد فرخنده خبر داد و افزود: «رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت شرکت در گردهمایی بزرگ مبلغین حوزه علمیه، عصر چهارشنبه وارد قم خواهد شد و طی دو روز اقامت در این شهرستان دیدارها و سخنرانیهای مختلفی خواهد داشت».

اعلامیه استانداری خاطرنشان می‌ساخت: «برای سفر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام تهییدات ویژه‌ای اندیشیده‌ایم و در مراسم‌هایی (!) که آقای هاشمی سخنرانی خواهد کرد شاهد برخی بی‌نظمی‌ها که در جریان سخنرانی ایشان در پانزدهم خرداد سال جاری در شبستان امام رخ داد، نخواهیم بود».

دیدار با مراجع عظام تقلید، بازدید از دانشگاه مفید و سخنرانی در جمع اساتید و دانشجویان این دانشگاه، حضور در جمع مسؤولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، به‌موجب اعلامیه استانداری از مهمترین برنامه‌های سفر رفسنجانی و اقامت دو روزه وی در شهر مقدس قم بود. اما و اما... سه شنبه گذشت و چهارشنبه فرا رسید و چشم اهالی به دروازه در انتظار زیارت جمال بی‌مثال میهمان عالیقدر، که اعلامیه دیگری انتشار یافت و این بار از طرف آیت‌الله رفسنجانی دایر به لغو برنامه سفر و عذرخواهی از بابت آن:

«همزمان با سالگرد به خاک و خون کشیده شدن مردم مسلمان و انقلابی قم، سفر به شهر خون و قیام، قم و زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه (س) و دیدار با مراجع عظام، جامعه مدرسین، علمای اعلام و طلاب عزیز و شرکت در برنامه اعزام مبلغان به دعوت دفتر تبلیغات اسلامی در مدرسه فیضیه و نیز شرکت در مراسم بزرگداشت مشروطه که توسط مجمع مدرسین و محققین حوزه در دانشگاه

«مسئولیت حقوقی» آن را متوجه واشنگتن خواهد کرد. همچنین در این نامه آمده جمهوری اسلامی «تمام اقدامات لازم» برای محافظت از تأسیسات هسته‌ای خود «در برابر هرگونه اقدام تروریستی یا خرابکارانه» را انجام داده و «تدابیر ویژه‌ای را برای حفاظت از تأسیسات و مواد هسته‌ای» اتخاذ خواهد شد.



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی / عکس: ایرنا

چند منبع بین‌المللی از جمله سی‌ان‌ان و آکسیوس به نقل از چند مقام آگاه آمریکایی گزارش داده بودند که با توجه به در بن‌بست قرارگرفتن مذاکرات برای دستیابی به توافق با تهران، اسرائیل در حال آماده ساختن خود برای حمله‌ای احتمالی به تأسیسات اتمی در ایران است.

عراقچی در مصاحبه تلویزیونی خود تأکید کرد که جمهوری اسلامی هیچگاه آمریکا را از اسرائیل جدا نمی‌داند. در همین ارتباط بارها فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی تهدید کردند که در صورت حمله احتمالی به ایران، پایگاه‌های آمریکایی در منطقه را هدف قرار می‌دهند.

زمره توقف مذاکرات

در جمهوری اسلامی فشار مخالفان مذاکره با آمریکا روی نظام برای توقف گفتگوها زیاد شده است. ابوالفضل ظهروند عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «وقتی موضع رسمی آمریکا توقف غنی‌سازی در ایران است، دیگر ضرورتی برای ادامه مذاکره وجود ندارد.» از سوی دیگر کارولین لویت سخنگوی مطبوعاتی کاخ سفید تأکید کرد: «مذاکرات با به راه حل مثبت می‌رسد یا وضعیتی بسیار منفی برای [رژیم] ایران خواهد داشت.» روزنامه کیهان تهران که به تربیون علی خامنه‌ای مشهور است، درباره مذاکرات نوشت: «نه این مذاکرات به افقی روشن رسیده و نه طرف آمریکایی ذره‌ای از خصومت ریشه‌دار و خباثت تاریخی خود علیه ملت ایران عقب نشسته است.»

این روزنامه با اشاره به سخنان اخیر خامنه‌ای نوشت: «ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری خود، همان سیاست‌های دوره اول را با شدت بیشتری دنبال می‌کند و تلاش دارد با ابزار مذاکره، ایران را به پذیرش عقب‌نشینی از اصول و خطوط قرمز خود وادارد؛ که البته کور خوانده است!»

در این میان، با افزایش احتمال تنش‌ها و درگیری‌های طی روزهای منتهی به پنجمین دور مذاکرات عراقچی و ویتکاف در رُم، فرماندهان سپاه پاسداران و ارتش کارزار رجزخوانی علیه آمریکا و اسرائیل به راه انداخته و می‌گویند «دست ماشه» شده‌اند.



دکتر هوشنگ نهاوندی

بازنشر

خاطراتی از رئیس پیشین دانشگاه تهران شاه و روابطش با دانشگاه

وقتی به ریاست دانشگاه پهلوی شیراز برگزیده شدم شاه به من دستور داد
به «آمریکایی بازی» در این دانشگاه خاتمه دهم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: شهریور ماه ۱۳۸۹ - شماره ۱۳۲۴)

محمد قوام

هوشنگ نهاوندی دارای دکترای جامعه شناسی از فرانسه، در ماههای آخر سلطنت به طور غیر رسمی مشاور شاه و به طور رسمی رئیس دفتر ملکه بوده است. آقای نهاوندی به هنگام تحصیل در فرانسه در شمار گروه چپگرای پاریس بود اما در بازگشت به ایران به گروه حسنعلی

● م. ق. - تصویری که از شاه به جا مانده است تصویر فردی علاقمند به افزایش توان نظامی ایران و توسعه صنعتی است. نگاه شاه به دانشگاه آيا نگاه ابزاری برای توسعه ایران بود یا نگاه امنیتی که شاه به دانشجو و دانشگاهها داشت در دهه آخر سلطنت بر همه چیز سایه انداخته بود؟ - من نزدیک ۱۰ سال به عنوان رئیس دانشگاه پهلوی و سپس رئیس دانشگاه تهران مستقیماً با شاه ارتباط داشتم. بعد از این هم مدت یک سال و چند ماه به عنوان رئیس هیات امنای دانشگاه تهران و یک ماه هم در تب انقلاب وزیر علوم و آموزش عالی بودم.

سه ماه قبل از انتصابم به ریاست دانشگاه پهلوی که اعلیحضرت این تکلیف را به من کردند، بعد از مسائلی که مطرح شد درباره دانشگاه و ذکر علاقه‌ای که داشت به دانشگاه پهلوی و آن را متعلق به خودش تلقی می‌کرد در پایان شرفیابی به من گفت که کمی در دانشگاه پهلوی در آمریکایی‌بازی افراط می‌کنند، شما باید به این آمریکایی‌بازی خاتمه بدهی و بعد از یک آن تامل گفتند که من یک دانشگاه ایرانی می‌خواهم.

● منظور از دانشگاه ایرانی چه بود؟

- بعد از قراردادی که بین دانشگاه پهلوی و دانشگاه کندی بسته شد و خیلی هم به توسعه دانشگاه پهلوی در زمان ریاست مرحوم اسدالله علم کمک کرد، یک نوع قیمومیتی دانشگاه کندی بر دانشگاه پهلوی پیدا کرده بود که شاه می‌خواست این موضوع به پایان برسد.

در اسناد سیاسی آمریکا انتشار یافته که سفیر وقت آمریکا در ایران، آقای آرمین می‌یر که اتفاقاً مرد خوبی هم بود و آشنای من هم بود، وقتی من به ریاست دانشگاه پهلوی منصوب شدم رفت نزد شاه و ابراز تعجب کرد که یک فرد تحصیل کرده فرانسه که تا آن زمان هم به آمریکا نرفته به ریاست دانشگاه پهلوی که یک دانشگاه ایرانی - آمریکایی است منصوب شده است. شاه در جواب ایشان گفته بود هیچ نگرانی نداشته باشید ایشان - یعنی من - دستوراتی را که من داده‌ام اجرا خواهد کرد که البته جواب دو پهلویی بود.

به هر حال براساس نخستین گامی که در دانشگاه پهلوی برداشته می‌شد، باید این قیمومیت از بین می‌رفت که از بین رفت و حتی پرونده‌های استادها برای ارتقا به دانشگاه پنسیلوانیا فرستاده می‌شد که این کار بلافاصله قطع شد، اسامی و عناوین استادها و رؤسای مختلف همه به انگلیسی نوشته می‌شد که آن هم متوقف شد و چیزهایی دیگر که فرصت بازگو کردن آن نیست.

مقصودم این است که شاه به دانشگاه پهلوی بسیار علاقمند بود، همیشه از استقلال دانشگاه و آزادی آن حمایت

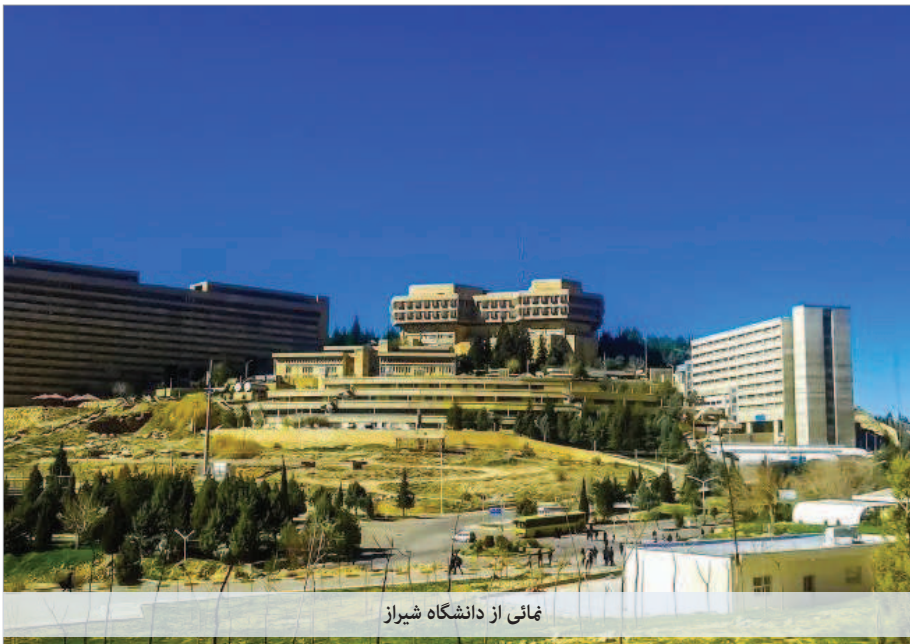
دانشگاه می‌گوید و اینکه در ملاقات‌های خصوصی شاه با رئیس وقت دانشگاههای پهلوی و تهران چه می‌گذشته است. از هوشنگ نهاوندی کتابی به نام «آخرین روزها» منتشر شده که گزارش گونهای از زندگی سیاسی او، مشاهداتش از انقلاب اسلامی و سقوط شاه است.

مثلاً در نمایشگاهی که برای چهار نویسنده‌ای که به زبان عامیانه می‌نوشتند برپا شد، مرحوم علی اکبر دهخدا و مرحوم محمدعلی جمالزاده که در مورد اینها مساله‌ای مطرح نبود اما درباره جلال آل احمد و صمد بهرنگی که دولت و سازمان امنیت شدیداً مخالف بودند، شاه نه تنها از تشکیل این نمایشگاه دفاع کرد که خودش مقابل غرفه‌هایی که مربوط به این دو نویسنده اخیر بود مدتی ایستاد، با کتاب‌هایشان عکس گرفت و این باعث شد خیلی

منصور پیوست و در کابینه او وزیر مسکن و آبادانی شد. پس از قتل منصور، به توصیه امیراسدالله علم نخست وزیر وقت که بعدها وزیر دربار شد به ریاست دانشگاه پهلوی (شیراز فعلی) رسید و سپس رئیس دانشگاه تهران شد. آقای نهاوندی در این گفت و گو از دغدغه‌های شاه درباره

می‌کرد. شاه در زمان ریاست من که سه سال طول کشید چه در مقابل دولت چه مقابل مداخلات سازمان‌های امنیتی که گاهی واقعا اسباب زحمت بود، از دانشگاه حمایت می‌کرد. همیشه هم کمک می‌کرد که بودجه دانشگاه پهلوی بودجه مکفی و رضایت بخشی باشد و به این ترتیب بود که ما موفق شدیم طرح‌های بزرگی از جمله طرح ساخت پردیس دانشگاه را اجرا کنیم.

به هر حال قدمهای بزرگی برای دانشگاه پهلوی برداشته



نمایی از دانشگاه شیراز

از مزاحمت‌هایی که برای خیلی‌ها در ارتباط با این دو نویسنده مطرح بود، برطرف شود.

مورد دیگری که باید ذکر کنم و از موارد سیاسی است اما گفتنش ضرورت دارد، وقتی که مرحوم صدیقی بازنشسته شد، شورای دانشگاه تهران به اتفاق آرا تصمیم گرفت که به ایشان سمت و درجه استادی ممتاز که خیلی برای آن روز دانشگاه مهم بود، اعطا شود. ما شاه را هم مطلع کرده بودیم از این تصمیم. روزی که این موضوع اعلام شد چه سازمان امنیت، چه مرحوم هویدا به نامه‌پراکنی پرداختند که باید جلوی این کار گرفته شود.

من البته به هردو مرجع جواب دادم که این موضوع در اختیارات دانشگاه است، گویا به اعلیحضرت هم هر دو از رفتار دانشگاه شکایت کرده بودند ایشان هم جواب

شد و تا زمان انقلاب هم ادامه داشت و شاید حتی بعد از انقلاب. من از اتفاقات بعد از انقلاب کمتر اطلاع دارم.

فرض من این است که شاه به دانشگاه پهلوی علاقمند بود، از اینکه دانشجویان خارجی در دانشگاه درس می‌خواندند، از اینکه بیمارستان نمازی که در زمان من وابسته به دانشگاه شده بود و بعد هم ادامه پیدا کرد، حتی از آمریکا دانشجویان دوره تخصصی می‌آمدند خیلی اظهار افتخار و رضایت می‌کرد برای ایران. این وضع دقیقاً در دانشگاه تهران باز وقتی که به امر خود ایشان به ریاست دانشگاه منصوب شدم ادامه پیدا کرد. این را به صراحت بگویم، حالا هیچکدام از ما مسؤولیتی نداریم، ایشان هم فوت کرده، شاه همیشه از دانشگاه تهران در مقابل مداخلات مزاحم دولت و شخص نخست وزیر مرحوم هویدا و سازمان امنیت دفاع می‌کرد.

روز این مشکل وجود داشت. من فکر می‌کنم وظیفه من این بود که سدی باشم در برابر بعضی مداخلات و دست کم مداخلاتی که کاملاً ناروا بود.

● در ملاقات‌های مرتبی که بین شما و شاه وجود داشت، بیشتر دغدغه شاه چه بود؟

- مطلقاً ناپسامانی‌های دانشگاه نبود. بحث درباره توسعه ساختمان‌ها و برنامه‌های تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاه بود. ایجاد مراکز جدید هم بود. در زمان ریاست من بر دانشگاه تهران می‌خواستند آرام آرام فضای سیاسی را در ایران هم توسعه بدهند، ایشان با من درباره آن مباحثی که جنبه دانشگاهی صرف نداشت صحبت می‌کرد و سؤالاتی می‌کرد که من جواب می‌دادم.

زمانی به ایشان گزارش داده بودند یا شنیده بود که من در دانشکده حقوق در ضمن تدریس عقاید اقتصادی چندین جلسه درباره مارکسیسم و رژیم‌های مارکسیستی به خصوص به چین کمونیست پرداختم. از من پرسیدند که در این زمینه درس داشتید گفتم بله، بعد از من درباره نظام خدمات بهداشتی و درمانی چین پرسیدند و خیلی مفصل برایشان توضیح دادم و خیلی با دقت گوش کرد و سؤالاتی هم از من کرد. دو سه روز بعد چندین نفری که به حضور ایشان رفته بودند خیلی از اطلاعات شاه درباره خدمات بهداشتی در چین متعجب شده بودند. البته منبع این مطالب را نمی‌گفت و نمی‌بایست بگوید. مقصودم این بود که خیلی وقت‌ها درباره مسائلی که درباره دانشگاه نبود با من صحبت می‌کرد. در مورد مسائل اقتصادی از جمله مسائلی مانند تورم، در دو سال آخر صحبت می‌کردند، گاهی هم از جوابهای من ناراضی بودند ولی به هر حال صحبتها نسبتاً به‌خصوص در اواخر آزادانه انجام می‌گرفت.

● شاه در جوانی در اروپا تحصیل کرده بود و با نظام آموزشی در غرب آشنا بود. شما که از نزدیک درباره مسائل آموزشی و آکادمیک با شاه کار کرده‌اید تأثیری از این تحصیلات را در مواجهه او با مسائل دانشگاه می‌دیدید؟

- ایشان تحصیلات متوسطه خودش را در سوئیس در یک مدرسه اشرافی با فضای بسته انجام داده بود. از این دوره چند چیز در او باقی مانده بود یکی تسلط استثنایی‌اش به زبان فرانسه و تاریخ و ادبیات فرانسه بود.

سیستم آموزشی قدیم سوئیس را می‌شناخت، با نظام جدید دانشگاهی غربی آشنا بود. هرگز ادعای تخصص در مسائل دانشگاهی نمی‌کرد. در رشته‌هایی که خودش علاقه داشت، نظامی، تسلیحاتی و نفت و اوی اطلاعاتش فوق‌العاده بود. تاریخ را خوب می‌دانست، اطلاعات ادبی مختصری در زبان فارسی داشت و روی هم رفته خیلی خوش خط بود. هم خط فارسی و هم خط فرانسه‌اش خیلی خوب بود.

روی هم رفته مرد مطلعی از مسائل دنیا بود و مرد مطلعی درباره مسائل کلی دانشگاهی، اما تخصصی درباره مسائل دانشگاهی از ایشان ندیدم و توقعی هم نبود که داشته باشند.

● در زمانی که پایه‌های سلطنت لرزیده بود و شاه در حال خروج از ایران بود، چقدر دانشگاه را در شکل‌گیری اعتراضات دخیل می‌دید؟

- پس از خروج شاه از ایران من سه بار ساعتهای متعدد با او دیدار کردم. بار اول در قاهره در منزل ایشان، یک بار دیگر باز هم در منزل ایشان در مکزیک و بار آخر که خیلی کوتاه بود چون شاه در بستر مرگ بود. هرگز در این دیدارها به مسائل دانشگاهی اشاره‌ای نکرد و بیشتر به مسائل سیاسی اشاره می‌کرد و از خاطراتش با غم و تأثر از مداخلات سیاستهای غربی در ایران یاد می‌کرد که به حق یا ناحق - به نظر من به حق - آن را در وقوع انقلاب مؤثر می‌دانست.

خیلی خوشحال بود از عظمت و ابهت کتابخانه مرکزی. ایشان دم در کتابخانه از من سؤال کرد که با افتتاح این کتابخانه ما چه مقامی در کتابخانه‌های دانشگاهی مهم دنیا خواهیم داشت. من می‌دانستم اما مسلماً جزو کتابخانه‌های مهم دانشگاهی در دنیا است. آن زمان ما مشترک سه هزار نشریه خارجی بودیم. دهها هزار جلد کتاب داشتیم، که حالا مسلماً بیشتر هم شده و خواهد شد.

همیشه این موضوعات مساله شاه بود و مقایسه می‌کرد ایران را با کشورهای مترقی دنیا.

● آیا برای رشد دانشگاه از خودش تساهل هم نشان می‌داد؟

- آنچه که می‌توانم بگویم این بود که در ۲ سال آخر ریاست من بر دانشگاه تهران، ما تصمیم گرفتیم در انتشارات دانشگاه تهران که جنبه علمی هم داشت تعدادی از کتاب‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بیرون فکر و نظر رسمی منتشر کنیم که اولین آن انتشار ترجمه کتاب بسیار مستند و عمیق و مفصلی درباره کارل مارکس بود که دهها هزار نسخه با حمایت اعلیحضرت منتشر شد و فروش رفت. ترجمه تاریخ عقاید اقتصادی کارل مارکس بود که بر حسب اتفاق دکتر کریم سنجابی انجام داده بود همان شخصی که وزیر دکتر مصدق هم بود. شاه خیلی هم از چاپ این اثر ابراز رضایت کرد. روی هم رفته شاید در دل هم راضی نبود اما این کارها را ضروری می‌دانست و تشویق می‌کرد.

از طرفی گروه بررسی مسائل ایران در یکی دو سال آخر که به ابتکار خود ایشان تشکیل شد و خیلی با احتیاط نقش یک حزب سیاسی مخالف دولت را بازی می‌کرد و هزار نفر از دانشگاهیان، قضات عالی‌رتبه و وکلای دادگستری و بزرگان در آن عضو بودند به شاه گزارش می‌داد.

در خاطرات علم خواندم که شاه از گزارش‌های این گروه ناراحت می‌شد و می‌گفت چطور است آن را منحل کنیم. این را می‌گفت اما هرگز این گروه را منحل نکرد. ایشان تا حدودی نظر غیر موافق دانشگاهیان را قبول می‌کرد و ضروری می‌دانست شاید هم برای حیثیت و آبروی بین‌المللی ایران چنین می‌کرد.

مداخلات امنیتی در دانشگاه

● شاه نگرانی بسیار زیادی از حضور مخالفانش در دانشگاهها داشت. در خاطرات علم هم به وضوح این نگرانی را می‌شود دید. مکالمات شاه و علم درباره وضعیت دانشگاهها و بلند شدن صداهای اعتراض به خصوص از سال ۱۳۵۴ بخش زیادی از دیدارهای روزانه وزیر دربار با شاه را تشکیل می‌داده است. ساواک هم تمرکز زیادی بر دانشگاهها داشته است. چقدر این حضور توانست نگرانی‌های شاه را از دانشگاهها پایان بدهد؟

- درباره حضور امنیتی من باید بگویم که بیش از حضور، مداخلات امنیتی بود. بستگی به روابط شاه و رئیس دانشگاه داشت. من در زمان ریاست بر دانشگاه ارتباط بدون واسطه با شاه داشتم. خیلی از مداخلات انجام می‌شد اما جلوی بسیاری از این مداخلات به دلیل ارتباطی که با شاه داشتم گرفته می‌شد. در دو سال آخر ریاست من بر دانشگاه تهران که بنا بر دلایل سیاسی، نخست وزیران وقت یعنی مرحوم هویدا و سپس جمشید آموزگار رئیس هیات امنای دانشگاه نبودند، این سمت به دکتر اقبال تفویض شد. او یک دانشگاهی واقعی بود و خودش زمانی رئیس دانشگاه بود لذا این مداخلات باز هم کمتر شد چرا که او سدی شد در برابر مداخلات نیروهای امنیتی.

شاید در دیگر دانشگاهها این مداخلات جنبه سنگین‌تری داشت، خیلی مواقع به کلی بیجا بود خیلی وقت‌ها انطباق با روحیات دانشگاهی نداشت ولی به هر حال در جو آن

داده بودند این کار مربوط به من نیست و با رئیس دانشگاه مذاکره کنید. البته ایشان از نظر رئیس دانشگاه مطلع بودند. وقتی که قرار شد مراسم اعطای استادی ممتاز از وسایل ارتباط جمعی آن زمان مستقیم به طور زنده پخش بشود باز هم مخالفت‌ها شروع شد اما شاه حمایت کرد و بعداً به من گفتند من صحبت دوست شما را - اشاره به دکتر صدیقی بود می‌گفت دوست شما که در ضمن کنایه‌ای هم در آن بود - شنیدم خیلی خوب صحبت کرد و من هم بعداً به خود دکتر صدیقی این را گفتم و این یک نوع التفاتی بین این دو شخص برقرار کرد.

می‌دانید که در روزهای آخر اعلیحضرت از دکتر صدیقی خواستند که ریاست دولت را به عهده بگیرد و تنها شرط دکتر صدیقی این بود که شاه از تهران برود ولی از ایران نرود به علت این که ارتش مضمحل نشود اما متأسفانه شاه تحت تأثیر انگلیس و آمریکا و فرانسه این نظر را قبول نکرد و شد آنچه که نمی‌بایست می‌شد.

توفیقات دانشگاه همیشه او را مثل یک پدری که از موفقیت فرزندش خوشحال می‌شود، خوشحال می‌کرد. شاه به دانشگاهها علاقه داشت لاف دو مورد دانشگاه تهران و دانشگاه پهلوی را من شخصا می‌توانم شهادت بدهم. البته در این حمایت دائمی یک جنبه سیاسی وجود داشت یعنی می‌خواست که این هم یکی از جلوه‌های ترقی و انبساط ایران در دنیا و در میان ایرانیان تلقی بشود.

گاهی ایشان از تظاهرات دانشجویان ابراز ناراحتی می‌کرد ولی همیشه متوجه بود این دانشجویانی که تظاهرات می‌کنند اقلیت کوچکی هستند و مثل پدری از فرزندان گلّه مند می‌شد که چرا از مطابق میلش رفتار نمی‌کنند. اما همیشه معتقد بود از سخت‌گیری زیاد باید اجتناب کرد. وقتی ما بسیاری از مقامها را در دانشگاه تهران انتخابی کردیم که تا آن زمان انتصابی بود، باز هم دولت و نهادهای امنیتی دخالت کردند و حمایت شاه بود که به این اصلاح عمده جامه عمل پوشاند.

● ظاهراً در دوره‌ای هم رئیس ساواک می‌خواسته در غیبت شاه شما را وادار به استعفا از دانشگاه تهران کند.

- بله، این داستانی است که واقعیت دارد. باید مکاتباتش در دانشگاه تهران موجود باشد. در اسناد دفتر مخصوص که حتما هست اما متأسفانه اسناد دفتر مخصوص از ایران خارج شده و کسی دسترسی به آن ندارد.

بعد از حملاتی که جرایم به خصوص نشریه ایران نوین به من و سایر رؤسای دانشگاهها کردند، موقعی که اعلیحضرت در سن‌موریس بودند تلفنی مرحوم ارتشبد نصیری رئیس ساواک به من کرد - با احتمال قریب به یقین به دستور هویدا - با لحن خشم‌آلودی به من گفت که شما تکلیف خودتان را می‌دانید و باید از ریاست دانشگاه استعفا بدهید. من به ایشان گفتم به دستور شاه اینجا آمدم و فقط به دستور اعلیحضرت از اینجا خواهم رفت - البته آن موقع می‌گفتم اعلیحضرت - و شما هم کسی نیستید که بتوانید چنین دستوری به من بدهید.

تلگراف رمزی هم به وسیله آقای معینیان رئیس دفتر مخصوص شاه برای ایشان فرستادم و سه روز بعد از ایشان جواب رسید که به این حرفها اعتنا نکنند. حمایت اعلیحضرت را از دانشگاه تهران فراموش نمی‌کنم.

● دانشگاه مطلوب از نظر شاه چه دانشگاهی بود؟

- بگذارید خاطره‌ای برایتان تعریف کنم. برای افتتاح کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که ساختمان آن در زمان جهانشاه صالح ساخته شده بود و در زمان من به پایان رسید و دکتر ایرج افشار زحماتی بسیاری کشید که آن را در رده کتابخانه‌های بین‌المللی قرار دهد، شاه به دانشگاه آمد و

چه کسی مذاکرات را تخریب می‌کند؟ اسرائیل، دولت ترامپ یا پیشینه‌ی جمهوری اسلامی؟!



عباس عراقچی، وزیر خارجه نیز گفت: «موضع ایران کاملاً روشن است: غنی‌سازی چه با توافق و چه بدون توافق ادامه خواهد یافت. اما اگر طرف‌های مقابل شفافیت در برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران می‌خواهند، باید تحریم‌ها را بردارند. اگر مطالباتی فراتر از آن دارند و می‌خواهند ما را از حقوق‌مان محروم کنند، جایی برای پذیرش نیست.»

در آغاز، دو جریان در دولت ترامپ نسبت به پرونده اتمی ایران وجود داشتند: یکی طرفدار راه حل مسالمت‌آمیز و توافق با تهران و دیگری حامی گزینه‌ی نظامی. در حالی که قبلاً ویتکاف از غنی‌سازی ۳/۶۷ درصد سخن می‌گفت، اکنون او و مارکو رابوئو وزیر امور خارجه آمریکا بر غنی‌سازی صفر پافشاری می‌کنند.

موضوع غنی‌سازی صفر پس از آن مورد تأکید قرار گرفت که اسرائیل بر «مدل لیبی» یعنی برچیدن کامل برنامه هسته‌ای در ایران اصرار کرد. برخی از رسانه‌های آمریکایی نیز توافق جدید احتمالی که غنی‌سازی اورانیوم در ایران را برنچیند، بی‌ارزش دانسته و آن را مانند توافق سال ۲۰۱۵ توصیف کرده‌اند. از همین رو، مذاکره‌کننده آمریکایی از غنی‌سازی صفر سخن گفت تا تفاوت توافق دولت ترامپ با توافق اوباما را نشان دهد.

شاید رسانه‌های نزدیک به اسرائیل در آمریکا این خط خری را تقویت کرده‌اند تا ترامپ را ترغیب کنند که چیزی متفاوت از اوباما یا بایدن می‌بایست انجام دهد.

یکی از نشانه‌های نقش اسرائیل در پرونده هسته‌ای ایران گرچه آشکارا حضور ندارد، این است که از جمله دلایل برکناری مایک والتز از مقام مشاور امنیت ملی آمریکا، هماهنگی بیشتر او با نتانیاهو نسبت به ترامپ در موضوع ایران بود. پیچیده شدن روند مذاکرات نیز احتمالاً

اثر گذاشته؟ و یا اینکه پای اسرائیل در میان است؟ می‌توان گفت که دلیل عدم موفقیت مذاکرات تا این لحظه، ترکیبی از هر سه عامل است. رژیم ایران سابقه‌ای دارد که آن را از چشم‌پوشی بر غنی‌سازی و پذیرش واردات اورانیوم غنی‌شده از خارج بازمی‌دارد. همچنین دخالت غیرمستقیم اسرائیل، دولت ترامپ را وادار کرده سطح شروط خود را از غنی‌سازی ۳/۷۶ درصد به غنی‌سازی صفر افزایش دهد، در حالی که قبلاً هدف‌اش جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای بود.

پیش از آغاز دور پنجم گفتگوها، دو طرف به بیان مواضع خود درباره غنی‌سازی پرداخته بودند. رژیم ایران ادعا می‌کند که آمریکا در مواضع خود تغییر داده و خواسته‌هایی را مطرح می‌کند که در دوره‌های پیشین مطرح نبوده‌اند. واشنگتن اکنون از «غنی‌سازی صفر» سخن می‌گوید؛ چیزی که تهران هرگز آن را نمی‌پذیرد. از رهبر حکومت گرفته تا مجلس خبرگان، وزیر امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی، همگی تأکید کرده‌اند که غنی‌سازی اورانیوم حقی برای همه‌ی کشورها، دستاوردی ملی و حقی برای نسل‌های آینده است.

جمهوری اسلامی اکنون اظهارات استیو ویتکاف فرستاده ویژه آمریکا را رد می‌کند؛ کسی که گفته: «ما خط قرمزى بسیار روشن داریم و آن، غنی‌سازی است. حتی با یک درصد هم نمی‌توانیم موافقت کنیم.» اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد که دولت ایران با پیشنهاد عمان برای برگزاری دور بعدی مذاکرات در رم موافقت کرده است. او افزود: «تیم مذاکره‌کننده مصمم است در راستای بهره‌مندی از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، از جمله غنی‌سازی و لغو تحریم‌های «ظالمانه»، هیچ تلاشی را فروگذار نکند.»

● موضوع غنی‌سازی صفر پس از آن مورد تأکید قرار گرفت که اسرائیل بر «مدل لیبی» یعنی برچیدن کامل برنامه هسته‌ای در ایران اصرار کرد. برخی از رسانه‌های آمریکایی نیز توافق جدید احتمالی که غنی‌سازی اورانیوم در ایران را برنچیند، بی‌ارزش دانسته و آن را مانند توافق سال ۲۰۱۵ توصیف کرده‌اند. از همین رو، مذاکره‌کننده آمریکایی از غنی‌سازی صفر سخن گفت تا تفاوت توافق دولت ترامپ با توافق اوباما را نشان دهد.

● تمایل ترامپ به برجسته ساختن دستاوردهایش نسبت به دولت‌های اوباما و بایدن، باعث شد بر شرط «غنی‌سازی صفر» اصرار ورزد، که اکنون نقطه‌ی اصلی اختلاف در مسیر دستیابی به توافق احتمالی با رژیم ایران است.

● چیزی که کشورهای منطقه باید بیش از پیش نسبت به آن آگاه باشند این است که، جدا از آمریکا، بدانند خودشان از ایران چه می‌خواهند.

هدی رؤوف (این‌دیندنت عربی) - سایه‌ای از شک و تردید و اظهارات متقابل میان تهران و واشنگتن، فضای پرتنش را بر دور پنجم گفتگوها حاکم و این پرسش را مطرح کرد که آیا اصلاً می‌توان به توافق هسته‌ای دست یافت یا نه. این اظهارات عمده‌تاً حول شرط آمریکا برای «غنی‌سازی صفر» می‌گردد، در حالی که رژیم ایران آن را خط قرمز و دستاوردی می‌داند که قابل چشم‌پوشی نیست. آیا مذاکرات به نقطه‌ی اختلاف اساسی رسیده؟ به‌ویژه آنکه جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده در صورت پافشاری آمریکا بر غنی‌سازی صفر، توافقی در کار نخواهد بود.

اما آیا دلیل این اختلاف، ناکارآمدی دولت دونالد ترامپ است؟ یا عملکرد و سابقه‌ی رژیم ایران است که بر گفتگوها

اسرائیل در آستانه حمله به تأسیسات اتمی در ایران: عبور از مرحله هشدار به مرحله اقدام



نمایش اقتدار در تهران پس از حمله موشکی جمهوری اسلامی به اسرائیل / ۱۵ آوریل ۲۰۲۴ / رویترز

فشارها، بخشی از ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را به سایت‌های اعلام‌نشده منتقل خواهد کرد.

در اسرائیل نیز مقامات ارشد از جمله وزیر دفاع، مدیر موساد و وزیر امور استراتژیک طی روزهای اخیر مواضعی کم‌سابقه و هشدارآمیز اتخاذ کرده‌اند. وزیر دفاع اسرائیل ایران را «در آسیب‌پذیرترین وضعیت ممکن» توصیف کرده و مقامات اطلاعاتی این کشور هشدار داده‌اند که «فرصت اقدام» ممکن است کوتاه باشد.

در همین حال، تحلیلگران معتقدند اسرائیل طی هفته‌های اخیر با وارد آوردن ضرباتی به نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران از جمله حماس و حزب‌الله، توان تلافی سریع این گروه‌ها را کاهش داده است؛ عاملی که ممکن است در تصمیم‌گیری نظامی اسرائیل برای تمرکز مستقیم بر تأسیسات هسته‌ای تأثیرگذار بوده باشد.

در صورت آغاز عملیات، اهداف احتمالی شامل مجتمع غنی‌سازی نطنز، تأسیسات فردو، مرکز تبدیل اورانیوم در اصفهان، و سایت‌های مشکوک به فعالیت‌های تسلیحاتی خواهد بود. کارشناسان نظامی پیش‌بینی می‌کنند چنین عملیاتی احتمالاً طی چند روز و در قالب چند مرحله حمله طراحی شده باشد.

در مجموع، با توجه به همزمانی افزایش آمادگی نظامی اسرائیل، توقف روند دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن، تهدیدات متقابل، و ارزیابی‌های همسو از سوی نهادهای اطلاعاتی غربی، احتمال اقدام نظامی اسرائیل علیه زیرساخت‌های هسته‌ای در ایران در آینده بسیار نزدیک، بالا ارزیابی می‌شود.

*منبع: وبسایت «فوروم خاورمیانه»

*ترجمه و تنظیم: دیوید اعتباری

● منابع غربی می‌گویند اختلافات بر سر ادامه‌ی غنی‌سازی در داخل ایران و مخالفت تهران با نظارت‌های گسترده‌تر، روند دیپلماتیک را به بن‌بست کشانده است. همزمان جمهوری اسلامی تهدید کرده در صورت تشدید فشارها، بخشی از ذخایر اورانیوم غنی‌شده‌ی خود را به سایت‌های اعلام‌نشده منتقل خواهد کرد.

● در صورت آغاز عملیات، اهداف احتمالی شامل مجتمع غنی‌سازی نطنز، تأسیسات فردو، مرکز تبدیل اورانیوم در اصفهان، و سایت‌های مشکوک به فعالیت‌های تسلیحاتی خواهد بود. کارشناسان نظامی پیش‌بینی می‌کنند چنین عملیاتی احتمالاً طی چند روز و در قالب چند مرحله حمله طراحی شده باشد.

● با توجه به همزمانی افزایش آمادگی نظامی اسرائیل، توقف روند دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن، تهدیدات متقابل، و ارزیابی‌های همسو از سوی نهادهای اطلاعاتی غربی، احتمال اقدام نظامی اسرائیل علیه زیرساخت‌های هسته‌ای در ایران در آینده بسیار نزدیک، بالا ارزیابی می‌شود.

بر اساس مجموعه‌ای از تحرکات نظامی، بیانه‌های رسمی و ارزیابی‌های اطلاعاتی منتشرشده در هفته‌های اخیر، تحلیلگران امنیتی و دیپلماتیک غربی معتقدند که اسرائیل ممکن است ظرف روزهای آینده عملیات نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی را در ایران آغاز کند.

یکی از منابع این ارزیابی، گزارشی است با عنوان «روزها، نه هفته‌ها: حمله‌ی نزدیک اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران» که در تاریخ ۲۴ مه ۲۰۲۵ از سوی اندیشکده‌ی «فوروم خاورمیانه» (Middle East Forum) منتشر شده است. این گزارش با استناد به مجموعه‌ای از تحرکات میدانی، ارتباطات شنودشده و تحلیل‌های اطلاعاتی، از افزایش محسوس آمادگی اسرائیل برای آغاز عملیاتی نظامی خبر می‌دهد. از جمله مواردی که در این گزارش آمده، انتقال مهمات تخصصی از جمله بمب‌های سنگرشکن به پایگاه‌های جنوبی، پایان رزمایش‌های شبیه‌سازی حمله به اهداف استراتژیک در عمق خاک ایران، و ارتقای سطح آماده‌باش برخی پایگاه‌های کلیدی است که همگی نشانه‌هایی به شمار می‌روند که به گفته‌ی ناظران، حاکی از عبور از مرحله هشدار به مرحله اقدام هستند.

به نوشته‌ی همین گزارش، نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده نیز با تحلیل این شواهد به این نتیجه رسیده‌اند که تحرکات اسرائیل بیش از آنکه در راستای اعمال فشار سیاسی یا بازدارندگی باشد، نشان‌دهنده‌ی آمادگی واقعی برای اقدام عملی است.

شکست دور پنجم مذاکرات هسته‌ای میان آمریکا و ایران در رم نیز یکی از دلایل تسریع در محاسبات اسرائیل ارزیابی شده است. منابع غربی می‌گویند اختلافات بر سر ادامه‌ی غنی‌سازی در داخل ایران و مخالفت تهران با نظارت‌های گسترده‌تر، روند دیپلماتیک را به بن‌بست کشانده است. همزمان جمهوری اسلامی تهدید کرده در صورت تشدید

بخشی از تفاهم بین والتز و نتانیاهو بود. برخی معتقدند ترامپ با برکناری والتز می‌خواست به نتانیاهو پیام دهد که چک سفید به او می‌دهد. با این حال، تمایل ترامپ به برجسته ساختن دستاوردهایش نسبت به دولت‌های اوباما و بایدن، باعث شد بر شرط «غنی‌سازی صفر» اصرار ورزد، که اکنون نقطه‌ی اصلی اختلاف در مسیر دستیابی به توافق احتمالی با رژیم ایران است.

نکته قابل توجه، گزارشی است که شبکه CNN به نقل از منابع اطلاعاتی آمریکا منتشر کرده و می‌گوید اسرائیل طرحی آماده برای حمله به تأسیسات ایران در صورت عدم توافق بر سر توقف غنی‌سازی دارد. این موضوع بیشتر نوعی جنگ روانی برای فشار بر رژیم ایران به نظر می‌رسد.

اما همه‌ی این موارد، از گزارش CNN گرفته تا موضع متزلزل آمریکا و نقش اسرائیل یک عامل مهم در مواجهه با ذهنیت ایرانی را نادیده گرفته‌اند: تجربه‌ی تاریخی. ایران کشوری است که بخش عمده‌ای از رفتارهایش را گذشته‌ی تاریخی‌اش شکل می‌دهد.

ایران برای نخستین بار پیش از امضای قرارداد ساخت نیروگاه بوشهر جهت تولید برق در زمان شاه در سال ۱۹۷۴ وارد فرآیند تولید سوخت هسته‌ای در اروپا شد. آن زمان یک شرکت مشترک فرانسوی- ایرانی برای غنی‌سازی اورانیوم (SOFIDIF) تأسیس شد و ایران به اتحادیه‌ی «یورودیف» پیوست و ۱۰ درصد از سهام آن را در اختیار گرفت. کشورهای بلژیک، فرانسه، ایران، ایتالیا و اسپانیا در این پروژه سهیم بودند و ایران ۱/۱۸ میلیارد دلار برای توسعه آن سرمایه‌گذاری کرد. اما همزمان با آغاز به کار این مرکز در فرانسه، انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ در ایران رخ داد و سوخت هسته‌ای به ایران منتقل نشد. فرانسه نیز اعلام کرد که قرارداد با ایران در سال ۱۹۹۰ پایان یافته و دیگر موظف به تحویل اورانیوم غنی‌شده نیست.

علت اصرار رژیم ایران بر مخالفت با غنی‌سازی صفر و واردات اورانیوم از اینجا روشن می‌شود. گفته می‌شود جمهوری اسلامی حتا پیشنهاد تشکیل یک کنسرسیوم منطقه‌ای را برای غنی‌سازی در خاک ایران مطرح کرده است. به نظر می‌رسد اگر دولت آمریکا درک دقیقی از این موضوع می‌داشت، مارکو روبیو در جلسه کنگره می‌گفت که «ایران می‌تواند اورانیوم غنی‌شده را برای نیروگاه‌هایش جهت مصارف صلح‌آمیز از کشورهای دیگر وارد کند». این نوسان در موضع واشنگتن که احتمالاً تحت تأثیر اسرائیل قرار دارد، گفتگوها را به نقطه‌ی اختلاف اصلی کشانده است. اگر دولت ترامپ در این نقطه عقب‌نشینی کند، به فهرست طولانی ناکامی‌های خود از زمان ورود دوباره به کاخ سفید خواهد افزود؛ چه در پرونده چین و تعرفه‌های گمرکی و چه در جنگ اوکراین و حالا پرونده اتمی جمهوری اسلامی.

شاید بتوان از زاویه‌ی دیگر گفت که دولت‌های پیاپی آمریکا از سال ۱۹۷۹ تا کنون هیچ دیدگاه مشخصی در قبال ایران در خاورمیانه نداشته‌اند؛ بنابراین چیزی که کشورهای منطقه باید بیش از پیش نسبت به آن آگاه باشند این است که بداند خودشان از ایران چه می‌خواهند.

*منبع: ایندپندنت عربی

*نویسنده: هدی رؤوف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

با «یک تصادف ساده» نخل طلائی به جعفر پناهی و سینمای مستقل ایران رسید



ژولیت بینوش، جعفر پناهی، کیت بلانشت / هفتاد و هشتمین فستیوال فیلم کن / فرانسه / ۲۴ مه ۲۰۲۵ / رویترز

تمام گروه‌ها با هر عقیده و مرام در کشور و خارج از کشور، تمام ایرانیان که برای آزادی و رسیدن به مقام انسانی و برای رسیدن به دموکراسی تلاش می‌کنند، یک خواهش دارم. تمام اختلافات را کنار بگذارید. الان مهم کشور ماست، یکپارچگی کشور ماست. به امید اینکه هر چه زودتر به آزادی برسیم. برسیم به جایی که دیگر کسی به ما نگوید چه بپوش و چه نپوش، چه بکن و چه نکن. و در سینما که عشق ماست، کسی به ما نگوید چه بساز و چه نساز. به امید آن روز.

جعفر پناهی می‌گوید طرح این فیلم در ماه‌هایی که در دوران جنبش سبز در زندان گذرانده بود در ذهن او شکل گرفت. وی در سال ۱۳۸۸ به ۱۵ سال ممنوعیت از فعالیت‌های سینمایی و ۲۰ سال ممنوعیت سفر به خارج و گفتگو با رسانه‌ها محکوم شده بود. جعفر پناهی برای بار دوم در تیر ماه ۱۴۰۱ هنگام مراجعه به دادسرای اوین برای پیگیری بازداشت و وضعیت دو کارگردان دیگر، محمد رسولاف و مصطفی آلاحمد، بازداشت شده بود. او گفته است که بلافاصله پس از پایان این جشنواره به ایران باز خواهد گشت، اگرچه امکان دارد به محض ورود برای بار سوم بازداشت شود.

«یک تصادف ساده» داستان مردی به نام وحید (با بازی وحید مبصری) را روایت می‌کند که فردی با پای مصنوعی را می‌رباید با این تصور که همان کسی است که در زندان شکنجه‌اش داده و زندگی‌اش را نابود کرده است. وحید در تلاش است با تأیید دیگر زندانیان سابق، مطمئن شود که این همان شکنجه‌گر است تا بعد تصمیم بگیرد که با او چه کند. هنگامی که جعفر پناهی پس از دریافت نخل طلائی صحبت می‌کرد، بازیگران زن فیلم کنارش ایستاده بودند و اشک می‌ریختند، بازیگرانی که بدون حجاب اجباری و بطور زیرزمینی با او همکاری کرده بودند. جعفر پناهی در گفتگویی در کن گفته بود به هیچکدام از بازیگران این فیلم نگفته با یا بدون حجاب در مقابل دوربین قرار بگیرند.

در ۱۵ سال گذشته این کارگردان که جوایز بسیاری را

جعفر پناهی در جریان اولین اکران «یک تصادف ساده» این فیلم را، در حالی که صدایش می‌لرزید، به کارگردانان ممنوع از کار در ایران به ویژه زنان فیلمساز و بازیگری تقدیم کرد که از جنبش‌های اعتراضی در دفاع از حقوق زنان حمایت کرده‌اند. او در صحبت‌های کوتاهش در جریان اکران فیلم گفته بود: «درست است من اینجام، اما بسیاری از سینماگران و بازیگران بزرگ ممنوع‌الکارند، به خصوص زنانی که در جنبش مهسا همراه مردم ایران بودند. غم‌ناک‌ترین امشب را به آنها و تمام هنرمندانی تقدیم می‌کنم که ناخواسته از ایران تبعید شدند و اکنون در سراسر جهان حضور دارند و می‌توانند خیلی بهتر از من فیلم بسازند.»

جعفر پناهی پس از دریافت نخل طلائی نیز گفت: «من از

● «یک تصادف ساده» آخرین فیلم جعفر پناهی نخل طلای هفتاد و هشتمین جشنواره سینمایی کن را به دست آورد. کیت بلانشت بازیگر و تهیه‌کننده سرشناس استرالیایی و ژولیت بینوش هنرمند مشهور فرانسوی و مدیر هیئت داوران، این جایزه را به این کارگردان اهدا کردند.

● جعفر پناهی در جریان اولین اکران «یک تصادف ساده» این فیلم را به کارگردانان ممنوع از کار در ایران به ویژه زنان فیلمساز و بازیگری تقدیم کرد که از جنبش‌های اعتراضی در دفاع از حقوق زنان حمایت کرده‌اند.

● پناهی پس از دریافت نخل طلائی گفت: «من از تمام گروه‌ها با هر عقیده و مرام در کشور و خارج از کشور، تمام ایرانیان که برای آزادی و رسیدن به مقام انسانی و برای رسیدن به دموکراسی تلاش می‌کنند، یک خواهش دارم. تمام اختلافات را کنار بگذارید. الان مهم کشور ماست، یکپارچگی کشور ماست و به امید اینکه هرچه زودتر برسیم به آزادی.»

احمد رأفت - «یک تصادف ساده» آخرین فیلم جعفر پناهی کارگردان سرشناس ایرانی نخل طلای هفتاد و هشتمین جشنواره سینمایی کن را برای وی به ارمغان آورد. روز شنبه سوم خرداد در مراسم پایانی این جشنواره، کیت بلانشت بازیگر و تهیه‌کننده سرشناس استرالیایی و ژولیت بینوش هنرمند مشهور فرانسوی و مدیر هیئت داوران، این جایزه را به جعفر پناهی اهدا کردند. این فیلم بلافاصله پس از اولین اکران، توسط بسیاری از منتقدین به عنوان یکی از کاندیداهای جدی دریافت نخل طلائی معرفی شده بود. شخص جعفر پناهی دو روز قبل از پایان جشنواره گفته بود از او خواسته‌اند در کن بماند. در جشنواره‌ها از سینماگرانی که می‌توانند در مراسم پایانی جایزه‌ای دریافت کنند می‌خواهند که به کشور خود باز نگردند. در جریان فرش قرمز اولین اکران فیلم، به خواست این کارگردان ترانه «نقطه کور» توماج صالحی پخش شد.



صحنه‌ای از فیلم «یک تصادف ساده»

رژیم ایران و شروط سنگین و «وحشتناک» آمریکا؟!

اشتباه است اگر کسی گمان کند که جنگ آغاز نشده. هرچند ترامپ بگوید راه حل دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد، اما اسرائیلی‌ها سال‌هاست جنگ خود علیه تهران را آغاز کرده‌اند، همچون خود ترامپ که در دوره اول ریاست جمهوری‌اش فرمان کشتن قاسم سلیمانی را صادر کرد. امروز تهران با واشنگتن مذاکره می‌کند، در حالی که ترامپ در تلاش است نتانیاهو را از یک جنگ بازدارد. مهم نیست که آیا میان ترامپ و نتانیاهو اختلاف وجود دارد یا اینکه

● گفته استیو ویتکاف فرستاده آمریکا که می‌گوید آمریکا خط قرمزی دارد و «حتی یک درصد غنی‌سازی را نیز نمی‌پذیرد، چون غنی‌سازی توان دستیابی به سلاح هسته‌ای را می‌دهد و ما اجازه نمی‌دهیم مپی به اینجا برسد» نه «باوه» و «غلط زیادی» است و نه «وحشتناک»!
● آنچه واقعاً «وحشتناک» است، جنگ‌ها و پیامدهای آن‌ها هستند و نه توقف غنی‌سازی اورانیوم و برچیدن تأسیسات آن!



این خبر مربوط به تقسیم نقش در قبال تهران است، بلکه اگر هم اختلاف واقعی بین واشنگتن و تل‌آویو وجود داشته باشد، اظهارات علی خامنه‌ای می‌تواند این شکاف را پر کرده و ترامپ را به نتانیاهو نزدیکتر کند.

من معتقدم که جنگ میان رژیم ایران و اسرائیل واقعاً آغاز شده، آنهم به شکل غیرسنتی. اسرائیل که بازوهای نیابتی رژیم ایران را در منطقه، از لبنان تا غزه در هم شکسته، سقوط بشار اسد را تسهیل کرد و از سوی دیگر با ضربات متوالی به حوثی‌ها آنها را با سرنوشت اجتناب‌ناپذیر خود روبرو کرده است. امروز تهران با واشنگتن مذاکره می‌کند، بی‌آنکه بازوهای مسلحی در منطقه داشته باشد که بتواند تهدیدی واقعی برای آمریکا یا اسرائیل باشند. آنچه از شبه‌نظامیان در عراق باقی مانده، حال و روز بهتری از «حزب‌الله» ندارد، و در بغداد نیز مخالفت واقعی با کشاندن عراق به درگیری‌های مسلحانه وجود دارد.

بنابراین، وحشتناک بودن ماجرا، آنطور که علی خامنه‌ای می‌گوید، در توقف غنی‌سازی اورانیوم و برچیدن تأسیسات آن نیست بلکه در دادن پنهان به نتانیاهو برای آغاز جنگ است. وحشتناک، از دست دادن فرصت برای مذاکرات جدی است. وحشتناک برای رژیم ایران این است که فرصت را از دست بدهد بی‌آنکه از تجربه‌های گذشته در منطقه درس گرفته باشد؛ از جمله لجاجت صدام حسین، و سرسختی‌هایی که منجر به هدر رفتن میلیاردها دلار توسط تهران برای حفظ رژیم بشار اسد و شبه‌نظامیان «حزب‌الله» و دیگران شد؛ رقمی که فراتر از سرمایه‌گذاری صلح‌آمیز کشورهای عربی خلیج فارس است. این واقعاً وحشتناک است، نه صلح و پرهیز از جنگ!

*منبع: الشرق الاوسط

*نویسنده: طارق الحمید

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● امروز تهران با واشنگتن مذاکره می‌کند، بی‌آنکه بازوهای مسلحی در منطقه داشته باشد که بتواند تهدیدی واقعی برای آمریکا یا اسرائیل باشند. آنچه از شبه‌نظامیان در عراق باقی مانده، حال و روز بهتری از «حزب‌الله» ندارد، و در بغداد نیز مخالفت واقعی با کشاندن عراق به درگیری‌های مسلحانه وجود دارد.

طارق الحمید (الشرق الاوسط) - علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران می‌گوید خواسته‌های آمریکا مبنی بر اینکه تهران باید از غنی‌سازی اورانیوم دست بردارد، «باوه‌گویی» و «غلط زیادی» است. او همچنین گفته است: «گمان نمی‌کنم مذاکرات به نتیجه‌ای برسد؛ نمی‌دانیم چه خواهد شد.» رهبر رژیم ایران از واشنگتن خواسته که از مطرح کردن این خواسته‌ها در مذاکرات دست بردارد. این در حالیست که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داده است که اگر جمهوری اسلامی سریع عمل نکند «اتفاق بدی برایش خواهد افتاد.»

اما آیا شروط آمریکا «باوه» و «غلط زیادی» و «وحشتناک» هستند؟ آنهم در حالی که آنچه واقعاً «وحشتناک» است، جنگ‌ها و پیامدهای آن‌ها هستند و نه توقف غنی‌سازی اورانیوم! گفته استیو ویتکاف فرستاده آمریکا که می‌گوید آمریکا خط قرمزی دارد و «حتی یک درصد غنی‌سازی را نیز نمی‌پذیرد، چون غنی‌سازی توان دستیابی به سلاح هسته‌ای را می‌دهد و ما اجازه نمی‌دهیم مپی به اینجا برسد» نه «باوه» و «غلط زیادی» است و نه «وحشتناک»!

وحشت واقعی در از دست دادن فرصتی برای مذاکره است؛ فرصتی که می‌تواند ایران و منطقه را از جنگی واقعی، نه لزوماً کلاسیک و سنتی آنطور که برخی در تهران تصور می‌کنند، بلکه از جنگی ویرانگر که عملاً آغاز شده، نجات دهد.

➔ از ده‌ها جشنواره از جمله کن، برلین و ونیز دریافت کرده ولی نتوانسته بود به دلیل ممنوعیت خروج از کشور در ایران فیلم‌هایش در هیچ جشنواره‌ای حضور پیدا کند، آخرین بار در سال ۲۰۰۳ میلادی با «طلای سرخ» در کن حضور یافته بود. جعفر پناهی بعد از عباس کیارستمی (که در سال ۱۹۹۷ میلادی با «طعم گیلان» نخل طلایی را دریافت کرد) دومین سینماگر ایرانی است که موفق شده مهم‌ترین جایزه جشنواره کن را دریافت کند. جعفر پناهی تنها کارگردان ایرانی است که در کارنامه خود شیر طلایی ونیز را نیز دارد که در سال ۲۰۰۰ میلادی با فیلم «دایره» دریافت کرد.

در بخش رقابتی هفتاد و هشتمین جشنواره کن، فیلم یک سینماگر دیگر نیز از ایران حضور داشت که سینمای رسمی و با مجوز جمهوری اسلامی را نمایندگی می‌کرد. در «زن و بچه» از سعید روستائی زنان با حجاب در مقابل دوربین قرار گرفتند. فیلمی که با مجوز رسمی وزارت ارشاد اسلامی ساخته شده است. تهیه‌کننده این فیلم جمال ساداتیان است که بسیاری او را نماینده رژیم در سینما می‌دانند. سعید روستائی با فیلم قبلی‌اش «برادران لیلا» که بدون مجوز ساخته شده بود به همین جشنواره آمده بود. البته سعید روستائی برای حضور قبلی‌اش در جشنواره کن، پس از بازگشت به ایران به ۶ ماه حبس محکوم شد. بسیاری از سینماگران ایرانی در داخل و خارج کشور سعید روستائی را متهم می‌کنند که با حجاب بر سر زنان گذاشتن در فیلم خود به رژیم باج داده است.

همچنین سینماگران مستقل، پذیرفته شدن فیلم سعید روستائی در جشنواره کن را نشانه بازگشت جمهوری اسلامی به جشنواره‌های بین‌المللی می‌دانند. پس از خیزش «زن، زندگی، آزادی» جشنواره‌های مهم بین‌المللی درهای خود را به سینمای رسمی جمهوری اسلامی بسته بودند. جعفر پناهی نیز در اشاره به این فیلم می‌گوید: «اینهمه سال مبارزه نکردیم که باز تن به سانسور بدهیم.» علی احمدزاده که با فیلم «منطقه بحرانی» توانست جایزه اصلی جشنواره لوکارنو را به دست آورد نیز می‌گوید: «جشنواره کن با پذیرفتن فیلم سعید روستائی تصویر رسمی جمهوری اسلامی را عادی‌سازی می‌کند. تصویری که در آن مثلاً زنان حتی در خانه هم حجاب دارند و این خیانت به کسانی است که برای سینمایی آزاد می‌جنگند.» سعید روستائی در توجیه تصمیم‌اش برای ساختن فیلمی با سرمایه دولتی و رعایت محدودیت‌های جمهوری اسلامی می‌گوید: «برای من بسیار مهم است که فیلم‌هایم توسط مردم کشور دیده شوند.»

جعفر پناهی در کن به فشارهایی که پس از گزینش «یک تصادف ساده» از سوی جشنواره کن بر او و همکارانش وارد شده نیز اشاره کرد. حدیث پاک‌باطن یکی از بازیگران این فیلم می‌گوید پس از انتشار خبر گزینش «یک تصادف ساده» مورد بازجوئی قرار گرفته است. وی این تجربه را «ترسناک» خواند. در جریان فیلمبرداری نیز به گفته جعفر پناهی ۱۵ مامور به یکی از لوکیشن‌ها حمله کردند و چندین ساعت به دنبال فیلم‌های ضبط شده گشتند که خوشبختانه ما آنها را پنهان کرده بودیم و دست خالی محل را ترک کردند.»

در حاشیه جشنواره، کیت بلانشت هنرپیشه و تهیه‌کننده استرالیایی که نخل طلایی را به جعفر پناهی داد اعلام کرد که در همکاری با جشنواره روتردام، بنیادی را برای حمایت از سینماگرانی که مجبور به ترک کشور خود شده‌اند تأسیس کرده است. در سال ۲۰۲۶ میلادی پنج کارگردان هر کدام بودجه‌ای ۱۰۰ هزار یورویی برای تهیه فیلم خود دریافت خواهند کرد. یکی از این سینماگران محمد رسول‌اف است. فیلمی که این کارگردان قرار است با این بودجه تهیه کند، داستان مرگ نویسنده‌ای ایرانی در تبعید را روایت خواهد کرد.

آیا «وقت‌گشی» در مذاکرات گزینه مطلوب جمهوری اسلامی است؟



عباس عراقچی و دستیارانش در مذاکرات اتمی / رم

عمان توسط «منابع آگاه» رد شده است. جمهوری اسلامی در حالی به دنبال وقت‌گشی در مذاکرات است که دونالد ترامپ گفته بود فقط دو ماه برای توافق فرصت هست. هرچند به نظر می‌رسد طولانی شدن روند مذاکرات مطلوب جمهوری اسلامی است اما دو مسئله مهم قابل چشم‌پوشی نیست:

(۱) حکومت با بحران اقتصادی شدید روبروست و عدم توافق با آمریکا به معنای ادامه تحریم‌ها یا شدیدتر شدن آن است و با توجه به کسری شدید بودجه، فرسودگی زیرساخت‌ها و افزایش فشارهای داخلی و بین‌المللی احتمال شکل‌گیری اعتراضات و اعتصابات گسترده را افزایش می‌دهد.

(۲) بی‌نتیجه بودن مذاکره می‌تواند اسرائیل را برای یک اقدام نظامی یا اقدامات ایدئولوژیک علیه برنامه‌های اتمی و موشکی حکومت راسخ‌تر کند.

منابع حکومتی و جریان‌های سیاسی درون نظام دیدگاه‌های متفاوتی درباره احتمال فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» دارند. برخی آن را «عملیات روانی» یا «بخشی از استراتژی فشار برای گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی» می‌دانند و برخی دیگر آن را یک تهدید جدی واقعی.

برخی ناظران براین باورند که اروپایی‌ها منتظرند تا ببینند مذاکره جمهوری اسلامی و آمریکا به کجا می‌انجامد.

پیشتر ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه در سخنرانی خود در شورای امنیت سازمان ملل صراحتاً اعلام کرد که اگر منافع امنیتی اروپا به خطر بیفتد، فرانسه «حتی یک لحظه در بازگرداندن تمامی تحریم‌های لغو شده در ده سال پیش تردید نخواهد کرد».

خارجه جمهوری اسلامی، پیشرفت‌هایی حاصل شده، اما همچنان کارهای زیادی باقی مانده است. این مقام افزود: «مذاکرات سازنده بود و هر دو طرف توافق کردند که به زودی دوباره دیدار کنند.»

هنوز زمان و مکان دور بعدی مذاکرات اعلام نشده و عباس عراقچی می‌گوید تهران در حال بررسی پیشنهاد عمان است. او به جزئیات اشاره نکرد اما گفت: «طرف عمانی در مذاکرات اخیر راهکارهایی را برای رفع موانع پیشنهاد کرده که در حال بررسی است.»

طرفین بر سر طیف گسترده‌ای از مسائل اساسی از جمله غنی‌سازی در ایران اختلاف دارند. برخی منابع از جمله روزنامه «والاستریت ژورنال» گزارش دادند که عمان به عنوان میانجی مذاکرات تهران و واشنگتن یک راه حل پیشنهاد داده است.

احمد بخشایش اردستانی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی درباره جزئیات پیشنهاد عمان به «دیدهبان ایران» گفت: «عمانی‌ها به ما گفته‌اند که شما فعلاً برای شش ماه غنی‌سازی را متوقف کنید و بعد مجدداً این کار را انجام دهید!»

وقت‌گشی بد نیست

او با اشاره به اینکه «طولانی شدن روند مذاکرات الزاماً نشانه بدی نیست» گفت: «اکنون به جایی رسیده‌ایم که همین حالا به اندازه ساخت چند بمب اتم، اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد داریم. ۳۰۰ کیلو اورانیوم ذخیره شده ایران به اندازه ۱۰ بمب اتم است و در صورت ادامه تهدید اسرائیل می‌توانیم سطح غنی‌سازی را بالاتر هم ببریم.»

با اینهمه ادعای بخشایش اردستانی در مورد پیشنهاد

● مقامات ارشد بریتانیا، فرانسه و آلمان به دولت ترامپ هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی عمداً در حال طولانی کردن مذاکرات هسته‌ای است تا در صورت عدم دستیابی به توافق، از فعال شدن «مکانیسم ماشه» (بازگشت تحریم‌های سازمان ملل) جلوگیری کند.

● همزمان عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، هشدار داد که اگر اروپا مکانیسم ماشه را فعال کند، تهران «قاطعانه» پاسخ خواهد داد.

● احمد بخشایش اردستانی نماینده مجلس شورای اسلامی «طولانی شدن روند مذاکرات الزاماً نشانه بدی نیست».

● حکومت با بحران اقتصادی شدید روبروست و عدم توافق با آمریکا به معنای ادامه تحریم‌ها یا شدیدتر شدن آن است و با توجه به کسری شدید بودجه، فرسودگی زیرساخت‌ها و افزایش فشارهای داخلی و بین‌المللی احتمال شکل‌گیری اعتراضات و اعتصابات گسترده را افزایش می‌دهد.

روزنامه «اورشلیم پست» ۲۶ ماه مه (پنجم خرداد) گزارش داد که مقامات ارشد بریتانیا، فرانسه و آلمان به دولت ترامپ هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی عمداً در حال طولانی کردن مذاکرات هسته‌ای است تا در صورت عدم دستیابی به توافق، از فعال شدن «مکانیسم ماشه» (بازگشت تحریم‌های سازمان ملل) جلوگیری کند.

همزمان عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی هشدار داد که اگر اروپا مکانیسم ماشه را فعال کند، تهران «قاطعانه» پاسخ خواهد داد. عراقچی آذرماه ۱۴۰۳ در جریان سفر به پرتغال نیز تهدید کرده بود: «اگر تحریم‌ها بازگردد احتمالاً ایران بحث هسته‌ای را به در اختیار داشتن تسلیحات هسته‌ای می‌کشد.»

طبق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، بر اساس توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ موسوم به «برجام» کشورهای عضو می‌توانند از طریق ساز و کار موسوم به «مکانیسم ماشه» (اسنپ‌بک) در پاسخ به نقض جدی تعهدات هسته‌ای توسط رژیم ایران، تحریم‌ها را بازگردانند. اما این گزینه فقط تا ماه اکتبر ۲۰۲۵ (تاریخ انقضای برخی مفاد توافق یا «بند غروب آفتاب») معتبر است و با توجه به اینکه مقدمات اداری آن حدود سه ماه طول می‌کشد، باید تا اواسط تابستان برای آن اقدام کرد.

سه قدرت اروپایی به جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند که اگر تا ماه اوت به یک توافق هسته‌ای جدید و «معنادار» نرسند، این مکانیسم را فعال خواهند کرد، که به تحریم‌های شدید منجر خواهد شد.

گزارش‌ها حاکی از آن است که در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین اختلافات در روند مذاکرات هسته‌ای، بر سر غنی‌سازی اورانیوم است. علی خامنه‌ای می‌گوید: «جمهوری اسلامی منتظر اجازه هیچکس برای غنی‌سازی نیست» و در حالی که دولت ترامپ صراحتاً اعلام کرده در توافق جدید اجازه غنی‌سازی اورانیوم به جمهوری اسلامی ایران را نخواهد داد، مقامات رژیم اما بر ادامه غنی‌سازی در ایران تأکید دارند.

یک مقام ارشد آمریکایی به «اورشلیم پست» گفت که پس از گفتگوهای روز جمعه میان فرستاده ترامپ و وزیر

توافق جمهوری اسلامی و بلاروس برای افزایش همکاری‌های نظامی



بازدید هیأت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از نمایشگاه نظامی بلاروس

بلاروس هر دو حامیان روسیه در جنگ علیه اوکراین هستند. پیشتر منابع اوکراینی گزارش داده بودند جمهوری اسلامی در بلاروس کارخانه تولید پهپاد می‌سازد.

نیک با نیکلای پانتوس وزیر صنایع دفاعی و یوری فیدمین معاون وزیر دفاع بلاروس درباره همکاری‌های مشترک دفاعی دو کشور گفتگو کردند. جمهوری اسلامی ایران و

● یک مقام ارشد نظامی جمهوری اسلامی می‌گوید همکاری‌ها با بلاروس در صنایع نظامی، تسلیحات و فناوری‌های رزمی افزایش پیدا خواهد کرد.

● او توضیح داد، در این دیدارها توافقات جدیدی نیز حاصل شد که افق روشنی را برای توسعه روابط دفاعی میان ایران و بلاروس ترسیم می‌کند.

یک مقام ارشد نظامی جمهوری اسلامی می‌گوید همکاری‌ها با بلاروس در صنایع نظامی، تسلیحات و فناوری‌های رزمی افزایش پیدا خواهد کرد.

سردار پاسدار رضا طلایی نیک سخنگوی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که برای بازدید از دوازدهمین نمایشگاه صنایع نظامی بلاروس موسوم به «میلکس ۲۰۲۵» به مینسک رفته است گفت، این نمایشگاه فرصتی مناسب را برای حضور فعال جمهوری اسلامی ایران و عرضه محصولات دفاعی تولیدی فراهم کرد.

سخنگوی وزارت دفاع در یک مصاحبه که جمعه دوم خرداد ۱۴۰۴ منتشر شد، ادعا کرد «در این نمایشگاه ۵۰ محصول اولویت‌دار داخلی با قابلیت صادرات در غرفه ایران به نمایش درآمد».

طلایی نیک با اشاره به انجام مذاکراتی در حوزه دفاعی با مقامات بلاروس گفت: «در حاشیه این نمایشگاه، مذاکراتی سازنده با وزیر صنایع نظامی، معاون وزیر دفاع و سایر مقامات بلندپایه بلاروس انجام شد که نشان از روند رو به رشد همکاری‌های دفاعی میان دو کشور دارد».

او توضیح داد، در این دیدارها توافقات جدیدی نیز حاصل شد که افق روشنی را برای توسعه روابط دفاعی میان ایران و بلاروس ترسیم می‌کند.

هیأت دفاعی جمهوری اسلامی به سرپرستی سردار طلایی

سایه جنگ بر گفتگوهای بی‌نتیجه تهران و واشنگتن



کشور در حال آماده شدن برای حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی است. ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در دو بیانیه جداگانه از آمادگی خود برای مقابله با حملات احتمالی اسرائیل و آمریکا می‌گویند. احمد رأفت با شاهین مدرس کارشناس امنیت بین‌المللی در رم، در ارتباط با پیامد عدم موفقیت این مذاکرات گفتگو کرده است.

دور پنجم گفتگوهای تهران و واشنگتن در رابطه با پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی نیز مانند چهار نشست قبلی بدون هیچ توافقی به پایان رسید. استیو ویتکاف اقامتگاه سفیر عمان در ایتالیا را در نیمه مذاکرات ترک کرد. این تصمیم مقام ارشد هیأت آمریکائی به عنوان نشان از ورود این مذاکرات به بن‌بست ارزیابی می‌شود. رسانه‌ها به نقل از منابع اسرائیلی می‌نویسند که ارتش این

بازنگری اروپا در روابط با جمهوری اسلامی و اسرائیل



اروپا در سیاست‌هایش در خاورمیانه بازنگری می‌کند. اتحادیه اروپا مواضع سخت‌تری را در قبال جمهوری اسلامی و اسرائیل اتخاذ کرده است. کشورهای اروپائی با روی کار آمدن دونالد ترامپ و بحرانی شدن روابط دو سوی آتلانتیک تصمیم گرفته‌اند نقش فعال‌تری در خاورمیانه ایفا کنند. در همین ارتباط احمد رأفت با مجید گلپور مشاور نهادهای اروپائی در بروکسل گفتگوئی انجام داده است.

پایان پنجمین دور مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا؛ استیو ویتکاف وسط جلسه رفت!

● پنجمین دور از گفتگوها میان عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی با استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ در امور خاورمیانه، روز ۲۳ ماه مه (دوم خرداد)، در اقامتگاه سفیر عمان در شهر رُم برگزار شد اما ویتکاف وسط جلسه محل مذاکرات را ترک کرد.

● بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان در «ایکس» نوشت: «دور پنجم مذاکرات ایران و آمریکا با وجود پیشرفت‌هایی، اما بدون نتیجه‌گیری نهایی، به پایان رسید».

پنجمین دور از گفتگوها میان عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی با استیو ویتکاف فرستاده دونالد ترامپ در امور خاورمیانه، روز ۲۳ ماه مه (دوم خرداد)، در اقامتگاه سفیر عمان در شهر رُم برگزار شد. بر اساس گزارش منابع خبری، ویتکاف وسط جلسه محل مذاکرات را ترک کرد. خبرنگار صداسیمای جمهوری اسلامی ادعا کرد که ویتکاف «به دلیل برنامه‌ریزی‌های پروازی محل مذاکره را ترک کرده است!» گفته شد که تیم‌های فنی گفتگوی خود را ادامه دادند.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند در میان جلسه اختلاف بین طرفین بالا گرفت و در نهایت نماینده دونالد ترامپ با عصبانیت جلسه را ترک کرده است. اما دلیل واقعی اینکه چرا او جلسه را ترک کرده فعلاً مشخص نیست. بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان در «ایکس» نوشت: «دور پنجم مذاکرات ایران و آمریکا با وجود پیشرفت‌هایی، اما بدون نتیجه‌گیری نهایی، به پایان رسید... امیدواریم در روزهای آینده مسائل باقی‌مانده را روشن کنیم تا بتوانیم به سوی هدف مشترک دستیابی به توافقی پایدار و محترمانه پیش برویم».

در ایران برخی منصوبین حکومت پیش‌بینی کرده بودند که این دور از مذاکره با تنش و اختلاف‌های بنیادی روبرو خواهد بود. از جمله فریدون عباسی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی به وسایت «دیدهبان ایران» گفت: «مشکل اصلی غربی‌ها با ما بر سر مبانی انقلاب اسلامی است، نه درصد غنی‌سازی و چون این اختلاف حل نشده، بعید است مذاکرات به نتیجه برسد».

بر اساس گزارش «آکسیوس»، استیو ویتکاف ساعاتی پیش از مذاکره با عراقچی، در رُم با دیوید بارنزا رئیس موساد و رون درمر وزیر امور استراتژیک اسرائیل دیدار کرده بود. مقامات جمهوری اسلامی پیش از دور پنجم گفتگوها نسبت به خرابکاری اسرائیل در مذاکرات هشدار داده بودند.

همزمان روزنامه «والاستریت ژورنال» به نقل از مقام‌های پیشین آمریکا گزارش داد: «یکی از پیشنهاد‌های مطرح‌شده در مذاکرات پیشین با ایران ممکن است ارزش مطرح شدن مجدد را داشته باشد. بر اساس این پیشنهاد، ایران غنی‌سازی

غنی‌سازی در ایران است. اگرچه این مسئله همچنان محور اصلی اختلافات باقی مانده اما موضوعات دیگری نیز مورد بحث قرار گرفته‌اند. به گفته این مقام، پیشنهادی برای یک توافق اولیه مطرح شده که در آن رژیم ایران آمادگی خود را برای کنار گذاشتن دائمی هرگونه تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نشان دهد و در ازای آن دولت آمریکا برخی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را لغو کند.

این در حالیست که عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی اخیراً در اینباره گفته است: «یافتن مسیر دستیابی به توافق، معادله پیچیده‌ای نیست؛ سلاح هسته‌ای صفر، توافق داریم؛ غنی‌سازی صفر، توافق در کار نیست... زمان تصمیم‌گیری فرا رسیده است».

اظهارات وی که پیش از سفرش به رم بیان شد، تأکید بر «خط قرمز» جمهوری اسلامی ایران است. پیش از آن علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلام شرط آمریکا برای توقف

اسرائیل هیوم: طرح یک پیشنهاد در مذاکرات عراقچی- ویتکاف؛ لغو برخی تحریم‌ها در ازای برچیدن تأسیسات غنی‌سازی



عباس عراقچی و تیم مذاکرات جمهوری اسلامی در رُم / ۳۰ فروردین ۱۴۰۴

غنی‌سازی اورانیوم را «یاوه‌گویی» و «غلط زیادی» خوانده و با نگرانی هشدار داده بود که چنین مذاکراتی احتمالاً به نتیجه نخواهد رسید.

اظهارات این دیپلمات آمریکایی پس از آن بیان شده که مارکو روبریو وزیر خارجه ایالات متحده در سنا اعلام کرد که اگرچه ایالات متحده آماده است به جمهوری اسلامی ایران اجازه دهد برنامه‌های هسته‌ای با کاربرد غیرنظامی را دنبال کند، اما غنی‌سازی اورانیوم را مجاز نمی‌داند زیرا نگران است که این امر در نهایت راه را برای دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای باز کند. روبریو اذعان داشت که رسیدن به چنین توافقی «کار آسانی نخواهد بود».

پیش از این «آکسیوس» گزارش داده بود که جمهوری اسلامی ایران در مذاکره با آمریکا، پیشنهاد یک توافق هسته‌ای موقت را مطرح کرده بود. پس از پنجمین دور مذاکره میان عباس عراقچی و استیو ویتکاف که دوم خرداد در شهر رم برگزار شد بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان در «ایکس» نوشت: «دور پنجم مذاکرات ایران و آمریکا با وجود پیشرفت‌هایی، اما بدون نتیجه‌گیری نهایی به پایان رسید».

پیشتر روزنامه «والاستریت ژورنال» به نقل از مقامات پیشین آمریکا گزارش داده بود: «یکی از پیشنهاد‌های مطرح‌شده در مذاکرات پیشین با ایران ممکن است ارزش مطرح شدن مجدد را داشته باشد. بر اساس این پیشنهاد، ایران غنی‌سازی اورانیوم را متوقف می‌کند، اما امکان تولید سوخت هسته‌ای برای رآکتورهای غیرنظامی را با استفاده از اورانیوم غنی‌شده وارداتی به دست می‌آورد».

● به گزارش روزنامه «اسرائیل هیوم» یک منبع دیپلماتیک آمریکایی می‌گوید واشنگتن در دور اخیر مذاکرات در رم از خواسته نهایی خود از ایران در رابطه با توقف غنی‌سازی اورانیوم عقب‌نشینی نکرده است.

● به گفته این مقام، پیشنهادی برای یک توافق اولیه مطرح شده که در آن رژیم ایران آمادگی خود را برای کنار گذاشتن دائمی هرگونه تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نشان دهد و در ازای آن دولت آمریکا اجرای برخی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را به تعویق اندازد.

● اظهارات این دیپلمات آمریکایی پس از آن بیان شده که مارکو روبریو وزیر خارجه ایالات متحده در سنا اعلام کرد که اگرچه ایالات متحده آماده است به جمهوری اسلامی ایران اجازه دهد برنامه‌های هسته‌ای با کاربرد غیرنظامی را دنبال کند، اما غنی‌سازی اورانیوم را مجاز نمی‌داند.

به گفته یک مقام ارشد آمریکایی، ایالات متحده هنوز از خواسته نهایی خود مبنی بر توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران عقب‌نشینی نکرده است. این مقام اعلام کرد که احتمال دستیابی به یک توافق اولیه مطرح شده که بر اساس آن، جمهوری اسلامی اقداماتی انجام دهد که نشان‌دهنده تمایل آن به صرف نظر کامل از سلاح‌های هسته‌ای باشد.

روزنامه «اسرائیل هیوم» روز یکشنبه ۲۵ ماه مه (چهارم خرداد) گزارش داد که دولت آمریکا در حال بررسی گزینه تعویق برخی اقدامات تنبیهی علیه جمهوری اسلامی است. آمریکا خواستار برچیده شدن تمام ظرفیت‌ها و تأسیسات

دستیابی ایران به سلاح اتمی باشد، شاید بتوان به توافقی دست یافت. اما اگر هدف آنها توقف کامل غنی‌سازی باشد، قطعاً توافقی ممکن نخواهد بود.»

در رده‌های بالای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز اختلاف بر سر میزان انعطاف نظام در مقابل فشارهای آمریکا علنی شده است. علی شمخانی مشاور ارشد علی خامنه‌ای در مصاحبه با «ان‌بی‌سی» گفته بود اگر تحریم‌ها برداشته شود جمهوری اسلامی می‌پذیرد ذخایر اورانیوم غنی‌شده به کشور ثالث منتقل شود، اما حسین دبیقی مشاور عالی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر موضع رژیم برای ادامه غنی‌سازی اورانیوم در داخل ایران تأکید می‌کند و می‌گوید: «حاضریم مواد غنی‌شده را زیر هزار متر زمین نگهداری کنیم، هر جا که آنها بگویند، اما در داخل ایران!»

قاسم قریشی جانشین رئیس سازمان بسیج نیز می‌گوید: «حفظ غنی‌سازی اورانیوم و توان هسته‌ای واجب و برای



دیدار علی خامنه‌ای با فرماندهان نظامی / اردیبهشت ۱۴۰۳

فردای ایران اسلامی واجب‌تر است و دشمنان قصد دارند توان هسته‌ای را از جمهوری اسلامی بگیرند.»

ترس از اعلام شکست مذاکرات

اما اختلاف نظرها فقط محدود به درون حکومت نیست. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفته: «غنی‌سازی یک موضوع حیثیتی برای [رژیم] ایران است، خواسته آمریکا برای خروج ذخایر اورانیوم از کشور هزینه‌های مالی گزافی هم برای جمهوری اسلامی دارد. لذا مذاکرات با یک اختلاف نظر جدی مواجه شده است.»

او با صراحت گفته دیپلمات‌ها در دور آخر مذاکرات [دور پنجم] کار جدیدی انجام ندادند و فقط «صرفاً تلاش کردند که شکست مذاکرات را اعلام نکنند.»

فلاحت‌پیشه که از حامیان جدی معامله با آمریکا است می‌گوید، اکنون نیز اگر ایران غنی‌سازی و تولید سوخت هسته‌ای را پایان دهد، هیچ تضمینی وجود ندارد که بتواند از دیگر اعضای آژانس، سوخت مورد نیاز خود را تحویل بگیرد.

با توجه به اعلام صریح ناامیدی علی خامنه‌ای نسبت به موفقیت و به نتیجه رسیدن مذاکرات، به نظر می‌رسد اظهارات فلاحت‌پیشه بیشتر به واقعیت نزدیک باشد؛ به ویژه آنکه گفته می‌شود اسرائیل خود را برای حمله احتمالی به تأسیسات اتمی در ایران آماده می‌کند و از سوی دیگر تحرکات نظامی توسط نیروهای جمهوری اسلامی نیز از چشم پنهان نیست.

اختلافات درون حکومت بر سر معامله احتمالی با دولت ترامپ؛ «ترس از اعلام شکست مذاکرات»

● وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران بطور جدی تحت تأثیر مذاکره میان جمهوری اسلامی و آمریکا قرار گرفته است. مقامات در اظهارات خود مواضع یکدیگر را نقض می‌کنند آنهم در حالی که همزمان بحران‌های داخلی از جمله قطع مداوم و طولانی برق و آب و اعتصابات فضای اجتماعی را ملتهب کرده است.

● از یکسو عباس عراقچی می‌گوید: «امیدواریم در یکی دو جلسه آینده بتوان به راهکارهایی دست یافت که زمینه‌ساز پیشرفت مذاکرات باشد». اما از سوی دیگر ابراهیم رضایی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفته امیدی به موفقیت مذاکرات هسته‌ای وجود ندارد.

وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران بطور جدی تحت تأثیر مذاکره میان جمهوری اسلامی و آمریکا قرار گرفته است. مقامات در اظهارات خود مواضع یکدیگر را نقض می‌کنند آنهم در حالی که همزمان بحران‌های داخلی از جمله قطع مداوم و طولانی برق و آب و اعتصابات فضای اجتماعی را ملتهب کرده است.

پس از برگزاری دور پنجم گفتگوها میان عباس عراقچی و استیو ویتکاف در رُم از یکسو اظهارات ضد و نقیض بسیاری از سوی دو طرف در رسانه‌ها منتشر می‌شود و از سوی دیگر اختلافات درون حکومت بر سر جزئیات معامله یک احتمالی با آمریکا که بدون عقب‌نشینی جمهوری اسلامی ممکن نیست و همچنین فراتر از آن، نرسیدن به هیچ توافقی بالا گرفته است.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید: «امیدواریم در یکی دو جلسه آینده بتوان به راهکارهایی دست یافت که زمینه‌ساز پیشرفت مذاکرات باشد». اما ابراهیم رضایی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با اشاره به موضع آمریکا مبنی بر لزوم توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم اعلام کرد که امیدی به موفقیت مذاکرات هسته‌ای وجود ندارد. او تأکید کرده است که جمهوری اسلامی در حال تدارک برای اجرای یک «طرح جایگزین» در صورت شکست گفتگوهاست.

رضایی روز شنبه سوم خردادماه در مصاحبه با شبکه خبری سی‌ان‌ان تأکید کرد که جمهوری اسلامی «از روند مذاکرات هسته‌ای ناامید شده» و گفت: «چون طرف آمریکایی همچنان بر غنی‌سازی صفر اصرار دارد و من می‌دانم جمهوری اسلامی ایران هرگز با غنی‌سازی صفر موافقت نخواهد کرد، از این رو ما در حال بررسی یک طرح جایگزین هستیم.»

او تأکید کرده: «اگر هدف آمریکایی‌ها صرفاً جلوگیری از

اورانیوم را متوقف می‌کند، اما امکان تولید سوخت هسته‌ای برای راکتورهای غیرنظامی را با استفاده از اورانیوم غنی‌شده وارداتی به دست می‌آورد.» مشخص نیست آیا این پیشنهاد در این دور از مذاکرها مطرح شد یا نه.

بن‌بست در مذاکرات و احتمال حمله

به گفته منابع اسرائیلی، نهادهای اطلاعاتی این کشور در روزهای اخیر به این ارزیابی رسیدند که ممکن است مذاکرات به زودی شکست بخورد و از همین رو اسرائیل با فوریت خود را برای حمله سریع در صورت چراغ سبز ترامپ آماده می‌کند. یک مقام آمریکایی به آکسیوس گفته است دولت ترامپ نگران است که نتانیاهو حتی بدون تأیید ترامپ دست به عمل بزند.

ترامپ روز پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت با نتانیاهو گفتگو کرد. طبق اعلام منابع اسرائیلی، آنها بر لزوم جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای توافق کردند.



استیو ویتکاف / عکس: رویترز

رئیس جمهوری آمریکا ۲۱ فروردین‌ماه گفته بود اگر مذاکره با جمهوری اسلامی به نتیجه نرسد، اسرائیل حمله احتمالی را هدایت خواهد کرد.

در همین حال، نمایندگان اروپایی هشدار داده‌اند که عدم دستیابی به توافقی می‌تواند به فعال ساختن «مکانیسم ماشه» (بازگشت تحریم‌های تعلیق‌شده) منجر شود.

شبکه خبری CNN روز جمعه به نقل از دو منبع ایرانی گزارش داد که دور پنجم مذاکرات میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی بعید است به توافقی منجر شود. این منابع به CNN گفته‌اند که مشارکت ایران در این دور صرفاً برای سنجش موضع جدید واشنگتن است و نه برای دستیابی به یک پیشرفت معنادار.

در ایران میان اختلافات جریان‌های مختلف درون حکومت بر سر ادامه غنی‌سازی نیز بیش از پیش علنی شده است. اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی گفته است: «عوامل داخلی خودفروخته و ضعیف‌النفس می‌خواستند غنی‌سازی را برای مدتی متوقف کنیم.» ابراهیم رضایی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی پیش از آغاز دور پنجم مذاکره عراقچی و ویتکاف گفت: «غنی‌سازی اورانیوم در داخل ایران عامل بازدارنده است و باعث شده دشمن نتواند به کشور حمله کند و یا ضربه‌ای وارد کند.»

او هشدار داده: «دلیل اینکه طرف مقابل هم اصرار به عدم غنی‌سازی جمهوری اسلامی دارد، خالی کردن دست کشور و از بین بردن توانمندی جمهوری اسلامی است.»

نیویورک تایمز:

اسرائیل خود را برای حمله به تأسیسات اتمی در ایران آماده می‌کند



یک جنگنده F-35 متعلق به نیروی هوایی ارتش اسرائیل

آمریکا در پایگاه هوایی جزیره دیگو گارسیا مستقر شده‌اند. بر اساس تصاویر ماهواره‌ای که ام‌تی اندرسون، تحلیلگر اطلاعاتی، در شبکه اجتماعی «ایکس» به اشتراک گذاشته، نیروی هوایی ایالات متحده به تازگی ظرفیت سوختگیری هوایی در پایگاه دیگو گارسیا را افزایش داده و تانکرهای کی‌سی-۱۳۵ (KC-135 Stratotanker) بیشتری در این پایگاه استراتژیک در اقیانوس هند مستقر کرده است.

در روزهای اخیر استقرار جت‌های جنگنده اف-۱۵ نیز به بحث‌ها درباره افزایش حضور نظامی ایالات متحده در دیگو گارسیا دامن زده است؛ جایی که چهار مپ‌افکن بی-۵۲ و شش مپ‌افکن رادارگریز بی-۲ پیشتر مستقر شده‌اند. شرکت ماهواره‌ای تجاری چینی «مایزارویژن» (MizarVision) در تاریخ ۱۵ مه ۲۰۲۵ و در بحبوحه تنش‌ها بین تهران و واشنگتن، تصاویری از جنگنده‌های آمریکایی اف-۱۵ منتشر کرد که در پایگاه مشترک بریتانیا و آمریکا در دیگو گارسیا، واقع در قلمرو بریتانیایی اقیانوس هند، مستقرند.

هوایمای اف-۱۵ یک جنگنده چندمنظوره مافوق صوت است که برای برتری هوایی طراحی شده و به دلیل قدرت مانور بالا، سرعت زیاد (بیش از ۲/۵ برابر سرعت صوت)، برد طولانی و توانایی حمل تسلیحات متنوع از جمله موشک‌های هوا به هوا و مپ‌های هدایت‌شونده، یکی از موفق‌ترین جنگنده‌های تاریخ محسوب می‌شود. اف-۱۵ تا کنون در نبردهای مختلفی شرکت داشته است و در درگیری‌های هوایی رکوردی تقریباً بدون شکست دارد.

تصاویر ماهواره‌ای در ماه مارس هم استقرار هوایمهای باری سی-۱۷ و تانکرهای سوختگیری کی‌سی-۱۳۵ را در این جزیره نشان می‌داد.

این پایگاه هوایی دورافتاده که بیش از ۳۲۰۰ کیلومتر از ایران فاصله دارد، پایگاهی کلیدی برای نیروی هوایی آمریکا و همچنین کشتی‌های نیروی دریایی این کشور، از جمله زیردریایی‌های هسته‌ای، محسوب می‌شود. ماتيو کومر سخنگوی فرماندهی هند و اقیانوسیه، پیش از این به نیویورک گفته بود: «ما سیستم‌های دفاعی چندلایه‌ای در دیگو گارسیا داریم که امنیت و حفاظت از نیروها و تجهیزات ما را تضمین می‌کند.»

موضوع را «خط قرمز» خود اعلام کرده است. نیویورک تایمز در ادامه می‌نویسد، اسرائیل نسبت به هرگونه توافق موقتی که به جمهوری اسلامی اجازه دهد برای ماه‌ها یا حتی سال‌ها به فعالیت در تأسیسات خود ادامه دهد، بدبین است.

نویسندگان مقاله نوشته‌اند اگر قرار باشد هرگونه اصول مورد پذیرش اسرائیل و همچنین تدریجی‌های کنگره آمریکا مبنای توافق قرار گیرد، احتمالاً باید حکومت ایران را ملزم کند تا اورانیوم غنی‌شده خود را از کشور خارج سازد یا آن را تا سطح پایین رقیق نماید.

به گفته مقامات اطلاعاتی آمریکا، نخست‌وزیر اسرائیل پس از دیدار با دونالد ترامپ در ماه آوریل به مسئولان نظامی خود دستور داده است برای انجام حمله‌ای کوچکتر که نیازی به کمک آمریکا ندارد، برنامه‌ریزی کنند. هرچند دفتر نتانیاهو صحت این گزارش‌ها درباره برنامه‌ریزی حمله به ایران را تکذیب کرده است.

از سوی دیگر پایگاه خبری «نیوزویک» با استناد به تصاویر ماهواره‌ای جدید گزارش داد نیروهای آمریکایی در حال افزایش قدرت هوایی خود در پایگاه هوایی دیگو گارسیا در اقیانوس هند هستند. تحلیلگران بر این باورند این پایگاه می‌تواند به عنوان نقطه آغاز یک حمله احتمالی به نقاطی در ایران مورد استفاده قرار گیرد.

در این گزارش که ۲۷ ماه مه (ششم خرداد) منتشر شده آمده است که فعالیت‌های مداوم در پایگاه هوایی دیگو گارسیا در حالی ادامه دارد که تنش‌ها با جمهوری اسلامی ایران بر سر برنامه اتمی آن افزایش یافته است.

با وجود ادامه مذاکرات هسته‌ای در صورتی که دیپلماسی نتواند به توافق جدیدی برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران منجر شود، دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا تهدید به اقدام نظامی کرده است. همزمان گفته می‌شود جمهوری اسلامی نیز توان نظامی خود را افزایش داده و اعلام کرده است در صورت حمله احتمالی، پایگاه‌های آمریکا در منطقه را هدف قرار خواهد داد.

تصاویر ثبت‌شده در تاریخ ۲۴ مه ۲۰۲۵ توسط ماهواره‌های لندست ایالات متحده نشان می‌دهد که هوایمهای نظامی

● به گزارش روزنامه «نیویورک تایمز» ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا نشان می‌دهد که اسرائیل می‌تواند در عرض تنها هفت ساعت برای حمله به تهران آماده شود، بطوری که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، زیر فشار لغو آن قرار نگیرد.

● بر اساس این گزارش، مقامات اطلاعاتی آمریکا به اثرگذاری حمله یکجانبه از سوی اسرائیل تردید دارند، در حالی که مقام‌های اسرائیلی بر این باورند که اگر جمهوری اسلامی ایران به حمله اسرائیل واکنش نظامی نشان دهد، آمریکا چاره‌ای جز کمک به اسرائیل نخواهد داشت.

● از سوی دیگر پایگاه خبری «نیوزویک» با استناد به تصاویر ماهواره‌ای جدید گزارش داد نیروهای آمریکایی در حال افزایش قدرت هوایی خود در پایگاه هوایی دیگو گارسیا در اقیانوس هند هستند. تحلیلگران بر این باورند این پایگاه می‌تواند به عنوان نقطه آغاز یک حمله احتمالی به نقاطی در ایران مورد استفاده قرار گیرد.

به گزارش روزنامه «نیویورک تایمز» ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا نشان می‌دهد که اسرائیل می‌تواند در عرض تنها هفت ساعت برای حمله به ایران آماده شود، بطوری که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل زیر فشار لغو آن قرار نگیرد.

بر اساس این گزارش، مقامات اطلاعاتی آمریکا به اثرگذاری حمله یکجانبه از سوی اسرائیل تردید دارند، در حالی که مقامات اسرائیلی بر این باورند که اگر جمهوری اسلامی ایران به حمله اسرائیل واکنش نظامی نشان دهد، آمریکا چاره‌ای جز کمک به اسرائیل نخواهد داشت.

همچنین مقامات اسرائیلی به واشنگتن گفته‌اند که حتی در صورت دستیابی به توافق هسته‌ای میان آمریکا و رژیم ایران، احتمال حمله از سوی اسرائیل همچنان وجود دارد.

اگرچه ترامپ می‌خواهد از طریق دیپلماسی به یک توافق با جمهوری اسلامی برسد اما گفتگوهای میان مذاکره‌کنندگان آمریکایی و ایرانی بر سر موضوع غنی‌سازی اورانیوم با بن‌بست مواجه شده؛ چرا که مقامات آمریکایی خواهان توقف کامل غنی‌سازی در ایران هستند، در حالی که جمهوری اسلامی این

استیضاح و منافع مردم؟! شوخی بی‌مزه سخنگوی دولت پزشکيان



● طرح استیضاح فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی روز گذشته با امضای بیش از ۵۰ نماینده مجلس به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی ارائه شد.

● فرزانه صادق جدا از عملکرد ضعیفی که در وزارتخانه راه و شهرسازی داشته، یک رسوایی با سفر نوروزی لوکس با بودجه عمومی کشور نیز به بار آورده است.

● روز گذشته همچنین طرح استیضاح عباس علی‌آبادی وزیر نیرو با ۲۱ امضا تحویل هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی شد.

● ابراهیم نجفی نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با انتقاد از قطع مکرر برق در کشور این موضوع را محور اصلی طرح استیضاح وزیر نیرو خواند.

● فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکيان گفته است: «امیدوار هستیم که از استیضاح همتی که در تیم دولت از دست دادیم بدانیم که استیضاح‌ها باید در راستای منافع مردم صورت بگیرد».

● نه دولت مسعود پزشکيان و نه جریانات رقیب دولت هیچیک به فکر منافع مردم نبوده و نیستند. پیوند دادن استیضاح وزرای دولت چهاردهم با منافع مردم از سوی سخنگوی دولت یک شوخی بی‌مزه و ادعایی دروغین بیش نیست!

در حالی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دنبال استیضاح وزرای نیرو و راه و شهرسازی دولت پزشکيان هستند، سخنگوی دولت پزشکيان در ادعایی که شوخی به نظر می‌رسد، گفته: «استیضاح‌ها باید در راستای منافع مردم صورت گیرد».

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکيان صبح امروز چهارشنبه هفتم خردادماه در واکنش به تلاش نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای استیضاح وزرای نیرو و راه و شهرسازی گفت: «امیدوار هستیم که از استیضاح همتی که در تیم دولت از دست دادیم بدانیم که استیضاح‌ها باید در راستای منافع مردم صورت بگیرد».

سخنگوی دولت پزشکيان افزود: «تأکید می‌کنیم که استیضاح حق مجلس است و دولت نگاهش بر این است که باید به وزرا زمان بدهیم برای اینکه کارشان را به خروجی برسانند».

خبرگزاری‌های حکومتی روز گذشته اعلام کردند طرح استیضاح فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی با امضای بیش از ۵۰ نماینده به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی ارائه شد. خبرگزاری فارس نیز ساعاتی پیش گزارش داد که فرزانه صادق به دلیل عملکرد ضعیف در حوزه نهضت ملی مسکن، تعلل حدی در اجرای قانون برنامه هفتم و قانون جوانی جمعیت، امروز، چهارشنبه هفتم خردادماه، به کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی می‌رود.

«فارس» افزوده بر اساس اطلاعات رسیده به این خبرگزاری چند تن از موافقان استیضاح وزیر هم در این جلسه حضور خواهند داشت.

فرزانه صادق جدا از عملکرد ضعیفی که در وزارتخانه راه و شهرسازی داشته، یک رسوایی در سفر نوروزی لوکس با بودجه عمومی کشور نیز به بار آورده است.

دو سند از سفر فرزانه صادق وزیر راه و شهرسازی دولت پزشکيان به جزیره کیش در نوروز امسال منتشر شده

ابراهیم نجفی با اشاره به ماده ۴۶ برنامه هفتم گفته که «طبق همین ماده، اختیار ایجاد سازمان بهینه‌سازی مصرف انرژی به رئیس جمهور داده شده است و دولت موظف به فرهنگ‌سازی در حوزه مصرف انرژی شده است. همچنین قانون «مانع‌زدایی از صنعت برق» که سال گذشته تصویب شد، هنوز به درستی اجرایی نشده است».

پیش از این نیز در اسفندماه ۱۴۰۳ نیز عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشکيان با رأی نمایندگان مجلس و به دلایلی از جمله افزایش بی‌رویه قیمت ارز به علت سیاست‌های ارزی انجام شده از سوی او عزل شد.

نمایندگان موافق این استیضاح معتقد بودند که سیاست‌های اقتصادی عبدالناصر همتی باعث تشدید بحران بازارها به ویژه در بازار ارز، افزایش تورم و مشکلات معیشتی شده و دولت نیازمند تغییر در تیم اقتصادی خود است. مخالفان این استیضاح اما معتقد بودند مشکلات اقتصادی کشور به علت تحریم است و برکناری همتی اثری در حل بحران‌های اقتصادی ندارد بلکه با اثر منفی روانی بر بازارها سبب تشدید مشکلات می‌شود.

استیضاح وزرای دولت پزشکيان اگرچه بخشی از جنگ قدرت در درون جناحین و جریان‌های جمهوری اسلامی است اما در آنسو، دلایل مطرح شده از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی دلایلی واقعی برای استیضاح یک وزیر در هر ساختاری هستند.

در این میان اما نه دولت مسعود پزشکيان و نه جریانات رقیب دولت هیچیک به فکر منافع مردم نبوده و نیستند. پیوند دادن استیضاح وزرای دولت چهاردهم با منافع مردم از سوی سخنگوی دولت یک شوخی بی‌مزه و ادعایی دروغین بیش نیست!

از سوی دیگر هر فردی نیز بجای دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکيان زمام امور وزارتخانه‌ها را به دست بگیرد، نخواهد توانست بحران‌های اقتصاد فاسد نظام را حل کند چرا که برخلاف ادعای تیم دولت پزشکيان، این مشکلات ساختاری است و حتی با رفع تحریم‌ها نیز مشکلات اساسی اقتصاد به علت ساختار معیوب، رانتی و فسادپرور جمهوری اسلامی پابرجا خواهد ماند.

است. این اسناد نشان می‌دهد وزیر راه و شهرسازی دولت اصلاح‌طلبان به همراه همسر و فرزندش، خواهر و دو خواهرزاده‌اش با هزینه‌ی میلیاردي از بودجه عمومی کشور به یک سفر لوکس نوروزی رفته‌اند.

اسناد سفر فرزانه صادق توسط امیرحسین ثابتی منفرد نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و از اعضای «جبهه پایداری» به عنوان سرسخت‌ترین رقیب دولت پزشکيان منتشر شده است. اسناد منتشر شده شامل دو نامه رسمی مربوط به سازمان هواپیمایی کشوری و یک فاکتور رسمی مربوط به هزینه‌های این سفر است.

پس از انتشار سند اول، وزارت راه اعلام کرد که این سفر با هزینه شخصی انجام شده و اسناد آن موجود است و در صورتی که لازم باشد اسناد آن منتشر شده و در اختیار افکار عمومی قرار می‌گیرد. پس از این ادعا اما امیرحسین ثابتی سند دوم را که فیش پرداخت هزینه‌های سفر لوکس خانم وزیر و فامیل‌اش بود منتشر کرد.

روز گذشته همچنین طرح استیضاح عباس علی‌آبادی وزیر نیرو با ۲۱ امضا تحویل هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی شد. ابراهیم نجفی نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با انتقاد از قطع مکرر برق در کشور این موضوع را محور اصلی طرح استیضاح وزیر نیرو خواند.

ابراهیم نجفی گفت: «متأسفانه قطعی برق باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در حوزه‌هایی نظیر صنعت، آموزش، کشاورزی و سایر بخش‌ها شده است. این مشکلات ریشه در بی‌توجهی‌های گذشته دارد و همه تقصیرها متوجه وزیر فعلی نیست، اما انتظار مجلس و مردم این است که وزارت نیرو یک برنامه مشخص و مدون برای مدیریت این بحران ارائه کند».

نایب رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی افزود: «برنامه هفتم توسعه که با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس نهایی شده، این اختیار را به وزارتخانه‌ها داده است که بتوانند سالانه تا سقف ۱۰۰ میلیارد دلار به‌صورت ارزی و ۵۰۰ هزار میلیارد تومان به‌صورت ریالی با بخش خصوصی تفاهم‌نامه امضا کنند، به ویژه در حوزه انرژی؛ بنابراین راهکار قانونی فراهم بوده است».

جدال سپاهی‌ها بر سر معامله با آمریکا؛ کارزار مشترک علیه نتانیاهو، پهلوی، اعتصاب کامیونداران و اعتراضات



خیزش ملی ۱۴۰۱ / تهران

غنی‌سازی اورانیوم در ایران برای برخی جریان‌های ایدئولوژیک نظام به یک مسئله «حیثیتی- ناموسی» تبدیل شده است. سرسخت‌ترین دشمنان اسرائیل و یهودی‌ها همین جریانات هستند. آنها آخرالزمانی فکر می‌کنند. به بیان بهتر حزب‌اللهی‌های طرفدار مپ اتم هستند: «اتم‌اللهی‌ها»، یعنی غنی‌سازی اورانیوم و دستیابی به مپ اتم را زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود می‌دانند.

گروه دوم کسانی هستند که کمتر نگاه عقیدتی دارند و بیشتر معامله‌گر هستند. آنها حفظ ظرفیت غنی‌سازی را برای حفاظت از موجودیت نظام واجب می‌دانند اما با بالا و پایین کردن سطح غنی‌سازی و بده و بستان بر سر میزان ذخایر به عنوان بخشی از اهرم‌های چانه‌زنی نظام مشکلی ندارند. سردار پاسدار اسماعیل کوثری فرمانده سابق سپاه تهران و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی به این گروه می‌گوید: «عوامل خود فروخته داخلی». او بعد از سقوط بشار اسد از اولین کسانی بود که گفت در داخل نیروهای مسلح به اسد خیانت کردند.

در بین گروه دوم، رد پای فرماندهانی به چشم می‌خورد که نام خودشان و خانواده‌شان بیشتر با رانتخواری، فساد، قاچاق نفت و پولشویی گره خورده است اما در گروه اول سرداران و مهره‌هایی وجود دارند که نام آنها در صدر فهرست ناقضان حقوق بشر و سرکوبگران ملت ایران دیده می‌شود؛ کسانی که بطور راسخ مخالف معامله با آمریکا هستند و شدیداً از اسرائیل و بنیامین نتانیاهو نفرت دارند. وابستگان به گروه اول (مکتبی‌ها) صدای بلندتری دارند. قاسم قریشی جانشین رئیس سازمان بسیج می‌گوید: «حفظ غنی‌سازی اورانیوم و توان هسته‌ای واجب و برای فردای ایران اسلامی واجب‌تر است». و یا سالار ولایت‌مدار آبنوش که عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی

آمریکا «خارج کردن ذخایر اورانیوم از ایران» و «بازدید بازرسان ویژه آمریکا از تأسیسات اتمی در ایران» است. برخی نشانه‌ها تأیید می‌کند که اختلاف تهران و واشنگتن بر سر خروج اورانیوم‌های غنی‌شده از ایران و انتقال آن به کشور ثالث احتمالاً جزو مسائل حل شدنی به شمار می‌رود. وقتی علی شمخانی مشاور ارشد علی خامنه‌ای در مصاحبه با NBC گفت اگر تحریم‌ها لغو شود امکان خروج اورانیوم‌های غنی‌شده از ایران و بازرسی این سایت‌های اتمی وجود دارد، دونالد ترامپ با بازنشر این مصاحبه در شبکه اجتماعی «تروث» نشان داد که از این موضع استقبال کرده است. اما در این میان دو مسئله وجود دارد:

(۱) یکی اینکه، شاید شمخانی و برخی مانند در مورد بعضی اختلافات حاضر به انعطاف بیشتر در مذاکره با آمریکا باشند، اما لزوماً به معنای حل شدن اختلاف مربوطه نیست. دست‌کم سه فرمانده ارشد سپاه پاسداران در واکنش به حرف‌های شمخانی تأکید کردند که به هیچ قیمتی حاضر نیستند ذخایر اورانیوم غنی‌شده از ایران خارج شود.

(۲) دیگر اینکه، حتی شمخانی که در بین سایر نظامی‌های ارشد ظاهراً انعطاف بیشتری در مواضع خود برای دستیابی به توافق با آمریکا نشان داده، قویاً تأکید می‌کند که امکان برچیده شدن کامل ظرفیت غنی‌سازی در ایران وجود ندارد. به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها امیدوارند در میان مقامات جمهوری اسلامی مهره‌های تأثیرگذار و با نفوذی باشند که بتوانند شرایط یک معامله حداقلی را فراهم کنند، اما قدرت و نفوذ جریان‌های مخالف توافق با آمریکا را اصلاً نباید دست‌کم گرفت.

نزاع درون حکومتی اتم‌اللهی‌ها و معامله‌گران

● اختلاف در بین فرماندهان ارشد نیروهای مسلح بر سر جزئیات توافق احتمالی، و فراتر از آن، اصلاً توافق کردن یا نکردن با دولت ترامپ علنی شده است.

● غنی‌سازی اورانیوم در ایران برای برخی جریان‌های ایدئولوژیک نظام به یک مسئله «حیثیتی- ناموسی» تبدیل شده است. گروه اول «اتم‌اللهی‌ها» و گروه دوم کسانی هستند که کمتر نگاه عقیدتی دارند و بیشتر معامله‌گر هستند.

● در بین گروه دوم رد پای فرماندهانی به چشم می‌خورد که نام خودشان و خانواده‌شان بیشتر با رانتخواری، فساد، قاچاق نفت و پولشویی گره خورده؛ اما در گروه اول سرداران و مهره‌هایی به چشم می‌خورند که در صدر فهرست ناقضان حقوق بشر و سرکوبگران ملت ایران قرار دارند.

● در تهران طیف گسترده‌ای از مقامات، از وزارت خارجه گرفته تا نهادهای نظامی، اسرائیل را عامل اصلی مختل شدن مذاکره با آمریکا می‌دانند. همزمان علیه بنیامین نتانیاهو، دیوید بارنت (رئیس موساد)، براندازها، شاهزاده رضا پهلوی، اعتصاب کامیونداران و اعتراضات، کارزار تبلیغاتی به راه افتاده است.

● امیر تنها مشاور ستاد انتخاباتی پزشکیان، اکبر گنجی کارمند سابق وزارت اطلاعات، محمدحسن مصباح رئیس سابق بسیج دانشجویی دانشگاه علم و صنعت تهران و عبدالرضا داوری مشاور سابق دولت احمدی‌نژاد و چند نفر دیگر ائتلاف مجازی علیه اعتصاب کامیونداران و اسرائیل تشکیل داده‌اند.

● حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران می‌نویسد: «همه شواهد حکایت از آن دارند که نگاه آمریکا برخلاف آنچه تظاهر می‌کند، به مسئله هسته‌ای و درصد غنی‌سازی نیست [بلکه] ایستگاه پایانی مذاکره از نگاه آمریکا، فتنه‌انگیزی و ایجاد آشوب در داخل کشور است».

حامد محمدی- منابع آگاه از روند مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا می‌گویند طرفین بر سر چند مسئله اساسی از جمله «برچیده شدن کامل تمام ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم در ایران» اختلاف جدی دارند و فعلاً هیچ‌کدام حاضر به عقب‌نشینی نشده‌اند. همزمان اختلاف در بین فرماندهان ارشد نیروهای مسلح بر سر جزئیات توافق احتمالی و فراتر از آن، اصلاً توافق کردن یا نکردن با دولت ترامپ علنی شده است.

مقامات تهران تهدید کرده‌اند که اگر آمریکا خواهان برچیدن کامل تمام زیرساخت‌های هسته‌ای در ایران باشد، توافق ممکن نیست. در مورد «حفظ غنی‌سازی» به ظاهر آنقدر همسویی در نظام زیاد است که از آن به عنوان «وفاق» یاد می‌کنند. حتی روزنامه «والاستریت ژورنال» این موضع را به عنوان «وحدت داخلی در ایران» قلمداد کرده است.

حتا آنهایی که تا حدودی نسبت به برخی شروط آمریکا انعطاف نشان داده‌اند در این مورد هم‌نظرند که نباید ظرفیت غنی‌سازی در ایران از بین برود. یکی از موارد اصلی اختلاف میان جمهوری اسلامی و

پنجم] کار جدیدی انجام ندادند، صرفاً تلاش کردند که شکست مذاکرات را اعلام نکنند.»

مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی روز دوشنبه پنجم خرداد در مراسم سالگرد تأسیس دانشگاه آزاد گفت: «اینطور نیست اگر آنها نخواهند با ما مذاکره کنند، یا اگر بخواهند ما را تحریم کنند، از گرسنگی بمیریم، ما راه پیدا خواهیم کرد.» او تأکید کرد: «راه وجود دارد نه یک راه، صدها راه برای برونرفت از مشکلات وجود دارد.»

ترس از حمله نظامی

در چنین وضعیتی احتمال حمله نظامی به تأسیسات اتمی در ایران جدی‌تر شده است. برخی منابع امنیتی گزارش دادند اسرائیل درحال تدارک یک عملیات است. ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در یک بیانیه گفته «دشمن دچار خطای محاسباتی شده است.» همین عبارت را حبیب‌الله سیاری معاون هماهنگ‌کننده ارتش جمهوری اسلامی نیز تکرار کرده است.

حبیب‌الله سیاری پنجم خرداد در یک سخنرانی گفت: «دشمن گمان کرده ایران ضعیف شده اما دچار اشتباه محاسباتی است.»

تأکید نظامی‌ها به اینکه «دشمن دچار خطای محاسباتی شده» می‌تواند پیام جدی داشته باشد؛ یعنی یک تصمیم از سوی دشمنان گرفته شده که از نظر جمهوری اسلامی اما «خطا» است!

در آنسو اما مواضع دونالد رئیس جمهوری آمریکا در نقطه مقابل مقام‌های جمهوری اسلامی قرار دارد. او روز یکشنبه ۲۵ مه (۴ خرداد) با اشاره به پایان دور پنجم مذاکرات مدعی شد این گفتگوها «خیلی، خیلی خوب» بوده است.

رئیس‌جمهور آمریکا گفت ممکن است خبرهای خوبی پیش رو باشد و شاید «طی دو روز آینده» خبرهایی در این زمینه اعلام شود.

ایستگاه پایانی، «آشوب» است

اینکه دقیقاً در سر ترامپ چه می‌گذرد مشخص نیست اما جریان‌های انقلابی در ایران تعبیرشان این است که او مذاکرات و فراتر از آن جمهوری اسلامی را به بازی گرفته است.

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران در تفسیر این وضعیت دوگانه می‌گوید آمریکا روندی را در پیش گرفته است که انتهای آن «بروز آشوب در کشور» باشد.

او در یادداشت روز کیهان با عنوان «فتنه و آشوب ایستگاه پایانی مذاکره از نگاه آمریکا!!» توضیح می‌دهد: «همه شواهد حکایت از آن دارند که نگاه آمریکا برخلاف آنچه تظاهر می‌کند، به مسئله هسته‌ای و درصد غنی‌سازی نیست [بلکه] ایستگاه پایانی مذاکره از نگاه آمریکا، فتنه‌انگیزی و ایجاد آشوب در داخل کشور است.»

حسین شریعتمداری با اشاره به ادامه روند اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی با اشاره به «بی‌ثمر بودن مذاکرات» نوشت: «مواضع متناقض و دوگانه آمریکا درباره مذاکرات جاری به وضوح حکایت از آن دارد که حریف می‌داند از این مذاکرات آبی به نفع آمریکا گرم نمی‌شود. زیرا هر دو سوی فرمولی که به عنوان «موازنه» مذاکرات به میان کشیده شده، مسدود است.»

شریعتمداری هشدار داده: «ترامپ کج دار و مریز همین روند دوگانه را در مذاکرات ادامه می‌دهد تا «به ایستگاه مورد نظر» برسد.»

پهلوی در حمایت از اعتصاب کامیونداران خط آنها تغییر کرد و پادشاهی‌خواهان را شریک موساد معرفی کردند!

این کارزار صرفاً یک روایت‌سازی یا جنگ روانی از سوی چند فعال سیاسی و بسیجی در بستر فضای مجازی نیست، بلکه به نظر می‌رسد در وزارت خارجه جمهوری اسلامی

است. او قبلاً مسئول اداره طرح و عملیات بسیج و جنگ نرم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. آبنوش از عوامل اصلی سرکوب مردم ایران نیز هست. او می‌گوید: «دشمنان آروزی توقف غنی‌سازی در ایران را به گور می‌برند.»

کارزار مشترک اصلاح‌طلبان و بسیجی‌ها



کارزار مشترک علیه نتانیاهو، براندازها، پهلوی و اعتصاب کامیونداران

نیز در مورد توطئه‌های احتمالی اسرائیل برای خرابکاری در زیرساخت‌ها و به راه انداختن آشوب مدام صحبت می‌شود.

اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ۲۹ اردیبهشت در یک نشست خبری گفت: «احتمال دارد اسرائیل برای اینکه انگشت اتهام به سمت جمهوری اسلامی دراز شود، به یک اقدام خرابکارانه و ایذایی متوسل شود.» همین روایت از سوی منابع وابسته به سپاه پاسداران نیز برجسته می‌شود. نگرانی مقامات حکومت از اقدامات احتمالی اسرائیل بر اساس سوابق گذشته بدیهی است، اما کارنامه سپاه نهادهای امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی این احتمال را که آنها برای کارشکنی در روند معامله با آمریکا اقدام به «بحران‌سازی» کنند و یا زیرساخت‌ها یا مردم عادی را قربانی اهداف خود سازند نیز قابل تصور است. با گذشت حدود یک ماه از انفجار مرگبار «اسکله رجایی» در بندرعباس هنوز هیچ نهادی بطور رسمی درباره جزئیات این فاجعه پاسخگو نبوده است. پرسش‌های زیادی درباره این رویداد فجیع و ویرانگر مطرح است از جمله اینکه چه کسانی محموله مواد ممنوعه را در یک بندر تجاری انبار کردند و آیا انفجار کانتینرها همزمان با دور چهارم مذاکره با آمریکا اتفاقی بود؟

ناامیدی حامیان توافق

در این میان حتا برخی موافقان توافق با آمریکا نیز از روند مذاکرات ناامید شده‌اند. حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «غنی‌سازی برای جمهوری اسلامی حیثیتی است.» او توضیح داد: «دیپلمات‌ها در دور آخر مذاکرات [دور

اظهارات ضد و نقیض نیز در مورد روند مذاکرات به اوج خود رسیده است. وضعیت کنونی بسیار پیچیده و تا حدود زیادی منحصر به فرد است. بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی از کلام‌شان پیداست که نسبت به توافق با آمریکا ناامید شده‌اند. حملات لفظی به اسرائیل و بنیامین نتانیاهو به اوج خود رسیده است. در تهران طیف گسترده‌ای از مقامات، از وزارت خارجه گرفته تا نهادهای نظامی، اسرائیل را عامل اصلی مختل شدن مذاکره با آمریکا می‌دانند. آنها می‌گویند مخالفان حکومت (براندازها) حول نتانیاهو «ائتلاف نیروهای خرابکار» را تشکیل داده‌اند. رسانه‌های وابسته به حکومت به دقت دیدارهای دیوید بارنثا رئیس موساد را با مقامات آمریکایی به ویژه استیو ویتکاف فرستاده ترامپ زیر نظر دارند. همزمان در کانال‌های تلگرامی و اکانت‌های «ایکس» منسوب به سپاه پاسداران و حتا در بین فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا یک روایت مشترک برجسته شده است: «اعتصاب کامیونداران در ایران توطئه براندازها و موساد است.»

امیر تنها مشاور ستاد انتخاباتی پزشکیان، اکبر گنجی کارمند سابق وزارت اطلاعات، محمدحسن مصباح رئیس سابق بسیج دانشجویی دانشگاه علم و صنعت تهران و عبدالرضا داوری مشاور سابق دولت احمدی‌نژاد و چند نفر دیگر ائتلاف مجازی علیه اعتصاب کامیونداران و اسرائیل تشکیل دادند.

البته آنها در این کارزار تبلیغاتی تغییراتی هم داده‌اند. در روزهای اول اعتصاب کامیونداران که این جریان آن را به عنوان «#اعتصاب‌زورکی» برجسته می‌کرد، محاسبه این بود که موساد طراح اعتصابات است و با همکاری سازمان مجاهدین آن را پیش می‌برد؛ اما بعد از بیانیه شاهزاده رضا

پادشاهی توسعه‌گرا؛ راه برون‌رفت از بن‌بست جمهوری‌های نفتی



دست‌نخبگان حزبی یا ایدئولوژیک بدل شده‌اند. در ایران، حذف نهاد سلطنت و استقرار ولایت فقیه، مشروعیت را از «کارآمدی و مشارکت» به «وفاداری ایدئولوژیک» منتقل کرد. تضعیف نهادهای مدنی، کنترل رسانه‌ها، مهندسی انتخابات و مهاجرت نخبگان از پیامدهای مستقیم این تغییر است.

در این ساختار، مفهوم مدرن شهروندی نیز فرو پاشیده است. شهروندی که می‌بایست بر پایه حقوق برابر، مشارکت سیاسی و حمایت نهادی باشد، به «رعیت‌گرایی ایدئولوژیک» تقلیل یافته است. در ایران، حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تابعی از میزان وفاداری به نظام شده‌اند. اقلیت‌های مذهبی، زنان و حتی نخبگان علمی با تبعیض‌های ساختاری مواجه‌اند. اقتصاد رانتی و فساد مزمن نیز تمرکز ثروت در طبقات نزدیک به قدرت، تله فقر و مهاجرت معکوس سرمایه انسانی را رقم زده‌اند.

در برابر این شکست‌ها، پادشاهی‌های توسعه‌گرا مانند ژاپن پس از اصلاحات «میجی»، مراکش، اردن و ایران پهلوی نشان داده‌اند که تمرکز اقتدار [و نه تمرکز قدرت] در نهاد سلطنت می‌تواند به نوسازی اجتماعی، تقویت طبقه متوسط و گسترش نهادهای مدرن بیانجامد. در ایران پهلوی، اصلاحات ارضی، آموزش عمومی، صنعتی‌سازی، حقوق زنان و نوسازی نهادی، خارج از نزاع‌های حزبی و ایدئولوژیک انجام شد. اگر پادشاهی مشروطه حفظ می‌شد، می‌توانست به تدریج با تقویت نهادهای پاسخگو، الگویی بومی و مدرن از حکومت در منطقه شکل دهد.

تاریخ مکتوب توسعه نشان می‌دهد که توسعه پایدار و عدالت اجتماعی الزاماً از دل انتخابات بیرون نمی‌آیند، بلکه نیازمند ظهور دولت توسعه‌گرا هستند. دولتی که بر اساس آینده‌نگری، کارآمدی و تخصص عمل کند. ←

بازاندیشی در الگوی حکومت و مدیریت به ضرورتی تاریخی تبدیل شده است. مقاله حاضر تلاش دارد با نگاه تطبیقی، الگویی جایگزین برای ساختار جمهوری ایدئولوژیک ارائه دهد؛ مدلی که نه بر ایدئولوژی بلکه بر توسعه و ثبات ملی استوار است.

این مقاله به نقد ساختاری نهاد جمهوری در جوامع خاورمیانه می‌پردازد. در عمل، این نظام‌ها نه به دموکراسی و شهروندی، بلکه به شکل گرفتن الگارش‌های ایدئولوژیک منتهی شده‌اند. با تمرکز بر مطالعه موردی ایران، نشان داده می‌شود که جمهوری اسلامی، برخلاف ادعاهایش، در نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی، توسعه پایدار و حقوق شهروندی ناکام بوده و نابرابری‌های ساختاری و تله فقر ملی را بازتولید کرده است. این ناکارآمدی منجر به بحران مزمن مشروعیت شده است. در مقابل، الگوی پادشاهی توسعه‌گرا به ویژه در دوران پهلوی و در برخی کشورهای منطقه ظرفیت بیشتری برای تحقق حاکمیت ملی، توسعه فرداوتی و حل بحران مشروعیت از خود نشان داده است. در خاورمیانه، نظریه‌ی جمهوری برخلاف وعده‌های اولیه، نتوانسته کارکردهای بنیادین دولت مدرن را تحقق بخشد؛ از جمله مشارکت سیاسی، عدالت در توزیع منابع و نهادسازی پایدار. آنچه در عمل شکل گرفته، نه جمهوری‌های مردم‌سالار بلکه حکومت‌های اقتدارگرا یا الگارشیک است که از فرم جمهوری برای کنترل جامعه بهره می‌برند. غونهی برجسته‌ی این روند را می‌توان در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ دید، جایی که حاکمیت ایدئولوژیک جایگزین نهادهای مدرن مبتنی بر حقوق شهروندی شد.

جمهوری‌های منطقه نظیر عراق، سوریه، لیبی، مصر و ایران، نه تنها در مسیر دموکراتیزاسیون پیش نرفته‌اند، بلکه در اغلب موارد به ساختارهایی برای تمرکز قدرت در

این مقاله به نقد ساختاری نهاد جمهوری در جوامع خاورمیانه می‌پردازد. در عمل، این نظام‌ها نه به دموکراسی و شهروندی، بلکه به شکل گرفتن الگارش‌های ایدئولوژیک منتهی شده‌اند.

در خاورمیانه، نظریه‌ی جمهوری برخلاف وعده‌های اولیه، نتوانسته کارکردهای بنیادین دولت مدرن را تحقق بخشد؛ از جمله مشارکت سیاسی، عدالت در توزیع منابع و نهادسازی پایدار. آنچه در عمل شکل گرفته، نه جمهوری‌های مردم‌سالار بلکه حکومت‌های اقتدارگرا یا الگارشیک است که از فرم جمهوری برای کنترل جامعه بهره می‌برند.

جمهوری‌های منطقه نظیر عراق، سوریه، لیبی، مصر و ایران، نه تنها در مسیر دموکراتیزاسیون پیش نرفته‌اند، بلکه در اغلب موارد به ساختارهایی برای تمرکز قدرت در دست نخبگان حزبی یا ایدئولوژیک بدل شده‌اند. در ایران، حذف نهاد سلطنت و استقرار ولایت فقیه، مشروعیت را از «کارآمدی و مشارکت» به «وفاداری ایدئولوژیک» منتقل کرد.

دموکراسی پایدار، نتیجه توسعه پایدار است، نه مقدمه‌ی آن. بدون آموزش عمومی، رفاه اجتماعی، نهادهای مستقل و انسجام ملی، دموکراسی یا به عوام‌گرایی منجر می‌شود یا به دیکتاتوری نوظهور. برای پرورش شهروندی مدرن، ابتدا باید دولت توسعه‌گرا شکل بگیرد؛ دولتی که نهادهای اجتماعی و اقتصادی را نوسازی کرده و ظرفیت‌های انسانی را کشف و فعال سازد.

پائولا متکی - در حالی که ایران در چهارمین دهه‌ی تجربه جمهوری اسلامی با فروپاشی مشروعیت، ناکارآمدی اقتصادی و بحران‌های هویتی دست و پنجه نرم می‌کند،

دوران رضاشاهی؛ دولت ایران نوین

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

و سه وزیرش شده بود؛ هر چهار نفر به اهمیت یکدیگر در ساخت یک ایران مدرن، هدفی که همگی محترم به حسابش می‌آوردند، واقف بودند. زمانی که رضاشاه به قدرت رسید، حکومت حضور اندکی خارج از پایتخت داشت و...

رابرت کلایو وزیر مختار بریتانیا در ۱۳۰۷ گزارشی به لندن مخابره کرد که در آن آمده بود: نیروی محرکه دولت در دست سه نفر متمرکز شده است: تیمورتاش، وزیر دربار که عملاً «وزیر اعظم» است، فیروز (وزیر مالیه) و داور (وزیر عدلیه). هدفی مشترک باعث اتحاد میان پادشاه

دوران رضاشاهی؛ مقابله با تجارت بردگان

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

حرمسراها وارد می‌شدند. بردگان سیاه‌پوست، معمولاً از دو طریق به ایران آورده می‌شدند. یا حجاج ایرانی در مراسم حج آنان را از مکه خریداری نموده و از طریق شامات و عراق به ایران می‌آوردند، یا برده فروشان آنها را از راه خلیج فارس به سواحل جنوبی کشور انتقال می‌دادند.

در ایران آن دوران بر شمار «بردگان» سیاه‌پوست که عمدتاً از عربستان به کشور آورده می‌شدند افزوده می‌شد. تا زمان ناصرالدین شاه قاجار و حتی تا آغاز مشروطیت استفاده از این «بردگان» در ایران میان خانواده‌های متمول کمابیش رواج داشت. تعداد زیادی دختران قفقازی نیز برای

آدریان لفتویچ تأکید می‌کند که آنچه توسعه را ممکن می‌سازد نه صرفاً دموکراسی، بلکه ظرفیت نهادسازی درون دولت است. دولت باید استراتژیست باشد، نه بازیگر لحظه‌ای، و تصمیم‌گیری‌ها باید بر اساس منافع ملی، چشم‌انداز بلندمدت و برنامه‌ریزی دقیق شکل گیرند.

در مقابل، جمهوری‌های خاورمیانه، از جمله ایران، به توهم دموکراسی گرفتار آمده‌اند؛ ساختارهایی که نهادهای فرسوده، شکاف‌های هویتی و توزیع رانتی قدرت در آنها مانع هرگونه توسعه‌ی واقعی شده‌اند. در چنین ساختاری، دولت به ماشینی برای توزیع منافع حزبی و ایدئولوژیک بدل می‌شود. در اقتصادهای رانتی، اتکای بی‌رویه به منابع طبیعی و غیاب اقتدار کارآمد، فساد ساختاری و فروپاشی نهادی را به همراه دارد.

پادشاهی توسعه‌گرا، به عنوان نهادی فرادولتی و برنامه‌محور، قادر است توسعه پایدار را هدایت کند. برخلاف جمهوری اسلامی که درآمدهای نفتی را صرف تثبیت ساختارهای ایدئولوژیک و امنیتی کرد، ایران پهلوی نفت را به موتور توسعه ملی تبدیل کرد؛ از گسترش آموزش، دانشگاه، و زیرساخت‌های حیاتی گرفته تا ایجاد شبکه‌های حمل و نقل، برق و بهداشت. تفاهم میان حاکمان، جامعه و نخبگان فکری، نه تقابل ایدئولوژیک، عامل اصلی شکوفایی ظرفیت‌های انسانی است.

فرانسیس فوکویاما نیز بر این نکته تأکید دارد که توسعه نیازمند دولت قدرتمند با نیت توسعه‌گرایانه است، نه نهادهای غایبی. اعطای حقوق شهروندی در جوامعی فاقد آموزش، رفاه و عدالت نهادی، نه تنها توسعه نمی‌آفریند بلکه به بازتولید عوام‌گرایی سیاسی منتهی می‌شود.

در جوامع نفتخیز، اتوریتیه توسعه‌گرا نه تهدید، بلکه ضرورت است. در کشورهایی با منابع عظیم طبیعی، نبود برنامه‌ریزی متمرکز و اقتدار ملی منجر به فساد، ناکارآمدی و بحران‌های پیاپی شده است. تجربه جمهوری‌های خاورمیانه نشان می‌دهد که نفت، در غیاب دولت توسعه‌گرا، به ابزاری برای تثبیت ایدئولوژی و سرکوب بدل شده است.

در مقابل، پادشاهی توسعه‌گرای پهلوی از نفت برای ساختن بهره‌گرفت، نه سرکوب. درآمدهای نفتی در خدمت آموزش، نوسازی صنعتی و بهبود زندگی عمومی قرار گرفت و نه تقویت نیروهای موازی یا صدور ایدئولوژی. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که وجود یک اتوریتیه ملی برنامه‌ریز در جوامع نفتی تا چه اندازه حیاتی است.

دموکراسی پایدار، نتیجه توسعه پایدار است، نه مقدمه‌ی آن. بدون آموزش عمومی، رفاه اجتماعی، نهادهای مستقل و انسجام ملی، دموکراسی یا به عوام‌گرایی منجر می‌شود یا به دیکتاتوری نوظهور. برای پرورش شهروندی مدرن، ابتدا باید دولت توسعه‌گرا شکل بگیرد؛ دولتی که نهادهای اجتماعی و اقتصادی را نوسازی کرده و ظرفیت‌های انسانی را کشف و فعال سازد.

تجربه جمهوری اسلامی و نمونه‌های مشابه در منطقه نشان داده‌اند که جمهوری‌های ایدئولوژیک، در ایجاد یک حکومت کارآمد، توسعه‌محور و مشارکتی شکست خورده‌اند. در مقابل، تجربه پادشاهی توسعه‌گرا در ایران پهلوی با تکیه بر سنت‌های ملی، اقتدار تاریخی و برنامه‌ریزی بلندمدت، الگویی متفاوت ارائه می‌دهد.

در نهایت، بازگشت به حکومت توسعه‌گرا، نه صرفاً یک انتخاب سیاسی، بلکه ضرورتی تاریخی است. الگویی که با تکیه بر منافع ملی، برنامه‌ریزی مؤثر و هم‌افزایی میان نخبگان، مردم و نهاد پادشاهی، می‌تواند راه برون‌رفت از فروپاشی تدریجی و تله فقر نهادی را هموار کند.

* پائولا متکی کارشناس توسعه پایدار

سرگذشت بخش‌الله میثاقی رییس قسمت ترجمه و مطبوعات کتابخانه کاخ گلستان



در کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان

آمدن‌ها ادامه یافت تا آنکه از فشار بیشتر دست برداشتند زیرا دریافته بودند که اگر او را تکه تکه نمایند، بهائی خواهد ماند. یازده سال زندانی کشید. در زندان هم از آنجا که معلم بود و عاشق تدریس، به تعلیم زندانیان پرداخت و از کلاس‌های انگلیسی گرفته تا به تدریس زبان عربی و آداب نظافت و مراعات ادب و انسانیت و نامه‌نگاری و ترجمه مدارک برای زندانیان مشغول بود و چون محبوبیتی بین زندانیان پیدا می‌کرد، ایشان را به زندان دیگری و یا بند دیگری از زندان منتقل می‌کردند. گاهی در حین تدریس می‌دیدند که کتاب انگلیسی که دست زندانی بود کتاب خودشان بوده و روی کتاب نوشته شده بود متعلق به بخش‌الله میثاقی، و چون زندانی آن را می‌دید و خجالت می‌کشید، آقای میثاقی به او می‌گفت، «فرقی نمی‌کند کتاب برای یادگیری».

در آن زمان چون محافل ملی بهائیان سرتاسر دنیا و کمیته حقوق بشر در سازمان ملل متحد به اعدام‌های غیرقانونی بهائیان در ایران اعتراض کرده بودند، جمهوری اسلامی برای حفظ آبرویش اعدام بهائیان را متوقف کرد ولی دائماً در تلاش بود که به نحوی با انتقال به بندهای خطرناک زندان، بخش‌الله میثاقی را در شرایطی قرار داده تا به صورت ظاهراً تصادفی به قتل برسد.

ایشان در سه زندان کچویی، قزلحصار و گوهردشت زندانی بود و چون به زندانی‌ها آموزش می‌داد، او را به بندهای مختلف زندان منتقل می‌کردند تا تاثیر کمتری روی زندانیان بگذارد.

وقتی که گالیندو پل نماینده کمیسیون حقوق بشر از طرف سازمان ملل به ایران رفت تا از زندان‌های ایران بازدید کند، چون آقای میثاقی به زبان انگلیسی مسلط بود و بدون ترس و اوهامه حقیقت را می‌گفت، دولت ایران از ترس اینکه گالیندو پل از شرایط ایشان با خبر شده و به سازمان

«جامعه‌ی باباسلمان در شهریار، الگویی بی‌نظیر از تحقق اصل تربیت است: دهکده‌ای که با وجود والدین غالباً بی‌سواد، اما با ایمانی عمیق به تعلیم و تربیت فرزندان، نسلی از دختران و پسرانی را پرورش دادند که امروز در سراسر جهان، مشعل‌دار دانش، اخلاق، و خدمت به جامعه‌اند.

در این مسیر، مربیان بزرگی همچون جناب بخش‌الله میثاقی، نقشی حیاتی ایفا کردند؛ استادی فروتن، ولی بلندمرتبه، که بی‌چشمداشت، ده‌ها نوجوان را با اندیشه و وقار خود راهنمایی نمود.

امضاء: شاگردان عاشقش از باباسلمان»

در سال ۱۳۴۴ شبی وقتی با همسر و دو میهمان در خانه آماده صرف شام بودند، پاسدارها حمله کرده و او را بی‌رحمانه مورد ضرب و جرح شدید قرار دادند به حدی که غذاها، وسایل منزل، کتاب‌ها بر روی زمین و در و دیوار خانه پاشیده شده بود. سپس کتاب‌های ایشان را در وانته ریخته و برای آزار بیشتر در حیاط زندان خالی کردند زیرا می‌دانستند او علاقه و حساسیت خاصی به کتاب‌هایش دارد.

در ماه‌های اول بازجویی در زندان بسیار با شدت با ایشان برخورد می‌شد. برادر همسرش اینطور تعریف می‌کند: «وقتی جناب بخش‌الله میثاقی را بازجویی کرده و شلاق می‌زدند از هوش می‌رفتند و بعد یک سطل آب سرد به رویش می‌ریختند تا به هوش بیاید و پس از به هوش آمدن باز می‌گفتند: «بنده بهائی هستم» و چون او رانئیس کل منطقه زندگی خودش می‌پنداشتند فکر می‌کردند که با مسلمان شدنش به بقیه می‌توانند فشار آورده و آنها را هم مسلمان کنند؛ پس این زندان‌ها و آب ریختن‌ها و به هوش

بخش‌الله میثاقی بامداد سه‌شنبه ۱۳ ماه مه ۲۰۲۵ در کرج چشم از جهان فرو بست. بخش‌الله میثاقی در سال ۱۳۵۵ در سمت رییس قسمت ترجمه و مطبوعات کتابخانه سلطنتی در کاخ گلستان تهران منصوب شد و به مدت چهار سال تا زمانی که انقلاب اسلامی وقوع یافت و همه بهائیان در همه ایران از کار اخراج شدند به این مسئولیت ادامه داد.

پس از انقلاب اسلامی در دورانی که عده‌ای از بهائیان اطراف ایشان که از نخبه‌ترین ایرانیان بودند از جمله ژینوس و هوشنگ محمودی، و عده‌ای دیگر یکی پس از دیگری اعدام می‌شدند، وی به شهرهای مختلف ایران سفر می‌کرد و چون پاسدارهای جمهوری اسلامی در سراسر ایران به منازل بهائیان حمله کرده و کتاب‌های بهایی را مصادره می‌کردند، ایشان تعدادی از دعاها و و نوشتجات بهایی را با خط خوش نوشته و اعراب‌گذاری کرد و قسمت‌های عربی‌اش را ترجمه کرده و کپی گرفت و به شهرهای مختلف ایران سفر کرده و این مجموعه را در دسترس جامعه بهایی ایران قرار می‌داد.

بخش‌الله میثاقی در سال ۱۳۱۰ در شهرستان طالقان در حومه تهران متولد شد و در ۹ سالگی پدر خود را از دست داده با مادر و برادران بزرگترش در تهران زندگی می‌کرد. وی از کودکی علاقه شدیدی به درس و مطالعه داشت به حدی که شب‌هایی که اهل خانواده خواب بودند و چراغ‌ها خاموش بود، زیر نور چراغ خیابان درس می‌خواند و همیشه شاگرد ممتاز مدرسه بود.

وی در دوران سر بازی مترجم مستشار های آمریکایی بود و پس از اتمام دوره با دوشیزه فرح یگان ازدواج کرد و صاحب یک دختر و یک پسر شد. او در سال ۱۳۴۶، لیسانس خود را در رشته زبان از دانشگاه تهران دریافت کرده و به تدریس انگلیسی دانشجویهای افسری در نیروی هوایی تهران پرداخت، و بعد از چند سال در شرکت ذوب آهن به عنوان مترجم استخدام شد.

پس از چند سال کار ترجمه و مصاحبه با دکتر آریانپور مشغول به تدریس انگلیسی در دانشکده کاخ دانش و مدرسه عالی ترجمه شد و همیشه روابط نزدیک و دوستانه‌ای با شاگردان خود داشت. ولی همیشه عشق اولش خدمت به جامعه به ویژه جوانان بود.

دوستی تعریف می‌کرد که من نوجوان بودم و ایشان همسایه ما بود. مرا تشویق به خواندن و یاد گرفتن می‌کرد و هر وقت فرصتی داشت مرا صدا می‌کرد و می‌گفت بیا این کتاب را با هم بخوانیم.

در سال ۱۳۵۶ از تهران به گوهردشت کرج نقل مکان کردند تا از هیاهوی شهر بزرگ دور باشد و بیشتر بتواند در اطراف و به ویژه در نقاط محروم خدمتی ارائه دهد.

همیشه سعی وی در سوادآموزی و نجات مردم از بی‌سوادی و خرافات و جهالت بود تا زمانی که انقلاب اسلامی وقوع یافت و همه بهائیان در همه ایران از کار اخراج شدند.

وی در خیلی از مناطق محروم که دسترسی به معلم کم بود برای جوانان کلاس می‌گذاشت، از جمله جوانان بابا سلمان (دهکده‌ای در حومه تهران) مراتب محبت‌شان را به آقای میثاقی چنین ابراز می‌کنند:

گفتگو و خاطرات دو روزنامه‌نگار مسجد سلیمانی؛ به مناسبت پنجم خرداد سالگرد فوران نفت از «چاه شماره یک» مسجد سلیمان



سیاست و اقتصاد ایران بازی کرده است. اختر قاسمی که خود از مسجد سلیمان است در ارتباط با این رویداد تاریخی و شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن منطقه و خاطرات پیش از ۵۷ با جمشید چالنگی روزنامه‌نگار سرشناسی که او نیز اهل مسجد سلیمان است، به گفتگو پرداخته است.

عملیات حفاری «چاه شماره یک» به عنوان نخستین چاه نفت خاورمیانه در سال ۱۲۸۶ خورشیدی در منطقه‌ای به نام دره خرسون (میدان نفتون) توسط کنسرسیوم ویلیام ناکس دارسی سرمایه‌دار و صنعتگر بریتانیایی آغاز شد و در تاریخ پنجم خرداد ۱۲۸۷ به نفت رسید. این رویداد از آن زمان تا کنون نقش تعیین‌کننده در

ملل گزارش دهد، آقای میثاقی را در سرمای زمستان با لباس نازک زندان به خانه خرابه‌ای در نقطه پرتی بدون دسترسی به گرما، چراغ و یا آب گرم و حتی غذا دو سه روز در آن محل رها کردند. روز آخر که به دنبالش آمدند، ایشان را در نهایت بی‌رحمی مجبور کردند که لباسی را که ناچار با آب سرد و تکه صابونی شسته بودند، خیس در سرمای زمستان دوباره به تن کرده و ایشان را با آن وضعیت شکنجه‌بار به زندان برگردانند.

وقتی آقای پل در مورد بخش‌الله میثاقی سوال کرده بود، مسئولان یک فرد دیگر را بجای او به آقای پل معرفی کردند که در جواب به ایشان گفته بود، دلیل اینکه به زندان آمده‌ام این است که جاسوسی کردم و با دولت مبارزه کردم و مشتی دروغ دیگر ولی وقتی آقای پل این گزارش را با جامعه بهایی ایران در میان گذاشتند آنها گفتند نه! این شخص نمی‌تواند بخش‌الله میثاقی باشد. سپس قرار شد در ملاقات بعدی آقای پل اسم پدر بزرگ و مادر بزرگ بخش‌الله میثاقی را از شخص مربوطه سوال کند و اینبار آن شخص نتوانست جواب دهد و گالیندو پل فهمید که او بخش‌الله میثاقی نیست و ایشان را پنهان کرده‌اند تا حقیقت جریان را به نماینده حقوق بشر گزارش ندهد و کارنامه غیرانسانی جمهوری اسلامی به کمیسیون حقوق بشر اعلام نشود که در نتیجه جمهوری اسلامی در تلافی، سازمان صلیب سرخ را از ایران بیرون کرد.

شرایط زندان‌ها بسیار اسفناک و غیر انسانی بود

در دهه شصت که جمهوری اسلامی مخالفین خود را اعدام می‌کرد و برای اینکه طناب دار کم‌خرج‌تر از گلوله بود، زندانی‌ها را به دار می‌آویخت و آقای میثاقی و زندانی‌های بهایی دیگر را به زور به تماشای این اعدام‌ها می‌بردند تا ایجاد ترس و وحشت کنند و ایشان در دل برای زندانی نگویند دعا می‌کردند ولی با اینهمه آقای میثاقی به راه خود ادامه داده و به گفته خودش ترسی از کسی نداشت.

از ایشان بارها و بارها خواسته شده بود که اعتقاد خودش را انکار کند و مسلمان شود که در آن صورت نه تنها آزاد می‌شد بلکه مزایای زیادی به ایشان تعلق می‌گرفت. به او گفته بودند می‌توانی دوباره استاد دانشگاه بشوی که در جواب، آقای میثاقی گفته بودند اگر سند تمام دنیا را هم به اسم من کنید هرگز این کار را نخواهم کرد! و دیگر کم‌کم حرف‌های ایشان را باور می‌کردند زیرا فهمیده بودند که نمی‌توانند او را بشکنند. بارها زندانیان برای ایشان کف می‌زدند و آفرین می‌گفتند!

بخش‌الله میثاقی بارها تهدید به مرگ شد و به اتاق اعدام برده شد ولی هیچکدام از این تهدیدها کوچکترین اثری بر او نگذاشت.

یکی از عجیب‌ترین حکم‌های جمهوری اسلامی علیه وی، حکم زندان ۴۵۳ ساله او بود! آقای میثاقی پس از تحمل بیش از یازده سال زندان و شکنجه‌هایی خارج از حد وصف از زندان آزاد شد! بعد از چند سال برای دیدار فرزندان به آمریکا رفت و چند سال را با خانواده خود سپری کرد. در آنجا نیز کلاس‌هایی با خانواده و دوستان داشت ولی همواره در فکر ایران و دوستان و جوانان بود تا اینکه در سال ۲۰۱۱ به ایران، وطنی که می‌پرستید برگشت و به ادامه کلاس‌ها و تعلیم و تربیت جوانان پرداخت.

بخش‌الله میثاقی بامداد سه‌شنبه ۱۳ ماه مه ۲۰۲۵ چشم از جهان فرو بست و به جهان دیگر شتافت. روح شجاع‌اش شاد.

آیا اینبار راه نجاتی هست؟!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

کارنامه چهل و شش ساله انقلاب اسلامی در حوزه اقتصاد



در «فضاهای فرهنگی» طبقات اجتماعی قوام‌یافته‌ی جامعه به جولان برخاستند و به «بحران هویت» دامن زدند. این فضای ملت‌پس، نظام مدیریت کشور را به گزینش یکی از دو راه پیش رو فرا می‌خواند: بازنگری بنیادی در مشی اقتصادی، سیاسی و مدیریتی و یا قطبی کردن حاکمیت و پافشاری بر پیشبرد برنامه‌هایی که ادامه‌شان با دشواری‌های ساختاری روبرو می‌شد. این دو راهی دشوار، بیکباره هر دو نخبگان حاکمیت و اپوزیسیون سیاسی را به محک تجربه گذاشت: نظام حکومتی به راه قطبی کردن و اصرار بر آمریت روی آورد و نیروهای خواستار تجدید نظر را از دایره حکومت بیرون گذاشت.

در این مرحله بحرانی که ساختار پویای جامعه و اقتصاد از تحول دوازده ساله خود تا سال ۱۳۵۵ موفق سر برآورده بود با آنکه ادامه رشد بالای ۱۰ درصدی در برخورد به تنگناها از نفس افتاده بود ولی چون ساختارها و نیروهای میدانی آنها توانمندانه در میدان بودند و راه‌های حرکت برایشان گشوده و بسترهای بین‌المللی توسعه همچون روابط سازگار بین‌المللی و رویکرد نهادهای پولی و تجاری با ادامه رشد هم‌نوا بودند، سیستم هنوز می‌توانست با بازاندیشی در سیاست‌های پولی و مالی و مدیریت تنگناها امکان ادامه رشد با نرخ‌های ملایم‌تر را برای دهه‌های دیگر تأمین کند زیرا اقتصاد ملی از مرحله «خیز» گذر کرده بود و می‌توانست به تعادل‌هایی در سطوح بالاتر دست یابد.

اما اپوزیسیون سیاسی هم در برخورد به مرحله تشخیص و انتخاب، با وجود دعوی جهان‌بینی و ترقی‌جوئی، فقر نظری خود را به نمایش گذاشت و با تشخیص بغایت نادرست، به فرایند نوسازی نیم سده پیشین پشت کرد و در چرخشی تصوراتناپذیر، به صف واپسمانده‌ترین اقشار اجتماعی پیوسته و به مشروعه‌ای گردن نهاد که در جنبش مشروطه دچار خذلان شده و برج و باروی خود باخته بود. در این میان، طبقه متوسط شهری و نخبگان برآمده از مدرنیزاسیون دهه‌های نوسازی نیز که می‌بایستی از دستاوردهای تاریخی خود دفاع می‌کردند، با ترس‌خوردگی موالی‌گونه و عافیت‌طلبی انفعالی، تن به موج سپرده و انهدام

عمده این موتور، اختصاص بخش عمده درآمدهای نفتی به امر توسعه بود: درآمدهای نفتی از برنامه دوم توسعه ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۰، نخست ۶۰ درصد و سپس ۸۰ درصد به امر توسعه اختصاص یافت: برنامه عمرانی سوم ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ با بودجه ۲/۷ میلیارد دلاری بر توسعه آموزش، کشاورزی و اصلاحات متمرکز بود: برنامه عمرانی چهارم ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ با بودجه ۶/۷ میلیارد دلاری روی هدف رشد ۱۵ درصدی متمرکز داشت: برنامه عمرانی پنجم ۱۳۵۲-۱۳۵۶ با اختصاص ۵۵ میلیارد دلار، رشد ۲۶ درصدی را هدف می‌کرد. با وجود این در کنفرانس رامسر در مرداد ۱۳۵۳، حجم اعتبارات باقیمانده برنامه از ۳۵/۷ میلیارد به ۶۸ میلیارد دلار افزایش داده شد.

در دو سال پایانی پیش از انقلاب، تورم با گذر از میانگین دوازده ساله ۳ تا ۴ درصد، تا ۲۵ درصد و بیکاری تا ۱۸ درصد فزونی گرفت و اقتصاد به «تورم رکودی» مبتلا شد. نشانه‌های این خیز تورمی به صورت نرم، از سال ۱۳۵۱ بروز کرده بود و مطابق معمول، علت این تورم، تزریق فزاینده از توان گواش «نقدینگی در گردش» در اندام‌های اقتصاد ملی بود که عمدتاً از کانال هزینه‌های دولتی انجام می‌گرفت. زیرساخت‌های اقتصاد همچون راه‌ها و خطوط ارتباطی، ناوگان‌های حمل و نقل زمینی و هوایی، و بندرها، اسکله‌ها و کانال‌ها به سبب زمان‌بردن تأسیسات، با سرعتی کندتر توسعه می‌یافتند و به ناگزیر تزریق پول بجای آنکه به افزایش تولید، اشتغال و ارتقای بهره‌وری بیانجامد، به سد تنگنا و تورم بر می‌خورد. تنگناها که عمدتاً در اسکله‌ها، راه‌ها و وسایل نقلیه و سپس در ظرفیت‌های جذب ساختارهای تولید رخ می‌نمودند، از محدود بودن مجال‌های سرمایه‌گذاری خبر می‌دادند و جریان افزوده پول، ناگزیر به بازارهای غیرتولیدی نظیر بورس بازی زمین سرریز می‌کرد و مجال‌هایی برای رانت‌جوئی، از رهگذر دستکاری مقررات ساخت شهری پدید می‌آورد[۳]. تحرک طبقاتی پرشتابی در جامعه بروز کرده بود که به همراه خود ساختارهای فرهنگی را درگرونی می‌کرد.

در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ قشرهای نوکسبه زمین‌بازان

● در فاصله زمانی انقلاب تا امروز، رشد میانگین درآمد سرانه واقعی جهانی در ۴۶ سال گذشته به قیمت‌های ثابت و با لحاظ کردن «قدرت خریدهای محلی» به دلیل نوسان‌های اقتصادی، رکودها و تورم‌ها بسیار با یکدیگر متفاوت بوده است: اما بطور میانگین اکثر کشورها قدرت معیشت مردم خود را بین دو تا سه برابر کرده اند.

● در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ قشرهای نوکسبه زمین‌بازان در «فضاهای فرهنگی» طبقات اجتماعی قوام‌یافته‌ی جامعه به جولان برخاستند و به «بحران هویت» دامن زدند. این فضای ملت‌پس، نظام مدیریت کشور را به گزینش یکی از دو راه پیش رو فرا می‌خواند: بازنگری بنیادی در مشی اقتصادی، سیاسی و مدیریتی و یا قطبی کردن حاکمیت و پافشاری بر پیشبرد برنامه‌هایی که ادامه‌شان با دشواری‌های ساختاری روبرو می‌شد.

● اما اپوزیسیون سیاسی هم در برخورد به مرحله تشخیص و انتخاب، با وجود دعوی جهان‌بینی و ترقی‌جوئی، فقر نظری خود را به نمایش گذاشت و با تشخیص بغایت نادرست، به فرایند نوسازی نیم سده پیشین پشت کرد و در چرخشی تصوراتناپذیر، به صف واپسمانده‌ترین اقشار اجتماعی پیوسته و به مشروعه‌ای گردن نهاد که در جنبش مشروطه دچار خذلان شده و برج و باروی خود باخته بود.

● نقطه عزیمت ما نظاره بر زاده شدن دولتی است که به گزارش وزارت اقتصاد و دارائی، روی ثروتی برابر با ۱۸۳ برابر تولید ملی می‌نشیند ولی خروجی آن بجای تولید ثروت و سرمایه، ایجاد هزینه و زیان است. این حکومت به مثابه سیاهچاله‌ای عمل می‌کند که ثروت ملی را می‌بلعد؛ عوامل تولید را ضایع می‌کند و خروجی آن، کسری، ناموزونی و «ناترازی» است.

حسن منصور - تولید ناخالص ملی ایران در پایان سال ۲۰۲۴، از سوی بانک جهانی، رقم ۴۳۶/۹ میلیارد دلار اعلام شده است[۱]. بانک جهانی گزارش می‌کند که برای تبدیل ارقام ریالی به دلار از نرخ رسمی بانک مرکزی ایران یعنی ۵۵ هزار و ۵۵۲ تومان برای دلار استفاده کرده است. این رقم با نرخ بازاری دلار (۸۳ هزار تومان امروز) برابر است با ۲۸۷ میلیارد دلار. با جمعیت میانگین ۸۷ میلیونی کشور، سهم سرانه سالانه هر ایرانی از این تولید، با این فرض که تولید ملی میان همه افراد ملت، یکسان توزیع شود، برابر می‌شود با ۳۳۰۰ دلار امروز؛ یعنی سهم متوسط سالانه خانوار ۳/۳ نفری، برابر می‌شود با ۱۰ هزار و ۸۸۶ دلار.

در فاصله زمانی انقلاب تا امروز، رشد میانگین درآمد سرانه واقعی جهانی در ۴۶ سال گذشته به قیمت‌های ثابت و با لحاظ کردن «قدرت خریدهای محلی» [۲] به دلیل نوسان‌های اقتصادی، رکودها و تورم‌ها بسیار با یکدیگر متفاوت بوده است: اما بطور میانگین اکثر کشورها قدرت معیشت مردم خود را بین دو تا سه برابر کرده اند؛ و برخی دیگر نظیر سنگاپور، چین و هند، شاهد افزایش سطح معیشت در مقیاس‌های دو رقمی بوده‌اند.

ادامه راه رشد: گزینه‌ای که گزین نشد
ایران در میان سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ رشد اقتصادی میانگین ۱۱/۵ درصدی داشته و و یک «معجزه اقتصادی» را در تاریخ ثبت نموده است؛ درآمد سرانه واقعی چهار برابر شد و موتور اقتصاد، راه به شکوفائی و توسعه گشود. محرک

دفعتی یا گام به گام دستاوردهای خود را به نظاره نشستند.

توسعه، ادامه دشوار رشد

توسعه امری است کیفی که بر اثر انباشتگی رشد مجال بروز پیدا می‌کند و به دگرگونی بن‌مایه‌ها (پارادایم‌ها) راه می‌گشاید و درواقع، توسعه، سرمنزل رشد است. اما در این مختصر، توجه ما به رشد معطوف است. رشد اقتصادی امری است کمی و معنای آن چنین است که به ازای ورودی مقدار معینی از داده‌ها به دستگاه تولید، مقدار بیشتری ستانده از آن گرفته شود. داده‌ها یا ورودی دستگاه تولیدی عبارتند از کار و زمین و سرمایه؛ و ستانده‌ها در برگرفته انواع متنوع کالاها و خدمات مورد تقاضاست. داده‌ها و ستانده‌ها با متریک یکسانی اندازه‌گیری می‌شوند.

کار و زمین و سرمایه به عنوان عامل‌های تولید، از تحول کیفی به دور نیستند زیرا پرورش فنی نیروی کار، آمایش علمی زمین و اعتلای فنی سرمایه، بهره‌وری آنها را اعتلا می‌دهد. و همین دگرگونی، کمیت و کیفیت ستانده‌ها را دگرگون می‌کند.

برای آنکه رشد اقتصادی از معنای روشنی برخوردار شود باید به صورت «رشد تولید سرانه واقعی» سنجیده شود تا اثر افزایش داده‌ها، تغییر جمعیت، و افزایش قیمت‌ها بر حجم ستانده‌ها خنثی شود. بدیهی است که اگر حجم تولید ملی در بازه زمانی معینی مثلاً سه برابر شود در حالی که جمعیت نیز سه برابر افزایش یافته است، با آنکه تولید ملی افزایش پیدا کرده، تولید سرانه رشدی نکرده است؛ و به همین منوال اگر مقدار ارزشی ستانده‌ها، ۲۰ درصد افزایش یابد در حالی که قیمت‌های عمومی نیز ۲۰ درصد افزایش یافته‌اند، حجم ستانده‌های واقعی افزوده نشده است. از این رو لازم است رشد تولید، به صورت سرانه و واقعی (یعنی به قیمت ثابت) اندازه‌گیری شود.

اما منابع رشد متنوع‌اند و از عمده‌ترین آنها می‌توان از ارتقای کیفی سرمایه انسانی، افزایش بهره‌وری ناشی از تغییر مقیاس تولید، [۴] رسوب تجربه و دانش در ساختارها، تأثیر دگرگونی‌های بیرونی، [۵] ارتقای کیفی سازمان تولید و روابط میان عناصر آن، ارتقای پژوهش و توسعه [۶] و فزاینده بودن نرخ زایش اندیشه‌های نو نام برد.

البته ادامه نرخ‌های بزرگ رشد در بلندمدت با موانعی روبرو می‌شوند که از سرعت آنها می‌کاهد. از این جمله، نظریه اقتصادی به اشباع سرمایه‌گذاری [۷]، از میان رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری [۸]، حرکت‌های دورانی اقتصاد [۹]، فقدان کفایت منابع، و بروز حادثه‌های طبیعی نظیر پاندمی‌ها یا بی‌ثباتی‌های ملی و بین‌المللی تأکید می‌ورزد.

با وجود این، نظریه رشد ادامه نرخ رشد‌های بزرگ در زمان‌های طولانی را به شرط حضور یک مدیریت پر وسواس برای تأمین شرایط ضروری، ممکن می‌شمارد. تاریخ اقتصاد از رشد‌های بلندمدت برای کره جنوبی و سنگاپور -۱۹۶۰-۱۹۹۰، هنگ کنگ و تایوان، بوتسوانا، مالتا و ژاپن و چین درس‌های ارزنده‌ای دارد. و نیز در همین بازه زمانی، از کشورهای چاد، ماداگاسکار، سومالی، زامبیا، یوگاند، گویانا، نیکاراگو، بنین، جمهوری افریقای مرکزی، هائیتی، بوروندی، گانا، ونزوئلا، موریتانی و نیجر، با رشد‌های منفی گزارش می‌کند. در مجموع می‌توان گفت که رشد، امری نظام‌مند است و ادامه آن به شرط تأمین پر وسواس شرایط آن امکانپذیر است. [۱۰]

نرخ رشد‌هایی که تأمین‌شان در ایران برای دهه‌ها امکانپذیر بود

می‌شوند:

بر پایه تولید ملی ۸۴ میلیارد دلاری سال ۱۳۵۶ که ۲۴ میلیارد دلار آن از محل صادرات نفت بود، و سهم سرانه درآمد ملی سالانه ۲۲۷۰ دلار بود، با بازبینی سیاست‌های پولی و مالی و ایجاد برخی اصلاحات اجتماعی، تأمین رشد میانگین ۳ تا ۶ درصدی و احیاناً بالاتر، برای بلندمدت دهه‌های آینده امکانپذیر بود. اما دست‌کم چهار دوران بحرانی اقتصاد جهانی در فاصله ۱۳۵۶ تا ۱۴۰۴ را باید استثنا کرد زیرا اقتصاد ملی ایران نیز از تأثیر آنها گریزی نمی‌داشت:

بحران بدهی دهه ۱۹۸۰ که سقوط قیمت نفت را به دنبال آورد؛

بحران مالی ۱۹۹۷ در کشورهای آسیای جنوب شرقی که سقوط تقاضا و قیمت نفت را در پی داشت؛

سقوط بازارهای جهانی در سال ۲۰۰۸ که به افت تولید و سقوط قیمت نفت انجامید و

شیوع پاندمی کرونا در سال ۲۰۲۰ که رکود و سپس تورم را در پی آورد.

از این رو دوره‌هایی در مجموع حدود ده سال را باید از بازه رشد مورد انتظار کنار نهاد و از این رو سناریوهای رشد تولید سرانه واقعی را بجای افق ۴۵ برای ۳۵ سال محاسبه می‌کنیم:

- در آمد سرانه ملی ۲۲۷۰ دلار سال ۵۷ با رشد سالانه ۳ در صد در پایان سال ۲۰۲۴ بالغ می‌شد به ۶۵۷۲ دلار؛

- در آمد سرانه ملی ۲۲۷۰ دلار سال ۵۷ با رشد سالانه ۴ در صد در پایان سال ۲۰۲۴ بالغ می‌شد به ۸۹۶۴ دلار؛

- در آمد سرانه ملی ۲۲۷۰ دلار سال ۵۷ با رشد سالانه ۵ در صد در پایان سال ۲۰۲۳ بالغ می‌شد به ۱۲۵۲۱ دلار؛

- در آمد سرانه ملی ۲۲۷۰ دلار سال ۵۷ با رشد سالانه ۶ در صد در پایان سال ۲۰۲۴ بالغ می‌شد به ۱۷۴۶۰ دلار؛

ناموزونی دوم: میان چرخه اقتصاد واقعی و اقتصاد پولی
تولید ملی انبوهی است از کالاها و خدمات متنوع، از خوراک و پوشاک مسکن تا فرهنگ و بهداشت و امنیت و گردشگری و غیر آن. برای آنکه کالاها و خدمات به مصرف برسند باید مورد «تقاضا» باشند. این حکم بدین معناست که «نیاز» باید به پشتوانه قدرت خرید در بازار حضور پیدا کند تا به «تقاضای موثر» بدل شود زیرا نیاز بی‌پشتوانه قدرت خرید، در بازار حضور پیدا نمی‌کند و ای بسا که بازار مملو از خوراکی باشد و شمار بزرگی از مردم گرسنه بمانند [۱۱]. از این رو میان انبوه کالاها و خدمات از یکسو و مصرف‌کننده از سوی دیگر، واسطه‌ای به نام «پول» حضور پیدا می‌کند. پول- که کارکرد آن یکی از چالشی‌ترین پدیده‌های جهان اندیشه است- مانند قطره شبنمی که تمام کائنات پیرامون را در خود باز می‌تاباند- همه ارزش‌ها (پولی) و فایده‌ها (حسی- روانی)- را به سنجش کمی درآورده و در

تولید ملی سرانه در پایان سال ۲۰۲۴ (۱۴۰۲) با رشد‌های ممکن				
نرخ ۳%	نرخ ۴%	نرخ ۵%	نرخ ۶%	
۶۵۷۲	۸۹۶۴	۱۲۵۲۱	۱۷۴۶۰	تولید ملی سرانه پایان سال ۱۴۰۲ با دلار ۱۳۵۷
۴۹۵۴ دلار با رسمی				تولید ملی سرانه پایان سال ۱۴۰۲ در جمهوری اسلامی
۳۱۲۶ دلار با نرخ بازار				

سلسله‌مرباتی رده‌بندی می‌کند. بنابراین میان حجم تولید ملی و حجم پول در گردش، یک سلسله روابط کمی برقرار می‌شود که مخدوش شدن آنها می‌تواند قدرت خرید پول را فرسایش داده و رکود و تورم پدید آورد. این روابط کمی در مدیریت پولی جمهوری اسلامی، در هم ریخته و حجم نقدینگی در برابر تنها ۵-۴ برابر شدن اقتصاد واقعی، ۳۷ هزار بار افزایش داده شده است که یکی از آثار چشمگیر آن، افزایش ده هزار برابری سطح عمومی قیمت‌هاست و پیامد مهمتر آن، جابجائی طبقاتی جامعه است که اقشار جدیدی را به سروری جامعه برکشیده و امکانات کل جامعه را به انحصار آنها در آورده است.

ناموزونی سوم: میان چرخه تولید ملی و انباشت سرمایه
تولید ملی در بستر سرمایه‌تولیدی انجام می‌پذیرد و روابط پیچیده‌ای میان ایندو برقرار است. در برابر هر واحد تولید ملی در حدود چهار تا هفت واحد سرمایه ثابت مورد نیاز است که به صورت ساختار سرمایه جلوه می‌کند. بخشی از این ساختار در هر سال مستهلک می‌شود که باید جاگزین شود [۱۲]. بخش دیگری هم دچار فرسودگی فنی [۱۳] می‌شود و باید از رهگذر تزریق سرمایه روزآمد که

یعنی گزینش صحیح ملی در سال ۱۳۵۷ با محتاطانه‌ترین رویکردها می‌توانست تولید سرانه هر یک از ۸۷ میلیون ایرانی امروز را به ۶۵۷۲ تا ۱۷۴۶۰ دلار برساند در حالی که با حکومت جمهوری اسلامی به ۳۱۳۶ دلار رسیده است.

راهی به ناکجا آباد که آوار شد

آنچه انقلاب اسلامی نام گرفت خط حرکت استراتژیک اقتصاد کشور را دگرگون کرد: سرمایه‌های مالی و فنی به تاراج رفت؛ مدیریت‌های کارآفرین و ثروت‌ساز تاراند شدند و جای آنان را آزروران ناشنا به رموز کارآفرینی گرفتند؛ نهادهای مدرن علمی و فنی نظیر سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و دیوان محاسبات ملی به تصرف عدوانی کارناشناسان مدعی و متوهم در آمده و تغییر کارکرد دادند و سویه حرکت آنها از راستای توسعه ملی به سوی ایلغار و یغما برگشت؛ مجتمع‌های تولیدی به تصرف خانواده‌های حکومتگر «بیگانه با تولید» درآمدند و دولت توسعه‌ساز به دستگاه اعمال زور باندهای فراقانونی بدل شد. نمود بیرونی این تغییرات ژرف در بافت‌های اجتماعی و ساختارهای قدرت، بروز ناموزونی‌های ششگانه‌ای بود در ساختار اقتصاد ملی که در بسته‌های زیر طبقه‌بندی

➡ حامل تکنولوژی مدرن است ترمیم شود. تشکیل سرمایه ثابت [۱۴] باید پیوسته از فرسایش سرمایه پیشی گیرد تا هم سرمایه بنگاه‌ها از حیث فنی روزآمد شود و هم به انباشت سرمایه افزوده شود. نیاز به افزایش تشکیل سرمایه ثابت در شرایط رشد سریع فنون تولید ضرورت مبرم پیدا می‌کند و ضامن روزآمد کردن بهره‌وری است.

ناموزونی چهارم: میان چرخه تولید ملی و سرمایه ملی
تولید ملی با سرمایه بنگاه‌های تولید به عمل می‌آید و دیده‌ایم. اما سرمایه ملی ظرف تشکیل سرمایه بنگاه‌های تولیدی است و حجم آن فراتر از سرمایه بنگاه‌هاست. عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه ملی عبارتند از زیرساخت‌ها همچون راه‌ها، بندرها، اسکله‌ها، فرودگاه‌ها، سدها، کانال‌ها، آبراه‌ها، قنات‌ها، شبکه‌های برق و نیرو، خطوط ریلی، دریائی و هوائی، شبکه‌های فضای مجازی و مانند‌های آنها. این سرمایه، به توسط دولت‌ها ساخته می‌شود و منابع مالی آن در بودجه‌های عمرانی جلوه می‌کند.

حجم «بودجه کل کشور» که در جمهوری اسلامی به طرز نگران‌کننده‌ای بزرگ است و بیش از ۷۰ درصد تولید ملی را در بر می‌گیرد در برگرفته دو بخش بودجه بانک‌ها و شرکت‌های دولتی و بودجه عمومی است. معمولاً بودجه بانک‌ها و شرکت‌ها بیش از نیمی از بودجه کل کشور را در بر می‌گیرد. بودجه عمومی که صرف اداره کشور می‌شود از دو بخش بودجه جاری و بودجه عمرانی تشکیل می‌شود. «بودجه عمرانی» بخشی است از بودجه عمومی که برای پدید آوردن زیرساخت‌ها صرف می‌شود. این بخش که باید ۳۰ تا ۴۵ درصد بودجه عمومی را شامل شود در میان سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۴ از ۳۵ درصد به ۱۲ درصد بودجه جاری کاهش یافته که دو سوم از این میزان هم در مرحله اجرا معطل مانده یعنی سهم بودجه عمرانی اجرا شده به زیر ۱۰ درصد بودجه جاری کاهش پذیرفته است.

آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی درباره لایحه بودجه ۱۴۰۴ کل کشور در حوزه عمران و شهرسازی حکایت می‌کند که در یک دهه گذشته بطور متوسط ۱۷ درصد طرح‌ها در پایان سال به اتمام رسیده و ۸۳ درصد به سال بعد موکول شده است. در مجموع، ناکافی بودن سرمایه ملی از عمده‌ترین تنگنای تولید کشور شمرده می‌شود.

طرح‌های ناتمام بودجه کل کشور در حوزه عمران و شهرسازی					
سال	۱۴۰۳	۱۴۰۲	۱۴۰۱	۱۴۰۰	۹۹
درصد معطل‌مانده	۸۸	۶۲	۹۰	۸۴	۷۰
منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی					

ناموزونی پنجم: میان چرخه تولید ملی و سرمایه اجتماعی

فرسایش سرمایه اجتماعی- به مثابه نرم‌افزار نظام اقتصادی- نیروهای مولد جامعه را زمینگیر کرده و مبادله میان انسان‌های آزاد را به گروگانگیری و گردنه‌زنی بدل می‌کند. سرمایه اجتماعی در واژه اعتماد تجسم می‌یابد: اعتماد میان مردم و دولت، میان مصرف‌کننده و تولیدکننده، میان خریدار و فروشنده، اعتماد به اعتبار پیمان‌ها و اسناد تجاری، اعتماد به کفایت و پاکی دستگاه قضاوت، اعتماد به حافظان امنیت و سلامت آحاد جامعه و نهادهای حکومتی. ماده‌های ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، کلیه صنایع بزرگ کشور را در اختیار دولت قرار داده و آن را به تعیین‌کننده مقدرات مردم بدل کرده است. ماده ۴۵ همان قانون کلیه منابع و دارایی‌های کشور را ذیل عنوان انفال

جدول کارنامه اقتصادی جمهوری اسلامی				
شماره	مواد	سال آغاز ۱۳۵۵ [۲۰]	پایان سال (۲۰۲۴) ۱۴۰۳	میزان افزایش یا (کاهش)
۱	تولید ناخالص ملی به قیمت جاری	۵۸۸ میلیارد تومان	۲۷ کاترلیون تومان	۴۵ هزار و ۹۱۸ برابر
۲	شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده	۰/۱۰۱	۹۶۲	۹۵۲۹
۳	تولید ناخالص ملی قیمت‌های ثابت	۵۸۸	۲۷/۹۵۲۹ کاترلیون تومان	۲۰۸۳
۴	حجم نقدینگی	۲۵۹ میلیارد تومان	۹۰۴۳ کاترلیون تومان	۳۶ هزار و ۴۸۶ برابر
۵	نرخ دلار	۷ تومان	۸۳ هزار تومان	۱۱۸۵۷
۶	قیمت سکه تمام	۴۲۰ تومان	۶۹ میلیون تومان طرح جدید ۱۰۷ میلیون	۱۶۴ هزار برابر ۲۵۶ هزار برابر
۷	قیمت متر مربع آپارتمان مسکونی	۱۰ هزار تومان	۱۰۷ میلیون تومان	برابر ۱۰۷۰۰
۸	حد متوسط معیشت خانوار در تهران	هزار تومان در ماه	۳۲ میلیون تومان	۳۲ هزار برابر
۹	قسعت اتومبیل پیکان	۵۰ هزار تومان	پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۹: ۱۶۲ تا ۴۶۷ میلیون	۲۲۶ تا ۹۲۰ برابر
۱۰	قیمت سبد معیشت در تهران	حدود هزار تومان	۲۳/۵ میلیون تومان	۲۳۵ برابر
۱۱	قبض آب	چندین هزار برابر ۲۹ تا ۲۰۰ هزار تومان در ماه		
۱۲	قبض برق	چندین هزار برابر ۲۹ هزار تا ۲ میلیون تومان در ماه		
۱۳	اعتبار پول ملی	گوندشین بی‌اعتبارترین پول‌های جهان است؛ از یاتین به بالا: ریال ایران؛ دوتنگ ویتنام، کیپ لاٹوس، لئون سیرالئون و...		
۱۴	اعتبار پاسپورت‌ها	پاسپورت جمهوری اسلامی یک پله برتر از پاسپورت‌های افغانستان، عراق، سوریه، پاکستان، یمن، سومالی، مناطق فلسطین، کره شمالی، و لیبی قرار دارد.		
۱۵	تشکیل سرمایه بنگاه‌ها	نه تنها از روزآمد کردن فنی ساختار سرمایه عقب‌تر مانده، حتی از جبران استهلاک سرمایه نیز پس افتاده است.		
۱۶	تشکیل سرمایه عمرانی	سقوط پیوسته بودجه عمرانی و افزایش طرح‌های نافرجام، زیرساخت‌های کشور را منقرض می‌کند.		
۱۷	انهدام ثروت ملی	آلودگی هوا، مرگ خاک حاصلخیز، خشک شدن دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، کاریزها و آبخوان‌ها، بیابانزائی، جنگل‌زدائی و تخریب زیست محیط‌های گیاهی و حیوانی، تعادل اکولوژیک حوزه تمدنی کشور را در معرض انقراض قرار می‌دهد.		
۱۸	حفظ تمامیت ارضی کشور	در دریای مازندران (بحر خزر) تسلیم زیاده‌خواهی روس‌ها در خلیج فارس، تسلیم زیاده‌خواهی چینی‌ها و هندی‌ها		
۱۹	تجارت بین‌المللی	ایران که ۱/۱ درصد جمعیت جهان را دارد در تجارت جهانی سهم ۴ دهم درصدی دارد و وجه غالب صادرات آنهم خام‌فروشی است بطوری که هر تن صادرات کمتر از یک چهارم واردات ارزی دارد.		
۲۰	مدیریت ارزی کشور	مدیریت ارزی کشور یکی از رازآمیزترین بخش‌های مدیریت کشور است و حساب روشنی از وصولی‌ها و مصارف ارزی در دست نیست.		

سرمایه تولیدی و سرمایه ملی را می‌فرساید و کشور را در برابر حوادث پرهزینه‌ای چون سیل و توفان و زلزله و فرونشست زمین، خشکسالی و دیگر عوارض طبیعی ناتوان‌تر ساخته و زیست‌بوم آدمی را تخریب می‌کند.

در هر کدام از شش چرخه ناموزون نامبرده، عوامل پرشماری حضور دارند که در راستای تشدید فراتر ناموزونی‌ها کار می‌کنند: مثلاً در ناموزونی تولید ملی و توزیع امتی، نیروهائی را می‌یابیم که هم در درون و هم در بیرون کشور در برابر رفع آن ناموزونی فعالانه به کار می‌پردازند و به ادامه و تشدید آن می‌کوشند؛ یا در مورد ناموزونی چرخه‌های اقتصاد واقعی و اقتصاد پولی (اسمی) لایه‌های اجتماعی پرتوانی شکل گرفته‌اند که از کند کردن آهنگ این ناموزونی مهلک جلوگیری می‌کنند؛ و این حکم در مورد هر یک از شش ناموزونی جاری است.

هنگامی که این ناموزونی‌ها بطور همزمان حضور دارند کارکرد آنها هم‌افزائی پیدا می‌کند، زیرا دینامیک درونی آنان در یک «مدل عمومی» بهم می‌آمیزد و ماجرا را از سادگی بیرون می‌برد. در این مدل عمومی که بحث جداگانه‌ای می‌طلبید، می‌توان دید که چگونه تکاثر ثروت بخش ناچیز جامعه، توان‌های تولیدی اقتصاد ملی را می‌فرساید و محیط زیست را به ثروت خصوصی بدل می‌کند؛ چگونه جامعه، آینده را «پیش‌خور» می‌کند و ثروت تولیدنشده را به مصرف می‌رساند؛ چگونه ساختارهای تولید ذوب می‌شود و سطوح علمی و مدیریتی در شیب تند سرازیر می‌شود. با (سینترژی) [۱۶] زاده شده از همسوئی این ناموزونی، سونامی ویرانگری شکل می‌گیرد که ظرفیت‌های

(غنایم جنگی) در اختیار ولی امر قرار داده و ملت را به طفیل قدرت مبدل ساخته است. پیامد این تمرکز و تکاثر ثروت و قدرت، بروز فساد گسترده است که بدنه اعتماد اجتماعی را فرسود و با بروز دادن نمونه‌های بی‌نظیر اختلاس و فساد، کشور را در سال ۲۰۲۴ با نمره ۲۳ از ۱۰۰، در ردیف ۱۵۱ از ۱۸۰ کشور نشانند؛ یعنی در تمام دنیا تنها ۲۹ کشور از

طرح‌های ناتمام بودجه کل کشور در حوزه عمران و شهرسازی					
سال	۱۴۰۳	۱۴۰۲	۱۴۰۱	۱۴۰۰	۹۹
درصد معطل‌مانده	۸۸	۶۲	۹۰	۸۴	۷۰
منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی					

ایران اسلامی فاسدتر و اعتمادناپذیرتر هستند. پیامد نزاری اعتماد، فرار سرمایه و زمینگیر شدن تولید ملی است. [۱۵]

ناموزونی ششم. میان چرخه تولید ملی و ثروت ملی
ثروت ملی هدیه طبیعت و ظرف شکل‌گیری سرمایه ملی است و سرمایه ملی به نوبه خود قالب تکوین سرمایه تولیدگران است. در حالی که سرمایه ملی ساخت انسان است، ثروت ملی ارمان طبیعت است و در اشکال پرتنوع شرایط اقلیمی، رودخانه‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، آبگیرها، تالاب‌ها و چشمه‌ها، خاک‌ها و معدن‌ها، آب و هوا، کوه‌ها، پستی‌ها و بلندی‌ها (توپولوژی)، گونه‌های جانوری (فونا) و گونه‌های گیاهی (فلورا)، نمود پیدا می‌کند و نقش انسان در حد مراقبت از آنها و حفاظت و اعتلای عناصر زیست‌بوم خود تعریف می‌شود. پاس نداشتن ثروت ملی، توان تشکیل

مادر برای ما واژه‌ایست که در دوردست‌ها خفته و دست‌مان هم به خاکش نمی‌رسد



روزی فرا می‌رسد که «مادر» واژه‌ای می‌شود دور و محو، در خاطره‌ها مانده و در سرزمینی که دست‌مان حتی به خاکش هم نمی‌رسد. روایتی تلخ از جدایی ابدی با عزیزترین آدم زندگی‌مان؛ و محدودیت‌هایی که نه سرنوشت، که جمهوری اسلامی با چنگال‌های امنیتی‌اش برایشان رقم زده است. این نگاه، فراتر از سیاست، از بطن احساسات و انسانیت برمی‌خیزد.

تصور کن انسانی، ناخواسته اما ناگزیر، غربت را انتخاب می‌کند. خاطرات شیرین یک عمر زندگی را در چمدانی کوچک می‌گذارد و دلش را در همان خانه‌ی قدیمی جا می‌گذارد. بعد، فرصتی برای آغوش، برای بوسه‌ی آخر، برای نگاه دوباره... هرگز فراهم نمی‌شود. داغی که نه زمان، نه فاصله، و نه هیچ تسلاهی التیام‌اش نمی‌بخشد.

چشم‌هایی که برای دیدن عزیزی روشن مانده بودند، خاموش می‌شوند؛ و دستی که برای نوازش دراز شده بود، بی‌پاسخ می‌ماند. آنچه باقی می‌ماند، فقط اندوهی‌ست سنگین که باید در گوشه‌ای از دل، برای همیشه جا داد.

سال‌هاست که ما ایرانیان، این اندوه عظیم را بر دوش می‌کشیم؛ اندوهی که از دل حکومتی سر برآورده که با ظلم و بی‌رحمی، مردمش را به دو دسته تقسیم کرده: آنان که چمدان می‌بندند و می‌روند، و آنان که می‌مانند و در چنگال پستوهای امنیتی و سلول‌های بی‌نام و نشان، اسیر می‌شوند. و در این میان، آنکه رفته، دیگر راه بازگشتی ندارد؛ و آنکه مانده، بی‌خبر، شاید روزی با مزاری سرد و بی‌صدا مواجه می‌شود... بی‌آنکه مجال آخرین دیدار، یا وداعی انسانی فراهم باشد.

جمهوری اسلامی و کارگزاران جنایت‌پیشه‌اش، روزی باید پاسخگوی این حجم از اندوه و حسرت باشند. آنها مسبب اصلی غم‌های ناقم و جدایی‌های ابدی‌اند. و این پرسش که «چگونه می‌توان چنین داغی را تاب آورد؟» سال‌هاست که در سینه‌ی ما مهاجران، و در دل زندانیان بی‌پناه، بی‌پاسخ مانده است. پرسشی که سنگینی‌اش بر روح‌مان ماندگار خواهد بود.

● درد دوری، داغ هجرت، و غم نبودن در لحظه آخر... همگی واژه‌هایی‌اند که در برابر سوگ مادری از دست‌رفته، بی‌رمل و بی‌معنا می‌شوند. مخصوصاً وقتی که این وداع تلخ، نه در آغوش بلکه از پشت شیشه‌های سرد گoshi و فاصله‌های هزاران کیلومتری رخ می‌دهد. و اینجاست که باید فراتر از یک روایت شخصی، به درد مشترک بسیاری از ما مهاجران نگریم.

● سال‌هاست که ما ایرانیان، این اندوه عظیم را بر دوش می‌کشیم؛ اندوهی که از دل حکومتی سر برآورده که با ظلم و بی‌رحمی، مردمش را به دو دسته تقسیم کرده: آنان که چمدان می‌بندند و می‌روند، و آنان که می‌مانند و در چنگال پستوهای امنیتی و سلول‌های بی‌نام و نشان، اسیر می‌شوند.

● و در این میان، آنکه رفته، دیگر راه بازگشتی ندارد؛ و آنکه مانده، بی‌خبر، شاید روزی با مزاری سرد و بی‌صدا مواجه می‌شود... بی‌آنکه مجال آخرین دیدار، یا وداعی انسانی فراهم باشد.

مهدی نوذر - در گذر وبگردی‌های امروز، به استوری‌های مهناز افشار برخوردم. زنی که به دلایلی - که اکنون مجال پرداختن به آنها نیست - ترک دیار کرده و در غربتی سرد، چشم نگرانش به سوی مادری بیمار مانده بود. استوری‌ها، روایتی زنده از دقایق تلخی بودند که خبر بستری شدن و سپس به کما رفتن مادر را از کیلومترها فاصله، نفس به نفس دنبال می‌کرد... تا آن لحظه جانگداز که خبر فقدان مادر، چون صاعقه بر جان مخاطب فرود آمد.

درد دوری، داغ هجرت، و غم نبودن در لحظه آخر... همگی واژه‌هایی‌اند که در برابر سوگ مادری از دست‌رفته، بی‌رمل و بی‌معنا می‌شوند. مخصوصاً وقتی که این وداع تلخ، نه در آغوش بلکه از پشت شیشه‌های سرد گoshi و فاصله‌های هزاران کیلومتری رخ می‌دهد. و اینجاست که باید فراتر از یک روایت شخصی، به درد مشترک بسیاری از ما مهاجران نگریم.

➔ رشد و توسعه را می‌فرساید؛ این نیروی ویرانگر با بیرون راندن بخش‌هایی از سازنده‌ترین نیروهای جامعه، ترکیب جمعیتی کشور را دگرگون می‌کند؛ انباشت ثروت را به انحصار بخش‌های غیرمولد جامعه در می‌آورد و ثروت تولیدنشده را به مصرف رسانده و سطوح علمی و مدیریتی کشور را در شیب تند سرازیر می‌کند. [۱۷]

نقطه عزیمت ما نظاره بر زاده شدن دولتی است که به گزارش وزارت اقتصاد و دارایی، روی ثروتی برابر با ۱۸۳ برابر تولید ملی می‌نشیند ولی خروجی آن بجای تولید ثروت و سرمایه، ایجاد هزینه و زیان است؛ غولی با پاهای گلین. [۱۸]

این حکومت به مثابه سیاهچاله‌ای عمل می‌کند که ثروت ملی را می‌بلعد؛ عوامل تولید را ضایع می‌کند و خروجی آن، کسری، ناموزونی و «ناترازی» است. [۱۹]

انگلستان / ماه مه ۲۰۲۵

[۱] World Bank Data, Outlook 2024-2025

[۲] Ppp= Purchase Power Parity

[۳] زمین‌هایی ذیل «بند ز» برده می‌شدند که مجوز ساخت و ساز نداشتند و به فاصله اندکی پس از سقوط قیمت‌شان، محافلی که نفوذ یا اطلاعات درونی داشتند به خرید آنها می‌پرداختند و سپس شهرداری، آنها را از شمول بند ز بیرون می‌آورد.

[۴] Economy of Scale

[۵] Externalities

[۶] R & D : Research & Development

[۷] Saturatioin

[۸] Vanishing Investment Opportunities

[۹] Business Cycles

[۱۰] Robert BARRO and Xavier ASLA-I-MAR-

TIN, Economic Growth, 1995, Mc Graw-Hill

[۱۱] نمونه بارز آن قحطی بزرگ بنگال در ۱۹۵۳ بود که به مرگ بیش از سه میلیون انسان انجامید در حالی که بازارها از مواد خوراکی انباشته بود و آمارتیا سن با توضیح ساز و کار این قحطی برنده جایزه نوبل اقتصاد گردید.

[۱۲] Depreciation

[۱۳] Obsolescence

[۱۴] Fixed Capital Formation

[۱۵] Transparency Index 2024

[۱۶] Synergy

[۱۷] برای تبیین هر کدام از این ناموزونی‌ها مراجعه کنید به مقاله‌ای ذیل همین عناوین در سامانه حسن منصور [۱۸] درباره میزان مصادره‌ها و تصرفات عدوانی نظام از دارائی‌های مردم آماری ذکر نشده است. در مهرماه سال ۱۳۹۶ آقای رحمت‌الله کرمی معاون نظارت مالی وزارت اقتصاد و خزانه‌دار کل کشور اعلام کرد: «دولت ۱۸۳ هزار هزار میلیارد تومان ثروت دارد». در همان سال، رقم تولید ملی برابر بود با ۲,۹۷ هزارهزار میلیارد تومان. یعنی به گفته خزانه‌دار کل کشور، ثروت دولت برابر بود با ۶۲ برابر تولید ملی کشور. این رقم با آنکه گزافه‌آمیز به نظر می‌رسد ولی تا کنون از سوی مراجع مسئول کشور، تکذیب نشده است.

[۱۹] نگاه کنید به «آیا اقتصاد ایران در وضعیت تکنیکی واقع است؟» و نیز به انگلیسی: Is Iranian Economy at the Neighbourhood of Singularity? حسن منصور

[۲۰] سال نرمال پیش از انقلاب یعنی ۱۳۵۵ به عنوان سال آغاز گرفته شده است.

افزایش مشاوره‌های روانشناسی غیرمجاز، تهدیدی خاموش و در پناه نگاه ایدئولوژیک



● مشاوران غیرمجاز روانشناسی اغلب مدرک مشخصی ندارند یا مدرکشان مرتبط نیست، مثلاً جامعه‌شناسی یا تربیت بدنی، ولی با اعتماد به نفس بالا، خدمات روانشناسی فردی، خانوادگی، زوج‌درمانی، فرزندپروری و حتی مشاوره کسب و کار ارائه می‌دهند!

● هیوا درخشانی روانشناس: عموماً جوانان، زنان خانه‌دار درگیر مشکلات عاطفی و کسانی که دسترسی مستقیم به مشاورین رسمی ندارند بیشتر به مشاوره‌های غیرمجاز مراجعه می‌کنند. همچنین افرادی که به دنبال راه حل‌های سریع و کم‌هزینه برای مشکلات خود هستند نیز در این دسته قرار می‌گیرند. مثلاً نوجوان یا جوانی که فضایی آشناتر و دوستانه‌تر از مدیا ندارد و با تمام فشاری که بیرون از این فضا تجربه می‌کند به این فضا پناه می‌آورد که البته درآمدن از چاله و افتادن به چاه است.

فیروزه نوردستروم- دکتر محمد حاتم‌ی رئیس وقت سازمان نظام مهندسی و مشاوره کشور در اردیبهشت ۱۴۰۰ از شناسایی حدود ۳۵۰۰ صفحه غیرمجاز توسط روانشناس‌نماهایی که تحصیلات روانشناسی و مشاوره ندارند خبر داده بود که در فضای مجازی اقدام به ارائه خدمات روانشناسی و مشاوره می‌کردند. وی با بیان اینکه «برای برخی از آنها تذکر و برای بخشی تشکیل پرونده دادیم»، گفته بود که فعالیت صفحات غیرمجاز روانشناسی و مشاوره در دوران پاندمی کووید ۱۹ نسبت به گذشته حدود سه برابر افزایش داشته است.

کیهان لندن در گفتگو با دکتر معصومه صفری روانشناس ساکن تهران و هیوا درخشانی روانشناس و بنیانگذار استارت‌آپ اروپایی Psy Rona و اپلیکیشن چت‌درمانی Tropical به بررسی علل افزایش مشاوره‌های روانشناسی غیرمجاز آنلاین، عوامل گسترش و راهکارهای مقابله با رشد این نوع مشاوره‌های غیرتخصصی پرداخته است.

دکتر معصومه صفری با اشاره به افزایش رو به رشد مشاوره‌های آنلاین در ایران به کیهان لندن می‌گوید: «در پی شدت گرفتن بیماری‌های افسردگی، وسواس، اضطراب و اختلالات شخصیتی در جریان اپیدمی کرونا در کشور و در دسترس نبودن مشاوره‌های حضوری برای افراد و هزینه‌های بالای مشاوره‌های رسمی و از همه مهمتر عدم نظارت بر فعالیت این مشاوره‌های زرد در شبکه‌های مجازی، مشاوران غیرمجاز در فضای مجازی با استفاده از جملات همدلانه و عامه‌پسند، مردم را به سمت خود جذب کردند. از طرفی افراد تصور می‌کنند در شبکه‌های آنلاین و تلفنی شناخته نمی‌شوند و راحت‌تر صحبت می‌کنند، آن هزینه‌های بالا هم کمتر است و از آنجا که بر این مشاوره‌ها نظارتی نمی‌شود، چنانچه مراحل درمان فرد به درستی پیش نرود، فرد امکان شکایت ندارد. همه این عوامل، باعث افزایش مشاوره‌های آنلاین غیرمجاز در کشور شده و این روند روز به روز بیشتر می‌شود که ضربه سنگینی به ساختار مشاوره و روانشناسی کشور وارد کرده است.»

هیوا درخشانی هم در مورد علل افزایش فعالیت مشاوره‌های غیرمجاز در کشور به کیهان لندن می‌گوید: «در ایران تقریباً هیچ نظارت مؤثر و جامعی بر مشاوره‌های روانشناسی غیرمجاز به ویژه در فضای آنلاین وجود ندارد.

این فضا به دلیل نبود قانونگذاری مشخص و ابزارهای کنترلی، بستری مناسب برای افراد بدون صلاحیت علمی و حرفه‌ای ایجاد کرده تا بدون ترس از پیگرد قانونی، خدمات شبه‌درمانی ارائه دهند. مردم نیز در مواجهه با این فضا، اگر تحت تأثیر این افراد قرار بگیرند، خودشان انتخاب می‌کنند، بدون هیچ ابزار شفاف‌سازی یا هشدار رسمی از سوی نهادهای ناظر.»

چه عواملی باعث شده که این نوع مشاوره‌ها در بازار، تقاضای بیشتری پیدا کنند و افراد بجای مراجعه به مشاوران و روانشناسان مجاز، به مشاوره‌های آنلاین غیرمجاز مراجعه کنند؟

در پاسخ به این پرسش، هیوا درخشانی هزینه پایین‌تر، دسترسی آسان‌تر، تبلیغات جذاب در اینستاگرام، نبود فضای اعتماد در سیستم رسمی و مهم‌تر از همه، شکست سیستم نظارت بر مشاوران قانونی را از جمله دلایلی می‌داند که باعث شده این نوع مشاوره‌ها در بازار تقاضای بیشتری پیدا کند. به گفته وی حتی در فضای رسمی، مشاوره‌ها تحت تأثیر نگاه ایدئولوژیک قرار گرفته‌اند که بر اساس این تصمیم حکومتی، طلاب، جای روانشناسان را بگیرند.

این روانشناس به فضای مدیا اشاره می‌کند که با تبلیغات گسترده در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، افراد را به این سمت سوق داده است. از سوی دیگر برخی از این افراد با چرب‌زبانی، اغراق و استفاده از کلمات زیبا، تصویری حرفه‌ای از خود ارائه می‌دهند که برای مخاطب ناآگاه، جذاب به نظر می‌رسد. بحران‌های اجتماعی و روانی روزافزون، به ویژه پس از کرونا نیز باعث شده نیاز به کمک روانشناختی بالا برود، اما منابع تخصصی و قانونی برای پاسخگویی به این نیاز کافی نیستند.

دکتر صفری نیز معتقد است: «دسترسی افراد به این نوع مشاوره‌ها بسیار سریع است، هزینه‌های این افراد هم به خاطر جذب فالوور بیشتر بسیار پایین و گاه رایگان است، از طرفی با همدلی دروغین و آزادی‌های سطحی، بسیار عامه‌پسند صحبت می‌کنند و در تمام شبکه‌های اجتماعی حضور دارند، مخصوصاً در اینستاگرام با تبلیغات و زرق

و برق و جملات جذاب، مردم عادی را اغوا می‌کنند و به این نوع مشاوره‌ها جذب می‌کنند. از سوی دیگر تعداد مشاوره‌های مجاز و متخصص بسیار کم هستند، اگر هم در دسترس باشند افراد باید به مدت طولانی در صف انتظار منتظر بمانند، همین مسئله باعث افزایش فعالیت مشاوره‌های آنلاین غیرمجاز شده. جوانانی که به این مشاوره‌ها مراجعه می‌کنند نمی‌دانند جریان مشاوره چگونه باید باشد، مشاوره درست کجاست و چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه باید پیش برود، از طرفی جوانان امروز، دانش کافی در مورد سلامت روان و بهزیستی ندارند و برای بیان مشکلات خود در مورد تابوهای جنسی، هویتی، دینی و مذهبی، مایل به مشاوره حضوری و وقت گذاشتن و هزینه کردن نیستند.»

دکتر صفری در مورد گروه‌هایی که بیشتر به این مشاوره‌ها مراجعه می‌کنند توضیح می‌دهد: «گروه‌هایی به مشاوره‌های آنلاین غیرمجاز مراجعه می‌کنند که از نظر ویژگی‌های اقتصادی و روانی جزو گروه‌های خاص هستند، بیشتر، جوانان و نوجوانی که از سطح تحصیلات پایینی برخوردارند و در شبکه‌های مجازی فعالند و درگیر مشکلات روانی مثل بحران‌های مربوط به هویت‌یابی یا رابطه‌های عاطفی هستند. زنان خانه‌دار نیز جذب مشاوره‌های غیرمجاز می‌شوند چون توانایی مالی اندکی دارند و اگر از سطح تحصیلات پایین‌تری برخوردار باشند بیشتر جذب این مشاوره‌ها می‌شوند، گروه بعدی دانشجویانی هستند که با مهاجرت کرده یا از شهر محل سکونت خود به شهر دیگری نقل مکان کرده و در خوابگاه سکونت دارند و دچار اضطراب مالی و تحصیلی هستند.»

به گفته این روانشناس، اختلالات اضطرابی و افسردگی به ویژه در پی شیوع کرونا، وقوع جنگ‌ها و بلایای طبیعی بیشتر از سال‌های گذشته شایع شده و در این میان، جریان شبکه‌های اجتماعی در گسترش مشاوره‌های غیرمجاز بیشتر تأثیر گذاشته و با افزایش توصیه‌های سطحی و تبلیغات وسیع، افراد جذب این مشاوره‌ها می‌شوند.

درخشانی نیز معتقد است عموماً جوانان، زنان

را تبلیغ می‌کنند. در نشست‌های صداوسیما افرادی که علم و دانش کافی ندارند دعوت می‌شوند، افرادی که به سمت دین غش کرده‌اند و با تمرکز بر روی اعتقادات مردم، اطلاعات غلط زیادی ارائه می‌دهند.»

دکتر صفری توضیح می‌دهد: «در سازمان نظام روانشناسی قوانینی مشخص شده اما مسئله اینست که چقدر قابل اجرا هستند. قوانینی گذاشته‌اند برای افرادی که بدون داشتن صلاحیت علمی یا مجوز قانونی وارد امور پزشکی روانپزشکی و مشاوره شده‌اند و جرم شناخته می‌شود، حتی سازمان نظام روانشناسی اسامی افرادی را به عنوان روانشناسان زرد و غیرقانونی معرفی کرده، مقرراتی هم توسط پلیس فتا برای مقابله با مشاوره‌های غیرمجاز در شبکه‌های اجتماعی اعمال شده اما اینکه تا چه حد اثربخش بوده بستگی به اجرای این قوانین برای جلوگیری از مشاوره‌های غیرمجاز دارد.»

در ادامه هیوا درخشانی در مورد وضعیت نظارت بر مشاوره‌های روانشناسی آنلاین غیرمجاز می‌گوید: «آنقدر که تمرکز بر روی حجاب بلاگرها وجود دارد تقریباً هیچ نظارتی بر روی مشاوران غیرمجاز و آسیب آنها بر پیکره روانی مردم وجود ندارد. مشاوران غیرمجاز با اسامی جعلی یا ساختگی فعالیت می‌کنند، مدارکشان را منتشر نمی‌کنند و در فضایی کاملاً غیرشفاف، مشغول به فعالیت هستند. تنها زمانی که شکایتی جدی مطرح می‌شود، شاید برخوردی صورت بگیرد، آنهم با تاخیر و اغلب بدون نتیجه.»

دکتر صفری نیز بر نبود نظارت قانونی بر فعالیت این مشاوره‌های غیرتخصصی تاکید می‌کند: «این مشاوره‌ها مثل قارچ سمی رشد کرده و بسیار زیاد هستند، شناسایی و ارزیابی مشاوره‌های این افراد با وجود نظارت سازمان نظام روانشناسی یا پلیس فتا و نهادهای مسئول دیگر در فضای مجازی به کندی صورت می‌گیرد.»

در ادامه درخشانی در شرایطی که نمی‌توان امیدی به حکومت داشت، به تقویت آگاهی عمومی اشاره می‌کند: «مردم باید یاد بگیرند که چگونه مشاور متخصص را از غیرمتخصص تشخیص دهند. همچنین سامانه‌ای برای بررسی اعتبار مشاوران ایجاد شود. شفاف‌سازی فرایند صدور مجوز و نظارت جدی‌تر بر نهادهای صادرکننده نیز ضروری است.» دکتر صفری نیز بر بالابردن آگاهی مردم، وجود یک سامانه مشخص برای استعلام مشاوره‌های دارای مجوز از سازمان نظام روانشناسی تاکید و اضافه می‌کند: «ارائه آموزش در رسانه‌ها و رادیوتلوویزیون و وبسایت‌های معتبر، حضور مراجعی نظیر پلیس فتا برای مسدود کردن فعالیت مجازی این مشاوره‌ها و آموزش مردم توسط روانشناسان متخصص می‌بایست برای تشخیص مشاوره‌های غیرمجاز از مجاز ارائه شود.»

هیوا درخشانی همچنین حضور پررنگ‌تر روانشناسان مجاز در شبکه‌های مجازی را برای جلوگیری از گسترش این نوع مشاوره‌ها مناسب می‌داند و معتقد است: «بسیاری از روانشناسان خوب کشور اصلاً در این فضا فعالیت نمی‌کنند یا دیده نمی‌شوند. باید از رسانه‌ها خواست تا مشاوران واقعی را برجسته کنند، نه صرفاً چهره‌های زرد با فالور بالا را!» این روانشناس همچنین آموزش، شفاف‌سازی و تولید محتوا توسط روانشناسان واقعی و ساخت پلتفرم‌هایی را ضروری می‌داند که فقط افراد دارای شماره نظام روانشناسی در آنها اجازه فعالیت داشته باشند.

در پایان وی تاکید می‌کند: «باید اعتماد عمومی را به سیستم رسمی در این زمینه بازگرداند؛ سیستمی که در سال‌های اخیر بجای حمایت از متخصصان واقعی، بیشتر به سمت مداخلات ایدئولوژیک با حضور طلاب در عرصه روانشناسی رفته است.»

مسئول بر این مشاوره‌ها، حتی مواردی از سوء استفاده‌های جنسی و مالی در این نوع مشاوره‌ها گزارش شده است. «هیوا درخشانی هم مهم‌ترین خطر این مشاوره‌ها را تشخیص اشتباه و تجویز توصیه‌های غیراستاندارد می‌داند که می‌تواند سلامت روان فرد را بطور جدی تهدید کند و در طول سال‌ها افراد را با توصیه‌های اشتباه خود در سیکل اشتباه قرار دهند در حالی که پاسخ مناسب و حرفه‌ای برای این مشکل وجود دارد.»

به گفته این کارشناس ارشد روانشناسی شخصیت، این افراد اغلب مدرک مشخصی ندارند یا مدرکشان مرتبط نیست، مثلاً جامعه‌شناسی یا تربیت بدنی، ولی با اعتماد به نفس بالا، خدمات روانشناسی فردی، خانوادگی، زوج‌درمانی، فرزندپروری و حتی مشاوره کسب و کار ارائه می‌دهند!

درخشانی در پاسخ به این پرسش که مشاوره‌های غیرمجاز چه تهدیداتی برای افراد دارند و چگونه می‌توانند به روان سالم افراد آسیب بزنند؟ توضیح می‌دهد: «این افراد با عبارات فریبنده‌ای مانند «انرژی مثبت»، «کشف رسالت شخصی» یا «شفای درون»، مسیرهای گمراه‌کننده‌ای را پیشنهاد می‌کنند که اغلب آنها را از رنج و دردی که دارند موقتاً قطع می‌کنند مثل چسب زخمی که برای زخمی عفونی و عمیق تجویز می‌شود. مثلاً بجای آنکه روی شناخت طرحواره و تجربه هیجانی امن تمرکز کنند، فرد را ترغیب به قطع رابطه یا تصمیمات ناگهانی می‌کنند، در نتیجه نه‌تنها مشکل فرد حل نمی‌شود، بلکه با آسیب بیشتری وارد چرخه مناسبات تکراری می‌شود.»

در ادامه دکتر صفری توضیح می‌دهد: «از آنجا که این افراد از نظر علمی جایگاه مناسبی ندارند می‌توانند یک اعتماد دروغین و وابستگی روانی و آسیب‌های بلندمدتی برای مراجعین خود ایجاد کنند، چون بعد از ده‌ها جلسه نه تنها درمانی حاصل نمی‌شود بلکه تاخیر در درمان، اختلال روانی فرد را مزمن و بدتر می‌کند و فرد برای خود و اطرافیان خود آسیب‌های زیادی ایجاد می‌کند. در بسیاری از اوقات در اختلالات افسردگی و حتی افکار آسیب‌زننده مثل خودکشی می‌تواند جان فرد را به خطر بیندازد، موارد بسیاری از آسیب رساندن فرد به خود و اطرافیان خودش داشته‌ایم.»

به گفته این دکترای روانشناسی، این افراد، تفسیرها و باورهای بسیار غلطی ارائه می‌دهند که تأثیرات بدی در زمینه خودشناسی و ارتباط موثر با خود فرد ایجاد می‌کند و می‌تواند به ایجاد وابستگی عاطفی به مشاور یا فضای مجازی منجر شود. از آنجا که با مشاوره‌های درمانی آشنایی ندارند، سلامت روان جوانان را به خطر می‌اندازند حتی می‌توانند اختلالات آنها را افزایش دهند و خودشان مانعی بر سر راه درمان علمی و به موقع آنها هستند.

درخشانی یکی از مهم‌ترین دلایل مراجعه افراد به مشاوره‌های غیرمجاز را مشکلات اقتصادی می‌داند و می‌گوید: «فرآیند پیچیده گرفتن نوبت از روانشناس رسمی، نبود مشاوران دولتی کافی و دستکاری در سیستم اعطای شماره نظام روانشناسی نیز بر این تصمیم تأثیر گذاشته‌اند. در سال‌های اخیر، بسیاری از همکاران حرفه‌ای من به دلیل مصاحبه‌هایی که توسط طلاب برگزار می‌شود، از دریافت شماره نظام روانشناسی بازمانده‌اند.»

از این روانشناس می‌پرسیم آیا قوانین خاصی برای جلوگیری از مشاوره‌های غیرمجاز در کشور وجود دارد؟

می‌گوید: «در ظاهر، بله، اما در عمل اجرای این قوانین بسیار ضعیف و ناقص است. نه‌تنها نهاد ناظری برای فضای آنلاین وجود ندارد، بلکه رسانه‌هایی مثل صداوسیما و صفحات پربازدید اینستاگرام، بعضاً خودشان این چهره‌ها

→ خانه‌دار درگیر مشکلات عاطفی و کسانی که دسترسی مستقیم به مشاورین رسمی ندارند بیشتر به مشاوره‌های غیرمجاز مراجعه می‌کنند. همچنین افرادی که به دنبال راه حل‌های سریع و کم‌هزینه برای مشکلات خود هستند نیز در این دسته قرار می‌گیرند. مثلاً نوجوان یا جوانی که فضایی آشناتر و دوستانه‌تر از مدیا ندارد و با تمام فشاری که بیرون از این فضا تجربه می‌کند به این فضا پناه می‌آورد که البته درآمدن از چاله و افتادن به چاه است.

آیا افرادی با مشکلات خاص روان یا شرایط ویژه بیشتر به این مشاوره‌ها علاقمندند؟

هیوا درخشانی در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «افرادی که دچار آسیب‌های عمیق روانی مانند طرحواره طرد، تروماهای کودکی یا وابستگی‌های ناسالم هستند، بیشتر در معرض خطر مراجعه به این مشاوران قرار دارند. چون به دنبال تأیید سریع و تصمیمات فوری هستند. مثلاً مشاور بدون تخصص کافی ممکن است به فردی که دچار طرحواره طرد است، توصیه به جدایی کند، بدون درک اینکه مشکل اصلی در الگوی درونی فرد ریشه دارد، نه در رابطه فعلی و فرد از رابطه‌ای به رابطه‌ای دیگر می‌رود، غافل از اینکه مشکل او ریشه در کودکی و ارتباط آموخته شده او است.» دکتر معصومه صفری نیز معتقد است: «طبق پژوهش‌ها و گزارش‌های منتشر شده افراد دارای مشکلات خاص روانشناختی مثل افراد دچار اختلالات اضطرابی، افسردگی خفیف تا متوسط، به دنبال راه حل‌های فوری یا تخلیه هیجانی یا به دنبال یک همدلی سریع می‌گردند، هرچند در فرایند این مشاوره‌های زرد، به درمانی نمی‌رسند اما این جریان مشاوره، این سطح را به آنها می‌دهد که در بلندمدت به درمان می‌رسند. همچنین افراد دارای مشکلات جنسی و هویتی از آنجا که از قضاوت یا شناخته شدن واهمه زیادی دارند بیشتر به سمت مشاوره‌های غیرمجاز و آنلاین گرایش دارند. نوجوانان هم به دلیل مشکلات هویتی و شکست‌های عاطفی و زنان خانه‌دار درگیر جدایی‌های عاطفی یا طلاق هم به دنبال همدلی سریع هستند که بدون قضاوت باشد.» به گفته‌ی این روانشناس، یکسری افراد که دچار اختلالات شخصیتی هستند مخصوصاً شخصیت‌های مرزی یا به نوعی شخصیت‌های نمایشی هم بسیار مایلند که به یک مشاوره سریع دست پیدا کنند، افرادی که احساس طرد شدن از جامعه دارند هم مایلند از مشاوره‌های غیرمجاز کمک بگیرند.

دکتر صفری در مورد خطرات و آسیب‌های احتمالی مشاوره‌های روانشناسی غیرمجاز می‌گوید: «از آنجا که مشاوران غیرمجاز یک همدلی سطحی ارائه می‌دهند پس از چند جلسه فرد مراجعه‌کننده متوجه می‌شود که به درمان نرسیده و بیشتر یک همدلی و همدردی داشته‌اند و از آنجا که این مشاوران، صلاحیت علمی ندارند و نظارت کافی بر روی آنها اعمال نمی‌شود مسئولیت‌پذیری حقوقی برای آنها وجود ندارد و می‌توانند آسیب‌های جدی وارد کنند، حتی اتفاقات جبران‌ناپذیری برای مراجعه‌کنندگان رقم می‌زنند و سلامت روانی آنها را خدشه‌دار می‌کنند، پس وجود این مشاوره‌ها می‌تواند خطرناک باشد، به دلیل تشخیص یا توصیه‌های اشتباه، مثلاً مورد افسردگی بسیار شدید را سطحی در نظر می‌گیرند یا مورد بحران خودکشی را سطحی و نمایشی در نظر می‌گیرند که می‌تواند جان فرد را به خطر بیندازد. راهکارها و توصیه‌های غیرعلمی ارائه می‌دهند که بسیار آسیب‌دهنده است، با همدلی‌های سطحی زیاد، فرد مبتلا به اختلالات شخصیتی عاطفی ممکن است به این مشاور وابسته شود و به دلیل عدم نظارت سازمان‌های

«سازمان حقوق بشر ایران» اعدام شهروندان به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» را محکوم کرد



● سازمان حقوق بشر ایران در گزارشی که روز چهارشنبه ۷ خرداد در ارتباط با اعدام پدram مدنی در سحرگاه چهارشنبه هفتم خرداد ۱۴۰۴ منتشر شده، نوشته است که این سومین شهروندی است که از ابتدای سال جاری میلادی (۲۰۲۵) با اتهام جاسوسی برای اسرائیل اعدام می‌شود. صفحه کیوان مهدی زندانی سیاسی و از هم‌بندیان پدram مدنی برای نخستین بار عکسی از او منتشر کرده است. ● محمود امیری‌مقدم مدیر این سازمان توضیح داده است: «پدram مدنی بدون دسترسی به وکیل منتخب خود، در فرآیندی ناعادلانه، غیرشفاف و بر اساس دستور نهادهای امنیتی، در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. هدف جمهوری اسلامی از اعدام پدram مدنی و تمامی کسانی که روزانه توسط این نظام اعدام می‌شوند، تنها ارباب جامعه و سرپوش گذاشتن بر فساد و ناکارآمدی نظام است.»

سازمان حقوق بشر ایران در گزارشی که روز چهارشنبه ۷ خرداد در ارتباط با اعدام پدram مدنی در سحرگاه چهارشنبه هفتم خرداد ۱۴۰۴ منتشر شده، نوشته است که این سومین شهروندی است که از ابتدای سال جاری میلادی (۲۰۲۵) با اتهام جاسوسی برای اسرائیل اعدام می‌شود. صفحه کیوان مهدی زندانی سیاسی و از هم‌بندیان پدram مدنی برای نخستین بار این عکس را از او منتشر کرده است. این سازمان اعدام این افراد را به شدت محکوم کرده و از جامعه جهانی می‌خواهد که علیه آن واکنش فوری نشان دهند.

محمود امیری‌مقدم مدیر این سازمان توضیح داده است: «پدram مدنی بدون دسترسی به وکیل منتخب خود، در فرآیندی ناعادلانه، غیرشفاف و بر اساس دستور نهادهای امنیتی، در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. هدف جمهوری اسلامی از اعدام پدram مدنی و تمامی کسانی که روزانه توسط این نظام اعدام می‌شوند، تنها ارباب جامعه و سرپوش گذاشتن بر فساد و ناکارآمدی نظام است.»

اعدام پدram مدنی در زندان قزلحصار به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل»

● قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۴ اعلام کرد که حکم اعدام پدram مدنی متهم به «جاسوسی برای اسرائیل» اجرا شده است.

● قوه قضائیه ادعا کرده است که پدram مدنی تلاش داشته اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، از جمله موقعیت مکان‌ها و ساختمان‌هایی با تجهیزات زیرساختی را در اختیار «افسر موساد» قرار دهد.

● پنج روز پیش از اعدام پدram مدنی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شماری از اعضای اتاق بازرگانی ایران را متهم به ارتباط با اسرائیل کرد.

● اعدام زندانیان سیاسی به اتهام جاسوسی برای اسرائیل پس از آن شدت گرفت که نظام به این برآورد رسید که اسرائیل و آمریکا در ارتباط با فشار بر آن برای عقب‌نشینی از خطوط قرمز خود در مذاکرات اتمی بطور هماهنگ عمل می‌کنند و چندان امیدی برای رسیدن به یک توافق احتمالی که به سود رژیم باشد در چشم‌انداز نیست. از همین رو با اتهام واهی جاسوسی و پرونده‌سازی و فشار برای اعترافات اجباری دست به اعدام زندانیان سیاسی که در دست آن اسیرند می‌زند تا با گسترش فضای رعب و وحشت از تداوم اعتراضات و اعتصابات و گسترش احتمالی آنها به همه جامعه جلوگیری کند.

● قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۴ اعلام کرد که حکم اعدام پدram مدنی متهم به «جاسوسی برای اسرائیل» اجرا شده است.

پیش از این مادر پدram مدنی و شماری از فعالان حقوق بشر و وکلای دادگستری و همچنین اولیویه گروندو شهروند فرانسوی که پیشتر توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده و هم‌بندی پدram مدنی بود، هشدار داده بودند که این زندانی در پرونده‌ای پر از «ایرادات اساسی» و بدون دسترسی به وکیل انتخابی، تنها بر اساس اعترافات که زیر فشار به دست آمده، به اعدام محکوم شده است.

در متن گزارش خبرگزاری «میزان» ادعا شده که پدram مدنی در سال ۱۳۹۹ در تهران به اتهام «جاسوسی به نفع سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی (موساد)» و «تحصیل مال از طریق نامشروع در قالب دریافت ارز خارجی نقد در اروپا و ارز دیجیتال» دستگیر شد.

● قوه قضائیه ادعا کرده است که پدram مدنی تلاش داشته است «اطلاعات دارای طبقه‌بندی از جمله مکان‌ها و ساختمان‌هایی» را که «تجهیزات زیرساختی در آن مستقر بوده» از طریق «ارتباط امن به افسر موساد برساند.»

● خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه همچنین مدعی شده که با «بازایی اطلاعات از دستگاه‌های الکترونیکی پدram مدنی مشخص شد بین متهم و افسر سرویس تبادل پیام صورت گرفته و افسر به وی دستور داده ضمن دسته‌بندی اطلاعات، آن را به قسمت تخصصی سرویس منتقل کند.» «میزان» نوشته است که پدram مدنی «در طول ارتباط خود با «سرویس جاسوسی» به اسرائیل نیز سفر کرده است. ←

به گزارش سازمان حقوق بشر ایران، اجرای احکام اعدام در ماه‌های گذشته شتاب بیشتری گرفته و بر اساس آماري که این سازمان مستند کرده است، فقط طی ۱۰ روز گذشته دست‌کم ۶۰ نفر در ایران اعدام شده‌اند. امیری مقدم با اشاره به این موضوع گفت: «جامعه جهانی و مردم باید واکنش قوی‌تری نسبت به بحران اعدام در ایران نشان دهند. تنها با بالا بردن هزینه‌های سیاسی اعدام‌ها است که می‌توان سرعت ماشین کشتار جمهوری اسلامی را کاهش داد.»

● خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه جمهوری اسلامی صبح چهارشنبه ۷ خرداد از اعدام پدram مدنی، ۴۱ ساله، خبر داد. بر اساس گزارش «میزان» این زندانی سیاسی به اتهام «جاسوسی به نفع سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) در حکم محاربه و افساد فی‌الارض» بازداشت و به اعدام محکوم شد. پدram مدنی یک فرزند خردسال داشت. او روز یکشنبه ۴ خرداد از زندان اوین جهت اعدام به زندان قزلحصار منتقل شد. سازمان حقوق بشر ایران نسبت به خطر اجرای حکم وی هشدار داده بود.

● به گزارش خبرگزاری «میزان» پدram مدنی در سال ۱۳۹۹ به اتهام جاسوسی برای اسرائیل بازداشت و سپس به اعدام محکوم شده بود. حکم اعدام مدنی سه بار در دیوان عالی کشور لغو شد، اما هربار، شعبه هم‌عرض مجدداً حکم اعدام صادر کرد.

پیش از این مادر پدram مدنی و شماری از فعالان حقوق بشر و وکلای دادگستری و همچنین اولیویه گروندو شهروند فرانسوی که پیشتر توسط جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده و هم‌بندی پدram مدنی بود، هشدار داده بودند که این زندانی در پرونده‌ای پر از «ایرادات اساسی» و بدون دسترسی به وکیل انتخابی، تنها بر اساس اعترافات که زیر فشار به دست آمده، به اعدام محکوم شده است.

● پنج روز پیش از اعدام پدram مدنی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شماری از اعضای اتاق بازرگانی ایران را متهم به ارتباط با اسرائیل کرد.

احسان باقری از قضات دادگاه کیفری شیراز کشته شد؛ ضارب فرار کرد



احسان باقری قاضی دادگاه کیفری شیراز

قاضی هنگام مراجعه به محل کار با سلاح سرد مورد حمله قرار گرفت.

او توضیح داد که «ابعاد این اقدام تروریستی با حضور فوری مسئولان حفاظت و اطلاعات استان و همچنین بازپرس ویژه قتل دادرسی شیراز در دست بررسی است.» برخی از وبسایت‌ها گزارش دادند که این قاضی با شلیک گلوله کشته شده است.

قتل این قاضی در شرایطی صورت گرفت که دوشنبه شب پنجم خرداد چهار نفر در خیابان منوچهری شیراز با چاقو کشته شدند. گزارش‌های ضد و نقیض در مورد این قتل در رسانه‌ها منتشر شده و مشخص نیست آیا بین این قتل‌ها ارتباطی وجود دارد یا نه.

منابع داخلی هویت قاتل احسان باقری را اعلام نکرده‌اند اما فرمانده انتظامی استان فارس گفت، «در همان لحظات اولیه، قاتل با چاقو به سمت کارکنان انتظامی حمله کرد و پس از چند بار اخطار مبنی بر تسلیم شدن، نامبرده سرپیچی می‌کرد که با شلیک پلیس از ناحیه پا مجروح و دستگیر شد.» ادعا شد قاتل حدوداً ۳۷ ساله است و ظاهراً مواد مخدر صنعتی مصرف کرده بود.

قتل قاضی دادگاه شیراز سه ماه بعد از قتل محمد مقیسه و علی رازینی دو قاضی شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی و دیوان عالی جمهوری اسلامی در تهران صورت گرفته است. در ارتباط با آن دو قتل ادعا شد که آن قتل‌ها تروریستی بود اما یک مأمور سابق وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی (واج) گفت که عامل ترور علی رازینی و محمد مقیسه در کاخ دادگستری تهران، «افسردگی» داشت و احتمالاً به دلیل «مشکلات معیشتی» و «فقر» این کار را کرده است.

● احسان باقری از قضات معروف شیراز روز سه‌شنبه ششم خرداد ۱۴۰۴ هنگام مراجعه به محل کار در خیابان کشته شد.

● این قاضی ۳۸ ساله متولد شهرستان نورآباد ممسنی بود و بیش از ۱۲ سال سابقه قضایی داشت. او رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ شیراز بود.

● یک مقام ارشد قضایی می‌گوید باقری در یک «اقدام تروریستی» کشته شده است. صدرالله رجایی رئیس کل دادگستری استان فارس به خبرگزاری «میزان» گفت که این قاضی هنگام مراجعه به محل کار با سلاح سرد مورد حمله قرار گرفت.

● قتل این قاضی در شرایطی صورت گرفت که دوشنبه شب پنجم خرداد چهار نفر در خیابان منوچهری شیراز با چاقو کشته شدند. گزارش‌های ضد و نقیض در مورد این قتل در رسانه‌ها منتشر شده و مشخص نیست بین این قتل‌ها ارتباطی وجود دارد یا نه.

بر اساس گزارش منابع داخلی، احسان باقری از قضات معروف شیراز روز سه‌شنبه ششم خرداد ۱۴۰۴ هنگام مراجعه به محل کار در خیابان کشته شد. در خبرهای اولیه گفته شد او «حجت‌الاسلام» بوده است اما بعداً این موضوع رد شد.

این قاضی ۳۸ ساله متولد شهرستان نورآباد ممسنی بود و بیش از ۱۲ سال سابقه قضایی داشت. او رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ شیراز بود.

یک مقام ارشد قضایی می‌گوید باقری در یک «اقدام تروریستی» کشته شده است. صدرالله رجایی رئیس کل دادگستری استان فارس به خبرگزاری «میزان» گفت که این

سازمان حقوق بشر ایران (مستقر در نروژ) در روزهای اخیر اعلام کرد که پدرام مدنی از روز یکشنبه، ۴ خرداد، از زندان اوین به زندان قزلحصار منتقل شده و خانواده‌اش برای آخرین ملاقات به زندان فرا خوانده شده‌اند. این سازمان همچنین گزارش داد که حکم اعدام مدنی سه بار در دیوان عالی کشور لغو شده، اما هربار، شعبه هم‌عرض



زندان قزلحصار

مجدداً حکم اعدام صادر کرده است. مادر پدرام مدنی روز سه‌شنبه در یک پیام ویدیویی اعلام کرد که فرزند ۴۱ ساله‌اش در تمام این مدت تنها به وکیل تسخیری دسترسی داشته و پرونده او «پر از ابهام و دارای ایرادات فراوان» است.

خبر اجرای حکم اعدام پدرام مدنی یک روز پس از آن منتشر شد که سازمان دیده‌بان حقوق بشر با اشاره به افزایش اعدام‌ها در ایران، نسبت به اعدام احتمالی و نزدیک چند زندانی سیاسی از جمله پدرام مدنی هشدار داده بود. پنج روز پیش از اعدام پدرام مدنی خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شماری از اعضای اتاق بازگانی ایران را متهم به ارتباط با اسرائیل کرد.

پیش از این نیز محسن لنگر‌نشین زندانی سیاسی ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ به اتهام «جاسوسی و پشتیبان میدانی چند عملیات موساد در ایران» در زندان قزلحصار اعدام شده بود. قوه قضائیه جمهوری اسلامی مدعی شد او «پشتیبان عملیاتی و فنی ترور سرهنگ سپاه حسن صیادخدایی در تهران بوده است».

اعدام زندانیان سیاسی به اتهام جاسوسی برای اسرائیل پس از آن شدت گرفت که نظام به این برآورد رسید که اسرائیل و آمریکا در ارتباط با فشار بر آن برای عقب‌نشینی از خطوط قرمز خود در مذاکرات اتمی بطور هماهنگ عمل می‌کنند و چندان آمیدی برای رسیدن به یک توافق احتمالی که به سود رژیم باشد در چشم‌انداز نیست. از همین رو با اتهام‌های جاسوسی و پرونده‌سازی و فشار برای اعترافات اجباری دست به اعدام زندانیان سیاسی که در دست آن اسیرند می‌زند تا با گسترش فضای رعب و وحشت از تداوم اعتراضات و اعتصابات و گسترش احتمالی آنها به همه جامعه جلوگیری کند.

رنجنامه یک زندانی پادشاهی خواه خطاب به دیکتاتورهای هنوز به قدرت نرسیده



همفکرشان نیست دشمن است و بطور کلی نوک پیکان مبارزه آنها به سمت زندانیان پادشاهی خواه، نشانه رفته است و این تنها بخش کوچکی از رنجنامه پادشاهی خواهان خطاب به این دیکتاتورهای هنوز به قدرت نرسیده است.

پیشتر در ۲۲ شهریور ۱۴۰۳ یک فرد نزدیک به این زندانی سیاسی به کیهان لندن خبر داده بود: «روز چهارشنبه ۲۱ شهریور مقامات زندان اوین در یک ابلاغیه برای پنجمین بار با آزادی مشروط زهره سرو مخالفت کردند.»

به گفته این فرد، زهره سرو همچنین از تمامی خدمات داخل زندان محروم شده و حتی زمانی که مادر زهره در بستر مرگ بود به او اجازه ندادند در کنار مادرش باشد و حتی با حضور او در مراسم خاکسپاری مادرش هم مخالفت کردند که این مسئله فشار روانی بسیاری بر او وارد کرد.

آن زمان این منبع آگاه گفته بود مقامات زندان اوین مدتی است هزینه های درمان زندانیان سیاسی را تقبل نمی کنند و بیشتر زندانیان سیاسی مجبورند از جیب خود برای انجام آزمایش و مسائل پزشکی هزینه کنند.

در همین ارتباط یک منبع آگاه روز چهارشنبه ۲۲ آذرماه ۱۴۰۲ در زمانی که زهره سرو دست به اعتصاب غذا زده بود، به کیهان لندن گفته بود که مأمورانی از سازمان اطلاعات سپاه (ساس) با این زندانی صحبت و تهدیدش کردند که باید با آنها همکاری کند و اعتصاب غذا را بشکند. آن زمان در پی خودکشی زهره سرو حین اعتصاب غذا، او را به بیمارستان «لقمان» منتقل کردند و معده اش را شستشو دادند. او تا ظهر چهارشنبه در بیمارستان بود و بعد به اوین منتقل شد. زهره سرو به دلیل عدم اعزام به مرخصی درمانی از روز پنجشنبه دوم آذرماه ۱۴۰۳ در زندان اوین اعتصاب غذا کرده بود.

آن زمان، شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به تداوم اعتصاب زهره سرو و فشار جمهوری اسلامی بر این فعال مشروطه خواه در شبکه «ایکس» نوشت: «جان خانم زهره سرو در خطر، و مسئولیت هر اتفاقی که برای وی بیفتد با جمهوری اسلامی و شخص علی خامنه ای است. او و همه زندانیان سیاسی- عقیدتی باید بدون قید و شرط آزاد شوند. از شورای حقوق بشر سازمان ملل و کمیته حقیقت یاب آن، و نیز سازمان های حقوق بشری می خواهم که فشارها بر رژیم برای آزادی زندانیان سیاسی را افزایش دهند.»

زهره سرو اوایل مهرماه سال ۱۴۰۰ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه (ساس) موسوم به بند الف-یک منتقل شد. وی اواسط آبان ماه همان سال، با پایان مراحل بازجویی ابتدا به بند زنان زندان اوین و چندی بعد به زندان قرچک ورامین انتقال داده شد.

وی در یازدهم اردیبهشت سال گذشته، به همراه چند تن از زندانیان و متهمان سیاسی، از بند ۸ زندان قرچک ورامین به زندان اوین منتقل شد. زهره سرو توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اتهام «اجتماع و تبانی» و «تبلیغ علیه نظام» به ۷ سال حبس تعزیری محکوم شد که طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، ۶ سال زندان در مورد او قابل اجرا است.

این زندانی سیاسی پیش از این نیز سابقه بازداشت و محکومیت داشته است. زهره سرو متولد ۱۳۴۵ است. وی پیش از زمان بازداشت با عنوان «ماه فر» در فضای مجازی حضور داشت.

می کنند اما سال به سال این کتاب ها را ورق نمی زنند. متعصب نیستند وقتی هربار که اسامی اعدایان از ابتدای فاجعه ۵۷ تا کنون بر روی دیوارهای بند نصب می شود اما اسامی شهدای پرافتخار ما از جمله تیمسار نادر جهانپانی را از دیوار کنده و دور می ریزند، اینها همان کمونیست هایی هستند که تازه واردان را به حدی با رفتارها و تهمت های خود آزرده و منزجر می کنند که زندانی برای رهایی از چنگال این دیکتاتورها مجبور به نوشتن توبه نامه شده و به این شکل، مهره های دگرگونی و براندازی را حذف می کنند.»

این زندانی مشروطه خواه در ادامه این نامه نوشته است: «هرچند همه می دانیم این خطای دیکته شده به کمونیست ها، از کجا سرچشمه می گیرد، قلدرا نی که تمامی مراسم گرایش خود را بدون اخذ رضایت افراد بند برگزار می کنند در حالی که ما پادشاهی خواهان حق برگزاری اینگونه مراسم را نداریم، اینها کسانی هستند که با هدف خربروشی زرد و کسب درآمد، همه زندانیان را به چشم پله برای خود می بینند و در این گستاخی بی حد و مرز حتی به یک اعدای هم رحم نمی کنند حتی اگر هم فکر خودشان باشد.»

زهره سرو می نویسد: «گاهی با خودم فکر می کنم در طول بازجویی های ما حتی به پدر و مادرهایمان فحاشی نشد، اما فقط به گناه پادشاهی خواهی، بارها فحاشی این سخیفان را شنیدیم و دم بر نیاوردیم. بارها به دلیل تعصب مان بر تمامیت ارضی کشور، «فاشیست» خطاب مان کردند، اما افسوس که این قلدرا های لپن، نه تنها از تاریخچه «فاشیسم» چیزی نمی دانند بلکه بر خود بی وطنشان می بالند که «مرز» برایشان مهم نیست! هر سال هم برای آزار دادن ما ۲۲ بهمن را جشن می گیرند در حالی که خودشان، مثلاً زندانی این انقلاب هستند.»

او در پایان این نامه خطاب به زندانیان کمونیست اضافه کرده است: «ای کاش می دانستید هیچ ننگی بالاتر از این نیست که خودتان زندانی سیستمی هستید که آن را خلق کرده اید، تنها قانون این دیکتاتورها این است که هرکس

● زهره سرو اوایل مهرماه سال ۱۴۰۰ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه سازمان اطلاعات سپاه (ساس) موسوم به بند الف-یک منتقل شد. وی اواسط آبان ماه همان سال، با پایان مراحل بازجویی ابتدا به بند زنان زندان اوین و چندی بعد به زندان قرچک ورامین انتقال داده شد و در حال حاضر در زندان اوین محبوس است.

● وی در نامه ای که یک نسخه از آن به کیهان لندن ارسال شده با اشاره به این موضوع که «دو تن از کمونیست ها زندان را برایمان جهنم کرده اند» از جمله می نویسد: «هرچند همه می دانیم این خطای دیکته شده به کمونیست ها، از کجا سرچشمه می گیرد، قلدرا نی که تمامی مراسم گرایش خود را بدون اخذ رضایت افراد بند برگزار می کنند در حالی که ما پادشاهی خواهان حق برگزاری اینگونه مراسم را نداریم، اینها کسانی هستند که با هدف خربروشی زرد و کسب درآمد، همه زندانیان را به چشم پله برای خود می بینند و در این گستاخی بی حد و مرز حتی به یک اعدای هم رحم نمی کنند حتی اگر هم فکر خودشان باشد.»

● «ای کاش می دانستید هیچ ننگی بالاتر از این نیست که خودتان زندانی سیستمی هستید که آن را خلق کرده اید، تنها قانون این دیکتاتورها این است که هرکس همفکرشان نیست دشمن است و بطور کلی نوک پیکان مبارزه آنها به سمت زندانیان پادشاهی خواه، نشانه رفته است و این تنها بخش کوچکی از رنجنامه پادشاهی خواهان خطاب به این دیکتاتورهای هنوز به قدرت نرسیده است.»

زهره سرو، زندانی سیاسی مشروطه خواه در نامه ای از زندان اوین در ارتباط با دو زندانی کمونیست نوشت: «اینها همان کمونیست هایی هستند که تازه واردان را به حدی با رفتارها و تهمت های خود آزرده و منزجر می کنند که زندانی برای رهایی از چنگال این دیکتاتورها مجبور به نوشتن توبه نامه شده و به این شکل، مهره های دگرگونی و براندازی را حذف می کنند.»

زهره سرو زندانی سیاسی مشروطه خواه در بخشی از این نامه که نسخه ای از آن به کیهان لندن ارسال شده نوشته است: «چند خطی از زندان اوین می نویسم همان زندانی که می گویند برای سفیدشویی لوکس اش کرده ایم، می گویند ما پادشاهی خواهان مهره سپاه در زندانیم، اما دو تن از کمونیست ها زندان را برایمان جهنم کرده اند، راستی چرا به ما می گویند مهره سپاه؟! اما هنوز مجبوریم با قلم و کاغذ بنویسیم نه مانند کمونیست هایی که به زودی در مورد نامشان افشاگری خواهد شد، در انتظار عمومی برای انتشار اخبار زرد و کذب و توهین و فحاشی، علیه زندانیان پادشاهی خواه، از گوشی موبایل استفاده می کنند، در حالی که نه بازرسی می شوند، نه حکم می گیرند، اما برادر هم رزم مهدی مسکین نواز به همین اتهام، ۱۰ سال حبس مجدد گرفته است.»

زهره سرو در بخشی از این نامه با بیان اینکه کمونیست ها نه تنها خون ما پادشاهی خواهان را در شیشه می ریزند بلکه روزانه به پادشاه فقید هم توهین می کنند می گوید: «اگر جوابگو باشیم متعصب و دگم هستیم در حالی که خودشان، کتاب «سرمایه» مارکس را مقدس می دانند و بالغ بر ده ها جلد از کتاب های مارکس را در کتابخانه خود نگهداری

ارتباط احتمالی قتل دو شهروند اسرائیلی در واشنگتن با فعالیت جریان‌های نفوذی وابسته به رژیم ایران و چین



الیاس رودریگز ۳۰ ساله متهم به قتل دو شهروند اسرائیلی در واشنگتن

افراط‌گرایی داخلی در آمریکا» حکایت دارد. بر این اساس، کارشناسان امنیتی خواستار تحقیق درباره فعالیت‌های PSL و ANSWER شده‌اند. آنها هشدار داده‌اند که ارتباطات این گروه‌ها با نهادهای مرتبط با رژیم‌های چین و ایران، در کنار ترویج مستقیم یا غیرمستقیم خشونت سیاسی، تهدیدی جدی برای امنیت داخلی ایالات متحده محسوب می‌شود. دو کارمند سفارت اسرائیل در واشنگتن دی‌سی به نام یارون لیشینسکی ۳۰ ساله و سارا میلگریم ۲۶ ساله چهارشنبه ۲۱ ماه مه (۳۱ اردیبهشت) در نزدیکی موزه یهودیان کشته شدند. این زوج جوان برای برگزاری مراسم نامزدی خود آماده می‌شدند.

نفرت‌پرانی کیهان تهران

این قتل از سوی تعدادی از رهبران دنیا به عنوان حمله تروریستی و نفرت‌پرانی علیه جامعه یهودیان محکوم شد و خشم بسیاری از مردم را در پی داشت. اما برخی منصوبین و عوامل حکومت در ایران از آن استقبال کردند؛ از جمله روزنامه کیهان تهران که به سرپرستی حسین شریعتمداری بازتاب دهنده نظرات «بیت» علی خامنه‌ای است.

این روزنامه روز شنبه سوم خرداد ۱۴۰۴ با ابراز خوشنودی از قتل این زوج یهودی در واشنگتن، در ستون «گفت و شنود» از رودریگز به عنوان «برادر عزیزمان» و از دو شهروند یهودی به عنوان «حیوان وحشی» نام برد و نوشت: «دَمَش گرم، شروع خوب و خدایسندانه‌ای بود. می‌گویند «بسیج واشنگتن» با این اقدام انقلابی اعلام موجودیت کرده است.»

این روزنامه در ادامه نوشته که کریستی نوم وزیر امنیت داخلی آمریکا از این واقعه به شدت ابراز نگرانی کرده و گفته است بعید نیست که اینگونه اقدامات به یک رویه تبدیل شده و باز هم تکرار شود.

در همین شماره از قتل یارون لیشینسکی و سارا میلگریم کارمندان سفارت اسرائیل در واشنگتن به عنوان «انتقام» یاد شده است؛ روزنامه کیهان تهران از رسانه‌های اصلی نفرت‌پرانی توسط جمهوری اسلامی علیه یهودیان به شمار می‌رود.

ارتباط با گروه‌های چپ افراطی از جمله «حزب سوسیالیسم و رهایی» (PSL) و ائتلاف «ANSWER» دارد. هر دو گروه به دلیل حمایت علنی از گفتمان‌های تند و بعضاً خشونت‌آمیز تحت نظر نهادهای امنیتی قرار دارند.

بررسی‌های NCIA نشان می‌دهد فعالیت‌های میدانی و آنلاین رودریگز همسو با شعارهایی چون «جنبش انتفاضه» و «جبهه مقاومت» بوده و مضامینی را که در کارزار تبلیغاتی PSL و ANSWER مکرراً دیده می‌شوند، مرتب برجسته می‌کرده است. ائتلاف ANSWER زیرمجموعه‌ای از بنیاد مالی (Progress Unity Fund (PUF) است؛ بنیادی که بطور مستند با روی نویل سینگام یک سرمایه‌گذار مستقر در شانگهای با گرایش آشکار به حزب کمونیست چین، ارتباطات مالی دارد. این بنیاد همچنین حامی گروه Pivot to Peace است؛ سازمانی که در سال‌های اخیر در راستای منافع سیاسی حزب کمونیست چین فعالیت می‌کرده است. یکی از فعالان این گروه در سال ۲۰۲۳ به اتهام عامل ثبت‌نشده برای دولت چین دستگیر شد.

تحقیقات بیشتر نشان می‌دهد که برخی از رهبران «حزب سوسیالیسم و رهایی» و ANSWER به صورت همزمان در سازمان‌های دیگر تحت نفوذ سینگام از جمله «CO-DEPINK» و «The People's Forum» نیز نقش دارند. این همپوشانی ساختاری، تردیدها در مورد وجود یک شبکه هماهنگ با حمایت دولت خارجی را افزایش داده است.

از سوی دیگر، اسناد درز یافته از تماس‌های رسانه‌ای، نشان می‌دهد که رسانه حکومتی پرس تی‌وی «PressTV» وابسته به جمهوری اسلامی که در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار دارد، طی دوره‌ای ۲۹ ماهه، بیش از ۲۰۰ تماس با رهبران ارشد ANSWER و PSL برقرار کرده است.

هرچند هنوز مدرکی دال بر تأثیر مستقیم این ارتباطات بر اقدامات شخصی رودریگز ارائه نشده، اما استمرار تماس‌ها با رسانه‌های وابسته به دولت‌های خارجی مانند حکومت ایران، از الگوی نگران‌کننده‌ای از «نفوذ نرم و هدفمند بر بستر

● در پی حمله مرگبار به دو دیپلمات اسرائیلی در واشنگتن دی‌سی، نشانه‌هایی از ارتباط الیاس رودریگز متهم اصلی این حمله با شبکه‌ای از گروه‌های افراطی داخل آمریکا و ارتباطات احتمالی آنها با نهادهای وابسته به دولت‌های متخاصم خارجی فاش شده است.

● بر اساس گزارش سازمان پژوهشی غیرانتفاعی «NCRI» که اول خرداد منتشر شد، یافته‌های تازه نشان می‌دهد که مظنون این حمله سابقه فعالیت و ارتباط در گروه‌های چپ افراطی از جمله «حزب سوسیالیسم و رهایی» (PSL) و ائتلاف «ANSWER» را دارد. هر دو گروه به دلیل حمایت علنی از گفتمان‌های تند و بعضاً خشونت‌آمیز تحت نظر نهادهای امنیتی قرار دارند.

● بررسی‌های NCIA نشان می‌دهد که فعالیت‌های میدانی و آنلاین رودریگز همسو با شعارهایی چون «جنبش انتفاضه» و «جبهه مقاومت» بوده است.

● ائتلاف ANSWER زیرمجموعه‌ای از بنیاد مالی Pro-PUF (gress Unity Fund) است؛ بنیادی که بطور مستند با روی نویل سینگام یک سرمایه‌گذار مستقر در شانگهای با گرایش آشکار به حزب کمونیست چین ارتباطات مالی دارد.

● روزنامه کیهان تهران روز شنبه سوم خرداد ۱۴۰۴ با ابراز خوشنودی از قتل این زوج یهودی در واشنگتن، در ستون «گفت و شنود» نوشت: «دَمَش گرم، شروع خوب و خدایسندانه‌ای بود. می‌گویند «بسیج واشنگتن» با این اقدام انقلابی اعلام موجودیت کرده است.»

در پی حمله مرگبار به دو دیپلمات اسرائیلی در واشنگتن دی‌سی، نشانه‌هایی از ارتباط الیاس رودریگز متهم اصلی این حمله با شبکه‌ای از گروه‌های افراطی داخل آمریکا و ارتباطات احتمالی آنها با نهادهای وابسته به دولت‌های متخاصم خارجی فاش شده است.

بر اساس گزارش سازمان پژوهشی غیرانتفاعی «NCRI» که ۲۲ ماه مه ۲۰۲۴ (اول خرداد) منتشر شد، یافته‌های تازه نشان می‌دهد که متهم این حمله سابقه فعالیت و

نهادهای اطلاعاتی اتریش: جمهوری اسلامی به دنبال ساخت بمب اتم است



روئایی از موشک‌های بالستیک در رژه‌های نیروهای مسلح

تسلیمات هسته‌ای تکرار شده است. همچنین به فعالیت‌های جاسوسی از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین نیز اشاره شده؛ سفارتی که گفته می‌شود یکی از بزرگترین غایب‌دگی‌های جمهوری اسلامی در اروپا محسوب می‌شود.

اداره اطلاعاتی اتریش تصریح کرده که رژیم ایران سابقه و تجربه گسترده‌ای در تأمین تجهیزات نظامی، فناوری‌های حساس و مواد مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی از طریق دور زدن تحریم‌ها دارد.

دیوید آلبرایت فیزیکدان و رئیس مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل در واشنگتن با اشاره به اختلاف میان ارزیابی آمریکا و گزارش منابع اطلاعاتی اتریش گفت: «گزارش اداره اطلاعات ملی آمریکا بازتابی از برآورد اشتباه و منسوخ اطلاعات ملی در سال ۲۰۰۷ است و ارزیابی اتریش با تحلیل‌های آلمان و بریتانیا همخوانی دارد.»

او همچنین اشاره کرد که جامعه اطلاعاتی آلمان و بریتانیا همان زمان به آمریکا هشدار داده بودند که ادعای توقف برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ نادرست است. آلبرایت با تأکید بر یافته‌های اطلاعاتی جدید گفت: «مدارک موجود درباره پیگیری فعال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی کاملاً روشن است.»

گفتنی است، فاکس‌نیوز دیجیتال پیشتر در سال ۲۰۲۳ نیز گزارش داده بود که رژیم ایران با وجود تحریم‌ها، در پی دستیابی به فناوری برای ساخت بمب اتمی است و آژانس‌های اطلاعاتی اروپایی پیش و پس از برجام، مستنداتی از تلاش جمهوری اسلامی برای توسعه تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک گردآوری کرده‌اند.

در گزارش اطلاعاتی اتریش همچنین تأکید شده که رژیم ایران به گروه‌هایی مانند حماس، حزب‌الله و شبه‌نظامیان سوری که در فهرست گروه‌های تروریستی آمریکا قرار دارند، تسلیحات نظامی ارسال می‌کند.

برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را ادامه می‌دهد؛ برنامه‌ای که قابلیت تجهیز موشک‌های دوربرد به کلاهک هسته‌ای را دارد.

این گزارش ۲۱۱ صفحه‌ای، که توسط اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی اتریش منتشر شده، در تناقض با ارزیابی اخیر اداره اطلاعات ملی آمریکا (ODNI) قرار دارد. توماسی گابارد مدیر اطلاعات ملی ایالات متحده پیشتر در ماه مارس به کمیته اطلاعات سنای آمریکا اعلام کرده بود که تهران ساخت سلاح هسته‌ای را پیگیری نمی‌کند و رهبر جمهوری اسلامی برنامه‌ای را که در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده بود، از سر نگرفته است.

در بخشی از گزارش اطلاعات داخلی اتریش آمده است: «جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم جایگاه منطقه‌ای خود، در پی بازسازی کامل قدرت نظامی از جمله دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است؛ ابزاری برای حفاظت از رژیم در برابر تهدیدات و گسترش نفوذ در خاورمیانه و فراتر از آن.»

بر اساس همین سند، جمهوری اسلامی دارای زرادخانه‌ای در حال رشد از موشک‌های بالستیک است که توان حمل کلاهک هسته‌ای در فواصل طولانی را دارند. همچنین جمهوری اسلامی شبکه‌های پیچیده‌ای برای دور زدن تحریم‌ها ایجاد کرده که روسیه نیز از آن بهره‌مند شده است.

این یافته‌ها می‌تواند روند مذاکرات میان دولت آمریکا و ایران را تحت‌تأثیر قرار دهد. یک مقام کاخ سفید در واکنش به گزارش منابع اطلاعاتی اتریش به فاکس‌نیوز گفت: «رئیس جمهور ترامپ متعهد است که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای یا توانایی ساخت آن دست نیابد.»

در این گزارش که به بررسی تهدیدهای داخلی علیه دموکراسی اتریش می‌پردازد، نام «ایران» ۹۹ بار در ارتباط با حمایت از تروریسم دولتی و پیگیری برنامه‌های

شبکه «فاکس‌نیوز» چهارشنبه ۲۸ ماه مه (هفتم خرداد) با استناد به گزارش جدیدی از اداره اطلاعات داخلی اتریش اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران همچنان بطور فعال برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را ادامه می‌دهد؛ برنامه‌ای که قابلیت تجهیز موشک‌های دوربرد به کلاهک هسته‌ای را دارد.

این گزارش ۲۱۱ صفحه‌ای که توسط اداره فدرال حفاظت از قانون اساسی اتریش منتشر شده، در تضاد با ارزیابی اخیر اداره اطلاعات ملی آمریکا (ODNI) قرار دارد. توماسی گابارد مدیر اطلاعات ملی ایالات متحده، پیشتر در ماه مارس به کمیته اطلاعات سنای آمریکا اعلام کرده بود که تهران ساخت سلاح هسته‌ای را پیگیری نمی‌کند و رهبر جمهوری اسلامی برنامه‌ای را که در سال ۲۰۰۳ متوقف کرده بود، از سر نگرفته است.

در بخشی از گزارش اتریش آمده است: «جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم جایگاه منطقه‌ای خود، در پی بازسازی کامل قدرت نظامی از جمله دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است؛ ابزاری برای حفاظت از رژیم در برابر تهدیدات و گسترش نفوذ در خاورمیانه و فراتر از آن.»

دیوید آلبرایت فیزیکدان و رئیس مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل در واشنگتن با اشاره به اختلاف میان ارزیابی آمریکا و گزارش اتریش گفت: «گزارش اداره اطلاعات ملی آمریکا بازتابی از برآورد اشتباه و منسوخ اطلاعات ملی در سال ۲۰۰۷ است و ارزیابی اتریش با تحلیل‌های آلمان و بریتانیا همخوانی دارد.»

شبکه «فاکس‌نیوز» چهارشنبه ۲۸ ماه مه (هفتم خرداد) با استناد به گزارش جدیدی از اداره اطلاعات داخلی اتریش اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران همچنان بطور فعال

اعتصاب کامیونداران: این همان لحظه است؛ اگر از دست برود، تنها حسرت می ماند



هفته اختلال در حمل و نقل را هم تاب بیاورند؛ به شرطی که بدانند این رنج، مسیر رهایی ست.

سه فرمان فوری: گسترش، پیوند، تدارک!

۱. اعتصاب کامیونداران باید سراسری شود. نه فقط در چند استان. باید از هر شهر و جاده و انبار و ترمینالی صدای اعتراض بلند شود.

۲. پیوند با دیگر اقشار حیاتی است. اگر یک معلم، یک کارگر، یک بازنشسته، یک دانشجو، صدای اعتصاب کامیوندار را صدای خودش بداند، آنوقت ما یک ملت متحد خواهیم بود. ۳. تدارک برای حمایت مالی، رسانه ای و انسانی از اعتصاب کنندگان لازم است. نباید این قشر را تنها گذاشت. کمک های مردمی، اطلاع رسانی وسیع و حمایت اخلاقی، ضامن تداوم اعتصاب است.

نه به خواست های جزئی؛ بلکه به پایان کل سیستم

باید حواسمان باشد: این اعتصاب نباید به موضوع کرایه حمل و نقل یا نرخ گمرک تقلیل یابد. ما با حکومتی طرفیم که هیچ خواس و حقی را- هیچ حق و خواستی را- برآورده نمی کند مگر برای شکستن اتحاد. این رژیم اصلاح پذیر نیست. این اعتصاب، نه برای نان، بلکه برای نجات ایران است.

سخن آخر: آینده اینجاست، یا هیچوقت

این همان لحظه است که نسل ما سالها منتظرش بود. نه در توهم مذاکرات، نه در صندوق رأی تقلبی، نه در وعده های توخالی اپوزیسیون های بی برنامه. بلکه در دل یک حرکت واقعی، مردمی، خطرناک برای رژیم و نجات بخش برای مردم.

اگر از این لحظه استفاده نکنیم، شاید دیگر چنین لحظه ای پیش نیاید.

نظام را فقط با یک چیز می توان از پا درآورد: همبستگی، ایستادگی، و نترسیدن. و این اعتصاب، پذر هر سه را در خود دارد.

*مسعود باباپور تحلیلگر سیاسی

کابوس جمهوری اسلامی.

جمهوری اسلامی اینبار به درستی وحشت زده است

رژیم می داند اعتصاب کامیونداران با یک اعتصاب ساده فرق دارد. اختلال در حمل و نقل یعنی اختلال در همه چیز: اقتصاد، توزیع کالا، خدمات، امنیت غذایی. جمهوری اسلامی خوب می داند که چنین حرکتی می تواند دومینووار نارضایتی را به خیابان ها بکشانند. و به همین دلیل، با تمام قوا در تلاش برای خاموش کردن این اعتصاب است؛ با تهدید، با تطمیع، با انحراف.

و درست به همین دلیل است که ما باید آن را گسترش دهیم. این آخرین فرصت نیست؛ اما از این واقعی تر، مؤثرتر و خطرناک تر برای رژیم، ندیده ایم.

بارها خیزش کردیم، فریاد زدیم، کشته دادیم، زندان رفتیم، شکست خوردیم. اما این اعتصاب ویژگی هایی دارد که آنها نداشتند:

- ماهیت حیاتی و ساختاری اش
- گسترش پذیری سریع به دیگر صنوف
- اثر فوری بر زندگی مردم و حکومت
- غیرقابل مصادره بودن به دلیل مشخص بودن محور

اعتراض (فلج کردن سیستم توزیع)

اگر این اعتصاب به سطح ملی ارتقا پیدا کند، اگر معلمان، کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و بازاریان با آن همراه شوند، این رژیم دیگر نمی تواند دوام بیاورد. اینبار اگر پیروز نشویم، نه تنها فرصتی از دست می رود، بلکه رژیم جسورتر از قبل، بی رحم تر و مصمم تر برای سرکوب خواهد بود.

الان زمان فداکاری است، نه مصرف گرایی و نازک نارنجی بودن. باید افکار عمومی را آماده کرد؛ بلکه ممکن است کالا کمیاب شود، قیمت ها بالا رود، سختی هایی به وجود آید. اما این سختی ها صد برابر کمتر از خفتی است که رژیم در تمام این سال ها تحمیل کرده. اگر مردم ایران می توانند چهل و چند سال فقر و بی عدالتی را تاب بیاورند، می توانند چند

● رژیم می داند اعتصاب کامیونداران با یک اعتصاب ساده فرق دارد. اختلال در حمل و نقل یعنی اختلال در همه چیز: اقتصاد، توزیع کالا، خدمات، امنیت غذایی. جمهوری اسلامی خوب می داند که چنین حرکتی می تواند دومینووار نارضایتی را به خیابان ها بکشانند. و به همین دلیل، با تمام قوا در تلاش برای خاموش کردن این اعتصاب است؛ با تهدید، با تطمیع، با فریب، با انحراف.

● اگر این اعتصاب به سطح ملی ارتقا پیدا کند، اگر معلمان، کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و بازاریان با آن همراه شوند، این رژیم دیگر نمی تواند دوام بیاورد. اینبار اگر پیروز نشویم، نه تنها فرصتی از دست می رود، بلکه رژیم جسورتر از قبل، بی رحم تر و مصمم تر برای سرکوب خواهد بود. ● بلکه، ممکن است کالا کمیاب شود، قیمت ها بالا رود، سختی هایی به وجود آید. اما این سختی ها صد برابر کمتر از خفتی است که رژیم در تمام این سال ها تحمیل کرده.

اگر مردم ایران می توانند چهل و چند سال فقر و بی عدالتی را تاب بیاورند، می توانند چند هفته اختلال در حمل و نقل را هم تاب بیاورند؛ به شرطی که بدانند این رنج، مسیر رهایی ست.

مسعود باباپور - فرصتی بی تکرار برای اعتصاب ملی، پایان نظام و آغاز آینده؛ دیگر وقت تردید نیست. هفت روز از اعتصاب سراسری کامیونداران گذشته و این اعتصاب، برخلاف بسیاری از خیزش های پیشین، شاهرگ حیاتی رژیم را هدف گرفته است. این، فقط یک حرکت صنفی نیست. این یک نقطه عطف تاریخی است. فرصتی ست برای ریشه کردن رژیمی که چهار دهه است جز فقر، فساد، سرکوب و خفت، چیزی برای مردم ایران نداشته.

اگر امروز، در همین لحظه، از این اعتصاب پشتیبانی نکنیم، اگر اقشار دیگر همراه نشوند، اگر مردم نجبنند، چیزی جز حسرت باقی نخواهد ماند؛ حسرت از دست رفتن بهترین، واقعی ترین، و مؤثرترین فرصت برای پایان دادن به

اعتصاب کامیونداران در شهرهای مختلف ایران

و کامیونداران» در بیانیه‌ای مدعی شده «فعالیت رانندگان ادامه دارد» و از تمامی رانندگان و کامیونداران درخواست کردند بدون توجه به بیانیه‌های جعلی منتشر شده در فضای مجازی به فعالیت خود ادامه دهند!

در این بیانیه آمده: «تشکل‌های صنفی بی‌وقفه خواهان و خواستار حقوق مشروع قانونی رانندگان و کامیونداران از طریق دستگاه‌های مربوط خواهند بود و تا حصول نتیجه دست از پیگیری برنخواهند داشت.»

این بیانیه همچنین ادعا کرده: «حذف پارانه بیمه رانندگان توسط قوه مقننه و زمزمه‌های تغییر نرخ گازوئیل اقدام پسندیده‌ای نبود آنهم در شرایطی که بدخواهان نظام مقدس جمهوری اسلامی از آنسوی مرزها قصد برهم زدن امنیت کشور را داشته که این امنیت حاصل خون صدها هزار شهید و جانباز بوده است.»

بیانیه حکومتی «کانون‌های انجمن صنفی رانندگان و کامیونداران» نشان از هراس جمهوری اسلامی از گسترده‌تر شدن اعتصابات کامیونداران و فلج شدن حمل و نقل بار در کشور دارد.

کرد که «این فقط آغاز است!»

در این پیام آمده که «خروش کامیونداران، کوبنده‌تر از همیشه؛ سیرجان، تبریز، کرمانشاه، دره‌شهر و بندرعباس ایستاده‌اند!»

اتحادیه تشکل‌های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران افزوده: «امروز، جاده‌ها شاهد یکی از پرشکوه‌ترین جلوه‌های اتحاد و اعتراض در برابر ستم و تبعیض بودند؛ کامیونداران غیور و زحمتکش، در پاسخ به فراخوان اتحادیه، چرخ کامیون‌ها را از حرکت بازداشتند تا فریاد حق‌طلبی‌شان گوش فلک را کر کند. از سیرجان دلیر تا تبریز همیشه سرافراز، از کرمانشاه قهرمان تا دره‌شهر بیدار و بندرعباس ایستاده بر موج‌های اعتراض، امروز پرچم اعتصاب بالا رفت و نشان داد که دیگر سکوت جایز نیست. جاده‌ها خلوت شد، اما فریاد عدالت، طنین انداخت در سراسر میهن.»

این تشکل صنفی مستقل افزوده: «این حرکت، فقط اعتصاب نیست؛ رژه‌ای است از غیرت، از خواست، از نپذیرفتن ظلم. کامیونداران ثابت کردند که اگر چرخ کامیون‌هایشان

● کامیونداران و رانندگان در ایران از روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت‌ماه دور تازه‌ای از اعتراضات خود را آغاز کرده‌اند که امروز جمعه دوم خردادماه وارد پنجمین روز شده است.

● کامیونداران این اعتصاب را از بندرعباس آغاز کردند که طی چهار روز گذشته در استان‌های مختلف کشور گسترده شده است.

● اتحادیه تشکل‌های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران روز گذشته با انتشار پیامی در کانال تلگرامی خود تأکید کرد که «این فقط آغاز است!»

● بر اساس اعلام منابع صنفی، این اعتصاب که به دلایلی چون کاهش سهمیه گازوئیل و افزایش قیمت سوخت، گرانی بیمه، پایین بودن کرایه حمل بار صورت گرفته، به مدت یک هفته اجرا خواهد شد.

صدها تن از کامیونداران و رانندگان در استان‌های مختلف ایران دست از کار کشیده و اعتصاب کرده‌اند. این اعتصاب به دلایلی چون کاهش سهمیه گازوئیل و افزایش قیمت



پنجمین روز از اعتصاب سراسری کامیونداران با وجود فشارهای امنیتی و قضایی

● جمهوری اسلامی با فراکنشی نسبت به مشکلات کامیونداران و همچنین اجرای سناریوهای امنیتی با احضار و بازداشت اعتصاب‌کنندگان به دنبال پایان دادن اعتصاب است.

● «اتحادیه تشکل‌های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران» روز گذشته در بیانیه‌ای از حمله نیروی انتظامی با اسپری فلفل به برخی از همکارانشان و بازداشت چند نفر از آنها خبر داد.

● افزایش قیمت لوازم یدکی، سه‌نرخ شدن گازوئیل، حذف پارانه بیمه، جاده‌های بی‌کیفیت، و پایین بودن کرایه حمل بار از جمله دلایل اعتصاب کامیونداران است.

● کرمانشاه، اراک، سیرجان، بندرعباس، اصفهان،

نچرخد، چرخ فساد و سرکوب هم نخواهد چرخید.» در این پیام با بیان اینکه «این صدای خشم است، اما خشم سازمانیافته، متحد، آگاه و در مسیر حق. صدای مردانی که عرق جبین‌شان را تاراج کرده‌اند، صدای کسانی که تصمیم گرفته‌اند دیگر بازیچه دزدسالاران فاسد نباشند». تأکید شده که «به آنها که گمان می‌کنند می‌توانند با تهدید و ارباب این حرکت را خاموش کنند می‌گوییم: این فقط آغاز است.» بر اساس اعلام منابع صنفی این اعتصاب که به دلایلی چون کاهش سهمیه گازوئیل و افزایش قیمت سوخت، گرانی بیمه، پایین بودن کرایه حمل بار صورت گرفته، به مدت یک هفته اجرایی خواهد شد و در صورتی که دولت اقدامی برای پاسخگویی به خواسته کامیونداران انجام ندهد، اعتصاب با گستردگی بیشتری ادامه خواهد یافت.

در شرایطی که طی روزهای گذشته ده‌ها ویدئو از اعتصاب کامیونداران در شهرهای مختلف ایران منتشر شده است، تشکل حکومتی «کانون‌های انجمن صنفی رانندگان

سوخت، گرانی بیمه، پایین بودن کرایه حمل بار صورت گرفته است. کامیونداران و رانندگان در ایران از روز دوشنبه ۲۹ اردیبهشت‌ماه دور تازه‌ای از اعتراضات خود را آغاز کرده‌اند که امروز جمعه دوم خردادماه وارد پنجمین روز شده است. کامیونداران این اعتصاب را از بندرعباس آغاز کردند و طی چهار روز گذشته در استان‌های مختلف کشور گسترده شده است.

ویدئوها و تصاویر منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد کامیونداران و رانندگان ماشین‌های باربر در شهرهای مختلفی از جمله کرمانشاه، اراک، سیرجان، بندرعباس، ایلام، دره‌شهر، بندرعباس، تبریز و شیراز در اعتصاب بسی می‌برند. دور تازه اعتصاب کامیونداران در پی فراخوانی از سوی اتحادیه تشکل‌های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران آغاز شده است.

اتحادیه تشکل‌های کامیونداران و رانندگان سراسر ایران روز گذشته نیز با انتشار پیامی در کانال تلگرامی خود تأکید

➡ **الیگودرز، گیلان غرب، میبد، یزد، تربت جام، کرج، آق قلا، اردبیل، ایلام، دره شهر، بندرعباس، تبریز و شیراز از جمله شهرهایی هستند که ویدئوهای اعتصاب کامیونداران در آنها منتشر شده است.**

اعتصاب سراسری کامیونداران در ایران وارد پنجمین روز شده و صدها راننده در استان‌های مختلف کشور به این اعتصاب پیوسته‌اند. مقامات دولتی اما با محکوم کردن رانندگان اعتصاب‌کننده و «رسانه‌های معاند» تلاش دارند این اعتصاب را بی‌اثر جلوه دهند اما در آنسو به رانندگان وعده می‌دهند مشکلات حل خواهد شد.

اعتصاب رانندگان کامیون در ایران امروز دوشنبه پنجم خردادماه وارد پنجمین روز شده است. رانندگان در شهرها و استان‌های مختلف به این اعتصاب پیوسته‌اند.

این اعتصاب یک هفته پیش ۲۹ اردیبهشت‌ماه در بندرعباس آغاز شد اما از اول خردادماه و در پاسخ رانندگان به فراخوانی از سوی اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران اعتصاب کامیونداران به صورت سراسری شکل گرفت.

کامیونداران اعلام کرده بودند به مدت یک هفته اعتصاب خواهند کرد اما جمهوری اسلامی با فراقکنی نسبت به مشکلات کامیونداران و همچنین اجرای سناریوهای امنیتی

این خود رانندگان کامیون هستند که مشکلاتشان را بازگو می‌کنند!

رضا اکبری همچنین با بیان اینکه «سازمان راهداری در ارتباط رانندگان کامیون با سایر مسئولان و دستگاه‌های مرتبط و مجلس است و مشکلات رانندگان را به آنها اطلاع می‌دهیم»، افزود «تاکید دارم که هیچ التهاباتی از طرح مشکل رانندگان کامیون وجود ندارد و این طرح مشکل و مسأله را اعتصاب و اعتراضات نمی‌دانیم.»

با وجود فراقکنی رضا کبری رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای اما اظهارات برخی دیگر از مقامات حکومتی نشان از نگرانی آنها در مورد گسترده‌تر شدن اعتراضات دارد. عباس صوفی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفته: «خواسته کامیونداران بحق است چون گرانی بیمه تأمین اجتماعی و احتمال گرانی سوخت برای این عزیزان نگرانی ایجاد کرده است.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزود: «با توجه به اثرگذاری مستقیم کارکرد کامیونداران بر بازار، دولت باید تمهیدات لازم را ببیند.»

عباس صوفی گفته: «طبق ماموریتی که ریاست مجلس داده کمیسیون عمران جلسه خود را می‌گذارد و قطعاً با حضور ارکان تصمیم‌گیری در حوزه حمل و نقل جاده‌ای کشور این جلسه انجام خواهد شد.»

در حالی که مقامات وزارت راه و شهرسازی تلاش کرده‌اند این اعتصابات را پراکنده و بی‌اثر بخوانند، فاطمه جراره نماینده بندرعباس در مجلس شورای اسلامی، اعتصاب کامیونداران را با استفاده از واژه «تحصن» تأیید کرده و گفته: «این تحصن باعث زیان به سایر اقشار از جمله کشاورزان شده و محصولات آنها به دلیل کمبود کامیون بر زمین مانده و به بازار نمی‌رسد، چاره‌ای کنید به داد کامیون‌داران و کشاورزان برسید.»

جمهوری اسلامی در آنسو نهادهای انتظامی و امنیتی را برای سرکوب کامیونداران بسیج کرده است. «اتحادیه تشکلهای کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران» روز یکشنبه چهارم خردادماه در بیانیه‌ای از حمله نیروی انتظامی با اسپری فلفل به برخی از همکارانشان و بازداشت چند نفر از آنها خبر داد.

این اتحادیه ضمن اعتراض به برخوردهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی با رانندگان معترض، نوشته: «راننده‌ای که برای نان و کرامتش اعتراض می‌کند، آشوبگر نیست» و «اعتراض، جرم نیست؛ بلکه حق قانونی ماست.»

این بیانیه همچنین تأکید کرده: «ما تا رسیدن به خواسته‌هایمان ایستاده‌ایم. این صدای عدالتخواهی را نمی‌توانید با اسپری و دستگیری خاموش کنید.» «اتحادیه تشکلهای کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران»



با احضار و بازداشت اعتصاب‌کنندگان به دنبال پایان دادن اعتصاب است.

رضا اکبری رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، پنجم خرداد در خصوص اعتصاب کامیونداران و رانندگان ماشین‌های سنگین گفت: «عده محدودی از رانندگان سعی در ایجاد التهاب دارند که این اقدامات هم حاصل تحریک رسانه‌های معاند خارجی است و می‌خواهند جاده‌های کشور را ناامن نشان دهند.»

او رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور را متهم کرد و گفت: «رسانه‌های معاند بطور آگاهانه و برخی از رسانه‌های داخلی ناآگاهانه تصویر اغراق‌آمیزی از مشکلات رانندگان کامیون ارائه می‌دهند که درست نیست و رانندگان کامیون برای رفع مشکلات موجود بسیار همراه هستند.»

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که طی پنج روز گذشته صدها ویدئو از اعتصاب کامیونداران در سراسر کشور در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که در بسیاری از ویدئوها

در ادامه نوشته است: «اکنون مشخص شد که ورود قالیباف، معاون سازمان راهداری و حتی معاون سازمان تأمین اجتماعی، نه برای حل مشکلات، بلکه برای خاموش کردن صدای حق‌طلبی راننده‌هاست. پشت لبخندها و وعده‌های رسانه‌ای، سرکوب و ارباب خوابیده، اما ما رانندگان، فریب این نمایش‌ها را نمی‌خوریم. نه امروز، نه فردا! ما تا رسیدن به خواسته‌هایمان، ایستاده‌ایم. این صدای عدالتخواهی را نمی‌توانید با اسپری و دستگیری خاموش کنید.»

افزایش قیمت لوازم یدکی، سه نرخی شدن گازوئیل، حذف یارانه بیمه، جاده‌های بی‌کیفیت، و پایین بودن کرایه حمل بار از جمله دلایل اعتصاب کامیونداران است.

کرمانشاه، اراک، سیرجان، بندرعباس، اصفهان، الیگودرز، گیلان غرب، میبد، یزد، تربت جام، کرج، آق قلا، اردبیل، ایلام، دره شهر، بندرعباس، تبریز و شیراز از جمله شهرهایی هستند که ویدئوهای اعتصاب کامیونداران در آنها منتشر شده است.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در نشست علنی روز گذشته مجلس شورای اسلامی با اشاره به اعتصابات کامیونداران گفت: «این قشر که جزو حلقه‌های مؤثر جریان تولید و تأمین کالا در کشور هستند با مشکلات متعددی از جمله نبود خودروی مناسب و پهنه، گرانی کامیون، گرانی قطعات و لوازم، مشکلات بیمه‌ای، توزیع ناعادلانه بار و مسائل مختلف دست و پنجه نرم می‌کنند.»

محمدباقر قالیباف با تأکید بر اینکه «ضرورت دارد با تصمیمات و اقدامات فوری و مؤثر به مشکلات آنها رسیدگی شود»، افزود: «در این زمینه کمیسیون عمران مجلس نیز امروز جلسه‌ای مخصوص این موضوع را برگزار کرده است که امیدوارم نتایج مثبتی برای حل مشکلات این قشر به همراه داشته باشد.»

عادل نجف‌زاده نماینده خوی در مجلس شورای اسلامی نیز روز گذشته در صحن علنی مجلس شورای اسلامی گفت: «ناوگان حمل و نقل کشور در حال فروپاشی است.»



هشتمین روز از اعتصاب کامیونداران؛ پایداری با وجود فشارهای شدید امنیتی و قضایی

● اعتصاب سراسری کامیونداران در ۱۴۰ شهر ایران گسترش یافته و پایانه‌های باربری خالی از کامیون است.

● ده‌ها کامیوندان در شهرهای مختلف ایران بازداشت شده و شمار زیادی نیز با دریافت پیامک یا تماس نهادهای امنیتی تهدید شده‌اند که به اعتصاب پایان داده و همکاری‌شان را برای پیوستن به اعتصاب تحریک نکنند.

● کشاورزان می‌گویند محصولات صیفی چیده شده آنها به علت نبود کامیون برای حمل بار در حال خراب شدن است.

● اعتصاب کامیونداران همچنین با گذشت چند روز مورد حمایت تشکلهای صنفی و چهره‌های مختلف سیاسی و مدنی قرار گرفته است.

● اعتصاب کامیونداران که در روزهای نخست از سوی مقامات حکومتی نادیده گرفته یا پراکنده و بی‌اثر جلوه داده شد، با پایداری اعتصاب‌کنندگان سبب نگرانی مقامات شده و آنها را واداشته تا به آن بپردازند.

اعتصاب کامیونداران در ایران برای هشتمین روز پیاپی

خرید گازوئیل از پالایشگاه‌هاست. شرایط اعمال این نرخ تا سقف ۴۰ درصد بیشتر از سهمیه اعتباری سند حمل فعال در مسیر است. قیمت در پلکان سوم، همان قیمت خرید نفت‌گاز از پالایشگاه‌هاست و شرایط اعمال این نرخ مربوط به زمانی است که سند حمل الکترونیک یا خارج از سهمیه وجود ندارد. برخلاف ادعای فاطمه مهاجرانی، فعالان صنفی می‌گویند سهمیه اختصاص یافته به کامیون‌ها از مدت‌ها پیش مورد اعتراض بوده و اکنون هم این سهمیه پاسخگوی نیاز روزانه کامیون‌ها نیست و در نتیجه کامیونداران ناچار خواهند شد با نرخ‌های آزاد گازوئیل خریداری کنند.

به نظر می‌رسد دولت تصمیم دارد همه توان خود را برای پایان بخشیدن به اعتصاب کامیونداران به کار بگیرد. وبسایت «اقتصادآنلاین» در هشتمین روز از اعتصاب در گزارشی نوشته که «پس از روزها اعتراض صنفی و افزایش فشارهای معیشتی، سرانجام رانندگان حمل‌ونقل جاده‌ای به توافقی با سازمان راهداری دست یافتند که نویدبخش حل دو مطالبه مهم آنان، یعنی مشکل سهمیه سوخت و بیمه تأمین اجتماعی است.»

این در حالیست که «اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران» که هماهنگ‌کننده اعتصاب جاریست در پیامی که در کانال تلگرامی این اتحادیه منتشر شده نوشته «راننده‌ها امروز دیگر ساده نیستند که

همواره مملو از کامیون‌های در حال تردد است اکنون خالی از کامیون هستند. صدها ویدئو از کامیونداران منتشر شده که از پیوستن خود به اعتصاب و همچنین دست از کار کشیدن همکاری‌شان خبر می‌دهند.

همچنین فشارهای امنیتی و قضایی همچنان بر کامیونداران در حال افزایش است. ده‌ها کامیوندان در شهرهای مختلف ایران بازداشت شده و شمار زیادی نیز با دریافت پیامک یا تماس نهادهای امنیتی تهدید شده‌اند که به اعتصاب پایان داده و همکاری‌شان را برای پیوستن به اعتصاب تحریک نکنند.

اعتصاب کامیونداران اگر چه طی روزهای نخست از سوی مقامات حکومتی نادیده گرفته یا پراکنده و بی‌اثر جلوه داده شد اما با گذشت یک هفته و با پایداری اعتصاب‌کنندگان سبب نگرانی مقامات شده و آنها را واداشته تا به آن بپردازند. رضا اکبری رئیس سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای وعده داده که «مطالبات حق بیمه کامیونداران را دنبال می‌کنیم!»

همچنین در مجلس شورای اسلامی طرحی دو فوریتی برای رسیدگی «فوری» به خواست‌های کامیونداران در دست تدوین است. به گفته محمد رضا رضایی‌کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی «این طرح در پی برگزاری چندین نشست رسمی در کمیسیون و با هدف ساماندهی وضعیت بیمه رانندگان، بروزرسانی کرایه حمل،



با چند وعده و سخن کلی، میدان را ترک کنند. سال‌هاست حرف از «پیگیری»، «اصلاح»، «افزایش نرخ کرایه» و «درک شرایط رانندگان» شنیدیم، اما هر بار نتیجه‌اش فقط کاغذ و مصاحبه بوده. سفره راننده کوچک شده، چرخ ماشینش خسته شده، و صبرش به ته رسیده.

این اتحادیه افزوده «ما حالا می‌گوییم: تا وقتی تصمیم‌ها روی زمین اجرا نشد و با چشم خودمون نبینیم، هیچ وعده‌ای رو باور نمی‌کنیم. تا وقتی کرایه عادلانه و سر وقت پرداخت نشد، فریب نمی‌خوریم. تا وقتی بیمه و امنیت جانی و معیشت ما تضمین نشد، عقب نمی‌کشیم.»

اعتصاب کامیونداران همچنین با گذشت چند روز مورد حمایت تشکلهای صنفی و چهره‌های مختلف سیاسی و مدنی قرار گرفته است.

کنفدراسیون کار ایران-خارج از کشور در نامه‌ای سرگشاده به مناسبت اجلاس سالانه سازمان بین‌المللی کار، با اشاره به سرکوب سیستماتیک کارگران، فقدان تشکلهای

سوخت در دست تهیه است.»

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مدعی شده اگر کامیونداران در مسیری که بارنامه الکترونیکی صادر شده حرکت بکنند قیمت گازوئیل تغییر نمی‌کند.

رانندگان ماشین‌های سنگین و کامیونداران خواست‌های مختلفی دارند؛ افزایش قیمت لوازم یدکی، سه نرخی شدن گازوئیل، حذف یارانه بیمه و هزینه بالای بیمه، جاده‌های بی‌کیفیت، و پایین بودن کرایه حمل بار از جمله دلایل اعتصاب آنهاست.

مقامات حکومتی اما فقط به موضوع بیمه و نرخ گازوئیل اشاره کرده‌اند. هیئت وزیران دولت پزشک‌بان به تازگی مصوب کرده که «سه پلکان» برای سوختگیری نفت‌گاز تعریف شود. بر این اساس، پله اول با همان نرخ ۳۰۰ تومانی سوختگیری می‌شود. این پلکان مخصوص استفاده در محدوده شهری و در طول مسیر تا سقف سهمیه اعتباری است. - قیمت در پلکان دوم، ۵۰ درصد قیمت

ادامه یافته و بر اساس اعلام فعالان صنفی این اعتصاب با پایان باز و تا عملی شدن خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان تداوم خواهد یافت. نهادهای و تشکلهای صنفی، از کارگران و آموزگاران تا دانشجویان و بازنشستگان با صدور بیانیه‌هایی از اعتصاب کامیونداران حمایت کرده‌اند.

اعتصاب کامیونداران در ایران یک هفته نخست را به پایان رساند و امروز پنجشنبه هشتم خردادماه وارد هشتمین روز شد. این در حالیست که برخی کامیونداران پیش از اول خرداد اعتصاب خود را آغاز کرده بودند.

بر اساس گزارش منابع صنفی، کامیونداران در ۱۴۰ شهر ایران به این اعتصاب پیوسته و از کار دست کشیده‌اند. پایانه‌های باربری خالی از کامیون است و کشاورزان می‌گویند محصولات صیفی چیده شده آنها به علت نبود کامیون برای حمل بار در حال خراب شدن است.

ویدئوهای منتشرشده نشان می‌دهد بسیاری از پایانه‌های باربری و همچنین جاده‌های کمربندی کلانشهرها که



➡ مستقل و شرایط وخیم گروه‌های آسیب‌پذیر، خواستار اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی، بررسی نقض مقاوله‌نامه‌ها و آزادی فوری فعالان کارگری شد.

این کنفدراسیون در نامه خود به اجلاس سالانه سازمان بین‌المللی کار با اشاره به هشتمین روز اعتصاب کامیونداران و رانندگان خودروهای سنگین در ایران، نوشت: «اعتصاب کامیونداران از اول خرداد در اعتراض به هزینه‌های بالای سوخت و نبود بیمه، نمونه‌ای از نارضایتی گسترده است که همواره با انکار و سرکوب پاسخ می‌گیرد.»

شورای هماهنگی فرهنگی‌های ایران، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت‌گروه اتحاد بازنشستگان، کارگران بازنشسته خوزستان و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، تشکل دانشجویان پیشرو، تشکل آزادی‌خواهان دانشگاه تهران شمال، جمعی از دانشجویان دانشگاه اصفهان، جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران از جمله تشکلهای صنفی هستند که از اعتصاب کامیونداران حمایت کرده‌اند.

فاطمه سپهری و محمدحسین سپهری فعالان سیاسی زندانی، گوهر عشقی مادر دادخواه ستار بهشتی، علی کریمی فوتبالیست مخالف جمهوری اسلامی، کتابیون ریاحی بازیگر سینما و تلویزیون، مهدی یراحی خواننده پاپ و جعفر پناهی فیلمساز از جمله چهره‌هایی هستند که از اعتصاب کامیونداران حمایت کرده‌اند.

شاهزاده رضا پهلوی نخستین شخصیت سیاسی بود که از اعتصابات کامیونداران حمایت کرد. او در پیامی نوشت: «این قدرت اگر به همبستگی ملی تبدیل شود، سرنوشت یک ملت را دگرگون می‌کند.»

شاهزاده رضا پهلوی خطاب به کامیونداران اعتصاب‌کننده افزوده بود «خواسته‌های شما بحق و اعتصاب شما گامی‌ست درست در مسیری درست. شما، به عنوان یکی از ستون‌های حیاتی اقتصاد کشور، با اعتراض به شرایط ناعادلانه کار و زندگی، از درد مشترک میلیون‌ها ایرانی می‌گویید که سال‌هاست زیر بار بی‌عدالتی، بی‌کفایتی، و فساد خُرد می‌شوند. اعتراض گسترده و اعتصاب سراسری شما، تصویری‌ست از یک راه حل موثر که اگر جمع‌کنند از ایرانیان از آن الگو بگیرند، مسیر ملت ایران در دستیابی به حقوق اساسی خود و پیروزی انقلاب ملی هموار می‌شود. شما با متوقف کردن چرخ‌های حمل و نقل، حقیقتی روشن را نمایان کردید: قدرت در دست شما است و این قدرت، وقتی به همبستگی ملی تبدیل شود، می‌تواند سرنوشت یک ملت را دگرگون کند.»

در این پیام همچنین آمده بود «امروز، کامیوندار، نانوا، معلم، پرستار، کاسب، صنعتگر، کارگر پالایشگاه، و بازنشسته، همگی قربانیان یک رژیم اشغالگر، مافیایی، فاسد و ناکارآمد هستند که منابع ایران را صرف حماس و حزب‌الله و انصارالله و گشت ارشاد و فیلترینگ اینترنت و سرکوب می‌کند و ثروت مردم را برای یادبود جنایتکارانی چون رئیسی و خمینی و هنیه و نصرالله هدر می‌دهد. درد ما دردی‌ست مشترک و ملی، و درمان آن نیز با همبستگی بزرگ ملی برای آزادی و شکوفایی ایران میسر می‌شود. در این مسیر، هر گام و پیروزی کوچکی ما را یک گام به پیروزی نهایی نزدیک‌تر می‌کند. وقتی کنار هم بایستیم، پیروزی انقلاب ملی نیز نزدیک است.»

اعتصاب سراسری کامیونداران با فراخوانی از سوی «اتحادیه تشکلهای کامیونداران و رانندگان سراسر ایران» بطور رسمی از اول خردادماه آغاز شده است.

مزارع خشکیده؛ سهم کشاورزان اصفهان از بی‌کفایتی جمهوری اسلامی



«کاهش شدید بارندگی در شرق اصفهان نسبت به سال‌های گذشته، به ویژه نبود بارندگی مؤثر حداکثر ۱۰ میلی‌متر، تأثیر منفی بر کشت گندم و جو گذاشته است. برخلاف سال‌های قبل که بارندگی‌های اواخر زمستان و اوایل بهار نیاز آبی کشت‌ها را تا حدی تأمین می‌کرد، امسال این شرایط وجود نداشت. همچنین رهاسازی آب با تأخیر و نوساناتی همراه بود و در مناطق انتهایی مانند هرنه و ورزنه، آب به‌موقع نرسید یا برای نجات کشت‌ها کافی نبود. این موضوع باعث خسارت کامل به بخشی از مزارع و کاهش تولید در کل حوضه زاینده‌رود، به ویژه در شرق اصفهان، شده است. شدت خسارت از غرب (فلاورجان) به شرق (هرند و ورزنه) افزایش یافته است. با این حال، ارائه آمار دقیق میزان خسارت و کاهش تولید در حال حاضر امکان‌پذیر نیست.»

روزنامه «اعتماد» نیز در گزارشی وضعیت کشاورزان در استان اصفهان را روایت کرده و از کشاورزان روستای ورزنه نوشته است: «ته جاده، می‌رسید به تالاب «گاوخونی»، تالاب خشکیده، جنازه بی‌مزار بود که نفرین به اطراف می‌فرستاد. مردم «ورزنه» می‌گفتند از وقتی تالاب مُرد، کبوترخان‌ها هم خالی شدند. تالاب، قشلاق پرندگان مهاجر بود؛ مهاجرانی از دوردست‌های سردسیر که حالا آواره شده‌اند. مردم می‌گفتند ساکنان کبوترخان‌ها برای «ورزنه» برکت می‌آوردند و حالا برکت از شهر رفته و جا به شوربختی داده؛ و چه شوربختی بیشتر از اینکه ۴۰ هکتار زمین، جلوی چشم، متر به متر از تشنگی ترک بخورد؟ مردم «ورزنه» عزادار مرگ زمین‌هایشان بودند؛ و هستند.»

در این گزارش به اعتراضات اخیر کشاورزان که از آخرین روزهای اسفندماه ۱۴۰۳ تا نخستین روزهای فروردین امسال ادامه داشت اشاره شده است.

کشاورزان به روزنامه «اعتماد» گفته‌اند: «ما چیزی غیر از حق آب نخواستیم. ما حق آبی رو خواستیم که بابتش

اما کشت گندم آنها هم خسارت دید.»

این کشاورز افزوده: «درآمد هر جریب زمین (معادل هزار متر زمین) برای کشاورز اگر ۷۰۰ کیلو گندم می‌داد حدود ۱۵ میلیون تومان می‌شد اما حالا با ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلو محصول حدود چهار میلیون تومان می‌شود در حالی که هزینه کاشت، مزد کارگر، کود، سم و تراکتور در هر جریب دستکم سه تا ۳/۵ میلیون تومان شده، برای کشاورز چیزی نمی‌ماند!»

کشاورزان این منطقه به زیر فقر رانده شده‌اند و به گفته رسول طباطبایی حتی دیگر نمی‌توانند خرید نسپه کنند: «مغازه‌دارها دیگر به ما جنس قرض نمی‌دهند، چون گندمی نداریم و جیب‌مان خالی است. کشاورزی امسال نابود شد. خیلی از کشاورزها حتی نمی‌توانند نان شب خود را تأمین کنند.»

دولت نه تنها وعده رهاسازی آب و ارائه حقایق کشاورزان را سال‌هاست نادیده گرفته و عملی نکرده بلکه حتی حمایت بیمه‌ای از کشاورزان نیز ناکارآمد است. به گفته رسول طباطبایی بیمه کشاورزی برای ۱۰ جریب زمین تنها ۲ میلیون تومان خسارت تعیین کرده در حالی که هزینه کاشت در هر جریب سه تا ۳/۵ میلیون تومان است!

وضعیت کشاورزی در شرق استان اصفهان آنقدر بحرانی است که حتی می‌توان خسارت کشاورزان را برآورد کرد. موضوعی که از سوی پیمان فیروزی مدیر امور زراعت سازمان جهاد کشاورزی اصفهان در گفتگو با خبرنگاری «مهر» مورد اشاره قرار گرفته است: «تخمین دقیق سطح زیر کشت آسیب‌دیده دشوار است اما پارسال تولید گندم استان ۳۱۲ هزار تن و جو ۲۰۰ هزار تن بود که امسال با کاهش کشت جو و خسارت گندم در شرق اصفهان بی‌تردید این ارقام به شدت افت خواهد کرد.»

مدیر امور زراعت سازمان جهاد کشاورزی اصفهان افزوده:

● «پنج ماه آب به این گندم‌ها نرسید. وقتی هم آب را از فروردین رها کردند، فقط برای هشت تا ۱۰ روز بود، آنهم با فاصله‌های شش هفته روزه. این آب اصلاً کافی نبود که گندم را سیراب کند و محصول بدهد، گندم‌ها به قدری ضعیف شدند که گوسفندان در آنها چریدند.»

● درآمد هر جریب زمین با ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلو محصول حدود چهار میلیون تومان می‌شود در حالی که هزینه کاشت، مزد کارگر، کود، سم و تراکتور در هر جریب دستکم سه تا ۳/۵ میلیون تومان شده، برای کشاورز چیزی نمی‌ماند!

● «مغازه‌دارها دیگر به ما جنس قرض نمی‌دهند، چون گندمی نداریم و جیب‌مان خالی است. کشاورزی امسال نابود شد. خیلی از کشاورزها حتی نمی‌توانند نان شب خود را تأمین کنند.»

بحران کم‌آبی و خشکسالی همچنان دامان کشاورزان شرق استان اصفهان را گرفته و مزارع بسیاری از آنها خشک شده است. کشاورزان می‌گویند به علت کم‌آبی در زمین‌هایی که هنوز در آنها کشت می‌شود، محصول به حدی کاهش یافته که درآمد حاصل از آن حتی هزینه‌ها را پوشش نمی‌دهد.

یگ کشاورز گندم‌کار در شرق اصفهان به خبرنگاری «مهر» گفته «پنج ماه آب به این گندم‌ها نرسید. وقتی هم آب را از فروردین رها کردند، فقط برای هشت تا ۱۰ روز بود، آنهم با فاصله‌های شش هفته روزه. این آب اصلاً کافی نبود که گندم را سیراب کند و محصول بدهد، گندم‌ها به قدری ضعیف شدند که گوسفندان در آنها چریدند.»

رسول طباطبایی کشاورز دیگری در شرق اصفهان است که توضیح داده: «امسال شاید ۷۰ درصد گندم منطقه از بین رفت. هر جریب زمین که باید ۷۰۰ کیلو گندم بدهد، حالا ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلو محصول دارد. اینهم از زمین‌هاییست که مالکان آنها چاه داشتند دو نوبت آب چاه به گندم‌ها دادند

«حج سیاسی»؛ قاسمیان در مدینه خواسته‌ی خامنه‌ای را اجرا کرد



غلامرضا قاسمیان در فرودگاه خمینی تهران

شبکه‌های اجتماعی از دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا به قاسمیان مشکوک شده‌اند و خواستار برخورد امنیتی با او هستند. عبدالرضا داوری مشاور سابق محمد احمدی‌نژاد که به جریان اصلاح‌طلب نزدیک شده است در «ایکس» نوشت، «غلامرضا قاسمیان ۴۸ ساعت پس از بازداشت مشکوک در عربستان، آزاد شد و اینک در مسیر بازگشت به ایران است؛ قطعاً دستگاه‌های امنیتی کشور باید تلاش نمایند که گزارش کاملی درباره ارتباطات قاسمیان و محل نگهداری وی، طی بازداشت ۴۸ ساعته، تهیه نمایند، تا از بدل زدن سرویس‌های رقیب ممانعت شود.»

در همین حال روزنامه کیهان چاپ تهران نوشت «محتوای سخنان مبنی بر اینکه در عربستان مراکز لهو، قمارخانه‌ها، فحشا و کنسرت‌های مبتذل ترویج می‌شود و اراده الحاد پشت آن است، محتوایی خلاف واقع یا دور از اطلاع مردم عادی نیست.»

هرچند قاسمیان از سوی چهره‌های نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی و مسئولان وزارت خارجه مورد انتقاد قرار گرفته است، اما وی همان کاری را انجام داده که خامنه‌ای از زائران حج توقع دارد. رهبر جمهوری اسلامی ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در جمع مسئولان حج گفته بود: «حج تنها فریضه‌ای است که شکل و ظاهر و ترکیب آن صد درصد سیاسی است» و «شکل‌اش شکل سیاسی است؛ ترکیب‌اش ترکیب سیاسی است.»

خامنه‌ای بارها در سخنرانی‌هایش با زشت‌ترین الفاظ از جمله «گاو شیرده» علیه حاکمان عربستان سخنرانی کرده است و حالا عربستان واعظ «بیت رهبری» را در حالی به جمهوری اسلامی برگشت داده که ویدئوی مربوط به «متولی» بودن او در یکی از مراکز فحشای نظام در رسانه‌های اجتماعی دست به دست می‌گردد! چنین فردی در عربستان مدعی شده بود: «دیگر لازم نیست برای قمارخانه، مراکز فحشا و کنسرت رکیک به آنتالیا برید، می‌توانید به جایش بروید مکه و مدینه! اینجا به تنظیمات کارخانه بنی‌امیه بازگشته!» گفته می‌شود همین سخنان سبب بازداشت او شد.

● غلامرضا قاسمیان آخوند نزدیک به «بیت رهبری» که ۴۸ ساعت در عربستان زندانی شده بود، ۸ خرداد ۱۴۰۴ به ایران بازگردانده شد. عده‌ای از هواداران قاسمیان برای استقبال از او با پرچم فلسطین به فرودگاه رفتند.

● علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی سیاسی علی خامنه‌ای طی یادداشتی در واکنش به ویدیوی قاسمیان در عربستان نوشت: «اینگونه اقدامات هزینه اضافی برای نظام است.» ● عبدالرضا داوری فعال سیاسی در «ایکس» توصیه کرد: «قطعاً دستگاه‌های امنیتی کشور باید تلاش نمایند که گزارش کاملی درباره ارتباطات قاسمیان و محل نگهداری وی، طی بازداشت ۴۸ ساعته، تهیه نمایند، تا از بدل زدن سرویس‌های رقیب ممانعت شود.»

● هرچند قاسمیان از سوی چهره‌های نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی و مسئولان وزارت خارجه مورد انتقاد قرار گرفته است، اما قاسمیان همان کاری را انجام داده که خامنه‌ای از زائران حج توقع دارد. رهبر جمهوری اسلامی ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ در جمع مسئولان حج گفته بود: «حج تنها فریضه‌ای است که شکل و ظاهر و ترکیب آن صد درصد سیاسی است» و «شکل‌اش شکل سیاسی است؛ ترکیب‌اش ترکیب سیاسی است.»

غلامرضا قاسمیان آخوند نزدیک به «بیت رهبری» که ۴۸ ساعت در عربستان زندانی شده بود، ۸ خرداد ۱۴۰۴ به ایران بازگردانده شد. عده‌ای از هواداران قاسمیان برای استقبال از او با پرچم فلسطین به فرودگاه رفتند.

قاسمیان که برای زیارت به مدینه رفته بود پس از انتشار ویدیویی در انتقاد از حکومت سعودی بازداشت شد. در این میان، برخی منابع امنیتی جمهوری اسلامی نیز به حرکت قاسمیان اعتراض کردند. علی سعیدی رئیس دفتر عقیدتی-سیاسی علی خامنه‌ای طی یادداشتی در واکنش به ویدیوی قاسمیان نوشت: «اینگونه اقدامات هزینه اضافی برای نظام است.»

اما در یادداشت سعیدی به مطالبی فراتر از بازداشت قاسمیان نیز اشاره شده است. در بخشی از این مطلب آمده «به دفعات مشاهده می‌شود که افراد سرشناس و خواص در اظهار نظرهای خود در موضوع شخصیت‌های شهید و یا علماء بزرگوار و یا مسائل امنیتی، نظامی مطالبی را به زبان می‌آورند که یا چندان به آنها ارتباطی ندارد و یا بیان آن مطالب موهن بوده و یا زمینه‌ساز اختلاف بین کشورهای دوست شده و یا مسائل امنیتی و زمینه‌ساز تحریک دشمنان گردیده است و برای نظام «هزینه اضافی» ایجاد می‌کند، اخیراً یکی از روحانیون بنام، در سفر حج خود مطالبی به زبان آورد که هم برای خود او ایجاد مشکل نمود و هم برای نظام «هزینه زیادی» فراهم کرد و یا روزهای قبل و در دوره‌های پیشین برخی از چهره‌های روحانی، نظامی، سیاسی در مورد اشخاص یا مسائل نظامی، دفاعی مطالبی را بیان کرده‌اند که با واقعیت‌ها انطباق نداشته و یا خارج از وظیفه آنان است و بهانه‌هایی به دست دیگران می‌دهد که پاسخگویی را با مشکل مواجه می‌سازد.»

او این حرکات و اظهارات اضافی را ناشی از «خودبزرگ‌بینی و خودشیفتگی و یا اظهار وجود و خودنمایی و یا توهم‌گرایی و جو‌گرایی و یا انگیزه‌های سیاسی» دانسته است. اما برخی دیگر از چهره‌های سیاسی و فعالان ولایت‌مدار در

پول دادیم و بابتش سند داریم و مدرک داریم که این آب، حق ما و حق این گندم و حق این زمین کشاورزیه... گندم آب می‌خواد. هر نوبت کشت ۵ بار در سال آب می‌خواد. این آب باید سروقت و کافی باشه. آب باید از اواخر اسفند تا نیمه خرداد به گندمزار برسه تا این محصول خوشه ببندد. در این ۲۰ سال آنقدر کم و آنقدر دیر، آب به زمین‌مون رسیده که ۷۰ درصد مزارع‌مون سوخته و ۹۰ درصد محصولون نابود شده و زمین کشاورزیمون کویر و بیابون شده است.» کشاورزان افزوده‌اند: «چرا حق‌مون رو باید به زور و با تحصن کنار جاده بگیریم؟ ما تومار حقایقه داریم. ۷۴ درصد از کل آورد سد زاینده‌رود، حق ماست ولی ۲۰ ساله که کمتر از ۳۰ درصد حق‌مون رو به ما میدن و این حق رو هم بعد از تحصن و با درگیری و دعوا می‌گیریم. چرا به خاطر یک قطره آب باید تحصن کنیم؟... یه روزی ۱۵ تا کارگر برای ما کار میکردن ولی الان زن و بچه‌مون باید برن به شهر برای کارگری توی کارخونه‌ها، چون دیگه با گندمکاری و کشاورزی خرج زندگی‌مون در نیاد. بیکار و دربدر شدیم.» حمیدرضا محسن‌پور یکی از اعضای صنف کشاورزی شهر هرن در استان اصفهان است و به روزنامه «اعتماد» گفته: «مردم فکر نمی‌کردن انتقال آب به یزد به چنین وضعی برسه. اواخر دهه ۱۳۷۰، زمین کشاورزی روستاهای جاده شرقی با قیمت گرون خرید و فروش می‌شد، چون آب به حدی زیاد بود که در بعضی روستاها، آب از زمین بالا می‌زد و کشت بهاره با مشکل مواجه می‌شد. از اوایل دهه ۱۳۸۰، خشکسالی به اصفهان رسید. وقتی مادی‌ها و حتی چاه‌های آب شرب روستاها هم خشکید، اعتراضات آب شروع شد.» حمیدرضا محسن‌پور افزوده: «سال ۱۳۸۹ برای اولین بار دولت به کشتزارهای جاده شرق آب نداد. مردم تلاش میکردن صبور باشن ولی وضع کشت، سال به سال بدتر می‌شد. موعد کشت گندم و غلات، اوایل پاییزه و اگر آب به کشتزار نرسه، محصول خراب میشه. پاییز و زمستون ۱۳۹۱ برای دومین بار سهم آب کشتزارها قطع شد. اینبار، مردم معترض از شهر ورزنه و اژیه و شاتور به جاده‌ها ریختن و برای اولین بار، به نشونه اعتراض، تراکتورهایشون رو به جاده‌ها آوردن و جاده رو بستن و جلوی سازمان آب و استانداری و فرمانداری تجمع کردن. اون سال، نیروی یگان ویژه مداخله کرد، مردم، اتوبوس یگان ویژه رو آتش زدن، پلیس با مردم درگیر شد، با تفنگ ساچمه‌ای به مردم شلیک کرد، گاز اشک‌آور به سمت مردم پرت کرد، به مردم توهین کرد. اون سال، خیلی از کشاورزای معترض زخمی شدن و چند نفر هم کور شدن. مردم فقیر و زحمتکشی که نون از دسترنج خودشون می‌خوردن، باورشون نمی‌شد که به خاطر مطالبه حق قانونی شون، کتک بخورن و فحش بشنون اونم از پلیس که باید حامی مردم باشه.»

سرکوب کشاورزان در اعتراضات همه سال‌های گذشته از جمله امسال نیز تکرار شد. دهم فروردین امسال و در جریان تجمعات اعتراضی کشاورزان، مأموران حکومتی در روستای اسلام‌آباد شاتور در ۷۰ کیلومتری شرق شهر اصفهان به کشاورزان معترض حمله کردند. مأموران با باتوم به سوی کشاورزان معترض حمله کردند و به سوی آنها گاز اشک‌آور شلیک کردند.

یکی دیگر از کانون‌های اعتراضات کشاورزان در روستای جوزدان در ۸ کیلومتری جنوب شرقی نجف‌آباد در غرب شهر اصفهان بود.

منابع محلی گزارش داده‌اند که کشاورزان زیادی نیز از سوی نیروی انتظامی و نهادهای امنیتی به صورت حضوری و تلفنی تهدید شده‌اند که به اعتراضات و تجمعات خود پایان دهند.

شناسایی یک شبکه سازمانیافته قاچاق سوخت در هرمزگان؛ ۳۰ ویلای لوکس متعلق به قاچاقچیان پلمب شد



● بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی رئیس کل دادگستری هرمزگان، حجم ذخیره مخازن سوخت قاچاق در بندر کلاهی میناب غیرقابل تصور و بیش از ۲۱ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر است که با تولید روزانه یک پالایشگاه برابری می‌کند.

رئیس کل دادگستری هرمزگان از کشف مخازن سوخت قاچاق در بندر کلاهی میناب خبر داده و در رابطه با همین پرونده نیز ۳۰ ویلای لوکس متعلق به متهمان قاچاق سوخت در این بندر پلمب شده است.

مجتبی قهرمانی رئیس کل دادگستری هرمزگان روز گذشته از پرونده جدیدی در رابطه با قاچاق سوخت در بندر کلاهی میناب در استان هرمزگان خبر داد.

بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی رئیس کل دادگستری هرمزگان، حجم ذخیره مخازن سوخت قاچاق در بندر کلاهی میناب غیرقابل تصور و بیش از ۲۱ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر است که با تولید روزانه یک پالایشگاه برابری می‌کند. مجتبی قهرمانی گفته پاكسازی بندر کلاهی از مخازن و زیرساخت‌های قاچاق سوخت در بندر کلاهی در عملیات مشترکی از سوی قوه قضاییه و نیروی انتظامی صورت گرفته و افزوده «اگر ۱۰ هزار نیسان هم به بندر کلاهی آورده شوند نمی‌توانند ذخایر سوخت قاچاق موجود در این بندر را تخلیه کنند.»

او معتقد است شبکه قاچاق سوخت شبکه‌ای نیست که طی یک تا ۲ روز ایجاد شده باشد و تأکید کرده: «قطعا ضعف‌های مختلفی چه در حوزه نظارت و چه در حوزه اجرایی و سایر حوزه‌ها باعث شده است که این شرایط ایجاد شود و چنین اتفاقی بیافتد.»

رئیس کل دادگستری هرمزگان جزئیاتی درباره مافیاهای قاچاق سوخت که به گفته وی در ایجاد یک شبکه در بخش‌های اجرایی و نظارتی فعالیت می‌کردند ارائه نکرده اما گفته: «سران مافیای قاچاق سوخت با وجود ضربات وارده به آنها، با اتهام‌زنی علیه افراد و فسادسازی‌ها و سوء استفاده از موضوعات مختلف همچنان دنبال این هستند که مقاصد نامشروع خودشان را دنبال کنند.»

رئیس دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان هرمزگان نیز بدون اینکه به نام یا مشخصات متهمان قاچاق سازمانیافته سوخت در بندر کلاهی اشاره کند، از تشکیل پرونده قضایی در خصوص ۳۰ ویلای گران‌قیمت متعلق به متهمان قاچاق سوخت در بندر کلاهی میناب خبر داد.

او گفته با دستور مقام قضایی ضمن انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی پیچیده پس از شناسایی فعالیت‌های مرتبط با قاچاق سوخت از سوی مالکین ۳۰ ویلای نامتعارف گران‌قیمت ساخته‌شده در بندرکلاهی، پرونده‌هایی در این رابطه در دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی تشکیل شده است.

این مقام قضایی همچنین گفته: «در نتیجه تحقیقات دستگاه‌های انتظامی و امنیتی مشخص شده است که این متهمان با عواید حاصل از قاچاق سازمانیافته فرآورده‌های نفتی اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی کرده‌اند که در این خصوص پس از تشکیل پرونده قضایی و در نتیجه ماه‌ها کار اطلاعاتی دقیق، اموال گسترده‌ای شامل تعداد زیادی خانه و ویلا در اقصی نقاط کشور، واحدهای تجاری، خودروهای لوکس خارجی، شناورها و مشک‌های حاوی سوخت متعلق به این افراد شناسایی شده است.»

رئیس قوه قضاییه از تشکیل پرونده‌های جدید درباره قاچاق سوخت خبر داده و گفته بود: «پرونده‌های مهمی در زمینه منشأ قاچاق سوخت تشکیل داده‌ایم که فریاد برخی را بلند خواهد کرد اما اعتنا نخواهیم کرد.»

وی افزوده بود: «سه استان را به عنوان نمونه انتخاب کردیم، کسی که از فرودگاه به دریا خط لوله قاچاق سوخت می‌کشد که آدم معمولی نیست. با قاچاقچیان (مانند کسی که از فرودگاه به دریا خط لوله قاچاق سوخت کشیده است) برخورد کنیم سر و صداها بلند می‌شود.»

مجتبی قهرمانی رئیس کل دادگستری هرمزگان نیز دو روز پس از اظهارات رئیس کل قوه قضاییه، اعلام کرده بود: «چهار انشعاب غیرمجاز از خط لوله اصلی فرآورده‌های نفتی در اطراف شهر بندرعباس، شناسایی و مسدود شد.»

رئیس کل دادگستری هرمزگان افزوده بود این انشعاب‌های غیرمجاز در خط لوله سراسری انتقال نفت گاز در حد فاصل روستاهای سرریگ و ایسین ایجاد شده است. آمارهایی که از سوی مقامات حکومتی درباره حجم قاچاق سوخت مطرح می‌شود نیز نشان از وجود شبکه‌های گسترده در بخش‌های مختلف دولتی و امنیتی و قضایی برای فعالیت‌های قاچاق دارد.

برای نمونه موسی احمدی رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی نیز گفته: «بخشی از قاچاق سوخت با رقم ۲۵ تا ۲۷ میلیون لیتر در روز نمی‌تواند غیرسازمانیافته باشد» و «باید ببینیم چه دست‌هایی پشت قضیه است!»

موسی احمدی در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته: «پرونده‌ها درباره قاچاق سوخت را ستاد مبارزه با قاچاق سوخت کالا تشکیل می‌دهد و به دادگاه می‌فرستد و دستگاه قضا هم رسیدگی می‌کند. آن چیزی که در کمیسیون انرژی به آن رسیدیم و قطعی نیست، این است که از رئیس ستاد مبارزه با قاچاق سوخت سوال کردیم آیا این میزان که شما می‌گویید قطعی است یا خیر، گفتند ما قطعی نمی‌توانیم بگوییم، اما برآورد ما بر اساس آن شاخص‌هایی که داریم ۲۵ تا ۲۷ میلیون لیتر در روز است.»

رئیس دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان هرمزگان افزود: «برای این متهمان پرونده‌هایی تحت عنوان اخلاف در نظام اقتصادی از طریق تشکیل و راهبری و هدایت شبکه گسترده قاچاق سوخت و نیز پولشویی در دادسرا و در خصوص بررسی اموال در دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی تشکیل شده و در روند رسیدگی قضایی قرار دارد.»

او توضیح داده: «مرتکبان قاچاق سازمانیافته سوخت علاوه بر جرمه نقدی و مجازات حبس به ضبط اموال ناشی از جرم نیز محکوم می‌شوند» و افزوده: «در راستای اجرای ماده ۲۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا، اموال حاصل از جرم به همراه شناورها و وسایل نقلیه دخیل در امر قاچاق نیز به نفع دولت ضبط و مصادره می‌شوند و علاوه بر این معادل ارزش این اموال به جرمه نقدی حامل اضافه می‌گردد.»

مافیاهای وابسته به حکومت سال‌هاست در قاچاق سوخت به فعالیت مشغول هستند اما در ماه‌های گذشته قوه قضاییه مدعی پیگیری این پرونده‌ها شده است. علی القاصی رئیس کل دادگستری استان تهران اسفندماه ۱۴۰۳ از صدور کیفرخواست در پرونده‌های مهم قاچاق سوخت و ارجاع سه فقره از این پرونده‌ها به شعب ویژه رسیدگی به جرائم اخلاف‌گران در نظام اقتصادی خبر داده بود.

علی القاصی همچنین گفته بود: «طی ماه‌های اخیر در شهرستان‌های ری، پاکدشت، ملارد، اسلامشهر و رباط کریم پرونده‌های مهمی تشکیل و چند شبکه مهم و بزرگ قاچاق سوخت که به صورت کاملاً سازمان‌یافته اقدام به خارج کردن سوخت‌های یارانه‌ای از شبکه توزیع کرده و آن را به مصارف دیگر رسانده و یا اقدام به قاچاق و خارج کردن آن از کشور می‌نمودند، شناسایی و اعضا آن دستگیر شدند.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نیز نیمه اسفندماه گذشته طی سخنانی در «همایش بصیرت سیاسی ویژه فرماندهان، مسئولین و کارکنان ستاد فرماندهی کل سپاه» از کشف خط لوله قاچاق سوخت از فرودگاه به دریا خبر داده بود.

برق هم «امنیتی» شد؛ سانسور آمار مصرف برق صنایع و محدودیت برای انتشار برنامه قطع برق بخش خانگی



● در نسخه جدید اپلیکیشن «برق من» امکان گرفتن اسکرین‌شات از برنامه خاموشی‌ها محدود شده و شهروندان دیگر نمی‌توانند از جداول برنامه قطع برق عکس گرفته و آن را به اشتراک بگذارند.

● پس از تصمیم اخیر وزارت نیرو برای کاهش ۹۰ درصدی مصرف برق صنایع بزرگ که با اعتراضات گسترده صنایع روبرو شد، وزارت نیرو در اقدام جدیدی آمار روزانه تأمین برق صنایع را سانسور کرده است.

● دولت هزینه کمبود برق را به شهروندان تحمیل کرده است؛ بخشی از این هزینه را با قطع برق صنعت و کشاورزی و بخشی دیگر را با افزایش هزینه برق مصرفی برای بخش‌های مختلف کشور!

● فریبا مرادی کارشناس اقتصاد انرژی: حتی اگر قیمت انرژی به ظاهر ثابت بماند، در بلندمدت کسری بودجه، عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت و کاهش کیفیت انرژی گریبان همگان را می‌گیرد.

بحران کمبود برق و قطع گسترده‌ی آن در بخش صنعتی، کشاورزی و خانگی ادامه دارد. جمهوری اسلامی بجای تلاش برای حل این بحران، با نگاهی امنیتی، محدود ساختن و سانسور در ارتباط با اخبار قطع برق و اطلاع‌رسانی آماری و غیرآماری را در این زمینه آغاز کرده است.

پس از دو روز اختلال در اپلیکیشن «برق من» که برنامه قطع برق برای سراسر کشور در آن به‌روز می‌شود، شرکت توانیر در اطلاعیه‌ای از رفع مشکل این اپلیکیشن خبر داده است. در نسخه جدید اپلیکیشن اما امکان گرفتن اسکرین‌شات از برنامه خاموشی‌ها محدود شده و شهروندان دیگر نمی‌توانند از جداول برنامه قطع برق عکس گرفته و آن را به اشتراک بگذارند.

از سوی دیگر وبسایت «خانه اقتصاد» نیز گزارش داده پس از تصمیم اخیر وزارت نیرو برای کاهش ۹۰ درصدی مصرف برق صنایع بزرگ که با اعتراضات گسترده صنایع روبرو شده، وزارت نیرو در اقدامی جدید آمار روزانه تأمین برق صنایع را سانسور کرده است. این گزارش افزوده پیش از این شرکت مدیریت شبکه برق ایران بطور روزانه آمار تأمین برق صنایع را منتشر می‌کرد اما پس از اقدام اخیر وزارت نیرو در قطع گسترده برق صنایع، این آمار سانسور شده تا افتضاح عدم تأمین برق صنایع فاش نشود.

امنیتی شدن موضوع قطع برق در حالست که دولت هیچ تلاشی برای ساماندهی به بحران کمبود برق انجام نداده و تولید همچنان عقب‌تر از میزان مصرف است. علیرضا کلاهی صمدی رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران هفته گذشته خبر داده بود که «به اکثر واحدهای صنعتی اعلام شده که باید نصف دیبماند خود مصرف برق داشته باشند و علاوه بر آن میزان مصرف، خاموشی‌های گسترده را نیز بر آنها تحمیل کرده‌اند.»

دیبماند برق به معنای حداکثر میزان توان مصرفی است که یک مصرف‌کننده در یک بازه زمانی مشخص از شبکه برق می‌کشد. او تأکید کرده خاموشی ۳۰ درصدی معادل ۱۰ روز در ماه به اکثر صنایع تحمیل می‌شود. البته با روند فعلی، صنایع پرمصرف همانند صنعت فولاد به زودی تعطیل خواهند شد. رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران افزوده «قطعی

با تراز منفی انرژی روبرو است، مجبور می‌شود بخشی از هزینه‌های جبران کمبود را به مشترکین تحمیل کند؛ یا به شکل افزایش تدریجی تعرفه‌ها، یا از طریق سیاست‌های پنهانی مثل افت کیفیت خدمات، حذف یارانه یا کوچک شدن سید حمایتی.

فریبا مرادی کارشناس اقتصاد انرژی در گفتگو با خبرگزاری «مهر» توضیح داده «ناترازی به معنای افزایش فشار مالی بر خانوارهاست. حتی اگر قیمت انرژی به ظاهر ثابت بماند، در بلندمدت کسری بودجه، عدم سرمایه‌گذاری در زیرساخت و کاهش کیفیت انرژی گریبان همگان را می‌گیرد.»

این کارشناس افزوده وقتی منابع کافی برای توسعه نیروگاه یا شبکه گاز وجود نداشته باشد، نخستین نشانه آن خاموشی یا افت فشار خواهد بود. بعدتر، هزینه تولید انرژی به دلیل هدررفت و فرسودگی افزایش می‌یابد و این افزایش نهایتاً راهی جز انتقال به مصرف‌کننده ندارد. دولت‌ها این فشار را گاه با تأخیر و به تدریج به خانوارها منتقل می‌کنند، اما انکار آن ممکن نیست.

فریبا مرادی افزوده: «خاموشی‌ها و اختلالات گازی، فراتر از یک اختلال معمولی است، به همین دلیل پیامد اقتصادی سنگینی برای خانواده‌ها دارد. غذاهای خراب‌شده در یخچال، لوازم برقی سوخته‌شده به دلیل نوسان، هزینه تهیه بخاری برقی یا ژنراتور در نبود برق، همگی از جیب خانوار پرداخت می‌شوند.»

همچنین خسارت گسترده قطع برق به صنایع و واحدهای تولیدی نیز سبب موجی از انتقاد و اعتراض از سوی فعالان اقتصادی و صنعتی شده است. در همین رابطه حمیدرضا بهمن‌آبادی رئیس «گروه سرمایه‌گذاری ساتبا» اعلام کرده صنایع پارسال ۵ تا ۶ میلیارد دلار بابت قطعی برق ضرر کردند.

بهمن‌آبادی معتقد است که «اگر صنعت در نظر دارد خاموشی نداشته باشد و چنانچه تا پیک ۱۴۰۴ اقدام به احداث نیروگاه تجدیدپذیر کند، نیمی از برق را از شبکه دریافت خواهد کرد.»

برق بدون هماهنگی و اطلاع‌رسانی قبلی در بسیاری از صنایع باعث ضایع شدن محصول یا تولید کالای نامنتطبق یا ضایعات و آسیب زدن به قطعات الکترونیک می‌شود که در شرایط تحریم تهیه آنها بسیار دشوار، گران‌قیمت و زمانبر است.»

دولت اما همچنان در حال فراقکنی درباره ناتوانی تأمین برق و وعده‌هایی است که پیشتر درباره نبود کمبود برق در سال ۱۴۰۴ داده بود.

عباس علی آبادی وزیر نیرو دولت پزشک‌یان در گفتگو با روزنامه «ایران» گفته: «از زمان ورودم به وزارت نیرو تا کنون موفق به کشف ۲۴۸ هزار ماینر شده‌ایم. متأسفانه هنوز ماینینگ غیرمجاز جرم‌انگاری نشده و افراد متخلف صرفاً جریمه می‌شوند. میزان جرائم هم به اندازه‌ای است که با ماینینگ دوباره قابل جبران است.»

وزیر نیرو همچنین افزوده: «فراموش نکنید من زمانی که پشت این صندلی نشستم، حدود ۲۰ هزار مگاوات کسری وجود داشت. این میزان برق معادل مصرف چند کشور است.»

عباس علی آبادی اما توضیح نداده اگر دولت پزشک‌یان صنعت برق را با ۲۰ هزار مگاوات کسری تحویل گرفت و طی چند ماه گذشته نیز «هیچ» اقدام کارآمدی برای افزایش سطح تولید انجام نداده چرا او چند هفته پیش گفته بود وزارت نیرو برنامه‌ریزی کرده که در سال ۱۴۰۴ قطع برق بخش خانگی رخ ندهد؟!

وی همچنین توضیح نداده در چنین شرایطی که دولت می‌دانست با کسری شدید برق روبروست چرا محمدرضا عارف معاون اول پزشک‌یان پیش از تعطیلات نوروز اعلام کرد که در سال جدید «ناترازی برق نخواهیم داشت»!

دولت از سوی دیگر هزینه کمبود برق را به شهروندان تحمیل کرده است؛ بخشی از این هزینه را با قطع برق صنعت و کشاورزی و بخشی دیگر را با افزایش هزینه برق مصرفی برای بخش‌های مختلف کشور!

خبرگزاری «مهر» در اینباره نوشته هنگامی که دولت

پیامدهای بحران اقتصادی در ایران: افزایش نرخ طلاق در سالمندان

است.

خبرگزاری «ایلنا» به تازگی در گزارشی از وضعیت بازنشستگان در ایران نوشت نیروی کار در ایران بعد از رسیدن به سن بازنشستگی- دوره‌ای که قرار است دوران فراغت از کار باشد- مجبورند به سراغ کار دیگر بروند تا با دریافت مجموع مستمری و حقوق آن کار دوم، مخارج روزمره خود را تأمین کنند.

این گزارش افزوده بود اوضاع بازنشستگان در ایران وخیم است. برای این جمله کوتاه می‌توان ساعت‌ها از زندگی تلخ‌شان نوشت. نیروی کار در ایران بعد از رسیدن به سن بازنشستگی -دوره‌ای که قرار است دوران فراغت از کار باشد- مجبورند به سراغ کار دیگر بروند تا با دریافت مجموع مستمری و حقوق آن کار دوم، مخارج روزمره خود را تأمین کنند. بسیاری از بازنشستگان با آغاز دوره بازنشستگی، دوره سخت‌تری را آغاز می‌کنند؛ کار در دوره پیری در کنار مشکلات معیشتی سنگین و هزینه‌هایی مانند درمان که با بالا رفتن سن بیشتر می‌شود، هم فشار جانی و هم روانی سنگینی به آن‌ها تحمیل می‌کند.

بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی کمترین رقم دریافتی را نسبت به دیگر بازنشستگان دارند. دستمزدهایی که در بسیاری موارد حتی کمتر از ۱۰ میلیون تومان در ماه است. این در حالیست که بر اساس محاسبات کارشناسان رقم خط فقر در ابتدای امسال برای یک خانوار چهار نفره ۴۰ میلیون تومان در ماه برآورد شده بود. به بیان دیگر اگر یک خانواده درآمدی کمتر از ۴۰ میلیون تومان داشته باشد، زیر خط فقر قرار دارد.

از سوی دیگر بازنشستگان به علت داشتن فرزندان دانشجو، و یا در سن ازدواج، و همچنین داشتن نوه و داماد و عروس، هزینه‌هایشان بیشتر است. از سوی دیگر بسیاری از آنها دارای بیماری‌هایی هستند که باید بطور پیوسته تحت نظر پزشک بوده و دارو مصرف کنند؛ بیمه‌های درمانی نیز پوشش مناسبی از هزینه دارو و درمان را ندارند و هزینه زیادی از جیب بازنشستگان برای درمان پرداخت می‌شود.

ارزش درآمدها نیز طی سالیان گذشته کاهش پیدا کرده است. در همین رابطه محمدرضا قربانی فعال حقوق بازنشستگان گفته «بازنشست‌های که در سال ۱۳۸۴ حدود ۳۰۰ هزار تومان مستمری دریافت می‌کرد و با این مستمری ۷۷ کیلو گوشت و یا سه سکه بهار آزادی خریداری می‌کرد و امروز با مستمری ۱۰ میلیون تومانی ۱۰ کیلو گوشت و یا یک ربع سکه نیز نمی‌تواند بخرد، کاملاً به این موضوع آگاه است که چه بلایی بر سرش آمده است.»

این فعال حقوق بازنشستگان افزوده «حدافل بگیران در آن سال‌ها علاوه بر درمان رایگان، به راحتی در سال دوبار با همان مستمری به سفر مشهد می‌رفتند. اما امروز درمان و معیشت با این حقوق‌ها تأمین نمی‌شود.»

بازنشستگان دولتی در اغلب موارد درآمدی بالاتر از بازنشستگان تأمین اجتماعی دارند اما بخش اندکی از آنها که در پست‌های مدیریتی هستند درآمدی به میزان رقم خط فقر یا بالاتر دارند و دریافتی اکثر این بازنشستگان نیز همچنان کمتر از رقم خط فقر است.

سال‌هاست قرار است قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان درآمد آنها را افزایش دهد اما این قانون نیز به دلیل نبود منابع کافی از سوی صندوق‌های بازنشستگی اجرایی نمی‌شود.



خانواده‌های طبقه متوسط و پایین را تحت تأثیر قرار داده است.

این بحران اقتصادی باعث شده تا بسیاری از زوجها توانایی تأمین هزینه‌های زندگی مشترک را نداشته باشند و این فشارهای اقتصادی نه تنها منجر به بروز مشکلات مالی، بلکه بطور غیرمستقیم روابط عاطفی و احساسی بین آنها را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

پژوهشگران معتقدند خانواده‌های ایرانی طی دهه‌های اخیر با چالش‌های اقتصادی گسترده‌ای مواجه بوده‌اند که موجب کاهش تاب‌آوری و استحکام نهاد خانواده شده است. مهم‌ترین این مشکلات شامل افزایش نرخ بیکاری، سقوط ارزش پول ملی، تورم افسارگسیخته در بخش‌های مسکن، خوراک، آموزش و درمان، نابرابری درآمدی و افزایش فشارهای معیشتی بوده است.

به باور کارشناسان بیکاری، به ویژه در میان جوانان با تحصیلات بالا، به یکی از مشکلات اساسی در ایران تبدیل شده است. این معضل موجب تأخیر در ازدواج، کاهش سطح اعتماد به نفس و در بسیاری از موارد، مواجهه با بحران‌های روحی و روانی در میان جوانان می‌شود. زوج‌هایی که زندگی مشترک را آغاز کرده‌اند نیز در صورت مواجهه با فقدان درآمد پایدار و عدم امنیت شغلی، دچار تنش‌های جدی در زندگی می‌شوند که می‌تواند به طلاق منتهی شود.

پژوهشگران می‌گویند یکی از تبعات نامطلوب دیگر وضعیت اقتصادی، تشدید شکاف‌های طبقاتی و نابرابری اقتصادی است. این نابرابری‌ها نه تنها موجب ایجاد تضادهای اجتماعی شده‌اند، بلکه تأثیر مستقیمی بر سبک زندگی و روابط میان زوجها دارند. تفاوت‌های شدید اقتصادی و ناتوانی در برآوردن خواسته‌ها و نیازهای یکدیگر می‌تواند منجر به استرس، اضطراب و در نهایت، افزایش خطر طلاق شود.

در این میان سالمندان با مشکلات بیشتری روبرو هستند؛ حقوق ناچیز بازنشستگی، عدم حمایت‌های موثر از سوی دولت، بیمه‌های درمانی ناکافی و ناقص از جمله دلایلی است که بحران‌های معیشتی بازنشستگان را افزایش داده

● رئیس سازمان بهزیستی کشور: سالمندان در ایران با احساس انزوا و تنهایی مواجه هستند به ویژه که نرخ طلاق در سالمندان افزایش یافته و نسبت قابل توجهی از زنان سالمند تنها زندگی می‌کنند.

● رئیس سازمان بهزیستی کشور تأکید کرده که «۵۰ درصد سالمندان احساس غفلت و بی‌توجهی دارند. در حال حاضر تنها ۲۵ متخصص رسمی سالمندی در کشور داریم. این رقم در تناسب با جمعیت سالمند آینده نیست.»

● حقوق ناچیز بازنشستگی، عدم حمایت‌های موثر از سوی دولت، بیمه‌های درمانی ناکافی و ناقص از جمله دلایلی است که بحران‌های معیشتی بازنشستگان را افزایش داده است.

رئیس سازمان بهزیستی کشور از افزایش نرخ طلاق در میان سالمندان ایران خبر داده و گفته سالمندان در ایران با احساس انزوا و تنهایی مواجه هستند.

جواد حسینی رئیس سازمان بهزیستی کشور با ارائه آماری از وضعیت سالمندان در ایران گفته سالمندان در ایران نیز مانند سایر کشورها، با احساس انزوا و تنهایی مواجه هستند به ویژه که نرخ طلاق در آنها افزایش یافته و نسبت قابل توجهی از زنان سالمند تنها زندگی می‌کنند.

رئیس سازمان بهزیستی کشور تأکید کرده که «۵۰ درصد سالمندان احساس غفلت و بی‌توجهی دارند. در حال حاضر تنها ۲۵ متخصص رسمی سالمندی در کشور داریم. این رقم در تناسب با جمعیت سالمند آینده نیست.»

او همچنین گفته: «ما با یک تأخیر ساختاری در ارائه خدمات به سالمندان مواجهیم که متناسب با نرخ رشد جمعیتی نیست. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۳۰، حدود ۳۰ درصد از جمعیت کشور را سالمندان تشکیل دهند. سریع‌ترین راه جبران این عدم‌تناسب، توسعه آموزش، توانمندسازی و به‌کارگیری مراقبین رسمی سلامت است.»

افزایش نرخ طلاق در سالمندان با مشکلات اقتصادی و معیشتی خانوارها ارتباط مستقیمی دارد. پژوهشگران معتقدند افزایشی شدن آمار طلاق در ایران جدا از تحولات فرهنگی، با مشکلات عمیق اقتصادی که در سال‌های اخیر خانوارها را از پاسخگویی به نیازهای اولیه مالی محروم کرده مرتبط است. بر اساس آمارهای رسمی سازمان ثبت احوال کشور، نسبت طلاق به ازدواج در ایران طی دو دهه اخیر همواره روندی صعودی داشته است. در سال ۱۳۸۰ به ازای هر ۱۰ ازدواج تقریباً یک مورد طلاق ثبت می‌شد، اما این آمار در سال ۱۴۰۲ به حدود ۳/۵ مورد در هر ۱۰ ازدواج رسیده است. در برخی استان‌ها مانند تهران، البرز و خراسان «رضوی»، این نسبت حتی به بیش از ۴ و ۵ مورد در هر ۱۰ ازدواج نیز افزایش یافته است. این ارقام نشان‌دهنده تغییرات عمیق در ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور است که بر روابط خانوادگی تأثیرگذار بوده است.

کارشناسان اجتماعی و اقتصادی بر این باورند که در حالی که عوامل فرهنگی و روانی بطور مستقیم بر این افزایش مؤثرند، اما بحران‌های اقتصادی نظیر بی‌ثباتی اقتصادی، فشارهای معیشتی و ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه، به ویژه برای نسل جوان، نقشی محوری در افزایش طلاق ایفا کرده‌اند.

برای غونه تورم و افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها به ویژه از دهه ۹۰ خورشیدی تا کنون بطور قابل توجهی سطح زندگی

تابستان داغ در انتظار است؛ ۱۴ شهر تهران در خطر فرونشست

با بیان اینکه «۱۴ شهر تهران در خطر فرونشست هستند» گفته «۱۰۰ درصد مناطق ۱۷ و ۱۹ در معرض فرونشست قرار دارند. نرخ فرونشست در منطقه ۱۸ در ۲ سال اخیر ۳ برابر شده است!»

عیسی کلانتری رئیس پیشین سازمان محیط زیست نیز به تازگی در یک مصاحبه ویدئویی گفته اصفهان سالانه ۲۰ سانتیمتر فرونشست دارد. او افزوده فرونشست زمین در استان اصفهان به یکی از جدی‌ترین بحران‌های محیط زیستی ایران تبدیل شده است.

عیسی کلانتری توضیح داده که «دشت اصفهان - بُرخوار، یکی از بحرانی‌ترین مناطق استان اصفهان به دلیل میزان فرونشست زمین است و به گفته مدیرکل سازمان زمین‌شناسی اصفهان، این شهر، تنها شهری است که فرونشست زمین به داخل منطقه مسکونی آن نفوذ کرده است.»

او گفته «عوامل اصلی این فرونشست شامل برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، خشکی رودخانه زاینده‌رود و کاهش تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی است.»

عیسی کلانتری با انتقاد شدید از طرح‌هایی که در دولت‌های مختلف برای حل بحران خشکسالی گفته «آبی که می‌خواهند برای اصفهان از دریا بیاورند، بیش از ۴۰۰ میلیون دلار هزینه در سال دارد. آنوقت همین ۴۰۰ میلیون دلار آب را می‌خواهند برای کشاورزی در اصفهان استفاده کنند در حالی که ارزش کل تولیدات زراعی اصفهان، ۱۵۰ میلیون دلار است.»

رئیس پیشین سازمان محیط زیست افزوده «کسی نیست بگوید که این ۱۵۰ میلیون دلار را ما بیاوریم به کشاورزان مجانی بدهیم، اینطوری ۲۵۰ میلیون دلار صرفه‌جویی می‌کنیم، آب زیرزمینی اصفهان هم شروع می‌کند به تزریق و از فرونشست جلوگیری می‌شود.»

محمد آقامیری رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران نیز به تازگی اعلام کرده که «فرونشست در پایتخت از جنوب به طرف مرکز در حال توسعه و پیشروی است امروز نیازمند شکل‌گیری نهضت تزریق مصنوعی آب به داخل زمین هستیم و این مهم در یک پروسه ۱۰ساله به‌خوبی جواب می‌دهد و از آهنگ فرونشست زمین می‌کاهد.»

محمد آقامیری افزوده: «سالیانه میلیون‌ها مترمکعب آب از سدها وارد شهر تهران می‌شود؛ چنانچه این میزان آب به زمین تزریق شود و به داخل لوله‌های فاضلاب شهری هدایت نشود، می‌توان از این بحران گذر کرد.»

رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران افزوده: «تزریق آب به زمین از طرق مختلف ضروری است، باید آبخیزداری را در بالای شهر به اجرا گذاشت و با سدهای کوچک، آب را به داخل زمین هدایت کرد.»

رحمدل بامری نماینده مجلس با اشاره به «خشکسالی‌های ممتد، برداشت‌های بی‌رویه از منابع آبی، و عدم نظارت دستگاه‌های متولی» گفت این عوامل باعث «چالش‌هایی جدی و اساسی مانند فرونشست در همه استان‌ها و خشک شدن تالاب‌ها، رودخانه‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی» شده است.

عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی افزود: «مدیریت خوب نبوده است»، و وزارت نیرو باید «با استفاده از ابزار و امکانات نظارتی» خود برای مقابله با این بحران‌ها استفاده کند، وگرنه «مجلس شورای اسلامی حتما از ابزارهای نظارتی خود استفاده خواهد کرد.»



حال حاضر، سدهای مهم منطقه از جمله کاظمی بوکان و مهاباد که تأمین‌کننده اصلی آب شرب، کشاورزی، صنعت و نیازهای زیست‌محیطی هستند، با افت شدید حجم مخزن روبرو شده‌اند» گفته «شرایط کنونی ایجاب می‌کند که در راستای تأمین پایدار و مطمئن آب شرب مراکز جمعیتی مهم، به‌ویژه شهر تبریز و نیز تأمین بخشی از نیازهای کشاورزی، برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی با جدیت در دستور کار قرار گیرد.»

حسین اسماعیلیان مدیرعامل آبفا مشهد نیز گفته ۹۹ درصد شهرستان مشهد در وضعیت خشکسالی و ۶۰ درصد آن در وضعیت خشکسالی بسیار شدید قرار دارد.

وی همچنین گفته «در حال حاضر حدود هشت درصد از حجم ذخیره سدهای آبی مشهد موجود است و ما در شرایط خشکسالی و تنش آبی قرار داریم» و «امسال باید نهایت صرفه‌جویی در مصرف آب توسط شهروندان رعایت شود. در جنوب شرق ایران و در استان سیستان و بلوچستان نیز قطع حقایق ایران از رود هریرود توسط طالبان سبب تشدید خشکسالی در استان‌های شرقی شده است.»

برای غونه سد «دوستی» مهمترین منبع تأمین‌کننده آب شرب خراسان «رضوی» و به ویژه کلانشهر مشهد با بیش از سه میلیون نفر جمعیت است. سدی که بنا به اعلام شرکت آب‌منطقه‌ای این استان عملاً در روزهای گذشته به «حجم مرده» رسیده است. گرچه کاهش بارندگی در این منطقه بر خالی ماندن سد دوستی بی‌تأثیر نیست، اما اصلی‌ترین دلیل بی‌آبی مطلق این سد، آبگیری سد «پاشدان» در ولایت هرات افغانستان و کنترل کامل آب رودخانه فرامرزی «هریرود» از سوی طالبان است که نه فقط ایران، بلکه ترکمنستان را هم دچار بحران کرده است.

وضعیت در مرکز ایران بهتر از مناطق مرزی نیست. در استان‌های تهران و اصفهان مصرف بیش از اندازه از منابع آب زیرزمینی سبب گسترش پرسرعت فرونشست شده و نه تنها محیط زیست بلکه زیرساخت‌های شهری و جان شهروندان را نیز تهدید می‌کند.

علی بیت‌اللهی مدیر زلزله‌شناسی وزارت راه و شهرسازی

● گزارش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از نقاط در غرب، جنوب غرب، شرق، مرکز و همچنین جنوب شرق کشور در ماه‌های گذشته شاهد بارش کمتر از حد معمول بوده‌اند.

● روزنامه «پیام ما» با اشاره به تابستان داغی که انتظار ایران است نوشته «خشکسالی در استان‌های مرکزی، کاهش شدید منابع آبی در جنوب و افزایش نیاز به مصرف انرژی برای خنک‌سازی، بخشی از پیامدهای این بحران هستند.»

● احمد قندهاری رئیس حوضه آبریز دریاچه ارومیه اعلام کرده که خشکسالی شدید و کم‌سابقه در سال آبی جاری، منجر به کاهش چشمگیر منابع آبی این حوضه و افت محسوس حجم سدهای اصلی منطقه شده است.

● حسین اسماعیلیان مدیرعامل آبفا مشهد نیز گفته ۹۹ درصد شهرستان مشهد در وضعیت خشکسالی و ۶۰ درصد آن در وضعیت خشکسالی بسیار شدید قرار دارد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد بهار امسال با خشکسالی شدیدی رو به پایان است و تابستانی خشک‌تر از سال‌های پیش در انتظار ایران است.

بارندگی در ایران طی ماه‌های گذشته به شکل قابل توجهی نسبت به سال‌های پیشتر کاهش یافته است. گزارش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از نقاط در غرب، جنوب غرب، شرق، مرکز و همچنین جنوب شرق کشور در ماه‌های گذشته شاهد بارش کمتر از حد معمول بوده‌اند.

استان‌های شمال غربی کشور و مناطق محدودی از دامنه‌های زاگرس تنها نواحی بودند که طی این مدت بارش‌هایی در حد معمول یا در برخی مناطق فراتر از معمول را داشتند.

روزنامه «پیام ما» هم در گزارشی به تابستان داغی که امسال در انتظار ایران و البته کل جهان است پرداخته است. در این گزارش آمده که در سال‌های اخیر، تابستان‌های ایران نیز به شکل محسوسی گرم‌تر شده‌اند. خشکسالی در استان‌های مرکزی، کاهش شدید منابع آبی در جنوب و افزایش نیاز به مصرف انرژی برای خنک‌سازی، بخشی از پیامدهای این بحران هستند.

«پیام ما» در ادامه افزوده تغییر اقلیم صرفاً به طبیعت مربوط نمی‌شود بلکه عامل انسانی نقش اساسی در شکل‌گیری آن دارد. فعالیت‌های صنعتی، وابستگی به سوخت‌های فسیلی و تخریب زیست‌بوم‌ها از جمله دلایلی هستند که وضعیت کنونی را رقم زده‌اند. با این حال، هنوز می‌توان اقداماتی برای کاهش این تهدید جهانی انجام داد.

بر اساس این گزارش، در سطح جهانی پایداری کشورها به توافقنامه‌های بین‌المللی مانند توافق پاریس برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ضروری است. در سطح ملی، کشورهایی مانند ایران می‌توانند با اصلاح الگوهای مصرف، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و مدیریت هوشمند منابع آب، گام‌هایی مؤثر بردارند. همچنین، آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی می‌تواند نقش مهمی در کاهش اثرات این بحران ایفا کند.

احمد قندهاری رئیس حوضه آبریز دریاچه ارومیه اعلام کرده که خشکسالی شدید و کم‌سابقه در سال آبی جاری، منجر به کاهش چشمگیر منابع آبی این حوضه و افت محسوس حجم سدهای اصلی منطقه شده است. رئیس حوضه آبریز دریاچه ارومیه با تأکید بر اینکه «ر

آماري تكاندهنده؛ ۳۸ ميليون نفر حاشيه‌نشين و بدمسكن در ايران



يکي از استان‌هايي که جمعيت قابل توجهي از آن طی سال‌هاي گذشته جابجا شده‌اند سيستان و بلوچستان، پيشتر حبيب‌الله دهمرده از نمايندگان سيستان و بلوچستان در مجلس شورای اسلامی گفته بود که در دو دهه گذشته ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعيت منطقه سيستان مهاجرت کرده‌اند، اما گذري به تالاب هامون و سر زدن به روستاهای مخروبه و خالی از سکنه نشان می‌دهد که درصد مهاجران می‌تواند بيش از اين باشد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد کشاورزان، دامداران و صيادان بسياری که بدون آب امکان کار و امرار معاش ندارند مهاجرت کرده‌اند.

جمعيت گسترده حاشيه‌نشينانی که اين روزها مهاجران افغانستانی نیز بخشی از آنها هستند سبب هشدار کارشناسان شده است.

فريدون بابایی عضو هیأت مدیره شرکت بازآفرینی شهری، با اشاره به وضعيت نامناسب محلات حاشيه‌نشين کشور، به ويژه در زاهدان گفته «وزارت راه و شهرسازی متولی [مسئول] رسيدگی به چهار پهنه پرخطر شهری شامل سکونتگاه‌های غيررسمی، بافت‌های فرسوده و تاريخی است که مسئوليت آنها بر عهده شرکت بازآفرینی شهری قرار دارد».

فريدون با بيان اینکه شرايط اين محلات در هر شهر متفاوت است، اولويت اصلی را حفظ سلامت و بهداشت ساکنان دانست به وسایط «رکتا» گفت: «در زاهدان، گسترش پوشش شبکه فاضلاب و اصلاح سيستم دفع آب‌های سطحی، مهم‌ترین نیاز ساکنان است. برخی مناطق نیز در خطر ریزش آوار قرار دارند که خطر جانی برای ساکنان به‌دنبال دارد».

او محله شیرآباد در زاهدان را نمونه‌ای بارز از چنین مناطقی دانست؛ محله‌ای که بيش از ۱۰۰ هزار نفر

تنها هفت درصد جمعيت کشور اعلام کرد و گفت که «۷ ميليون ایرانی در حاشيه شهرها و ۹ ميليون نفر در بافت فرسوده زندگی می‌کنند».

روزنامه «توسعه ایرانی» در گزارشی به تفاوت آمارها درباره تعداد جمعيت حاشيه‌نشين و بدمسكن در ايران اشاره کرده و نوشته آمارهای مربوط به حاشيه‌نشينی در شهرها اعداد عجيب و غریبی را نشان می‌دهد و اغلبشان تفاوت‌های فاحشی با هم دارند و عملاً استناد به اغلب آنها حتی به نقل از وزیر و معاونانش با شبهه همراه است.

«توسعه ایرانی» با استناد به گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نوشته جمعيت حاشيه‌نشين و ساکن سکونتگاه‌های غيررسمی در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۰ ميليون و ۱۵۹ هزار و ۳۵۲ نفر بوده و در سال ۱۴۰۰ به بيش از ۱۴ ميليون نفر رسیده است.

اين گزارش افزوده با توجه به روند رشد جمعيت حاشيه‌نشين در سال‌های گذشته می‌توان پيش‌بینی کرد حاشيه‌نشينی در خوشينانه‌ترین حالت خود به نزدیک ۲۰ ميليون نفر رسیده باشد و حتی برخی از وجود ۲۵ ميليون حاشيه‌نشين نیز سخن می‌گویند.

نگاهی به شاخص‌های اقتصادی اما نشان می‌دهد در سال‌های گذشته افزایش جمعيت حاشيه‌نشين سرعت بيشتری یافته باشد. خشکسالی و از بين رفتن کشاورزی و دامپروری در بسياری از روستاها از یکسو مهاجرت روستائينان به حاشيه شهرها را افزایش داده و از سوی دیگر برخی از جمعيت ساکن در شهرستان‌ها را به امید یافتن کار راهی کلانشهرها کرده است.

در اين میان افزایش اجاره‌بهای مسکن نیز بر رانده شدن جمعيت ساکن شهرها به محله‌های حاشيه‌ای و سکونتگاه‌های غيررسمی موثر بوده است.

● ناصر رضایی معاون توسعه شهری شهرهای جديد وزارت مسکن و شهرسازی دولت رئيسی آمار حاشيه‌نشين‌ها را بين ۱۸ تا ۳۸ ميليون نفر اعلام کرده است.

● حسين پورفرزانه معاون وزیر شهرسازی دولت کنونی به تازگی نرخ حاشيه‌نشينی در ايران را تنها هفت درصد جمعيت کشور اعلام کرد و گفت که «۷ ميليون ایرانی در حاشيه شهرها و ۹ ميليون نفر در بافت فرسوده زندگی می‌کنند».

● خشکسالی و از بين رفتن کشاورزی و دامپروری در بسياری از روستاها از یکسو مهاجرت روستائينان به حاشيه شهرها را افزایش داده و از سوی دیگر برخی از جمعيت ساکن در شهرستان‌ها را به امید یافتن کار راهی کلانشهرها کرده است.

● افزایش اجاره‌بهای مسکن نیز بر رانده شدن جمعيت ساکن شهرها به محله‌های حاشيه‌ای و سکونتگاه‌های غيررسمی موثر بوده است.

● آمارها نشان می‌دهد در میان استان‌های کشور، استان‌های خراسان «رضوی»، سيستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان و تهران وضعيتی بحرانی در رابطه با حاشيه‌نشينی دارند.

معاون پيشين توسعه شهری شهرهای جديد وزارت مسکن و شهرسازی آمار حاشيه‌نشينان و بدمسكن‌ها در ايران را تا ۳۸ ميليون نفر اعلام کرده است.

ناصر رضایی معاون توسعه شهری شهرهای جديد وزارت مسکن و شهرسازی در دولت رئيسی آمار حاشيه‌نشين‌ها را بين ۱۸ تا ۳۸ ميليون نفر اعلام کرده است. اين رقم تكاندهنده خیلی بيش از عدد اعلام شده از سوی حسين پورفرزانه معاون کنونی وزیر راه و شهرسازی است. حسين پورفرزانه به تازگی نرخ حاشيه‌نشينی در ايران را

بدن زنان در نمایشگاهی در پاریس



نقاشی‌های سالیانا شاه‌نظری

روزها بیشتر سفالگری می‌کنم، و آرامشی را که از کار کردن با دست، گل و خاک دارم دوست دارم، اما از نقاشی هم دور نمی‌شوم. نقاشی مینیاتور آستانه صبر مرا بسیار بالا برد و من صبورتر و آرام‌تر از گذشته شده‌ام اما کار با سفال مرا پخته‌تر کرد.

سالیانا شاه‌نظری در ایران، هند و فرانسه زندگی کرده است. او در پاسخ به این پرسش که هر کدام از این فرهنگ‌ها چه تاثیری بر خودش و آثارش داشته‌اند، می‌گوید: «در حقیقت بیشترین تاثیر را از فرهنگ ایران گرفته‌ام زیرا آنجا به دنیا آمدم و نوجوانی و جوانی‌ام را در آنجا سپری کرده‌ام. زندگی در هند نیز بسیار در من تاثیر گذاشت زیرا استقلال و دور شدن از حریم خانواده را برای اولین بار در هند تجربه کردم. رنگ‌های شادی که در آثارم استفاده می‌کنم همه از هند و تاثیر این کشور در زندگی‌ام می‌آیند. در هند شما از اینکه رنگی بشوید هراس ندارید. رنگ‌ها شما را محدود نمی‌کنند. خانم میان‌سالی را می‌بینید که ساری سرخابی رنگ پوشیده است، آنجا کسی شما را بر اساس رنگی که پوشیده‌اید قضاوت نمی‌کند. کشور فرانسه جسارت در بدن زن را به من آموخت. در فرانسه شما محدود به یک تعریف کلاسیک از زیبایی نیستید، بدن‌تان را همانطور که هست می‌پذیرید و با آن احساس راحتی می‌کنید. هیچکس شما را سانسور نمی‌کند و فاکتورهای زیبایی محدود نیستند. با اینهمه گاهی فکر می‌کنم که هنوز خودم را سانسور می‌کنم زیرا در ایران و با فرهنگ خودسانسوری رشد کردم و مرتب به خودم یادآور می‌شوم تا بتوانم خود را آزاد کنم. تجربه مادر شدن هم جسارت بیشتری به من داد و زن بودن به شکل دیگری در من متبلور شد. قدرت و اعتماد به نفس بیشتری پیدا کردم که ناخودآگاه بر آثارم هم تاثیر می‌گذارد.»

سالیانا شاه‌نظری در سال ۲۰۲۴ جایزه اول «سالن بین‌المللی شقایق» در فرانسه را برای آثار سرامیک و مجسمه‌هایش دریافت کرد.

● **نمایشگاه نقاشی‌های آکرلیک روی بوم از سالیانا شاه‌نظری از تاریخ ۷ ماه مه تا آخر ماه ژوئن ۲۰۲۵ در میدان جمهوری پاریس برپاست.**

● **سالیانا شاه‌نظری در ایران، هند و فرانسه زندگی کرده است. او در پاسخ به این پرسش که هر کدام از این فرهنگ‌ها چه تاثیری بر خودش و آثارش داشته‌اند، می‌گوید: «در حقیقت بیشترین تاثیر را از فرهنگ ایران گرفته‌ام زیرا آنجا به دنیا آمدم و نوجوانی و جوانی‌ام را در آنجا سپری کرده‌ام.**

● **این هنرمند نقاش، مینیاتورپست و سفالگر در سال ۲۰۲۴ جایزه اول «سالن بین‌المللی شقایق» در فرانسه را برای آثار سرامیک و مجسمه‌هایش دریافت کرد.**

کتایون حلاجان - سالیانا شاه‌نظری هنرمند نقاش و مینیاتورپست ساکن فرانسه است. او در مدرسه هنر در ایران تحصیل کرده و فارغ‌التحصیل رشته گرافیک است. سالیانا شاه‌نظری در کنار نقاشی به سفالگری و کار با دست و گل نیز علاقمند است. از این رو در کنار نقاشی به سفالگری هم می‌پردازد.

این هنرمند حدود ده سال زیر نظر استاد عباس معیری نقاش و مینیاتورپست ایرانی هنر مینیاتور را نیز تعلیم دیده است. نمایشگاه نقاشی‌های آکرلیک روی بوم از سالیانا شاه‌نظری از تاریخ ۷ ماه مه تا آخر ماه ژوئن ۲۰۲۵ در میدان جمهوری پاریس برپاست. موضوع آثار به نمایش گذاشته شده در این نمایشگاه بدن زنان است. اما این آثار به گفته خود هنرمند بیشتر شبیه به مجسمه‌هایی از جنس سفال و سرامیک هستند که در کادر و چهارچوب قرار گرفته‌اند. او معتقد است که زنان با تمام تغییرات اجتماعی و حقوقی که به دست آورده‌اند، هنوز هم زیر نگاه‌ها رصد شده و در کار و قالب‌های از پیش تعیین شده قرار دارند.

سالیانا شاه‌نظری درباره فعالیت‌های خود می‌گوید: «این

→ در آن سکونت دارند؛ اما نه تنها در سرشماری‌ها به رسمیت شناخته نشده، بلکه با فقر شدید زیرساختی، خدماتی و اجتماعی دست به گریبان است.

آمارها نشان می‌دهد در میان استان‌های کشور، استان‌های خراسان «رضوی»، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان و تهران وضعیتی بحرانی در رابطه با حاشیه‌نشینی دارند. اسفندماه گذشته نیز عبدالرضا گلپایگانی مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری و معاون وزارت راه و شهرسازی گفته بود مسئله محله‌های ناکارآمد ناشی از موضوع اسکان‌های غیررسمی در چند استان وضعیت بحرانی‌تری نسبت به سایر استان‌ها دارد که استان‌های خراسان «رضوی»، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و خوزستان و استان تهران از جمله این استان‌ها هستند که وضعیت بحرانی‌تر در زمینه حاشیه‌نشینی دارند.»

وی با اشاره به وضعیت حاشیه‌نشینی در تهران گفته بود «در برخی از شهرهای استان تهران عدد، رقم و آمار اسکان‌های غیر رسمی بسیار بالا است و در درون شهر تهران هم شاهد حاشیه‌نشینی هستیم و حاشیه‌نشینی وارد محدوده شهر تهران شده است. همچنین در دره اسلام آباد و دره فرحزاد، محله اوقاف، خاک سفید و جنوب شرق تهران و بخشی در منطقه ۱۹ تهران شاهد رشد محدوده حاشیه‌نشینی هستیم.»

به گفته معاون وزیر راه و شهرسازی «در استان تهران مساله حاشیه‌نشینی بحرانی‌تر است، در شهری مانند اسلامشهر جمعیت بسیار بالایی اسکان غیررسمی دارند و در تعریف اسکان غیررسمی یکی از معیارها این است که این واحدها سند مالکیت و سکونت رسمی و قانونی ندارند. ساخت و ساز در حاشیه‌نشینی به هنجار و مطابق ضوابط و مقررات شهری نبوده و ساخت و ساز عمدتاً ناپایدار است بنابراین این سازه‌ها با کمترین زلزله آسیب جدی می‌بینند.» او همچنین توضیح داده بود که «در استان‌های شرقی کشور وجه مشترک علت گسترش حاشیه‌نشینی، خشکسالی‌های طولانی بوده که در ۳۰ الی ۴۰ سال گذشته رخ داده است. استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان و کرمان تحت تاثیر این خشکسالی قرار گرفتند. علاوه بر این، موضوع جنگ طولانی مدتی که همسایگی ایران در شرق کشورمان و در افغانستان برقرار بود، از عوامل تشدید حاشیه‌نشینی بوده است.»

عبدالرضا گلپایگانی افزوده بود «عامل دیگر ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی در شرق کشور، موضوع مواد مخدر در این منطقه است و این موضوع سالیان طولانی شرق ایران را ناامن کرده است. عامل دیگر مساله قطع آب هیرمند است که دریاچه هامون را خشک کرده و کشاورزی سیستان و بلوچستان را که در دوره‌ای به انبار غله ایران مشهور بود، تحت تاثیر قرار داده است.»

فرشاد مومنی اقتصاددان نیز بهمن‌ماه سال گذشته اعلام کرد که ۲۵ درصد کل جمعیت کشور، حاشیه‌نشین هستند. بر اساس این آمار جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر در ایران در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند.

این اقتصاددان حکومتی نزدیک به حزب «کارگزاران سازندگی» گفته بود «می‌توانید از یک سو بگویید که دل مشغولی ارزشها دارید و از سوی دیگر فقر و حاشیه‌نشینی را گسترش دهید. روندهای وابستگی ذلت آور، به دنیای خارج برای هر یک واحد خلق ارزش افزوده را ببینید! آیا سازمان برنامه ما این شرافت حرفه‌ای را دارد که این موضوع را در قالب یک گزارش منتشر می‌کند تا ببینیم کارنامه عملی ما که این میزان شعار استقلال و نه شرقی و نه غربی می‌دهیم، چه می‌گوید!»

کاهش قابل توجه محصولات کشاورزی بر اثر خشکسالی و بی‌آبی

● کاهش سطح بارش در دهه اخیر و همچنین کاهش ذخایر آبی در سدها همگی دست به دست یکدیگر داده‌اند تا تولید را برای بخش کشاورزی با مشکلات حیاتی همراه کنند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» هشدار داده کمبود آب بطور مستقیم تولید غلات، صیفی‌جات، محصولات باغی و دانه‌های روغنی و زنجیره محصولات آنها و غیرمستقیم نیز تولید گوشت و لبنیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خشکسالی و بحران کمبود آب امسال بیش از سال‌های گذشته نمایان شده و کاشت و برداشت محصولات کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی با اشاره به اثر کمبود آب بر امنیت غذایی کشور نوشته کاهش سطح بارش در دهه اخیر و همچنین کاهش ذخایر آبی در سدها همگی دست به دست یکدیگر داده‌اند تا تولید را برای بخش کشاورزی با مشکلاتی همراه کنند.

فعالان بخش کشاورزی می‌گویند: «آب برای آبیاری نیست، زمانی نیز که آب هست، برق برای استفاده از دستگاه‌های آبیاری نیست.» این یعنی اگر در حالت عادی، پهنه خشک ایران مناسب کشاورزی نیست، در دوره خشکسالی وضعیت بدتری دارد. بنابراین تأمین غذا در دوره خشکسالی وضعیت متفاوتی نسبت به دوره معمول دارد و بروز ناترازی، تهدیدهایی جدی برای امنیت غذایی کشور ایجاد می‌کند.

این گزارش افزوده خشکی ایران در سال ۱۴۰۴ روی ارقام مشخصی از مواد غذایی در چهار بخش «غلات»، «دانه‌های روغنی»، «صیفی‌جات» و «محصولات باغی» اثر خواهد گذاشت؛ ضمن اینکه احتمالا تولید گوشت در انواع سفید یعنی ماهی و مرغ و در انواع قرمز را نزولی خواهد کرد. بنابراین خشکسالی نه تنها به کاهش تولید کشاورزی منجر خواهد شد، بلکه در قیمت نهادهای غذایی روزمره مردم نیز نمود پیدا خواهد کرد. به این ترتیب کاهش قابل توجه آب مخازن سدها که به سطح کم‌سابقه ۱۹ میلیارد مترمکعب رسیده، آثار مشخصی بر قیمت مواد خوراکی و واردات و صادرات آن خواهد داشت. البته این تنها بخشی از اثرات افت شدید میانگین بارش باران بر اقتصاد ایران است.

سیروس جعفری، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه کشاورزی، در گفتگو با روزنامه «دنیای اقتصاد» توضیح داده که بحران خشکسالی هم بر تولید محصولات دیم و هم بر تولید محصولات آبی اثرگذار است.

این استاد دانشگاه گفته «گندم، نخود، عدس و جو در برخی از مناطق کوهستانی ایران کشت می‌شود از نوع دیم است. هنگامی که سال‌های بارندگی یا حتی توزیع زمان بارش مناسب نباشد، بر تولید این محصولات اثرگذار خواهد بود و تولید را به شدت کاهش می‌دهد. بنابراین بخشی از غلات، بخش قابل توجهی از حبوبات و بخشی از علوفه، به خصوص جو متاثر از خشکسالی‌اند.»

سیروس جعفری افزوده «کشت آبی به واسطه آبیاری و کنترل، تولید نسبتاً بالاتری نسبت به دیم دارد. تقریباً در ۴۰ الی ۵۰ درصد اراضی که آبیاری می‌شود، بیش از ۸۰ درصد تولید کل را در بر می‌گیرد؛ چراکه در کشت آبی شرایط کنترل شده است و تولید بالایی دارد. این نوع از تولید در پاییز از گندم آبی آغاز می‌شود تا ذرت علوفه‌ای، دانه‌ای و کلزا، جو و حتی بخشی از حبوبات یا محصولات گیاهی، مانند ماش



چشم‌اندازی روشن برای تولید غذا، حفاظت از نظام‌های میراث کشاورزی و تنوع‌زیستی کشاورزی وجود نخواهد داشت.» این کارشناس توضیح داد که «در شرایط تغییر اقلیم، ما با پیامدهایی مانند کاهش عملکرد و پایداری عملکرد محصولات، تغییر در زمان گل‌دهی، جابه‌جایی الگوهای بارندگی، تغییر زمان کشت و برداشت، ورود آفات و بیماری‌های جدید و وقوع پدیده‌های حدی مانند خشکسالی، موج‌های گرما یا سرمای نابهنگام مواجه‌ایم.»

او افزود «اینها همه نشان از آن دارند که دیگر نمی‌توان به الگوهای پیش‌بینی‌پذیر و روش‌های کلاسیک تولید تکیه کرد. پیش‌بینی‌ها برای کشور ما، ایران، نیز روشن است؛ گرم‌تر و خشک‌تر می‌شود؛ اما شدت و دامنه دقیق آن قابل‌اندازه‌گیری نیست. در چنین شرایطی، سیستم‌های رایج اصلاح نباتات که روی تولید بذرهایی با ویژگی‌های خاص تمرکز دارند نمی‌توانند با هدف تغییر اقلیم به فعالیت و پژوهش بپردازند و این ادامه فعالیت اصلاح بذر به‌شیوه کلاسیک و رایج پاسخی مناسب برای سازگاری با تغییر اقلیم نخواهد بود.»

این پژوهشگر تأکید کرد که «تغییر اقلیم یک فرایند تدریجی و طولانی‌مدت است و اگر اجازه دهیم تنوع ژنتیکی بطور طبیعی و در بستر مزرعه، یعنی ریزاقلیم‌ها و اکوسیستم‌های خرد مختلف، حضور داشته باشد، این ظرفیت را دارد که به‌واسطه سازوکارهای طبیعی ژنتیک جمعیت، خود را با شرایط جدید اقلیمی سازگار کند.»

مانده سلیمی معتقد است «فراتر از «امنیت غذایی» نیاز داریم تا به مفهوم «حاکمیت غذایی» نیز توجه کنیم. امنیت غذایی حتی با واردات محصولات کشاورزی از خارج از مرزهای کشور نیز می‌تواند تأمین شود، اما حاکمیت غذایی یعنی کشور در زمینه کنترل فعالیت‌ها و سیاست‌های مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی و کنترل تنوع ژنتیکی، بذر، خاک و آب نقش اساسی دارد و این فرایندها در انحصار شرکت‌ها و نهادهای بازار نیست و به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نیز تعلق دارد و در این بین، دانش و تجربه بین گروه‌های مختلف ذی‌نفع برای بهبود فرایندها به گردش درمی‌آیند.»

را که به واسطه آبیاری تولید می‌شود، در بر می‌گیرد. تولید این نوع از محصولات زمانی متاثر از خشکسالی می‌شوند که منابع آبی کشور محدود شود.»

خرگزاری «مهر» نیز به تازگی در گزارشی از وضعیت کشاورزان استان اصفهان نوشته که زمین‌های آنها در نبود آب بایر شده و یا حجم محصولات آنها به شکل قابل توجهی کاهش یافته است. یک کشاورز گندم‌کار در شرق اصفهان به خیرگزاری «مهر» گفته «پنج ماه آب به این گندم‌ها نرسید. وقتی هم آب را از فروردین رها کردند، فقط برای هشت تا ۱۰ روز بود، آنهم با فاصله‌های شش هفته روز. این آب اصلاً کافی نبود که گندم را سیراب کند و محصول بدهد، گندم‌ها به قدری ضعیف شدند که گوسفندان در آنها چریدند.»

رسول طباطبایی کشاورز دیگری در شرق اصفهان است که توضیح داده: «امسال شاید ۷۰ درصد گندم منطقه از بین رفت. هر جریب زمین که باید ۷۰۰ کیلو گندم بدهد، حالا ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلو محصول دارد. اینهم از زمین‌هاییست که مالکان آنها چاه داشتند دو نوبت آب چاه به گندم‌ها دادند اما کشت گندم آنها هم خسارت دید.» این کشاورز افزوده: «درآمد هر جریب زمین (معادل هزار متر زمین) برای کشاورز اگر ۷۰۰ کیلو گندم می‌داد حدود ۱۵ میلیون تومان می‌شد اما حالا با ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلو محصول حدود چهار میلیون تومان می‌شود در حالی که هزینه کاشت، مزد کارگر، کود، سم و تراکتور در هر جریب دستکم سه تا ۳/۵ میلیون تومان شده، برای کشاورز چیزی نمی‌ماند!»

کشاورزان این منطقه به زیر فقر رانده شده‌اند و به گفته رسول طباطبایی حتی دیگر نمی‌توانند خرید نسبه کنند: «مغازه‌دارها دیگر به ما جنس قرض نمی‌دهند، چون گندمی نداریم و جیب‌مان خالی است. کشاورزی امسال نابود شد. خیلی از کشاورزها حتی نمی‌توانند نان شب خود را تأمین کنند.» مانده سلیمی پژوهشگر حوزه کشاورزی پایدار و حاکمیت غذایی نیز اردیبهشت امسال در گفتگو با روزنامه «پیام ما» با اشاره به نادیده گرفتن اقتصاد روستایی از سوی جمهوری اسلامی هشدار داد که «اگر با این رویکرد ادامه دهیم، کشاورزی در بسیاری از مناطق ایران از دست خواهد رفت و

آمار جدید از خسارت‌های ناشی از آلودگی هوا در ایران؛ ۲۳ میلیارد دلار در سال!

را «کاهش کیفیت زندگی»، «تشدید نابرابری‌های اجتماعی و بهداشتی»، «تغییر در الگوی مهاجرت»، «کاهش عملکرد تحصیلی»، «افزایش غیبت از مدرسه»، «کاهش فعالیت‌های خارج از کلاس» و «کاهش کیفیت آموزش» برشمرده است.

باران اسیدی و تخریب اکوسیستم، آلودگی خاک و گیاهان و تأثیرات بر حیات وحش نیز به عنوان بخشی از آثار زیست‌محیطی آلودگی هوا در ایران مطرح شده است.

مرکز داده‌های باز ایران نیز دی‌ماه گذشته با انتشار آماری نشان داد نیمسال نخست سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ بیش از ۵۰ درصد از روزهای کاری مدارس تعطیل بوده‌اند بطوری که در این نیمسال ۴۳ روز از ۸۰ روز کاری مدارس تعطیل شدند.

آلودگی هوا در حالی که به دلیل عدم سیاست‌گذاری صحیح جمهوری اسلامی در حوزه محیط زیست طی چهار دهه گذشته رخ داده و اکنون در کلانشهرها به بحران تبدیل شده اما طی سال‌های گذشته نیز در فصول سرد سال و به علت مازوت‌سوزی در نیروگاه‌های تولید برق به علت کمبود گاز نیز آلودگی هوا تشدید می‌شود.

ابتدای زمستان سال گذشته روزنامه «شرق» در گزارشی نوشت که شاخص آلودگی هوای تهران دوشنبه ۲۴ دی‌ماه روی عدد ۱۶۹ و در وضعیت ناسالم است، در حالی که شاخص کیفیت هوای لس‌آنجلس، با وجود آتش‌سوزی‌های فعال، ۳۹ و در وضعیت سالم گزارش شده است. این یعنی هوای تهران چهار برابر آلوده‌تر از لس‌آنجلس است.

روزنامه «شرق» افزوده بود که با وجود آتش‌سوزی‌های گسترده در لس‌آنجلس، کیفیت هوا در این شهر بهتر از تهران است و این تفاوت نشان‌دهنده مشکلات جدی در مدیریت آلودگی هوا در تهران است.

این روزنامه عوامل آلودگی هوای تهران را ترافیک سنگین و استفاده گسترده از اتومبیل شخصی، فعالیت صنایع و کارخانجات بدون فیلترهای مناسب، شرایط جغرافیایی محصور تهران که باعث تجمع آلاینده‌ها می‌شود و کمبود فضای سبز و پوشش گیاهی، عنوان کرده و افزوده بود تهران نیازمند اقدامات اساسی برای کاهش آلودگی هوا است.

سمیه رفیعی عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی آذرماه سال گذشته با بیان اینکه افزایش آمار مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا نشان‌دهنده اجرای نادرست و ناقص قانون هوای پاک در کشور است گفته بود: «با گذشت ۷ سال از تصویب و ابلاغ قانون هوای پاک تنها ۱۲ درصد احکام این قانون اجرایی شده است!»

به گفته سمیه رفیعی خسارات ناشی از آلودگی هوا در سال ۱۴۰۲ بالغ بر ۵۹۷ هزار میلیارد بوده است که این میزان زنگ خطری برای مسئولان مربوطه در کشور است.

«قانون هوای پاک» از سال ۹۶ جایگزین قانون «نحوه جلوگیری از آلودگی هوا» شد. این قانون در ۳۴ ماده و ۳۹ تبصره تصویب شد و چندین دستگاه اجرایی از جمله وزارت کشور، وزارت نفت، وزارت نیرو، نیروی انتظامی، شهرداری، صدا و سیما را مکلف کرده است که هر یک به تناسب وظایف خود، اقداماتی را برای کنترل آلودگی هوا در کشور اجرایی کنند.

اینهمه نشان می‌دهد که این قانون هم مانند بسیاری دیگر از قوانین در جمهوری اسلامی اجرا نشده و شکست خورده است.



طولانی مدت با این پدیده است.

بالاترین و پایین‌ترین تعداد مرگ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در همین سال با ۱۴۱ مرگ به یک شهر در یکی از استان‌های شرقی مرتبط و شهرهای شاهرود و سمنان با ۳۰ مرگ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دارای کمترین تعداد مرگ‌های مرتبط است.

این گزارش پژوهشی افزوده «این خسارات جبران ناپذیر در کنار آنچه از مرگ و میرهای مرتبط و خسارات اقتصادی یاد شد، موارد متعدد دیگری از خسارت نیز بطور غیرمستقیم گریبانگیر شهروندان است.»

عباس شاهسونی رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت ایران سال گذشته اعلام کرد که در سال ۱۴۰۲، بالغ بر ۳۰ هزار تن به دلیل آلودگی هوا جان باختند.

محمدصادق حسونند رئیس مرکز تحقیقات آلودگی هوا دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز زمستان گذشته آمار مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا را ۵۰ هزار مورد در سال اعلام کرد: «سالانه حدود ۴۵۰ هزار مورد مرگ ناشی از عوامل مختلف مانند تصادف و بیماری در کشور اتفاق می‌افتد که از این تعداد ۵۰ هزار مورد آن به آلودگی هوا منتسب است.»

محمدصادق حسونند توضیح داده بود که «در حال حاضر آلودگی هوا مهم‌ترین عامل خطر محیطی است، یعنی مهم‌ترین آلودگی محیط زیستی است که نه فقط سلامت مردم کشور ما، بلکه سلامت مردم جهان را به خطر می‌اندازد. بر اساس رتبه‌بندی‌هایی که وجود دارد، از بین عوامل خطر و ریزفاکتورها، آلودگی هوا چهارمین عامل خطر است و حتی گاهی سومین عامل هم شناخته می‌شود.»

کاهش بهره‌وری نیروی انسانی، تعطیلی ادارات و مشاغل، خسارات وارد شده به بخش کشاورزی و صنعت، خسارات وارد شده به زیرساخت‌ها و کاهش گردشگری در شمار پیامدهای اقتصادی آلودگی هوا محسوب می‌شود.

آلودگی هوا اما پیامدهایی اجتماعی را نیز در پی دارد؛ مواردی که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آنها

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۱۴۰۲ در شهرهای منتخب کشور بطور میانگین مرگ ۶۴ نفر منتسب به آلودگی هوا است.

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی خسارت اقتصادی ناشی از آلودگی هوا در ایران را سالانه ۲۳ میلیارد دلار برآورد کرده است. این رقم برابر با ۵ درصد تولید ناخالص داخلی اقتصاد ایران است!

● باران اسیدی و تخریب اکوسیستم، آلودگی خاک و گیاهان و تأثیرات بر حیات وحش نیز به عنوان بخشی از آثار زیست‌محیطی آلودگی هوا در ایران مطرح شده است.

● کاهش بهره‌وری نیروی انسانی، تعطیلی ادارات و مشاغل، خسارات وارد شده به بخش کشاورزی و صنعت، خسارات وارد شده به زیرساخت‌ها و کاهش گردشگری در شمار پیامدهای اقتصادی آلودگی هوا محسوب می‌شود.

گزارش جدید مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد به ازای هر ۱۰۰ هزار مرگ در شهرهای منتخب کشور ۶۴ مورد به علت آلودگی هوا بوده و در تهران این رقم در ازای هر ۱۰۰ هزار مرگ، ۷۰ مورد است. همچنین خسارت سالانه آلودگی هوا ۲۳ میلیارد دلار برآورد شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش جدیدی درباره آلودگی هوا در ایران نوشته «طبق ارزیابی وزارت بهداشت در سال ۱۴۰۲ برای ۵۷ شهر با مجموع جمعیت تقریبی ۴۸ میلیون نفر، تعداد ۳۰ هزار و ۶۹۲ مرگ زودرس منتسب به آلودگی هوا برآورد شده است.»

این مرکز همچنین خسارت اقتصادی ناشی از آلودگی هوا در ایران را سالانه ۲۳ میلیارد دلار برآورد کرده است. این رقم برابر با ۵ درصد تولید ناخالص داخلی اقتصاد ایران است!

این گزارش تأکید کرده در ارزیابی وزارت بهداشت خسارت مرتبط ۱۲ میلیارد دلار پیش‌بینی شده که در برخی مطالعات دیگر با لحاظ هزینه‌های بیماری‌ها تا ۲۳ میلیارد دلار نیز تخمین زده شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین نوشته جدا از اعداد و ارقام، آلودگی هوا بطور مستقیم بر بهره‌وری اقتصادی، کیفیت زندگی و محیط زیست تأثیرگذار است. کاهش بهره‌وری نیروی کار، تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، آموزشی، خدماتی و خسارت به زیرساخت‌ها و کاهش گردشگری تنها بخشی از هزینه‌های اقتصادی ناشی از آلودگی هوا هستند.

این گزارش افزوده آلودگی هوا به کیفیت زندگی مردم آسیب می‌زند، نابرابری‌های اجتماعی را تشدید می‌کند و تغییراتی در الگوی مهاجرت و نگرش مردم ایجاد خواهد کرد. همچنین، آلودگی هوا به اکوسیستم‌ها آسیب می‌رساند، تنوع زیستی را کاهش می‌دهد و موجب اختلالات در حیات وحش می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین به مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا اشاره کرده و نوشته به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۱۴۰۲ در شهرهای منتخب کشور بطور میانگین مرگ ۶۴ نفر منتسب به آلودگی هوا است.

در شهر تهران نیز بطور میانگین به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در این سال، مرگ ۷۰ نفر منتسب به مواجهه

تورم در اردیبهشت ماه هم افزایش یافت؛ رکورد تازه در تورم ماهانه کالاها و خدمات بهداشت و درمان



در این میان، گروه قند، شکر و شربنی‌ها با ثبت نرخ تورم ماهانه ۶/۲ درصدی، رکورددار گرانی در سبد خرید خانواده‌ها بوده‌اند.

پس از این گروه کالایی، گروه نوشیدنی‌های غیرالکلی مانند چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آبمیوه با تورم ماهانه ۶.۱ درصد و همچنین گروه نان و غلات با تورم ۵.۱ درصد، در رتبه‌های بعدی بیشترین نرخ تورم ماهانه قرار گرفتند. در گروه نان و غلات هم رکورد بی‌سابقه‌ای به ثبت رسیده است. چراکه قیمت نان به دلیل کاهش سهمیه آرد نانوائیان، افزایش هزینه‌های تولید، ناترازی انرژی و افزایش تعرفه بیمه کارفرمایان افزایش یافته که تمام این موارد باعث اعتراض نانوائیان در روزهای اخیر شده است.

بعد از این موارد در بحث نرخ تورم ماهانه، تورم ماهانه گروه روغن و جری‌ها و میوه و خشکبار به ترتیب ۳.۰ درصد و ۲/۲ درصد گزارش شده است.

تورم سالانه گروه روغن‌ها و چربی‌ها ۱۱/۷ درصد و تورم نقطه‌به‌نقطه ایم گروه، ۳۱/۱ درصد تعیین شده است.

گروه شیر، پنیر و تخم‌مرغ و ماهی‌ها و صدف‌داران در وضعیت پایداری قرار دارند. زیرا تورم ماهانه این گروه‌های کالایی صفر بود و تورم نقطه‌به‌نقطه این دو گروه به ترتیب ۲۶/۸ درصد و ۲۷/۲ درصد گزارش شده است. همچنین تورم سالانه این دو گروه هم ۳۰/۷ و ۲۷/۴ اعلام شده است.

گروه گوشت قرمز و گوشت ماکیان تورم سالانه ۲۳/۱ درصدی و تورم نقطه به نقطه ۱۶/۷ درصدی را به ثبت رساندند.

این در حالیست که سازمان برنامه و بودجه ارز ترجیحی واردات گوشت قرمز را حذف کرده و در چنین شرایطی قیمت گوشت قرمز در هفته‌های آینده افزایش خواهد یافت.

افزایش تورم در حالی ادامه دارد و سیاست‌های اقتصادی دولت پزشک‌ها از جمله در حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی بر سرعت تورم افزوده است. افزایش تورم به ویژه برای اقشار کم‌درآمد به معنای تشدید فشارهای اقتصادی و کوچک‌تر شدن سفره‌های خانوارها است.

بوده است. در این میان اما بخش دارو و درمان رکورددار افزایش تورم ماهانه طی چند دهه اخیر در اقتصاد ایران است. گزارش‌ها نشان می‌دهد در میان تمام گروه‌های خوراکی، غیرخوراکی و خدماتی بالاترین تورم ماهانه مربوط به کالا و خدمات بهداشت و درمان بوده که تورمی معادل ۱۲/۵ درصد در طول یک ماه داشته است.

روزنامه «چارسوق» گزارش داده که اطلاعات مرکز آمار از تورم ماهانه کل کشور (مجموع شهری و روستایی) از سال ۱۳۹۰ به اینسو و همچنین تورم ماهانه مناطق شهری کشور از سال ۱۳۸۱ به بعد نشان می‌دهد که پیش از این هیچگاه سابقه نداشته که تورم ماهانه هزینه بهداشت و درمان مردم حتی به مرز ۱۰ درصد هم برسد اما در اردیبهشت امسال رکورد خطرناک تورم ماهانه ۱۲/۵ درصد ثبت شده است.

در ادامه گزارش آمده «این آمار بیانگر گران شدن شدید هزینه درمان مردم است که قطعاً ناشی از سیاست‌های لیبرالیستی دولت چهاردهم در حوزه بهداشت است که تماماً به نفع پزشکان، مالکان کارخانجات دارویی، مالکان بیمارستان‌ها و واردکنندگان دارو و تجهیزات پزشکی بوده است. در واقع دولت چهاردهم از جیب مردم در حال پر کردن جیب سوپر میلیاردرهای حوزه بهداشت و درمان است.»

پیش از این نیز حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفته بود با حذف ارز ترجیحی واردات تجهیزات پزشکی و افزایش نرخ ارز وارداتی از ۴۲۰۰ به ۲۸۵۰۰ تومان در ابتدای امسال، قیمت برخی اقلام بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ درصد گران شده و به دلیل ناتوانی صندوق‌های بیمه درمانی در تأمین هزینه‌های سنگین، سهم پرداختی بیمار از ۱۰ به بالای ۶۰ درصد و در مواردی بالای ۸۰ درصد رسیده است.

همچنین رئیس کمیسیون بهداشت مجلس در نامه‌ای به رئیس جمهور نسبت به تأخیر در تخصیص ارز دارو هشدار داد و تأکید کرد که اگر امروز اقدامی نشود سلامت مردم بطور جدی به خطر می‌افتد.

در بعضی از گروه‌های کالایی روند افزایشی داشته است.

● تورم در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ نسبت به ماه قبل، ۲/۷ درصد و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۸/۷ درصد افزایش داشته است.

● در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۳/۹ درصد رسیده و نسبت به ماه قبل ۰/۷ واحد درصد افزایش یافته است.

● بخش دارو و درمان رکورددار افزایش تورم ماهانه طی چند دهه اخیر در اقتصاد ایران است و رقمی معادل ۱۲/۵ درصد را در طول یک ماه ثبت کرده است.

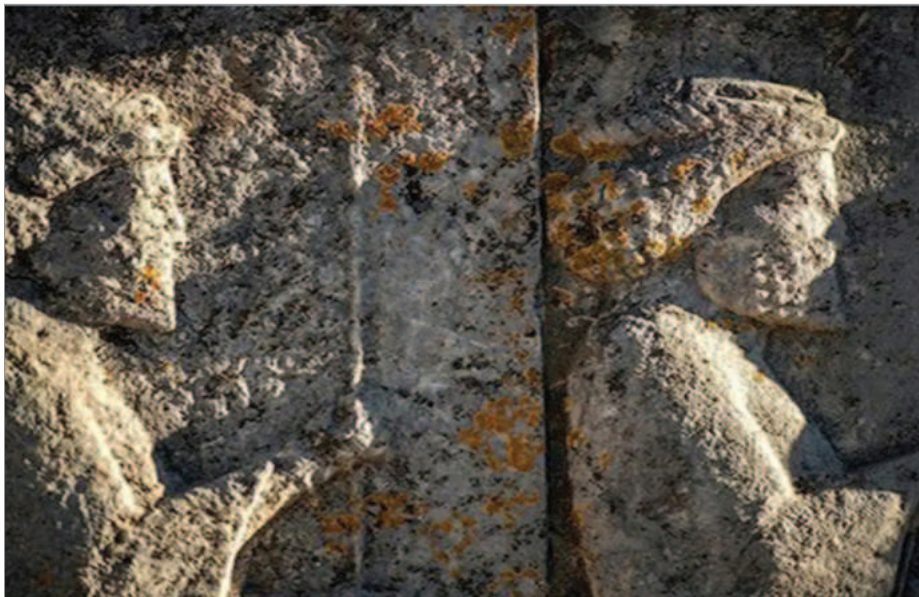
نرخ تورم در اردیبهشت امسال نیز روندی افزایشی را طی کرده بطوری که نرخ تورم سالانه با افزایش ۰/۷ واحد درصدی نسبت به ماه گذشته به ۳۳/۹ درصد رسیده است. تورم ماهانه گروه کالا و خدمات بهداشت و درمان با ثبت رکوردی تک‌اندنده به ۱۲/۵ درصد رسیده است.

به گزارش مرکز آمار ایران، در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ شاخص قیمت مصرف‌کننده خانوارهای کشور به عدد ۳۳۶/۹ رسیده است که نسبت به ماه قبل، ۲/۷ درصد و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۸/۷ درصد و در ۱۲ ماهه منتهی به ماه جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل ۳۳/۹ درصد افزایش داشته است. بر اساس این گزارش، در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۳۳/۹ درصد رسیده و نسبت به همین اطلاع در ماه قبل ۰/۷ واحد درصد افزایش یافته است.

تورم نقطه به نقطه نیز که بیانگر درصد تغییر عدد شاخص قیمت نسبت به ماه مشابه سال قبل است، در اردیبهشت امسال ۳۸/۷ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور بطور میانگین ۳۸/۷ درصد بیشتر از اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

همچنین در این ماه تورم ماهانه خانوارهای کشور برابر ۲/۷ درصد بوده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» ۱/۱ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» ۳/۵ درصد

شناسایی یک گونه جدید و مخرب گل‌سنگ در تخت جمشید



● تا کنون ۱۲۵ گونه گل‌سنگ در تخت جمشید شناسایی شده اما گونه نوظهور سیرسناریا پرسپولیتانا از مخرب‌ترین نوع گل‌سنگ شناسایی شده در تخت جمشید است.

● محمد سهرابی گل‌سنگ‌شناس گفته این گونه جدید گل‌سنگ در نقاطی چون دروازه ملل، کاخ آپادانا، تالار صد ستون، خزانه‌داری، تالار شورا، کاخ‌های اردشیر اول و سوم، اصطبل‌ها، تالار سه‌دروازه، کاخ تچر و کاخ هدیش مشاهده شده است.

● این گل‌سنگ طی یک پروژه پژوهشی مشترک میان دانشمندان ایرانی و بین‌المللی شناسایی شده است.

شناسایی گونه‌ای نوظهور از گل‌سنگ، با نام سیرسناریا پرسپولیتانا، در ۴۲ نقطه مهم تخت جمشید به تهدیدی جدید برای این بنای تاریخی تبدیل شده است. این گل‌سنگ از جمله مخرب‌ترین گونه‌های گل‌سنگ شناسایی شده بر پیکر این بنای تاریخی است.

گل‌سنگ‌ها سالهاست در نقاط مختلف تخت جمشید ایجاد شده و اکنون گزارش‌ها از شناسایی گونه‌ای نوظهور از گل‌سنگ، با نام سیرسناریا پرسپولیتانا، در ۴۲ نقطه مهم تخت جمشید حکایت دارند.

تاکنون، ۱۲۵ گونه گل‌سنگ در تخت جمشید شناسایی شده است اما گونه نوظهور سیرسناریا پرسپولیتانا از مخرب‌ترین نوع گل‌سنگ شناسایی شده در تخت جمشید است. خبرگزاری «ایپنا» گزارش داده که این گونه گل‌سنگ طی یک پروژه پژوهشی مشترک میان دانشمندان ایرانی و بین‌المللی شناسایی شده و حالا نام تخت جمشید در حافظه علمی جهان، در کنار این گل‌سنگ تازه وارد نیز ثبت شده است.

محمد سهرابی گل‌سنگ‌شناس و سرپرست این پروژه معتقد است، پراکندگی وسیع گل‌سنگ سیرسناریا پرسپولیتانا که به تازگی کشف شده در سازه‌های کلیدی تخت جمشید بر اساس یافته‌های اولیه، در نقاطی چون دروازه ملل، کاخ آپادانا، تالار صد ستون، خزانه‌داری، تالار شورا، کاخ‌های اردشیر اول و سوم، اصطبل‌ها، تالار سه‌دروازه، کاخ تچر و کاخ هدیش مشاهده شده است.

این گل‌سنگ‌شناس تأکید کرده که حتی در بخش‌هایی از کوه‌های اطراف صفا تخت جمشید نیز نشانه‌هایی از حضور این گونه دیده شده است. به گفته سهرابی، این گل‌سنگ یکی از شایع‌ترین و هم‌زمان یکی از مخرب‌ترین گونه‌های موجود در این محوطه است؛ «تقریباً هر جا که لکه‌های خاکستری روی سنگ‌ها می‌بینید، احتمالاً با این گونه روبرو هستید. این گل‌سنگ بیشتر در نقاطی رشد می‌کند که در معرض تابش مستقیم خورشید، باد و باران هستند.»

او همچنین افزوده «تا حالا پیکره باروری از این گونه پیدا نکرده‌ایم، اما عوامل طبیعی مثل باران، باد، نوسانات دما و حتی تماس دست گردشگران می‌تواند به گسترش آن کمک کند. حتی برخی بی‌دقتی‌ها در روند مرمت هم ممکن است به پخش بیشتر این گل‌سنگ منجر شود.»

محمد سهرابی گفته بعد از کشف گونه جدید پژوهشگران اکنون با یک چالش جدی روبرو هستند؛ اینکه برای کنترل این گل‌سنگ باید اولویت را به حفظ میراث فرهنگی داد یا صیانت از تنوع زیستی. برخورد عجولانه و غیردقیق با این گونه می‌تواند به هر دو حوزه آسیب بزند. ما در برابر تنوع زیستی

وجود دارد یکی از قسمت‌های بزرگی که در تخت جمشید داریم، گل‌سنگ‌هایی هستند که در ایوان شمالی کاخ اچ یا در قسمت‌های مختلف ایوان شمالی کاخ تچر و کاخ هدیش وجود دارند و موجب تخریب بنا می‌شوند. شاید حداقل از ۷۰ سال گذشته که تخت جمشید برای حفاظت و نگهداری مورد توجه بوده همین مساله گل‌سنگ‌ها هست سرعت فرسودگی را بالا می‌برند.»

رئیس گروه باستان‌شناسی دانشگاه «بهشتی» تهران افزوده بود «یکی از دلایل عمده‌ای که میزان گل‌سنگ‌ها زیاده‌تر شده آلاینده‌ها و دود حاصل از خودروها، پتروشیمی مرودشت و کارخانه‌جاتی که در اطراف تخت جمشید وجود دارد است و این آلودگی‌ها در رشد گل‌سنگ‌ها بسیار مؤثر است.»

همزمان حمید فدایی مدیر سابق پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته بود یک بودجه ویژه تحت عنوان «ردیف ویژه اعتباری نگین میراث فرهنگی ایران» نیز قطع شده است که از جمله آثار قطع این بودجه توسعه گل‌سنگ‌ها در تخت جمشید و به صدا درآمدن زنگ خطر نابودی این میراث تاریخی است.

حمید فدایی که از سال ۱۳۹۷ تا آبان ۱۴۰۱ مدیریت این مجموعه را بر عهده داشته گفته بود طی سال‌های فعالیت تعداد کارگاه‌های مرمت در این مجموعه از دو به هفت کارگاه افزایش پیدا کرده بود. او با اشاره به توسعه گل‌سنگ‌ها رد تخت جمشید گفته بود این مجموعه بودجه پژوهشی جداگانه‌ای ندارد و در مجموع یک بودجه دریافت می‌کند که در اصل برای بخش عمرانی مجموعه است و فقط پنج درصد آن برای بخش پژوهشی قابل استفاده است.

مدیر سابق میراث جهانی تخت جمشید افزوده بود که طی حدود چهار سالی که در این مجموعه فعالیت کرده توانسته یک ردیف بودجه اعتباری ویژه برای تخت جمشید بگیرد اما این بودجه پس از رفتن او، قطع شده است. او معتقد است افزایش توسعه گل‌سنگ‌ها و کند شدن روند تحقیقات بر روی این پدیده در تخت جمشید هم به علت قطع بودجه صورت گرفته است.

جهانی هم مسئول هستیم. گل‌سنگ‌ها حاصل میلیون‌ها سال تکامل‌اند. حذف نسنجیده‌شان، جبران‌ناپذیر است.

به گفته این کارشناس «سال‌هاست به متولیان میراث فرهنگی هشدار داده‌ام که حذف کامل گل‌سنگ‌ها از سطوح تاریخی نه تنها ممکن نیست، بلکه با توجه به موقعیت جغرافیایی اغلب این بناها در عرصه‌های طبیعی و نیز نبود امکان پوشش یا مسقف‌سازی، عملاً غیرقابل اجراست. تنها با مطالعاتی ژرف و درک دقیق از نقش هر گونه در اکوسیستم می‌توان رشد و گسترش آن‌ها را کنترل کرد. برخی از این گل‌سنگ‌ها نه تنها تهدیدی برای آثار تاریخی به شمار نمی‌روند، بلکه در مواردی ممکن است ارزشمند و حتی سودمند باشند.»

محمد سهرابی نقش مسئولان بی‌اراده را در تهدید جدی تخت جمشید مؤثر دانسته و گفته «سال‌هاست مدیران مربوطه چالش گل‌سنگ‌ها را می‌دانند، اما اراده‌ای برای تغییر در رفتارهای مسؤولانه نه در میراث فرهنگی وجود داشته و نه در سازمان حفاظت محیط‌زیست. این بی‌عملی مدیران، درد زمینی‌ست که علم را به حاشیه رانده است.»

گل‌سنگ‌ها پدیده‌ای طبیعی هستند که در سراسر طبیعت رشد می‌کنند و از جلبک و قارچ تشکیل شده‌اند که سنگ‌ها را در طول زمان، مستهلک کرده و از بین می‌برند.

شهرهای رم و فلورانس در ایتالیا دارای بیشترین آثار سنگی هستند، اما مرمت‌کنندگان و کارشناسان ایتالیایی از سال ۲۰۱۳ با روش‌های علمی شروع به گل‌سنگ‌زدایی کردند و این پروژه چندین سال هم به طول انجامید چرا که گل‌سنگ در تمام آثار تاریخی دنیا وجود دارد و از بین بردن آن به علم نوین و شیوه‌های اصولی نیاز دارد.

کوروش محمدخانی باستان‌شناس و رئیس گروه باستان‌شناسی دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) همراه گذشته در گفتگو با روزنامه «دنیای اقتصاد» درباره وضعیت گل‌سنگ‌ها در تخت جمشید گفته بود «علاوه بر فرسایش و هوازدگی که در پای ستون‌ها و سرستون‌های بخش‌های مختلف به خصوص کاخ آپادانا یا کاخ صدستون

کاهش سن ابتلا به سرطان روده در ایران به زیر ۴۰ سال

همایون واحدی عضو هیئت مدیره انجمن گوارش از کاهش سن ابتلا به سرطان روده بزرگ به زیر ۴۰ سال خبر داده و گفته: «سرطان روده بزرگ زیر ۴۰ سال رو به افزایش است و غربالگری برای تشخیص و درمان به موقع این سرطان ضروری است.» وی افزوده که بر اساس گزارش وزارت بهداشت حدود ۶۰ درصد جمعیت کشور اضافه وزن دارند و ۲۰ درصد چاق هستند که باعث التهاب در سیستم ایمنی بدن می‌شود. عضو هیئت مدیره انجمن گوارش همچنین تأکید کرده خوردن غذاهای مضر مانند چیپس و پفک و سایر تنقلات که دارای نمک زیاد و مواد افزودنی هستند برای کودکان بسیار مضر است که باعث التهاب، سکنه‌های قلبی و مغزی و بروز بیماری‌های خودایمنی و دیابت می‌شود.

اعتصاب کامیونداران؛

پایانه باربری کرمانشاه خالی است

یک کامیوندار روز دوشنبه پنجم خردادماه ۱۴۰۴ در ویدیویی گزارش می‌دهد که پایانه باربری کرمانشاه کاملاً خالیست و رانندگان در اعتصاب بسر می‌برند. او با افتخار از رانندگان می‌خواهد که همچنان به اعتصاب پایبند باشند.

رسوایی در حراج تهران؛

تابلو ۲۲ میلیارد تومانی جعلی بود

روزنامه «فرهیختگان» گزارش داد، گران‌ترین اثر حراج بهمن‌ماه ۱۴۰۳ تهران، تقلبی از آب در آمد؛ نگاره‌ای منسوب به رضا عباسی خوشنویس و مینیاتورست مشهور قرن که در حراج تهران با قیمت بیش از ۲۲ میلیارد تومان فروخته شد.

این اثر با نام «دختر نشسته» شباهت بسیاری با چند اثر دیگر عباسی دارد اما شواهد مختلف نشان می‌دهد که این «دختر نشسته» ربطی به عصر صفوی و نقاش بزرگ آن دوران ندارد.



پیام شاهزاده رضا پهلوی به کامیونداران اعتصابی

این قدرت اگر به همبستگی ملی تبدیل شود، سرنوشت یک ملت را دگرگون می‌کند.
کامیونداران و رانندگان ماشین‌های سنگین با اعلام فراخوانی در روزهای گذشته دست به اعتصاب در شهرها و جاده‌های مختلف کشور زدند.
اعتراض و اعتصاب آنها به دلایلی چون کاهش سهمیه گازوئیل و افزایش قیمت سوخت، گرانی بیمه و پایین بودن کرایه حمل بار است.
شاهزاده رضا پهلوی @officialrezapahlavi به مناسبت این اعتصاب پیامی خطاب به کامیونداران منتشر کرده است: «کامیونداران شریف ایرانی،

خواسته‌های شما بحق و اعتصاب شما گامی‌ست درست در مسیری درست. شما، به عنوان یکی از ستون‌های حیاتی اقتصاد کشور، با اعتراض به شرایط ناعادلانه کار و زندگی، از درد مشترک میلیون‌ها ایرانی می‌گویید که سال‌هاست زیر بار بی‌عدالتی، بی‌کفایتی، و فساد خرد می‌شوند.

اعتراض گسترده و اعتصاب سراسری شما، تصویری‌ست از یک راه حل موثر که اگر جمع کثیری از ایرانیان از آن الگو بگیرند، مسیر ملت ایران در دستیابی به حقوق اساسی خود و پیروزی انقلاب ملی هموار می‌شود.

شما با متوقف کردن چرخ‌های حمل و نقل، حقیقتی روشن را نمایان کردید: قدرت در دست شما است و این قدرت، وقتی به همبستگی ملی تبدیل شود، می‌تواند سرنوشت یک ملت را دگرگون کند. امروز، کامیوندان، نانوا، معلم، پرستار، کاسب، صنعتگر، کارگر پالایشگاه، و بازنشسته، همگی قربانیان یک رژیم اشغالگر، مافیایی، فاسد و ناکارآمد هستند که منابع ایران را صرف حماس و حزب‌الله و انصارالله و گشت ارشاد و فیلترینگ اینترنت و سرکوب می‌کند و ثروت مردم را برای یادبود جنایتکارانی چون رئیسی و خمینی و هنیه و نصرالله هدر می‌دهد.



همخوانی سرود «ای ایران» در کنفرانس «تفسیک»

دوشنبه ۲۶ ماه مه ۲۰۲۵ (۵ خرداد) نشست «مسیری به سوی پیمان کوروش» توسط سازمان «تفسیک» با حضور شاهزاده رضا پهلوی در محل «مرکز توسعه تجارت» تورنتو کانادا برگزار شد. در این نشست شاهزاده به بررسی پیوندهای تاریخی دو ملت ایران و اسرائیل و چشم‌انداز تحقق پیمان کوروش پرداخت. «تفسیک» یک سازمان مردم‌نهاد در کانادا است که ضمن دفاع از ارزش‌هایی مانند آزادی و دموکراسی و حقوق بشر علیه یهودستیزی و نفرت‌پراکنی فعالیت می‌کند.

شعار «رضاشاه، روح‌ت شاد» در پایان مسابقه «تاج» و صنعت نفت

هواداران تیم «تاج» (استقلال) در پایان مسابقه با تیم صنعت نفت آبادان که شنبه سوم خرداد ۱۴۰۴ در استادیوم «آریامهر» برگزار شد شعار «رضا شاه، روح‌ت شاد» سر دادند. آبی‌پوشان پایتخت با دو گل پیروز این مسابقه بودند و به فینال رقابت‌های جام حذفی راه یافتند.

پیام شادباش شهبانو به جعفر پناهی به خاطر دریافت نخل طلایی کن

جعفر پناهی فیلمساز ایرانی در هفتاد و هشتمین جشنواره سینمایی کن با «یک تصادف ساده» موفق به دریافت جایزه نخل طلایی این فستیوال شد.

شهبانو فرح پهلوی در پیامی که سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۴ منتشر شد، این موفقیت را به وی شادباش گفته است:

«به آقای جعفر پناهی بابت برنده شدن جایزه نخل طلایی کن صمیمانه شادباش می‌گویم. به عنوان یک ایرانی به این موفقیت بزرگ افتخار می‌کنم. اینکه هنرمندان ایرانی می‌توانند در سخت‌ترین سال‌های زیست هنری خود به چنین کامیابی‌های درخشانی دست پیدا کنند، مردم هزردوست ایران و نیز من را که عمری با هنر زیسته‌ام سرشار از غرور



از نکات عجیبی که گویا مورد توجه فروشنده و خریدار قرار نگرفته، تاریخ روی این تابلو است: ۱۰۴۹ هجری قمری! در حالی که بر اساس مستندات، رضا عباسی در سال ۱۰۴۴ هجری درگذشته و «دختر نشسته» اگر هم با اشتباه لپی نقاش نه به دوران متأخر بلکه به همان دوران تعلق داشته باشد، پنج سال پس از درگذشت مینیاتورست بزرگ عصر صفوی و توسط هنرمند دیگری آفریده شده است!

درد ما دردی‌ست مشترک و ملی، و درمان آن نیز با همبستگی بزرگ ملی برای آزادی و شکوفایی ایران میسر می‌شود. در این مسیر، هر گام و پیروزی کوچکی ما را یک گام به پیروزی نهایی نزدیک‌تر می‌کند. وقتی کنار هم بایستیم، پیروزی انقلاب ملی نیز نزدیک است.
پاینده ایران
رضا پهلوی»

می‌سازند. آزادی ایرانیان که به درستی در سخنان آقای پناهی در مراسم بر آن تأکید شد، آن مقوله ارزشمندی بود که در فتنه ۵۷ از دست دادیم و اکنون ملت ایران دگرباره و با شجاعت در پی به دست آوردن آن هستند. قطعاً دستاوردهای هنری امثال آقای پناهی انگیزه‌بخش تداوم این مبارزه بزرگ خواهند بود.
به امید پیروزی نور بر تاریکی.»

تظاهرات در غزه علیه تروریست‌های حماس

ده‌ها نفر از مردم جنگزده غزه یکشنبه چهارم خرداد ۱۴۰۴ علیه تروریست‌های حماس تظاهرات کردند. در این تظاهرات ساکنان غزه شعار می‌دادند: «آزادی، آزادی، ما می‌خواهیم در آزادی زندگی کنیم». اکانت فارسی وزارت خارجه اسرائیل با انتشار ویدیویی از این اعتراضات در «ایکس» نوشت: «حماس باید روبرو شدگان اسرائیلی را آزاد کند، نوار غزه را ترک کرده و به ساکنان اجازه دهد در آزادی و کرامت زندگی کنند!»

حذف کانال حسن خمینی در یوتیوب به علت حمایت از تروریست‌های نیابتی

پایگاه اطلاع‌رسانی «جماران» خبر داده که یوتیوب صفحه متعلق به حسن خمینی نوه روح‌الله خمینی را به دلیل انتشار محتوای حمایتی از گروه‌های تروریستی و مورد حمایت جمهوری اسلامی در غزه و لبنان حذف کرده است.

خسارت سنگین یک پرورش‌دهنده ماهی به دلیل کم‌آبی

یک پرورش‌دهنده ماهی می‌گوید به علت کم‌آبی، استخر خشک شده و صدها ماهی تلف شدند. در ایران بسیاری از مزارع پرورش ماهی نیز با بحران کم‌آبی مواجه‌اند.

افزایش نگرانی‌ها از شیوع HIV؛

بیش از ۴۵ هزار مبتلا در کشور شناسایی شده‌اند

به گزارش خبرگزاری ایلنا، دکتر مینو محرز رئیس مرکز تحقیقات ایدز اعلام کرد که تا کنون حدود ۴۵ هزار فرد مبتلا به ویروس HIV در کشور شناسایی شده‌اند. وی با اشاره به افزایش نگران‌کننده رفتارهای پرخطر جنسی در جامعه، تأکید کرد که در صورت بی‌توجهی به مقوله آموزش و پیشگیری، شمار مبتلایان می‌تواند افزایش یابد.

محرز افزود که تا کنون واکسن مؤثری برای پیشگیری از ویروس HIV ساخته نشده و دسترسی به داروهای درمان این بیماری تنها



کارگران کشتی‌سازی جنوب در بندرعباس اعتصاب کردند

تعدادی از کارگران مجتمع کشتی‌سازی جنوب در بندرعباس روز سه‌شنبه ششم خرداد ۱۴۰۴ به دلیل عدم دریافت چهار ماه حقوق دست به اعتصاب زدند. با وجود وعده واریز بخشی از معوقات هنوز هیچ مبلغی پرداخت نشده و کارگران با تجمع در محل کار اعلام کردند تا دریافت کامل حقوق خود به اعتصاب ادامه می‌دهند.

عیسی کلانتری:

انتقال آب از دریا به اصفهان بیش از ۴۰۰ میلیون دلار هزینه در سال دارد

عیسی کلانتری وزیر پیشین کشاورزی و رئیس سابق سازمان محیط زیست، روز ششم خردادماه در یک مصاحبه گفت، می‌خواهند از دریا به اصفهان آب بیاورند و احتمالا تا آخر تابستان هم اجرا می‌شود.

وی افزود، انتقال هفتاد میلیون مترمکعب آب از دریا به اصفهان بیش از ۴۰۰ میلیون دلار هزینه در سال دارد در حالی که ارزش کل تولیدات زراعی اصفهان، ۱۵۰ میلیون دلار است.

افزایش تصادفات رانندگی به دلیل قطع برق بزرگراه‌ها در شب

ابوالفضل موسوی پور رئیس پلیس راهور تهران بزرگ درباره وقوع تصادفات رانندگی در بزرگراه به دلیل قطع برق طی شب خطاب به مسئولان گفته: «انتظار داریم بزرگراه‌ها در شب روشن باشند!»

وی توضیح داده: «مشکلی که در زمان خاموشی هنگام روز و در صبح و بعد از ظهر، ایجاد می‌شود، تأثیر منفی بر بار ترافیکی است. در تقاطعی که چراغ اتومات عمل می‌کند و با یک نفر عامل کنترل می‌شود، هنگام قطع برق باید ۳ یا ۴ نفر را در تقاطع گذاشت. این قدری مشکلات ما



«واعظ» بیت رهبر جمهوری اسلامی که در عربستان دستگیر شد، خودش «آنکاره» است و به دیگران ایراد می‌گیرد!

این روزها ویدئویی مربوط به سال ۱۳۹۸ در رسانه‌های اجتماعی دست به دست می‌گردد که گفته می‌شود بخشی از مستند «انقلاب جنسی» است.

جمهوری اسلامی که اول فعالیت‌هایی را ممنوع و تخریب می‌کند و بعد با تحریف و دستکاری و دروغ، پرچمدار همان ممنوعه‌ها می‌شود، در مورد تن‌فروشی و روسپیان و یا آنچه در دهه‌های اخیر به عنوان «کارگران جنسی» شناخته می‌شود نیز همین روش را در پیش گرفت و در آغاز روی کار آمدن حتا شماری از کارگران جنسی را اعدام کرد.

حالا که حاج غلامرضا قاسمیان از قرار معلوم به علت حرف زیادی علیه حکومت عربستان سعودی در آن کشور دستگیر شده، این ویدئو و حرف‌های وی دوباره مطرح شده است. آنهم در حالی که گفته می‌شود گویا علت دستگیری وی در عربستان به این علت است که گفته: «دیگر لازم نیست برای قمارخانه، مراکز فحشا و کنسرت رکیک به آنتالیا برید، می‌توانید به جایش بروید مکه و مدینه! اینجا به تنظیمات کارخانه بنی‌امیه بازگشته!»

اگرچه او با این حرف، در کار کشور ترکیه نیز فصولی کرده، اما قابل توجه این است که خودش مسئول دست‌کم یک مرکز فحشا در ایران است و به گفته‌ی خودش با لباس مبدل به آنجا رفت و آمد می‌کند!

۹۳ اقدام به خودکشی از سوی دانشجویان پزشکی؛ ۱۰۴۶ دانشجوی پزشکی دارای افکار خودکشی

مسعود حبیبی معاون فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت از خودکشی منجر به مرگ هفت دانشجوی پزشکی در سال گذشته خبر داده است. معاون فرهنگی و



از طریق مراکز مشاوره بیماری‌های رفتاری می‌کنند. این مراکز تحت نظارت وزارت بهداشت فعالیت می‌کنند و داروهای مربوطه در داروخانه‌های عمومی یافت نمی‌شوند.

او بر نقش حیاتی آموزش در زمینه روابط ایمن و پیشگیری از انتقال این بیماری تأکید کرد و گفت: «اگر آموزش‌های صحیح از سنین پایین و به ویژه در مدارس آغاز نشود، کنترل این بیماری در آینده بسیار دشوارتر خواهد شد.»

را مضاعف می‌کند.»

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ همچنین افزود: «اما قطع برق در شب‌هنگام در بزرگراه‌ها مشکل تصادف ایجاد می‌کند. این دیگر ربطی به ترافیک و تراکم ندارد؛ یعنی اداره برق باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که بزرگراه‌ها خاموش نباشند. این دیگر تدبیر خودشان است. انتظار پلیس این است که بزرگراه‌ها در شب روشن باشند.»

دانشجویی وزارت بهداشت افزوده ۸۴ دانشجوی دیگر نیز اقدام به خودکشی کرده اما نجات داده شده و زنده ماندند. به گفته این مقام وزارت بهداشت، در سال ۱۴۰۳ تعداد ۱۰۴۶ نفر دانشجو و دستیار دارای افکار خودکشی بودند! مسعود حبیبی همچنین گفته: «براساس آمارمنتج از غربالگری دانشجویان علوم پزشکی، تعداد ۴۰ هزار نفر از دانشجویان علوم پزشکی نیاز به انجام مداخلات روان‌درمانی هستند.»



عکس هفته | شاهزاده رضا پهلوی در نمایشگاه «نوا»: نور بر تاریکی پیروز است!

شاهزاده رضا پهلوی دوشنبه ۲۶ ماه مه ۲۰۲۵ (۵ خرداد ۱۴۰۴) در تورنتو کانادا مهمان نشستی از سوی سازمان «تفسیک» با عنوان «مسیری به سوی پیمان کوروش» بود. وی در این سفر همچنین از نمایشگاه «نوا» مربوط به حمله‌ی فجیع تروریست‌های حماس در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ که به جشنواره فرهنگ و هنر در اسرائیل انجام شد و بیش از هزار کشته و زخمی و گروگان برجای گذاشت، دیدار به عمل آورد و عبارت معروف ایرانیان از دوران باستان تا کنون را در آنجا به یادگار نوشت: نور بر تاریکی پیروز است!